

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



## فصلنامه مطالعات فرهنگی و سیاسی خلیج فارس

سال دوم، شماره ۵، مهر - آذر ۱۳۹۴

شماره شاپا: ۳۵۸۷-۲۴۲۳ / شماره مجوز وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی: ۹۳-۵۹۴۸

- صاحب امتیاز: جهاد دانشگاهی
- مدیر مسئول: رحیم یعقوبزاده
- سردبیر: دکتر سعید پورعلی
- مدیر داخلی: صدرا عمویی
- ویراستار علمی: محمدحسین جان بابانزاد
- ویراستار انگلیسی: زهره ذولفقاری کندی
- طراح جلد: زینب یوسفی

### هیأت تحریریه:

- دکتر حمید احمدی (استاد دانشگاه تهران)
- دکتر محمدرضا رضوانی (استاد دانشگاه تهران)
- دکتر سیدسعید هاشمی (دانشیار دانشگاه علم و فرهنگ)
- دکتر سیدرضا صالحی امیری (دانشیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات)
- دکتر ابراهیم حاجیبانی (دانشیار دانشگاه شاهد)
- دکتر حمید ضرغام بروجنی (دانشیار دانشگاه علامه طباطبایی)
- دکتر غلامحیدر ابراهیم‌بای‌سلامی (دانشیار دانشگاه تهران)
- دکتر محمدحسین ایمانی خوشخو (دانشیار دانشگاه علم و فرهنگ)
- دکتر نصرالله پورمحمدی املشی (دانشیار دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره))
- دکتر محسن رنجبر (دانشیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد یادگار امام (شهر ری))
- دکتر سعید پورعلی (استادیار جهاد دانشگاهی)
- دکتر علی‌اکبر هاشمی‌راد (استادیار دانشگاه علم و فرهنگ)
- دکتر منوچهر جهانیان (استادیار دانشگاه علم و فرهنگ)
- رحیم یعقوبزاده (مدرس دانشگاه علم و فرهنگ)
- دکتر محمدرضا پورعابدی (عضو هیئت علمی جهاد دانشگاهی)
- دکتر حیدر جانعلی‌زاده چوبستی (استادیار دانشگاه مازندران)
- دکتر شهرود امیرانتخابی (مدرس موسسه آموزش عالی علمی کاربردی میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری)

نشانی فصلنامه: تهران، خیابان انقلاب اسلامی، خیابان فخررازی، خیابان شهدای ژاندارمری شرقی، پلاک ۷۲،

طبقه دوم، مرکز گردشگری علمی - فرهنگی دانشجویان ایران

شماره تماس: ۶۶ ۴۹ ۱۲ ۲۲ و ۶۶ ۴۹ ۱۱ ۳۶ - نمابر: ۶۶ ۴۹ ۱۵ ۸۶

نشانی سایت: [www.istta.ir](http://www.istta.ir) پست الکترونیک: [persiangulf-journal@istta.ir](mailto:persiangulf-journal@istta.ir)

## داوران این شماره:

دکتر سید سعید هاشمی

دکتر نصرالله پورمحمدی املشی

دکتر سعید پورعلی

دکتر احمد پوراحمد

دکتر یوسف اشرفی

سید رفیع موسوی

دکتر شهرود امیرانتخابی

رحیم یعقوبزاده

دکتر حمید صابر فرزام

صدرا عمویی

محمدحسین جان بابانژاد

## شرایط پذیرش مقاله و شیوه‌نامه تهیه مقالات

فصلنامه "مطالعات فرهنگی و سیاسی خلیج فارس" مباحث نظری و کاربردی و نیز پژوهش‌های اصیل در حوزه مباحث مربوط به فرهنگ و سیاست در گستره خلیج فارس را به چاپ می‌رساند. خواهشمند است حتماً پیش از تهیه و ارسال مقاله، مطالب مربوط به "راهنمای نویسندگان" و "راهنمای تدوین مقاله" را به صورت دقیق مطالعه کرده و موارد ذکر شده را رعایت نمایید.

### راهنمای نویسندگان:

- مقاله باید حاوی موضوع تازه و حاصل مطالعات پژوهشی نویسنده یا نویسندگان بوده و در نشریه دیگری منتشر نشده باشد و مادامی که داوری آن در این مجله به پایان نرسیده است به مجله دیگری ارسال نشود.
- نویسنده یا نویسندگان مقالات حتماً باید فرم تعهدنامه فصلنامه را امضاء نمایند.
- در صورت عدم رعایت شیوه‌نامه فصلنامه، مقاله مورد "بازبینی اولیه" قرار نمی‌گیرد.
- یادداشت یا مقاله کوتاه علمی پذیرفته نمی‌شود.
- در مقالاتی که بیش از یک نویسنده دارند، نویسندگان باید یک نفر را به عنوان نویسنده عهده‌دار مکاتبات مشخص نمایند.
- ویراستار مجله در ویرایش ادبی و فنی مقاله بدون تغییر محتوای آن آزاد است.
- دفتر فصلنامه در ویراستاری، چاپ یا عدم چاپ مقالات آزاد است و چاپ مقاله منوط به تأیید نهایی هیئت داوران است.

### راهنمای تدوین مقاله:

#### الف) کلیت

- مقاله باید به ترتیب شامل "عنوان"، "نام کامل نویسنده یا نویسندگان همراه با وابستگی سازمانی به فارسی و انگلیسی، نشانی کامل، شماره تلفن، نمابر و نشانی پست الکترونیکی"، "چکیده"، "واژه‌های کلیدی"، "مقدمه"، "پیکره اصلی مقاله (شامل مبانی نظری، روش تحقیق، بحث و یافته‌ها)"، "نتیجه‌گیری" و "فهرست منابع" باشد.
- عنوان مقاله باید کوتاه و از محتوای مقاله برگرفته شده و به سهولت برای خواننده قابل درک باشد. در عنوان مقاله و چکیده به‌جز در موارد مقیاس‌های استاندارد از کلمات اختصاری استفاده نشود.
- چکیده فارسی در یک پاراگراف و باید تصویری کلی از مقاله را در ۱۵۰ تا ۲۵۰ واژه در اختیار خواننده قرار دهد. چکیده باید بیان‌گر مسئله، هدف، روش و نتایج تحقیق باشد. در پایین

- چکیده، واژه‌های کلیدی ذکر گردد. در این بخش، حداقل سه و حداکثر هفت کلمه کلیدی نوشته شود.
- چکیده فارسی و انگلیسی در دو برگه جداگانه به ترتیب در ابتدا و انتهای مقاله ارائه گردد.
- مقدمه مقاله ترجیحاً باید شامل موضوع مقاله، پیشینه تحقیق و نماینده تصویری کلی از ساختار مقاله باشد.
- زیر بخش‌های هر مقاله نباید از سه لایه که بیان‌گر زیر بخشی از بخش اصلی مقاله است، تجاوز کند.
- چنانچه نویسنده یا نویسندگان در تهیه مقاله از منابع مالی سازمان و یا نهادهای خاصی استفاده کرده‌اند و یا قصد تشکر و قدردانی از کسانی را دارند که در نگارش مقاله از آنان یاری گرفته‌اند، باید در اولین پانویست بدون شماره به این مطلب اشاره نمایند.
- در آخرین صفحه هر مقاله باید عنوان، چکیده و کلمات کلیدی به زبان انگلیسی ارائه شود و چکیده حداکثر ۲۵۰ کلمه باشد. چکیده انگلیسی ترجمه کامل و صحیح چکیده فارسی باشد و در صورت تغییر و بازنگری چکیده فارسی، تغییرات در چکیده انگلیسی نیز اعمال شود. تاریخ‌های مورد اشاره در چکیده انگلیسی باید به میلادی تبدیل شوند. کلمات کلیدی انگلیسی عیناً ترجمه کلمات کلیدی فارسی و حرف اول کلمات با حرف بزرگ باشد.
- حجم مقاله با احتساب تمام اجزاء آن نباید بیشتر از ۲۰ صفحه باشد.

## (ب) نگارش

- در نگارش مقاله تا حد امکان از به کار بردن واژه‌های بیگانه پرهیز شود و استفاده از واژه‌های مصوب فرهنگستان زبان و ادبیات فارسی توصیه می‌شود.
- معادل لاتین واژه‌های تخصصی مهم و نام افراد کمتر شناخته شده به صورت پانویست درج شود. به جز اسامی خاص، سایر پانویست‌های لاتین با حرف کوچک آغاز شود.
- کلیه مثال‌ها، نمودارها و تصاویر باید دارای شماره پیاپی باشد.
- در متن مقاله، اعداد صفر تا نه به "حروف" و اعداد ۱۰ به بالا به "عدد" نوشته شود (به استثنای اعداد داخل جدول‌ها، شکل‌ها و شماره ارجاعات ارائه شده در پایان جمله و شماره گذاری فرمول‌ها).
- پانویست‌ها زمانی در مقاله نگاشته شود که نویسنده می‌خواهد مطلبی را توضیح دهد. شماره پانویست‌ها در هر صفحه با یک شماره شروع می‌شود. لازم به ذکر است از افراط در ارائه پانویست اجتناب شود.
- فرمت جدول‌ها از نوع راست به چپ باشد.
- کادر اطراف نمودارها حذف شود.

- میان کلمه و نقطه (.) کاما (،)، علامت سوال (؟) و پرانتز ( ) فاصله نباشد و بعد از این علامت‌ها یک فاصله (Space) درج گردد.
- ابتدای هر پاراگراف به صورت تورفته (Indent) به میزان ۰/۵ سانتی‌متر باشد.
- عنوان هر بخش اصلی و زیربخش‌ها باید با یک سطر سفید از یکدیگر، جدا و سیاه (بولد) نوشته شوند. سطر اول ذیل هر زیر بخش، باید تورفتگی داشته باشد.
- "تاریخ‌ها" در چکیده فارسی، متن مقاله، جدول‌ها و شکل‌ها به شمسی و فقط در چکیده انگلیسی به میلادی ارائه شود.
- در صورت استفاده از اختصارات ناآشنا، فهرست آنها قبل از اولین کاربرد در پانویس ذکر شود.
- در تهیه نمودارهای درختی و امثال آن از ابزارهای Table، Draw و Equation در محیط Word استفاده شود تا تنظیم آن‌ها در نسخه نهایی مشکلی به وجود نیاید.
- کلیه بخشهای مقاله به ابعاد ۲۱ × ۲۹/۷ سانتی‌متر (A4) و با فاصله خطوط یک (Single) با نرم‌افزار Microsoft Word 2007 تهیه گردد.
- برای توضیح موارد مبهم یا ذکر عبارات مکمل از پرانتز باز و بسته ( ) استفاده می‌شود.
- نمودارها و تصاویر مقاله باید واضح باشند و دارای انسجام و وحدت بصری بوده و اعداد و ارقام جداول و نمودارها به زبان فارسی باشد.

### ج) فونت‌ها:

- فونت قلم عنوان: BTitr 12
- فونت قلم کلمه "چکیده": B Nazanin Bold 11
- فونت قلم عبارت "کلمات کلیدی": B Nazanin Bold 11
- فونت قلم متن چکیده فارسی: B Nazanin 11
- فونت قلم متن فارسی: B Nazanin 12 و متن انگلیسی: Times New Roman 11
- فونت قلم عنوان بخشهای مختلف مقاله (نظیر "مقدمه"، "نتایج و بحث" و "منابع"): B Nazanin Bold 12
- فونت قلم عناوین جدولها و شکلها: B Nazanin 11 (وسط چین)
- فونت قلم مطالب داخل جدولها و شکلها: B Nazanin 10
- فونت قلم منابع فارسی: B Nazanin 11
- فونت قلم منابع انگلیسی: Times New Roman 10
- فونت قلم "عنوان" در چکیده انگلیسی: Times New Roman Bold 11 (وسط چین)
- فونت قلم کلمه Abstract در چکیده انگلیسی: Times New Roman Bold 10

- فونت قلم متن چکیده انگلیسی: Times New Roman 10
- فونت قلم زیرنویس فارسی: B Nazanin 10 و انگلیسی: Times New Roman 9

#### د) ارجاعات

- منابع انتهایی مقاله به تفکیک منابع فارسی و غیرفارسی به صورت الفبایی آورده می‌شود.
- نحوه ارجاع باید به صورت درون‌متنی بوده و در انتهای نقل‌قول‌های مستقیم و غیرمستقیم برای ارجاع، نام مؤلف و سال انتشار اثر در داخل پرانتز و صفحه‌ خاصی از اثر مورد اشاره، پس از علامت دو نقطه (: ) می‌آید. برای نمونه: (زرین کوب، ۱۳۸۵: ۳۲).
- برای ارجاع "کتاب" در پایان:
  - به ترتیب نام خانوادگی نویسنده یا ویراستار، نام نویسنده یا ویراستار، (سال انتشار کتاب)، عنوان کامل کتاب (به صورت ایرانیک)، (نام و نام خانوادگی مترجم یا مصحح در صورت وجود)، محل نشر: نام ناشر. جلد.
  - مانند: سعیدی‌نیا، حبیب‌الله، (۱۳۸۹)، گمرک بوشهر و نقش آن در تجارت خلیج فارس در دوره قاجار، بوشهر: دانشگاه خلیج فارس.

نمونه برای اثر ترجمه شده:

- ویلسون، آرنولد تالبوت، (۱۳۱۰)، *خلیج فارس: مجموعه وقایع تاریخی و گزارش نظامی خلیج از قدیمترین زمانه تا اوایل قرن بیستم*، ترجمه محمد سعیدی، تهران: فره‌مند.

نمونه برای اثر تصحیح شده:

- سدیدالسلطنه، محمدعلی، (۱۳۶۳)، *بندرعباس و خلیج فارس (اعلام الناس فی احوال بندرعباس)*، به تصحیح احمد اقتداری، تهران: دنیای کتاب.

نمونه برای اثری که توسط یک مرکز یا نهاد چاپ شده است:

- مرکز تحقیقات و توسعه ماهیگیری خلیج فارس، (۱۳۸۰)، *طرح یک منطقه‌ای بررسی و توسعه ماهیگیری خلیج فارس*، بوشهر: موسسه تحقیقات علمی و فنی ماهیگیری دریائی، مرکز تحقیقات و توسعه ماهیگیری خلیج فارس.

نمونه برای اثر به زبان انگلیسی:

- Somovar, Lary & Richard E. Porter, (1995), *Communication Between Cultures, Usa, Wadsworth.*



- برای ارجاع "مقاله" در پایان مقاله به ترتیب نام خانوادگی نویسنده، نام نویسنده، (سال چاپ نشریه)، «عنوان مقاله»، نام نشریه (به صورت ایرانیک)، سال(س)، شماره(ش)، فصل(در صورت وجود می‌توان فصل پاییز، زمستان و ... را آورد)، صفحه(ص) یا صفحات(صص).  
مانند: پیشگاهی‌فرد، زهرا و زارع گاریزی، افسر، (۱۳۸۲)، «ژئوپلی نومی خلیج فارس و استراتژی‌های اقتصادی چین و ژاپن»، فصلنامه پژوهش‌های جغرافیایی، س ۶، ش ۴۶، صص ۳۹-۴۸.

نمونه برای شرح مقاله‌ای از دایرة المعارف: احمدی، محسن، (۱۳۷۰)، «بندر عباس»، در دایرة المعارف بزرگ اسلامی، تهران: دایرة المعارف بزرگ اسلامی.

- نمونه برای شرح مآخذ پایانی منابعی که از پایان نامه گرفته شده است به ترتیب نام خانوادگی، نام، (سال تحصیلی که رساله دفاع شده است)، عنوان کامل رساله، نام استاد راهنما و مشاور یا مشاوران، شهر محل استقرار دانشکده یا دانشگاه: نام دانشگاه، (منتشر نشده).

مانند: نوریان، ترانه، (۱۳۸۶)، نقش امریکا در امنیت منطقه خلیج فارس در دهه ۱۹۷۰، استاد راهنما مهدی اشرافی، استاد مشاور علیرضا ازغندی، تهران: دانشگاه شهیدبهشتی (دانشکده علوم اقتصادی و سیاسی)، (منتشر نشده).

- شیوه شرح مآخذ پایانی برای مطالبی که از سایت‌های اینترنتی نقل شده است: به صورت: نام خانوادگی، نام، (سال نگارش)، نام سایت، (تاریخ آخرین بازنگری در سایت)، آدرس سایت در میان نشانه مقابل < > قرار می‌گیرد.

نمونه: نادری، احمد، (۱۳۸۴)، «ملی گرایی عربی و موانع فرهنگی تحقق اتحادیه خلیج فارس»، انسان‌شناسی و فرهنگ، (آخرین بازنگری ۲۴ خرداد ۱۳۹۳)، < www.Anthropology.ir >



## فهرست مقالات

عنوان	صفحه
جایگاه و نقش خلیج فارس در ژئوپلیتیک انرژی (تکیه بر قدرت نفت و گاز) غرب آسیا/ دکتر اسماعیل شاهکویی، حسین موسی‌زاده، مهدی خداداد، حمید عمونیا سماکوش.....	۱۳
تحلیل ساخت جزایر مصنوعی توسط امارات متحده عربی در خلیج فارس از منظر حقوق بین‌الملل / زهرا خداداد.....	۳۱
تهدیدها و چالش‌های زیست‌محیطی منطقه خلیج فارس / دکتر صادق برزگر، محمدحسین جان بابانژاد.....	۵۵
مطالعه هویت نام خلیج فارس در نقشه‌ها و اطلس‌های موجود در سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران و وزارت امور خارجه / زهره میرحسینی، زهرا باذری، صفورا محرابی.....	۷۳
بررسی جایگاه مدیریت منابع مشترک مرزی در همگرایی بین‌کشورها در خلیج فارس / دکتر محسن جان‌پرور.....	۸۷
اوضاع اجتماعی خلیج فارس در عصر قاجاریه با تأکید بر سفرنامه‌ها/ دکتر امامعلی شعبانی، مریم جلالی مشایخی.....	۱۰۵
فراز و فرودهای جزایر سه‌گانه و اهمیت آن برای جمهوری اسلامی ایران / مسعود رضایی.....	۱۲۵
فراز و فرودهای مسائل مربوط جزایر سه‌گانه خلیج فارس (تنب بزرگ، تنب کوچک و ابوموسی) و اهمیت آن در سیاست‌های کلان جمهوری اسلامی ایران/ سید مصطفی پورقاسمی، رامین نوشاددل، آیه شعبانی.....	۱۴۳



## جایگاه و نقش خلیج فارس در ژئوپلیتیک انرژی (با تأکید بر قدرت نفت و گاز غرب آسیا)

دکتر اسماعیل شاهکویی<sup>۱</sup>، حسین موسی‌زاده<sup>۲</sup>، مهدی خداداد<sup>۳</sup>، حمید عمونیا سماکوش<sup>۴</sup>

### چکیده

خلیج فارس به عنوان مهم‌ترین منطقه امنیتی و سیاسی در جنوب ایران به شمار می‌رود و می‌تواند نقش مهمی در همگرایی کشورهای اطراف آن داشته باشد. هدف از انجام این پژوهش شناسایی و بررسی نقش و جایگاه خلیج فارس در ژئوپلیتیک انرژی غرب آسیا می‌باشد. روش کار در این مقاله استفاده از روش توصیفی و تحلیلی می‌باشد، که در این بخش باتوجه به اطلاعات موجود به بررسی شرایط منابع انرژی منطقه و تجزیه و تحلیل ژئوپلیتیکی اثرات منابع انرژی بر تحولات غرب آسیا پرداخته شده است. یافته‌های پژوهش بیانگر آن است که خلیج فارس در مرکز کشمکش‌های قدرت‌های جهانی قرار گرفته است. ایران می‌تواند با استفاده از قابلیت‌های بالقوه ژئوپلیتیک انرژی خود، ضمن کسب درآمد، از افزایش قدرت اقتصادی خود در راستای توسعه و افزایش قدرت ملی خود در همه ابعاد استفاده نماید. پژوهش حاضر به روش توصیفی - تحلیلی شکل گرفته است و پس از بررسی‌ها براساس کار میدانی و کتابخانه‌ای موقعیت مورد نظر را از لحاظ امنیت، ژئوپولتیکی و منابع انرژی مورد مطالعه قرار داده است. ابزار گردآوری اطلاعات، اسناد، منابع و مدارک علمی بوده است. از جمله این منابع می‌توان به کتاب‌ها و رساله‌ها و جزوه‌ها و نشریات مربوط به خلیج فارس و ... اشاره کرد. ایران با دارا بودن موقعیت ارزنده‌اش در ژئوپلیتیک انرژی، می‌تواند با ایفای نقش موثری در امنیت انرژی منطقه‌ای و جهانی و پیوند زدن منافع و امنیت ملی خود به امنیت انرژی مصرف‌کنندگان بزرگ انرژی جهان، منافع و امنیت ملی خود را نیز تأمین نماید.

واژگان کلیدی: خلیج فارس، ژئوپولتیک، انرژی، نفت و گاز، غرب آسیا.

۱- استادیار گروه جغرافیای طبیعی، دانشگاه گلستان

۲- کارشناسی‌ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه گلستان hmosazadeh5575@yahoo.com (نویسنده مسئول)

۳- کارشناسی‌ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه گلستان

۴- دانشجوی کارشناسی‌ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه گلستان

## مقدمه

حیات کنونی بشر، وابسته به انرژی است و انرژی، محرک تمامی فعالیت‌های صنعتی، حمل‌ونقل، خدمات، کشاورزی و ... است. در جهان کنونی، مهم‌ترین عناصر انرژی، نفت، گاز طبیعی و زغال سنگ است. به‌عبارت‌دیگر، همچنان مهم‌ترین منابع انرژی، منابع هیدروکربنی است؛ گرچه در دهه‌های اخیر، توجه ویژه‌ای به انرژی هسته‌ای شده است؛ اما نتوانسته است سهم عمده‌ای در میان دیگر حامل‌های انرژی پیدا کند. از این رو منابع تأمین انرژی و مسیرهای انتقال انرژی هیدروکربنی، اعتبار ویژه‌ای پیدا کرده است. رودلف کلین، یکی از ویژگی‌های پنج‌گانه کشور به عنوان یک واحد قدرت‌مند را «گئوپلیتیک» می‌داند که منظور وی مشخصات جغرافیایی است. وی در واقع معتقد است که یکی از سطوح حکومت، «فیزیوپلیتیک» است که به ظرفیت و ذخایر طبیعی یک کشور اشاره دارد. (مارتین و چوک<sup>۱</sup>، ۲۰۰۴). دسترسی یکسان کشورها و جوامع انسانی به منابع، باعث شده که دولت‌های قدرتمند و توسعه‌یافته، توجه ویژه‌ای به مناطق غنی انرژی کنند و با استفاده از قدرت و توان و توسعه تکنولوژیکی خود به دنبال دستیابی و تسلط بر این مناطق باشند. یکی از انبارهای مهم و در واقع، بزرگ‌ترین انبار انرژی هیدروکربنی جهان، «خلیج فارس» است (حسینی‌متین، ۱۳۸۳: ۵).

از جمله مناطق حیاتی و مؤثر در معادلات ژئوپولیتیک جهانی، منطقه خاورمیانه است. خاورمیانه را مرکز دنیای قدیم می‌دانند، مرکزی که در دل آن منطقه خلیج فارس، به منزله «هارتلند» جهانی قرار دارد (قدسی، ۱۳۹۰: ۱۵۳). از دیدگاه جفری کمپ که در ژئوپلیتیک انرژی ایران کار کرده، وی معتقد است این کشور به دلیل این که در فضای ناامن منطقه‌ای قرار دارد، باید از طریق تولید قدرت (به‌ویژه در حوزه انرژی) و همچنین گسترش همکارهای منطقه‌ای، بر نشانه‌های نامنی منطقه غلبه نماید (مصلی‌نژاد، ۱۳۹۰: ۱۲۳). از این رو به دلیل وابستگی شدید غرب و نیز کشورهای شرق (اخیراً توسعه‌یافته) به نفت و گاز، این دو حوزه بخش حساسی از شبکه انتقال انرژی در عرصه استراتژیک جهانی کشورهای مصرف‌کننده می‌باشد. بنابراین واقع شدن ایران در حوزه بزرگ انرژی به عنوان نقطه اعمال فشار، اهمیت راهبردی خاصی دارد. زیرا تهدید به قطع عبور نفت و گاز، جهان را با بحران سختی روبرو خواهد کرد. در همین راستا به دلیل این که در چشم‌انداز تأمین نیازهای نفت و گاز جهان منطقه دیگری به‌غنا خلیج فارس وجود ندارد تا بتواند نیاز به انرژی کشورهای دنیا به‌ویژه قدرت‌های صنعتی و یا در حال رشد و توسعه در آمریکا، اروپا، ژاپن، چین، کره جنوبی و شبه قاره هند را در قرن جدید برآورده و پاسخ دهد توجه نقش و جایگاه آن در ژئوپلیتیک انرژی اهمیت دارد. افزایش بی‌سابقه قیمت نفت در سال‌های اخیر و پس از آن بی‌ثبات قیمت نفت و شمارش معکوس برای اتمام ذخایر نفت تا ۴۰ سال آینده، همچنین مجاورت

جغرافیایی آنان با منطقه خلیج فارس، باعث شده است تا کشورها برای تأمین نیازهای روزافزون انرژی خود به ذخایر عظیم نفت و گاز خلیج فارس توجه کنند. با توجه به بررسی‌های انجام شده در زمینه ژئوپلیتیک انرژی در منطقه خلیج فارس، هدف از این مطالعه در مرحله اول به شناخت منابع انرژی خلیج فارس و در مرحله دوم تبیین جایگاه خلیج فارس در ژئوپلیتیک انرژی غرب آسیا پرداخته می‌شود و نهایتاً پیشنهادهای ارائه خواهد شد.

### ادبیات نظری پژوهش

#### مفهوم ژئوپلیتیک انرژی (با تأکید بر قدرت نفت و گاز)

در مفهوم جدید ژئوپلیتیک به رابطه بین انسان به عنوان عامل و بازیگر تقدیر، سرنوشت، فضا و عوامل محیطی آن به منظور جامعه عمل پوشاندن اهداف استراتژی ژئوپلیتیک یک کشور با کمترین تعارض و تقابل برخورد گفته می‌شود (عزتی، ۱۳۹۰: ۱۱۱). اما در راستای تعریف ژئوپلیتیک و ارتباط آن با انرژی « به مطالعه نقش و اثر انرژی و جنبه‌ها و ابعاد مختلف آن بر سیاست و قدرت و مناسبات گوناگون ملت‌ها و دولت‌ها » ژئوپلیتیک انرژی گفته می‌شود (حافظ‌نیا، ۱۳۸۵: ۱۰۳). از این‌رو دسترسی به منابع انرژی از تولید به بازارهای مصرف و مکان‌های فاقد انرژی، موقعیت جغرافیایی تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان، مکان‌های واسط و ترانزیت‌کننده، مسیر انتقال خطوط لوله از مکان‌های جغرافیایی و چالش‌های دائمی ناشی از انرژی در ابعاد مختلف بین دولت‌ها در سطوح مختلف ملی، منطقه‌ای و جهانی باعث شده تا انرژی به یک موضوع مهم ژئوپلیتیکی تبدیل و مفهوم جدیدی را به نام ژئوپلیتیک انرژی رقم بزند (همان، ۱۰۲).

در جغرافیای سیاسی بررسی توانایی و قدرت یک کشور به میزان قابل توجهی به منابع معدنی آن بستگی دارد. تجهیز و بهره‌برداری صحیح از منابع معدنی موجود از معیارهای عمده قدرت ملی یک کشور به شمار می‌رود. هر اندازه دولتی از منابع و امکانات بیشتری برخوردار باشد، نقش آن در روند تحولات منطقه‌ای بیشتر است. در ایران از جمله منابع با ارزش و جهانی آن، وجود ذخایر غنی نفت و گاز می‌باشد. نیاز به انرژی در دنیای صنعتی امروز، دگرگونی‌هایی را در میزان قدرت دولت‌های بزرگ ایجاد کرده است. مثلاً در حوزه خلیج فارس که ذخایر بزرگ نفت و گاز وجود دارد، کنترل و انتقال آن موجب رقابت شدید قدرت‌های بزرگ می‌گردد. همچنین بسیاری از کشورهای به دلیل اختیارداشتن سرمایه‌های بدست آمده در نفت و گاز، به دولت‌های قدرتمند در سیاست جهانی تبدیل شده‌اند. این امر از نظر سیاست جهانی، اهمیتی انقلابی دارد، زیرا قدرتی که نفت و گاز ایجاد می‌کند بسیار زیاد است. هنگامی که کشورهای صادرکننده آن، قادر به همکاری و هماهنگی در سیاست‌های خود باشند، قادرند خواسته‌های خود را بر کشورهای مصرف‌کننده تحمیل نمایند (عزتی و همکاران، ۱۳۹۲: ۴۸).

### امنیت انرژی

امنیت انرژی به تولید و مصرف روان انرژی (خصوصاً نفت و گاز) اطلاق می‌شود، چنان‌چه هیچ مشکلی بر سر راه استخراج، تولید و حمل و نقل (تولید، توزیع و مصرف) آن وجود نداشته باشد. امنیت انرژی مباحث گسترده‌ای از جمله افزایش تقاضای جهانی و وابستگی بیشتر به بازارهای تولید، امنیت عرضه، ترانزیت و حفاظت از خطوط لوله، منابع انرژی مطمئن، قیمت‌های مناسب انرژی، تعیین سیاست‌های انرژی، تغییرات آب و هوایی و محیط زیستی ناشی از مصرف برخی سوخت‌ها و انرژی‌های جایگزین را در بر می‌گیرد (Winstone, 2007: 1). در عصر کنونی تمرکز سیاست انرژی به ورای حوزه صرفاً نظامی رفته (موسوی شفاپی، ۱۳۸۵: ۴) و نقش انرژی در اقتصاد جهانی به گونه‌ای افزایش یافته است که رابطه‌ای مستقیم و هماهنگ با موضوعاتی همانند رشد اقتصادی، رکود و موازنه تجاری کشورها پیدا کرده است (متقی، ۱۳۸۶: ۱۰). کسانی که از واژه امنیت انرژی به مفهوم عرضه مداوم و مطمئن با قیمت‌های معقول در حامل‌های انرژی استفاده می‌کنند، به دنبال آن هستند که تهدیدات ژئوپلیتیکی، اقتصادی، تکنیکی، زیست‌محیطی و روانی ناظر بر بازارهای انرژی را کم نمایند. اما مراد از به‌کاربردن این واژه توسط سیاست‌مداران ناظر بر این موضوع است که اولاً دسترسی آسان و بدون احتمال خطر به منابع نفت و گاز جهانی وجود داشته باشد. ثانیاً این منابع به صورت منطقی دارای تنوع و گوناگونی از لحاظ منطقه جغرافیایی و همچنین مسیرهای انتقال باشند و ثالثاً جریان نفت و گاز عموماً از نقاطی تأمین گردند که احتمال ثبات در حکومت‌های آنان، درازمدت و طولانی باشد. بنابراین مصرف‌کنندگان نفت و گاز، امنیت انرژی را از دیدگاه خود مطرح می‌سازند و طبیعی است که تولیدکنندگان نیز به دنبال تعریف خاص خود از این مفهوم باشند. امنیت انرژی برای تولیدکنندگان در آن است که به یک بازار مداوم و همراه با رشد منطقی قیمت در آینده دسترسی داشته باشند، زیرا اکثر تولیدکنندگان از گروه اقتصادهای تک‌محصولی هستند که بسیار به فروش نفت وابسته‌اند و هرگونه احتمال کم شدن تقاضا و یا توجه کشورهای توسعه‌یافته به انرژی جایگزین و یا ترجیح آنان در تأمین نفت و گاز از کشورهای غیر اوپک به معنای ایجاد مانع در توسعه اجتماعی و رشد اقتصادی این کشورهاست (ملکی، ۱۳۸۶: ۲۰).

### ژئوپلیتیک انرژی ایران (با تأکید بر قدرت نفت و گاز)

ایران به همراه کشورهای منطقه خلیج فارس و حوزه خزر در مجموع ۷۰ درصد از ذخایر شناخته شده نفت و ۴۰ درصد از ذخایر اثبات شده گاز جهان را در اختیار دارند. سهم انرژی منطقه خزر اگر چه قابل مقایسه با حوزه خلیج فارس نیست، اما راهی بهتر از مسیر ایران برای صدور به بازارهای



جهانی ندارد و این موضوع بر اهمیت ژئوپلیتیک انرژی (نفت و گاز) ایران می‌افزاید (دامن‌پاک جامی، ۱۳۸۸: ۲۲۵). اکنون تحولات صورت گرفته در عرصه ژئواستراتژیکی و تبدیل آن به ژئواکونومیکی، در رویکردهای ژئوپلیتیک، منابع نفت و گاز در معادلات جهانی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار می‌باشد. در این میان، ایران در کانون منطقه‌ای قرار گرفته است که در تولید و انتقال نفت و گاز جهان نقش حیاتی ایفا می‌کند. به طوری که برخی کارشناسان آن را قلب جهان می‌نامند. از این رو در ژئوپلیتیک انرژی جهان، ایران از دو جهت در کانون توجه قرار گرفته است. یکی موقعیت ژئوپلیتیک ایران و قرار گرفتن در کانون بیضی انرژی جهان و هارتلند انرژی یعنی واقع شدن در سه حوزه بزرگ انرژی نفت و گاز جهان (خلیج فارس، دریای خزر، سیبری غربی)، دیگری موقعیت ایران از لحاظ مسیرهای انتقال انرژی و نقش حیاتی این کشور در امنیت جهانی انرژی که بر سر راه انتقال نفت و گاز در غرب و شرق قرار دارد (مختاری‌هشی و نصرتی، ۱۳۸۹: ۱۱۶-۱۱۲).

### روش انجام پژوهش

پژوهش حاضر به روش توصیفی - تحلیلی شکل گرفته است و پس از بررسی‌ها براساس کار میدانی و کتابخانه‌ای موقعیت مورد نظر را از لحاظ امنیت، ژئوپولتیک و منابع انرژی مورد مطالعه قرار داده است. ابزار گردآوری اطلاعات، اسناد، منابع و مدارک علمی بوده است. از جمله این منابع می‌توان به کتاب‌ها و رساله‌ها و جزوه‌ها و نشریات مربوط به خلیج فارس و ... اشاره کرد.

### محدوده مطالعه

خلیج فارس بازمانده گودال بزرگی است که از دوران گذشته زمین شناختی - تحت تأثیر فشار ناشی از آتشفشان‌های فلات ایران بوده است و پایداری فلات عربستان در برابر این واکنش‌های تکتونیکی سبب ایجاد و توسعه پهنا - ژرفای آن شده است. دانشمندان زمین‌شناس معتقدند که در دوران اول زمین شناسی، حدود پانصد میلیون سال پیش از این، خشکی‌های نیم کره جنوبی به هم پیوسته بوده‌اند و قاره واحدی به نام گندوانا را تشکیل داده بود. این قاره بزرگ از یک سو سراسر برزیل و آفریقای جنوبی و از سوی دیگر قسمتی از هندوستان و گوشه‌ای از ایران و عربستان و تمام استرالیا و قطب جنوب را در بر می‌گرفته است. یونانیان دریاهای جهان را تقسیم‌بندی کرده بودند که در آن خلیج فارس نیز وجود داشت (ابن حوقل، ۱۳۴۵: ۳۷). در منابع باستانی نیز خلیج فارس به کرات به کار رفته که مراد از آنها خلیج فارس می‌باشد (خدادادیان، ۱۳۸۴: ۲۶۳). همچنین آراتوستن نقشه‌ای از جهان تهیه کرده بود که در آن خلیج فارس گنجانده شده بود (رامشت، ۱۳۶۶: ۲۱۲). در آثار جغرافیدانان خلیج فارس دیده می‌شود (استخری، ۱۳۴۷: ۲۱). در قرون اولیه اسلامی راه یافته بود

خلیج فارس مرکز تجارت دریایی به شمار می‌رفت (معتکف و اسفندیاری، ۱۳۸۴: ۲۱۲). ۱۴۰ میلیون سال قبل در آغاز دوران دوم شکاف بین اروپا و آمریکا وسیع‌تر گشت و شکاف بین هند و استرالیا - زمین تشکیل اقیانوس هند را فراهم ساخت. ۴۵ میلیون سال قبل در آغاز دوره سوم - حوضه اقیانوس اطلس پیدا شد. آمریکای جنوبی از آفریقا جدا شد و استرالیا نیز از قطب جنوب دور افتاد و به طرف شرق حرکت کرد و سپس اقیانوس هند تشکیل شد. شکاف بین آسیا و آفریقا نیز مقدمه پیدایش دریای مکران (عمان) را فراهم ساخت. در ۳۵ میلیون سال قبل در اواسط دوران سوم - شکاف مکران گسترش یافت و شبه جزیره هندوستان ابتدا به طرف شرق و سپس به شمال تغییر جهت داد و دنباله شکاف مکران به صورت خلیج باریکی درآمد که آغاز پیدایش دریای پارس را اثبات می‌کند. خلیج فارس قسمتی از اقیانوس یا دریای است که کمابیش در خشکی پیش رفته است (کاره، ۱۳۶۸: ۳۶). مساحت آن نزدیک به ۲۴۰۰۰۰ کیلومتر مربع طول ۸۰۰-۸۵۰ کیلومتر بیشترین عرض ۳۷۵ کیلومتر و دارای بیش از ۱۳۰ جزیره می‌باشد (تقدیسی، ۱۳۸۴: ۱۷۴). مساحت حوزه آبخیز آبریزهای منتهی به خلیج فارس حدود ۳۵۰۰۰۰ کیلومتر مربع است (اهلرز، ۱۳۶۵: ۱۵۰). آب‌های خلیج فارس بسیار شور است اگر چه آب‌های ارون رود و کارون باعث کاهش آن می‌شوند (جداری، ۱۳۶۹: ۶۶). همچنین خلیج فارس ۰/۰۶۲ درصد آب‌های سطح کره زمین را شامل می‌شود. خط‌القعر ناودیس آن تا ساحل شبه‌الجزیره منسدام کشیده می‌شود (حافظ‌نیا، ۱۳۷۲: ۱۷).

### یافته‌های پژوهش

#### منابع خلیج فارس

منطقه خلیج فارس یکی از مهم‌ترین مناطق صاحب منابع انرژی دنیا است که نقش بسیار مهمی در معادلات انرژی جهان دارد. حوضچه خلیج فارس و کشورهای پیرامون آن، حدود ۴۰ درصد ذخایر گاز طبیعی و ۶۱/۵ درصد از ذخایر نفت جهان را در خود جای داده است. در این میان، ایران با دارا بودن ۲۸/۱۳ تریلیون متر مکعب گاز طبیعی (۱۵/۵ درصد ذخایر جهانی) و ۱۳۷/۵ میلیارد بشکه نفت (۱۱/۵ درصد ذخایر جهانی)، مهم‌ترین کشور منطقه از نظر ذخایر انرژی فسیلی است (ویسی، ۱۳۸۷). آنچه که ارتباطی خاص با این مسأله دارد، نیازمندی‌های انرژی رو به رشد آسیا از جمله کشورهای چین و هند و جنوب شرق آسیا است و این واقعیت که همه آنها مجبورند با اروپا و آمریکای شمالی برای دسترسی به منابع انرژی خاورمیانه رقابت نمایند (ربیعی، ۱۳۸۶).

## ۱- نفت

درباره اهمیت منطقه خلیج فارس باید گفت که این منطقه جایگاه اساسی در بازار انرژی دنیا دارد. چهار کشور اول تولیدکننده نفت دنیا در این منطقه قرار دارند. کشورهای حاشیه خلیج فارس روزانه بیش از ۱۶ میلیون بشکه نفت تولید می کنند که این رقم معادل یک پنجم تقاضای جهانی نفت است که ۹/۵ میلیون بشکه در روز آن از سوی عربستان سعودی تأمین می شود. علاوه بر آن بزرگترین میدان های نفتی دنیا در این منطقه قرار دارد و پیش بینی می شود سهم منطقه خلیج فارس در تولید جهانی نفت از ۲۵/۷ درصد در سال ۱۹۹۶ به ۴۰/۹ درصد تا سال ۲۰۲۰ افزایش یابد (بهجت، ۱۳۸۰). ضمن آنکه پیش بینی شده است که در سال ۲۰۲۰ میزان واردات جهانی نفت در حدود ۹/۷ میلیون بشکه در روز باشد. در حال حاضر روزانه در حدود ۱۴ میلیون بشکه نفت تنها از طریق تنگه هرمز به بازارهای جهانی صادر می شود. علاوه بر این کشورهای اصلی عضو اوپک که کنترل اوپک را در اختیار دارند در این منطقه قرار دارند. بی گمان لشکرکشی های چند سال اخیر به خاورمیانه به بهانه تروریسم و حقوق بشر، ریشه در نیازمندی های انرژی دنیا دارد و باید در هر تحلیل ژئوپلیتیک از منطقه جنوب غرب آسیا مورد توجه قرار گیرد.

(جدول شماره ۱) - ظرفیت پالایش نفت خام در کشورهای حوزه خلیج فارس (1000 b/d)

کشور	۱۹۷۹	۱۹۸۵	۱۹۹۲	۱۹۹۹	۲۰۰۶
ایران	۱۰۸۰	۶۱۵	۹۵۷	۱۴۷۴	۱۵۶۶
قطر	۱۰۵	۶۳	۶۳	۶۳	۸۰
عربستان	۷۵۸	۱۴۴۰	۱۵۵۰	۱۸۱۰	۲۱۳۵,۵
امارات متحده عربی	۱۵	۱۸۰	۱۹۲,۵	۴۱۱	۴۶۶,۳
عراق	۳۰۵,۵	۳۶۵,۵	۵۵۰	۶۰۳	۶۳۸,۵
کویت	۵۹۴	۵۶۴	۶۷۰	۸۹۹	۹۳۲

Source: annual statistical bulletin, Organization of Petroleum Exporting Countries, OPEC, 2006

## ۲- گاز

خلیج فارس دارای ذخایر غنی گاز طبیعی و در مراتب بالای جهانی است. براساس آمارهای سال ۱۹۹۴، کشورهای خلیج فارس دارای ۴۵/۲ تریلیون متر مکعب ذخیره گاز طبیعی هستند که با توجه به کل ذخایر جهانی (به میزان ۱۴۱ تریلیون متر مکعب) ۳۲ درصد یا حدود یک سوم کل ذخایر را در اختیار دارد. بدین ترتیب، منطقه خلیج فارس پس از کشورهای متحد مشترک

المنافع (جمهوری‌های شوروی سابق) که جمعا ۵۶ تریلیون متر مکعب ذخیره گاز طبیعی (با ۳۹/۷ در صد سهم ذخایر جهانی) را در اختیار دارند، دومین منطقه بزرگ دارای ذخایر جهانی گاز است. ذخایر قابل توجهی از این میدان گازی توسط ایران در سال ۱۳۶۶ کشف گردید. کشور قطر از سال ۱۳۶۷ به توسعه مخزن گازی خود موسوم به «گنبد شمالی» پرداخته که هم اکنون چند فاز آن در حال بهره‌برداری است. مساحت کل میدان گازی مذکور ۹۷۰۰ کیلومتر مربع است که سهم متعلق به ایران ۳۷۰۰ کیلومتر مربع وسعت دارد. ذخیره این بخش از گاز ایران ۱۴ تریلیون متر مکعب گاز به همراه ۱۸ میلیارد بشکه میعانات گازی است که حدود ۹ درصد از کل گاز دنیا و بیش از نیمی از ذخایر گاز کشور را شامل می‌شود (کتابچه شرکت نفت و گاز پارس، ۱۳۸۵).

(جدول شماره ۲) - ذخایر گاز طبیعی کشورهای حوزه خلیج فارس (تریلیون فوت مکعب)

کشور	ذخایر گاز	
	حجم	درصد از کل ذخایر جهانی
ایران	۹۷۱	۱۵,۹
قطر	۹۱۱	۱۴,۹
عربستان	۲۴۱	۳,۹
امارات متحده عربی	۲۱۴	۳,۵
عراق	۱۱۲	۱,۸
کویت	۵۶	۰,۹

Source: "world look reserver and production". Oil&Ga journal.vol.103.no47.2005.pp.24-25

### تأثیرات منابع انرژی خلیج فارس بر اقتصاد کشورهای منطقه

در سه دهه اخیر منطقه خلیج فارس نابسامانی‌های فراوانی را متحمل شده و اوضاع سیاسی و اقتصادی آن دستخوش تحولات فراوانی شده است. تحولات منابع انرژی و نفتی این منطقه از جمله مسائلی است که در تحولات آینده دنیا نقش فراوانی خواهد داشت. علاوه بر آن با توجه به رقابت کشورهای قدرتمند پیرامون نفت، این منطقه نقش بسیار مهمی در معادلات ژئوپلیتیک آینده جهان دارد. منابع انرژی خاورمیانه همواره برای کشورهای مالک، در عین تمام مناقشاتشان بر روی سهم مالکانه‌شان در این منابع، رفاه و درآمدی بی‌دردر و آسان همراه داشته است، که به مالکان قدرت سیاسی و اقتصادی داده و کشورهایی را که بدون نفت هیچ نداشتند را به عنصری قوی در منطقه تبدیل نموده است. در واقع بر روی این قسمت که نفت، خدمات فراوانی را به مالکان خود داده است شکی نیست و برای اکثریت افراد امری بدیهی تلقی می‌شود. لذا جهت روشن شدن تأثیرات

مثبت درآمدهای نفتی درصد اشغال GDP توسط درآمدهای نفتی یا به بیان دیگر سهم نفت در اقتصاد کشورهای حاشیه خلیج فارس را در جدول شماره ۳ بیان شده است

(جدول شماره ۳): سهم درآمدهای نفتی در GDP کشورها (بر حسب درصد)

سال	کویت	عمان	عربستان	امارات	قطر	عراق	ایران	بحرین
۱۹۸۵	۴۴.۹	۴۱.۳	۳۰.۰	۲۰.۶	۴۱.۴	۲۸.۱	۱۱.۴	۳۲.۸
۱۹۸۶	۲۷.۲	۲۷.۷	۲۵.۶	۱۳.۱	۲۴.۳	۱۷.۷	۳.۸	۲۳.۳
۱۹۸۷	۳۱.۷	۳۸.۷	۲۹.۰	۱۸.۴	۲۸.۳	۲۷.۰	۱۰.۱	۳۰.۰
۱۹۸۸	۳۱.۶	۲۸.۶	۲۶.۷	۱۵.۰	۲۱.۵	۲۶.۳	۸.۳	۲۱.۱
۱۹۸۹	۴۰.۳	۳۴.۲	۳۰.۶	۲۰.۲	۳۰.۰	۳۱.۹	۱۳.۵	۲۵.۷
۱۹۹۰	۳۶.۰	۴۰.۸	۴۱.۹	۲۴.۹	۳۸.۲	-	۱۹.۵	۳۱.۸
۱۹۹۱	۱۰.۳	۳۵.۰	۳۹.۷	۲۳.۰	۳۲.۷	-	-	۲۳.۸
۱۹۹۲	۳۲.۷	۳۲.۱	۳۸.۱	۲۲.۶	۲۹.۲	-	-	۲۲.۳
۱۹۹۳	۴۲.۲	۲۹.۲	۳۳.۹	۱۸.۶	۲۶.۲	-	۳۰.۹	۱۷.۷
۱۹۹۴	۴۰.۷	۲۷.۵	۳۰.۳	۱۶.۴	۲۲.۹	-	۲۵.۶	۱۴.۹
۱۹۹۵	۴۰.۶	۳۰.۰	۳۱.۲	۱۶.۱	۲۳.۱	-	۲۱.۰	۱۵.۷
۱۹۹۶	۴۲.۷	۳۵.۰	۳۴.۴	۱۷.۸	۲۵.۷	-	۲۱.۲	۱۸.۷
۱۹۹۷	۴۱.۲	۳۱.۶	۳۰.۲	۱۶.۱	۲۶.۸	۷۲.۹	۲۰.۳	۱۷.۰
۱۹۹۸	۳۰.۶	۱۹.۹	۲۲.۳	۱۰.۱	۱۹.۸	۷۴.۹	۱۲.۸	۱۰.۵
۱۹۹۹	۳۴.۴	۲۷.۵	۲۶.۳	۱۱.۸	۲۳.۳	۷۴.۷	۱۹.۶	۱۳.۷
۲۰۰۰	۴۹.۴	۴۲.۳	۴۰.۳	۱۸.۲	۳۰.۵	۹۱.۳	۳۶.۳	۲۰.۶
۲۰۰۱	۴۳.۷	۳۴.۱	۳۳.۷	۱۴.۵	۲۶.۳	-	۲۵.۲	۱۶.۶
۲۰۰۲	۳۶.۶	۳۲.۵	۳۰.۳	۱۳.۱	۲۵.۵	۹۰.۶	۲۵.۰	۱۶.۱
۲۰۰۳	۴۱.۶	۳۳.۱	۳۷.۲	۱۵.۴	۲۴.۲	-	۲۷.۹	۱۷.۰
۲۰۰۴	۴۸.۸	۳۷.۹	۴۵.۰	۱۸.۳	۲۷.۷	۹۶.۶	۳۱.۴	۱۹.۹
۲۰۰۵	۵۸.۱	۴۴.۰	۵۳.۹	۲۲.۱	۳۰.۰	-	۳۸.۸	۲۴.۰
۲۰۰۶	۵۷.۴	۴۲.۷	۵۶.۷	۲۳.۴	۲۷.۶	۹۲.۵	۴۰.۷	۲۴.۲
۲۰۰۷	۵۴.۵	۳۹.۷	۵۵.۵	۲۱.۹	۲۲.۱	۸۴.۰	۳۵.۴	۲۳.۰
۲۰۰۸	۶۰.۱	۴۰.۴	۶۴.۳	۲۵.۱	۲۳.۶	۸۵.۱	۴۰.۳	۲۶.۵
۲۰۰۹	۴۱.۲	۳۱.۶	۴۴.۱	۱۴.۹	۱۳.۴	۶۸.۷	۲۳.۷	۱۶.۴

(<http://www.worldbank.org>)

با توجه به جدول فوق مشاهده می‌شود سهم عمده‌ای از GDP کشورهای این منطقه را درآمدهای نفتی تشکیل می‌دهد. به طور مثال در مورد کشور عراق برای سال‌های ۲۰۰۴ و ۲۰۰۶ این سهم تا ۹۰٫۶ و ۹۶٫۶ افزایش داشته است. این امر حاکی از اهمیت فوق‌العاده بالای نفت در اقتصاد این کشورها می‌باشد. با توجه به مطالب فوق، از برجسته‌ترین ویژگی‌های اقتصاد کشورهای حوزه خلیج فارس وابستگی سنگین آنها به منابع نفت و گاز است. این وضعیت باعث شده که در تقسیم کار بین‌المللی این گروه از کشورها صادرکننده نفت باشند. نگرش غالب کشورها نسبت به نفت به عنوان کالایی درآمدزا، بهره‌برداری از این محصول را در این کشورها به سمتی سوق داده است که نتیجه آن ماندن در حلقه بسته اقتصاد تک محصولی است. این رونق اقتصادی که در نتیجه استخراج نفت خام در این کشورها به چشم می‌خورد، با توجه به دستیابی به صنعت استخراج منابع غیر متعارف فسیلی چون گاز شیل در معرض تهدید قرار گرفته است. با توجه به رویکرد کشورهای اروپایی و امریکا در جهت بی‌نیازی از نفت و گاز خاورمیانه، رونق اقتصادی این کشورها در آینده‌ای نزدیک رو به افول خواهد گذاشت، این به این معناست که درآمدهای نفتی با تمام بایدها و نبایدها و فواید و مضراتی که دارند در آینده‌ای نزدیک چهره‌ای دیگر به خود می‌گیرد.

### آسیب‌های پیش‌روی تقاضای منابع انرژی خلیج فارس

با نادیده گرفتن ناپایداری تقاضا برای منابع فسیلی خلیج فارس که اشاره شد باز هم مخاطرات زیادی همواره اقتصادهای نفتی را تهدید می‌نماید، بررسی کارکرد کشورهای نفت خیز حوزه خلیج فارس در بهره‌برداری از نفت بیانگر دیدگاه‌های زیر می‌باشد:

#### ۱- دوگانگی اقتصاد کشورهای نفت خیز حوزه خلیج فارس

دوگانگی در اقتصاد به معنای وجود یک بخش مدرن در کنار بخش سنتی اقتصاد کشور است؛ دویخی که پیوند ارگانیک با یکدیگر ندارند. در بخش اقتصاد سنتی یا معیشتی، تولید بر پایه نیاز-های شخصی و نه بر پایه نیازهای ملی انجام می‌گیرد، از این رو، این بخش با اقتصاد ملی بی‌ارتباط است. بنابراین در بخش اقتصاد کارایی سیاست‌های مدیریت اقتصادی جامعه و حتی طرح‌های عمرانی محدود و کم اثر است (قاسمی و احسانی، ۱۳۸۷). یکی از پیامدهای دوگانگی اقتصادی در این کشورها برون‌گرایی و پیوند خوردن بخش مدرن اقتصاد آنها با کشورهای صنعتی است. در نتیجه، با توجه به ساختار و ترکیب متفاوت اقتصاد کشورهای صنعتی و اقتصاد کشورهای رو به توسعه این پیوند به شکل‌گیری مراحل گوناگون تقسیم کار بین‌المللی می‌انجامد. در چنین وضعی، چگونگی بهره‌گیری از منابع موجود در کشورهای نفت خیز حوزه خلیج فارس به گونه‌ای است که نمی‌تواند

کمکی برای رهایی از شرایط برآمده از تقسیم کار بین المللی و اقتصاد تک محصولی باشد، زیرا روش بهره‌برداری از منابع که برآیند دوگانگی اقتصادی در این کشورهاست، وضع پیش آمده و تقسیم کار حاصل از آنرا تثبیت می‌کند. برای دگرگون سازی این وضع پیش از هر چیز اصلاح دیدگاه حاکم درباره چگونگی بهره‌گیری منابع بایسته است، پس از آن با برنامه‌های عملی بر پایه دیدگاه اصلاح شده، می‌توان راهی برای دگرگون سازی شرایط یافت و با گذر از آن امکان رسیدن به جایگاهی بهتر در اقتصاد جهانی را به دست آورد.

## ۲- اقتصاد تک محصولی؛ نفت به عنوان کالای مصرفی

پا گرفتن بخش مدرن اقتصاد در کشورهای رو به توسعه، برآیند نیاز کشورهای استعمارگر صنعتی به مواد خام بوده که مایه پدید آمدن صنایع استخراجی در کشورهای رو به توسعه شده است. با توجه به منابع سرشار انرژی در منطقه خلیج فارس و نیاز کشورهای صنعتی به این منابع، سرمایه‌گذاران کلان در زمینه استخراج نفت و مواد هیدروکربنی صورت پذیرفته و صنایع نفت ایجاد شده اند (قاسمی و احسانی، ۱۳۸۷).

نگرش به نفت به عنوان کالایی مصرفی، بهره‌برداری از این محصول را در کشورهای حوزه خلیج فارس به سویی پیش برده است که نتیجه آن ماندن در حلقه بسته اقتصاد تک محصولی است. بیرون رفتن از این حلقه در صورتی شدنی است که با نگاه سرمایه‌ای به نفت نگریده شود (همان). در سایه اقتصاد متکی به صنایع استخراجی در کشورهای در حال توسعه، صادرات بسیاری از این کشورها تنها یک یا دو قلم کالا را دربر می‌گیرد که بیشتر مواد خام معدنی و کشاورزی است. چنین وضعی اقتصاد این کشورهای را در برابر افت و خیز بها، در بازارهای جهانی سخت آسیب‌پذیر می‌سازد، زیرا به تجربه ثابت شده است که مواد خام بسی بیش از کالاهای صنعتی با افت و خیز بها روبه‌رو می‌شود. نخستین اثر این نوسان‌ها، بی‌ثباتی درآمدهای صادراتی این کشورهاست. این بی‌ثباتی بویژه در کشورهایی که بیشتر درآمدها از صدور یک یا چند ماده خام است، برجستگی بیشتری دارد. برای نمونه کاهش چشمگیر بهای نفت در ۱۹۸۶ باعث شد که درآمدهای ارزی برخی از کشورهای صادرکننده مانند کشورهای حوزه خلیج فارس بیش از ۱۰۰ درصد کاهش یابد که این، خود به خود، به کاهش ورود کالاهای سرمایه‌ای و مصرفی به این کشورها انجامید. این کاهش ناخواسته، از دو سو کشورهای صادرکننده نفت را با بحران رو به رو می‌کند:

۱- کاهش واردات کالاهای مصرفی، دشواری‌ها و تنش‌های اقتصادی، اجتماعی و گاه سیاسی به بار می‌آورد.

۲- کاهش واردات کالاهای سرمایه‌ای، روند رشد و توسعه اقتصادی این کشورها را دچار اختلال می‌کند، زیرا نمی‌توانند کالای سرمایه‌ای مورد نیاز را بخرند و وارد کنند (قاسمی و احسانی، ۱۳۸۷).

### ۲-۱- آسیب‌های اقتصادی نگاه مصرفی به نفت

کشورهای حوزه خلیج فارس از بزرگترین صادرکنندگان نفت و گاز در جهان‌اند، لذا نفت و گاز و برخی فراورده‌های نفتی در صادرات این کشورها سهمی بسیار بزرگ دارد و مهم‌ترین کالاهای صادراتی و منبع درآمد این کشورها به شمار می‌آید. نگاه مصرفی به منابع فسیلی در اختیار کشورهای حوزه خلیج فارس سایه افکن است. این نگاه را می‌توان برجسته‌ترین خاستگاه دشواری‌های اقتصادی و مهم‌ترین عامل دنباله‌دار شدن وابستگی اقتصادی و تک محصولی ماندن اقتصاد در این کشورها دانست. برخلاف کشورهای پیشرفته صنعتی که نفت را برای رشد اقتصادی و صنعتی خود ضرر می‌دانند، کشورهای حوزه خلیج فارس نفت را مهم‌ترین سرچشمه درآمد و سرمایه‌گذاری و خرید کالاهای مورد نیاز می‌بینند و برای مصرف نفت و منابع فسیلی در سرزمین خود به گونه‌ای که توسعه اقتصادی چشمگیر به بار آورد، برنامه‌های بایسته ندارند. علت را باید در عقب افتادگی ریشه دار و اعتیاد سنگین به مصرف کالاهای مدرن وارداتی و نیازهای فراوان این کشورها به کشورهای توسعه‌یافته جست (جدول شماره ۴).

(جدول شماره ۴): همبستگی رشد و حامل‌های انرژی

شاخص	۱۹۶۰-۱۹۵۰	۱۹۷۰-۱۹۶۰	۱۹۸۰-۱۹۷۰	۱۹۹۰-۱۹۸۰	۲۰۰۰-۱۹۹۰
درصد رشد اقتصادی	۵,۲	۵,۶	۶	۳	۳
درصد رشد انرژی	۵,۳	۴,۶	۴,۵	۲	۲
درصد رشد نفت	۷,۲	۷,۸	۴	۱	۲
درصد رشد زغال سنگ	۳,۲	۰,۵	۰,۹	-	-
درصد رشد گاز	۹,۱	۸,۴	۵,۲	-	-

(حشمت‌زاده، ۱۳۷۹: ۳۷)

اکنون ثابت شده است که ادامه رشد اقتصادی در جهان صنعتی عامل اصلی در تأمین تقاضا برای نفت است. از سوی دیگر اکثر کشورهای صادرکننده نفت جهت برنامه‌ریزی صحیح برای رشد اقتصادی نیاز به امنیت تقاضا و تضمین حداقل میزان درآمدهای نفتی دارند. پس رشد اقتصادی در جهان صنعتی نه تنها هیچ گونه مغایرتی با رشد کشورهای در حال توسعه صادرکننده نفت ندارد بلکه این دو می‌توانند در یک مسیر به حرکت خود ادامه دهند (آقازاده، ۱۳۷۰).



### ۳- قیمت نفت و اثرات آن در اقتصاد کشورها

قیمت نفت یکی از متغیرهای کلیدی هر اقتصاد است که در تعیین موقعیت اقتصاد هر کشور نقش بسزایی دارد. باشر و سادورسکی<sup>۱</sup> (۲۰۰۶) نفت را خون اقتصاد مدرن می‌دانند. آنها معتقدند که اگر افزایش در تقاضای نفت به وجود بیاید و در عرضه آنها هیچ تغییری حاصل نشود، قیمت نفت افزایش خواهد یافت. در واقع آنها نیروهای عرضه و تقاضا را در قیمت نفت تغییرات قیمت نفت موثر می‌دانند. برطبق نظریه‌های اقتصادی تغییرات قیمت نفت فعالیت‌های اقتصادی را هم از طرف تقاضا و هم از طرف عرضه تحت تأثیر قرار می‌دهد. تأثیر طرف عرضه از این حقیقت ناشی می‌شود که نفت یک نهاده مهم در تولید است، بنابراین افزایش قیمت نفت، تقاضا برای نفت و در نتیجه بهره‌وری سایر عوامل تولید از جمله نیروی کار را کاهش می‌دهد و باعث کاهش در دستمزد و عرضه کار می‌شود، یعنی شوک‌های قیمت نفت شبیه یک شوک منفی تکنولوژی باعث انقباض در فعالیت‌های اقتصادی می‌شود (فین<sup>۲</sup>، ۲۰۰۰: ۱۲). علاوه بر این تغییرات قیمت نفت از طریق سرمایه‌گذاری و مصرف بر طرف تقاضای اقتصاد نیز اثر دارد. وقتی قیمت نفت افزایش می‌یابد، درآمد از کشورهای واردکننده نفت به کشورهای صادرکننده نفت انتقال می‌یابد بنابراین مصرف در کشورهای واردکننده کاهش می‌یابد.

برخی مطالعات از این نظر حمایت می‌کنند که بی‌ثباتی قیمت‌ها نه فقط در سطوح بالای قیمت‌ها، بلکه در تمام سطوح قیمتی به طور نامساعدی بر متغیرهای کلان اقتصادی تأثیر می‌گذارد. شواهد تجربی قابل توجهی نیز وجود دارد که به طور علی، تغییرات قیمت نفت را با متغیرهایی از قبیل تولید ناخالص داخلی، بازدهی سهام و نرخ بهره پیوند می‌دهند (همیلتون، ۱۹۸۳: ۲۳۰).

فردرر<sup>۳</sup> (۱۹۹۶)، در تبیین نظریه‌های مربوط به پیامدهای کلان تغییر قیمت نفت به دو مکانیسم اشاره کرده است و بیان می‌کند که بی‌ثباتی قیمت برای هر کالایی که به عنوان نهاده‌ی تولید مورد استفاده قرار می‌گیرد، تأثیر منفی بر اقتصاد خواهد داشت. اولین مکانیسم از طریق تکانه‌های بخشی است: برخی از عوامل تولید اعم از نیروی کار و سرمایه در فرآیند تولید تخصصی مشغول هستند، که انتقال آن‌ها به صنایع دیگر هزینه‌بر است. بنابراین تغییرات قیمت در هر نهاده و یا احتمالاً محصول، که تخصیص بهینه‌ی نیروی کار و سرمایه بین صنایع را تحت تأثیر قرار دهد، اقتصاد کلان را متحمل هزینه‌ی سنگینی می‌کند. مکانیسم دوم، ارزش انتخاب تعداد وقفه‌های

1- Basher & Sadorsky

2- Finn

3- Ferderer

برگشت سرمایه است، زمانی که در مورد سطوح آینده‌ی قیمت‌ها برای نهاده‌ها و محصولات، نا اطمینانی وجود دارد. بی‌ثباتی در قیمت هر نهاده و محصول (نه فقط نفت) یک ارزش انتخاب غیر منفی برای سرمایه‌گذاری برگشت ناپذیر ایجاد می‌کند. به هر حال، اگر بی‌ثباتی وجود داشته باشد، قیمت‌ها در طول زمان تغییر خواهند کرد و ارزش وقفه‌ها با قیمت‌های رایج، متعادل خواهند شد، بنابراین دلایل قوی و آشکاری برای اثبات کاهش سطح عمومی سرمایه‌گذاری وجود ندارد (بهبودی و دیگران، ۱۳۸۸). به طور کلی بر اساس نظریات مطرح شده، قیمت نفت و بی‌ثباتی آن با توجه به ایجاد اثرات خرد و کلان در اقتصاد کشورها، قابل توجه و مهم ارزیابی می‌شود.

#### ۴- نظریهٔ نفرین منابع

واژهٔ نفرین منابع اولین بار توسط ریچارد اوتی (۱۹۹۳) مطرح شد تا به وسیله‌ی آن بیان کند که کشورهای ثروتمند در منابع طبیعی نمی‌توانند از این ثروت در جهت رشد اقتصادی کشور خود استفاده کنند و گویا توسط این منابع نفرین شده‌اند. پایهٔ این بحث به عنوان یک مسألهٔ مهم بین-المللی بعد از جنگ جهانی دوم و پس از جنگ‌های داخلی آمریکای لاتین بنا شد، زیرا از دههٔ ۱۹۷۰ به بعد عملکرد ضعیف کشورهای در حال توسعه دارای منابع طبیعی آشکار شد (مهرآرا و دیگران، ۱۳۹۰: ۶). در اواسط قرن بیستم و با اهمیت یافتن کشورهای نفت خیز، انتظار می‌رفت که آینده‌ی اقتصادی درخشانی برای آنها رقم خورده باشد. اما آنچه اتفاق افتاد، بازگوکنندهٔ شرایط متفاوتی بود. با بالا رفتن وابستگی این کشورها به درآمدهای نفتی، رشد اقتصادی آنها با نرخ کمتری افزایش پیدا کرد و در بعضی از این کشورها و در مقاطع خاص زمانی، نرخ رشد اقتصادی حتی منفی شد. چنین موضوعی برای تمامی کشورهای دارای انواع منابع طبیعی نیز صحت داشت. در ادامه به تشریح برخی از نظریه‌های مبنی بر پدیدهٔ نفرین منابع می‌پردازیم.

#### ۵- بیماری هلندی

بر اساس نظریهٔ مذکور با افزایش ارزش پول داخلی در دورهٔ افزایش درآمدهای نفتی، بخش کالاهای قابل مبادله (شامل صادرات غیر نفتی و تولیدات جایگزین واردات) منقبض می‌شود و بخش کالاهای غیرقابل مبادله (عمدتاً شامل خدمات و مسکن) گسترش می‌یابد. از این رو افزایش درآمدهای نفتی و تقویت پول ملی با ورود کالاهای مصرفی، دامن زدن به سرمایه‌گذاری‌های کم بازده و گسترش فعالیت‌های رانت‌جویی می‌تواند در بلندمدت کارایی و رشد اقتصادی را کاهش دهد. اثر بیماری هلندی منجر به تضعیف بخش صنعت و کشاورزی می‌شود؛ زیرا تقویت نرخ ارز واقعی موجب می‌شود که اولاً این بخش‌ها با از دست دادن قدرت رقابت خود در بازارهای بین‌المللی مواجه با کاهش

صادرات شوند؛ ثانیاً در داخل نیز بازارهای خود را به نفع کالاهای وارداتی مشابه که در این شرایط ارزانتر است، از دست می‌دهند (گیلفیسون<sup>۱</sup>، ۱۹۹۹: ۲۰۹).

#### ۶- نوسانات قیمت منابع طبیعی و سیاست‌های بی‌ثبات دولت

نوسان و بی‌ثباتی از ویژگی‌های اصلی بازارهای کالای خام اولیه است. نوسان شدید قیمت منابع طبیعی از جمله نفت در بازار می‌تواند به علت کشش پایین عرضه این منابع باشد. با اینکه این بی‌ثباتی بازار برای صادرات تمامی کالاهای خام اولیه خطر آفرین است، بیشتر از همه صادرکنندگان نفت را متضرر کرده است. اولین و مهم‌ترین نتیجه، ناطمینانی از میزان قطعی دریافتی صادرات نفت است و چون دریافتی دولت نیز غیرقابل پیش‌بینی می‌گردد، به تبع آن مخارج دولت نیز غیرقابل پیش‌بینی خواهد شد. در نتیجه این ناطمینانی مشکلاتی را برای سیاست‌گذاری ایجاد می‌کند (راس<sup>۲</sup>، ۲۰۰۱: ۵۹).

#### ۷- بی‌توجهی به سرمایه‌گذاری در سرمایه‌انسانی

برخی دیگر از مطالعات نشان می‌دهند که درآمد منابع طبیعی ممکن است جایگزین سرمایه‌گذاری در سرمایه‌انسانی شوند. حکومت‌ها مخصوصاً اگر محدود به یک بازه زمانی کوتاه باشند ممکن است ارزشی برای منافع بلندمدت حاصل از آموزش قائل نشوند؛ زیرا درآمدهای آتی حاصل از صادرات منابع طبیعی مرئی تراز درآمدهای آتی حاصل از سرمایه‌گذاری در نیروی انسانی هستند. گیلفیسون نشان داد که یک رابطه معنی‌داری میان وفور منابع طبیعی و سطوح پایین آموزش وجود دارد و نتیجه گرفت که در حدود ۵۰ درصد از تغییرات نفرین منابع از کانال آموزش توضیح داده می‌شود. او همچنین نشان داد که در مورد اقتصادهای در حال توسعه، رابطه میان آموزش و رشد مثبت است (گیلفیسون، ۲۰۰۱: ۱۰).

#### ۸- وجود نهادهای ضعیف، رانت‌خواری و بروز درگیری‌های داخلی

در کشورهای دارای منابع طبیعی فراوان، بازده انتظاری فعالیت‌های رانت‌خوارانه بالا و هزینه فرصت چنین فعالیت‌هایی پایین است. در نتیجه، مردم و گروه‌های مردمی برای کنترل این منابع و درآمدهای مربوط به آن با یکدیگر به رقابت می‌پردازند. از آنجا که در بیشتر کشورها، دولت منابع طبیعی را در اختیار دارد، تولیدکنندگان به دنبال ایجاد رابطه نزدیک با مقامات مسئول دولت برای

1 - Gylfason

2 - Ross

کسب امتیاز در خصوص فعالیت‌های اقتصادی خود هستند. تلاش برای به دست آوردن رانت می‌تواند به فساد نیز منجر شود. رقابت شدید بر سر تصاحب سهمی از این کیک بزرگ به همراه محدودیت‌های ضعیف نهادی موجود در این کشورها، نتیجه‌ای جز افزایش فساد در پی نخواهد داشت. تشکیل جناح‌های سیاسی، رواج رشوه و فساد و تمرکز قدرت در گروهی خاص و رانتجو از عواملی هستند که بر روی رشد اقتصادی تأثیر منفی می‌گذارند (گیلفیسون، ۲۰۰۱: ۱۲). رانت خواری باعث می‌شود که دولت‌ها برای تأمین مالی مخارج و همچنین به وجود آوردن نهادهای قوی با زیرساخت قانونی دقیق حساسیتی نداشته باشند. اکثر کشورهای دارای منابع طبیعی، سیستم بروکراتیک دقیق و قوی ندارند و اتخاذ تصمیم در آنها ضعیف و بر پایه درآمدهای انتظاری از منابع است. در چنین شرایطی، زمینه برای فساد بیشتر، رشوه و جنایت فراهم می‌شود و انگیزه نوآوری و خلاقیت از بین می‌رود؛ زیرا خلاقان اقتصادی ترجیح می‌دهند که با سوء استفاده از این نهادهای ضعیف، رانت بالایی را کسب کنند و از فعالیت تولیدی که شاید حتی درآمد کمتری داشته باشد، خارج شوند.

### نتیجه‌گیری

میزان ذخایر نفت و گاز طبیعی ایران بیان‌کننده این واقعیت است که ایران ظرفیت و قابلیت رسیدن به یکی از محوری‌ترین شرکای مصرف‌کنندگان بزرگ جهان را دارا می‌باشد. بعد دیگری که باعث ارتقای اهمیت انرژی جهانی می‌گردد، واقع شدن ایران در مرکز کانون استراتژیک انرژی جهان می‌باشد. جفری کمپ در کتاب جغرافیای استراتژیک خاورمیانه با در نظر گرفتن اینکه، حدود ۷۰ درصد ذخایر نفت و بیش از ۴۰ درصد ذخایر گاز جهان در بیضی انرژی خلیج فارس - دریای خزر واقع گردیده آن (بیضی انرژی) را یکی از مهم‌ترین موقعیت‌های استراتژیک دوران کنونی می‌داند. در این نوشتار با بررسی آثار مثبت و پیامدهای منفی منابع انرژی این منطقه بر اقتصاد کشورهای حوزه خلیج فارس، چنین حاصل گردید که اقتصاد مبتنی بر نفت اقتصادی ناپایدار بوده و هیچگاه تأمین‌کننده‌ی ثبات برای کشورهای مالک خود نبوده است و تنها در صورتی کشورهای این حوزه روزی اقتصادی قوی خواهند داشت که رویکرد خود را نسبت به این منابع از کالای مصرفی به کالای سرمایه‌ای تغییر دهند و بازاری برای استفاده‌ی از این منابع ایجاد کند تا صرفاً منطقه‌ای برای تأمین عامل انرژی تولید سایر مناطق نبوده و با ایجاد زیرساخت‌های لازم منابع درآمدی از منطقه خلیج فارس در منطقه خلیج فارس استفاده شود.

## منابع

- ابن حوقل (۱۳۴۵)، *سوره الارض*، ترجمه دکتر جعفر شعار، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران.
- استخری، ابراهیم بن محمد (۱۳۴۷)، *المسالک و الممالک*، به کوشش ایرج افشار، انتشارات نشر کتاب، تهران.
- اهلرزی، اکارت (۱۳۶۵)، *ایران مبانی یک کشورشناسی جغرافیایی*، جغرافیای طبیعی، ترجمه محمدتقی رهنمایی، سحاب، تهران.
- بهبودی، داود، متفکر آزاد، محمد علی و رضازاده، علی (۱۳۸۸)، *اثرات بی‌ثباتی قیمت نفت بر تولید ناخالص داخلی در ایران*، فصلنامه‌ی مطالعات اقتصاد انرژی.
- بهجت، جودت (۱۳۸۰)، *امنیت نفت در هزاره جدید؛ ژئواستراتژی در برابر ژئواکونومی*، ترجمه قدیر نصری مشکینی، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره ۱۶۵-۱۶۶.
- تقدیسی، احمد (۱۳۸۴)، *اکولوژی خلیج فارس و چگونگی کاهش آلودگی آن*، مجموعه مطالعات همایش بین‌المللی خلیج فارس در گستره تاریخ، خرداد ۱۳۸۴، جلد سوم دانشگاه اصفهان، اصفهان.
- حافظ‌نیا، محمد رضا (۱۳۸۴)، *نقش استراتژیک خلیج فارس و تنگه هرمز*، انتشارات نصر.
- حافظ‌نیا، محمد رضا (۱۳۸۵)، *اصول و مفاهیم ژئوپلیتیک*، مشهد: انتشارات پاپلی.
- خدادادیان، اردشیر (۱۳۸۴)، *خلیج فارس در عرصه تاریخ جهان باستان*، مجموعه مطالعات همایش بین‌المللی خلیج فارس در گستره تاریخ، جلد سوم دانشگاه اصفهان، اصفهان.
- دامن‌پاک جامی، مرتضی (۱۳۸۸)، *دیپلماسی اقتصادی ج.ا.ایران در آسیای مرکزی*، چاپ اول، نشر وزارت امور خارجه، تهران.
- رامشت، محمدحسین (۱۳۶۶)، *جغرافیای طبیعی خلیج فارس*، معاونت دانشگاه اصفهان، اصفهان.
- ربیعی، حسین (۱۳۸۶)، *"نفت، ژئواکونومیک و آینده منطقه خلیج فارس"*، اطلاعات سیاسی و اقتصادی، شماره ۲۴۳-۲۴۴، ص ۸۰-۸۹.
- عزتی، عزت‌اله (۱۳۹۰)، *ژئوپلیتیک در قرن بیست و یکم*، چاپ چهارم، انتشارات سمت، تهران.
- عزتی، عزت‌اله و گل‌افروز، محمد (۱۳۹۲)، *راهبرد قدرت هوشمند ایران و نقش ژئوپلیتیک انرژی (نفت و گاز) در پیشبرد آن*، چشم‌انداز جغرافیایی در مطالعات انسانی، سال هشتم، شماره ۲۴.
- قاسمی، حاکم، نجومی، احسان (۱۳۸۷)، *"اقتصاد کشورهای حوزه خلیج فارس: یک فرآورده و دو دیدگاه"*، اطلاعات سیاسی و اقتصادی، شماره ۲۵۵-۲۵۶.
- قدسی، امیر (۱۳۹۰)، *تحولات ژئوپلیتیک خاورمیانه و تقابل استراتژی‌ها*، دوفصلنامه مطالعات بیدرای اسلامی.
- کاره، فرانسوا (۱۳۶۸)، *اقیانوس‌ها*، ترجمه محمود مصاحب، مجموعه چه می‌دانم، آموزش انقلاب اسلامی، تهران.
- کتابچه شرکت نفت و گاز پارس (۱۳۸۵) (روابط عمومی شرکت نفت و گاز پارس).

- کمپ، جفری، هارکاو، رابرت (۱۳۸۳)، *جغرافیای استراتژیک خاورمیانه*، ترجمه سید مهدی حسینی متین، تهران: پژوهشگده مطالعات راهبردی.
- متقی، ابراهیم (۱۳۸۶)، *نیازهای امروز سرمایه داری در حوزه انرژی*، تهران: همشهری دیپلماتیک، سال دوم، شماره ۲۲.
- مختاری هشی، حسین و نصرتی، حمیدرضا (۱۳۸۹)، *امنیت انرژی و موقعیت ژئوانرژی ایران*، فصلنامه بین‌المللی ژئوپلیتیک، سال ششم، شماره ۲.
- مصلی‌نژاد، عباس (۱۳۹۰)، *ایران و ضرورت تشکیل پیمان دفاعی: رهیافت‌ها و فرآیندها*، فصلنامه بین‌المللی ژئوپلیتیک، سال هفتم، شماره ۱.
- معتکف، فریده و امید اسفندیاری (۱۳۸۶)، *مهم‌ترین مرکز تجارت مروراید، بندر سیراف در زمان ساسانیان*، مجموعه مقالات کنگره بین‌المللی سیراف به اهتمام دکتر عبدالکریم مشایخی، جلد دوم، آبان ۱۳۸۴، بنیاد ایران شناسی بوشهر.
- ملکی، عباس (۱۳۸۶)، *امنیت انرژی و درس‌هایی برای ایران*، تهران: فصلنامه راهبرد یاس، شماره ۱۲، زمستان.
- موسوی شفایی؛ سید مسعود (۱۳۸۵)، *جایگاه سیاست انرژی در استراتژی امنیت ملی*، تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک، گزارش تحلیلی شماره ۱۴۵.
- مهرآرا، محسن؛ ابریشمی، حمید و زمانزاده نصرآبادی، حمید (۱۳۹۰)، *تفسیری از فرضیه‌ی نفرین منابع در کشورهای صادرکننده نفت، از چه سطح آستان‌های برای رشد اقتصادی، مضر است؟*، فصلنامه‌ی مطالعات اقتصاد انرژی، سال هشتم، شماره‌ی ۲۸.
- ویسی، هادی (۱۳۸۵)، *تفکر ژئواکونومی ۲۱ و تأثیر آن بر امنیت جمهوری اسلامی ایران* (مطالعه موردی انتقال گاز به هند)، *پایان‌نامه دوره کارشناسی/رشد*، دانشگاه تربیت مدرس تهران.
- Finn, M.G.(2000), Perfect Competition and the Effects of Energy Price Increase on Economic Activity, *Journal of Money, Credit and Banking*, Vol. 32, PP: 400-416.
- Glassner martin & Fahrher chuck(2004), *Political geography*,(USA: John Wiley & sons, Inc), p: 271.
- Gylfason, T.(2001), Natural Resources, Education, and Economic Development, *European Economic Review*, Vol.45, PP: 59-847.
- Hart.B.S(2011), ConocoPhillips, Shale- gas Production and Sequence Stratigraphy: What Makes the Best Part of the Best Plays, *Energy environment economy*.
- Ross, M.L.(2001), Does Oil Hinder Democracy? *World Politics*, Vol. 325, PP: 53-61.
- Winstone, Ruth, Paul Bolton & Donna Gore(2007), *Energy Security*, House 38 – of Commons Libt=rary ,RESEARCH PAPER 07/42, 9 MAY, P 1..

## تحلیل ساخت جزایر مصنوعی توسط امارات متحده عربی در خلیج فارس از منظر حقوق بین‌الملل

زهرا خداداد<sup>۱</sup>

### چکیده

حقوق بین‌الملل دریاها با فعالیت‌های انسانی در آب‌ها و اقیانوس‌ها سر و کار داشته است که بیشتر آن‌ها حول محور ماهیگیری و کشتیرانی به عنوان قدیمی‌ترین فعالیت‌های انسان در آب بوده‌اند. امروزه در اثر توسعه فناوری‌ها و پیشرفت فعالیت‌های انسان در دریا، یکی از موضوعات مهم فعالیت‌های حاشیه دریا، احداث جزایر مصنوعی است. از میانه این همه مناطق آبی در این کره خاکی، توجه به برخی مناطق دریایی به جهت اهمیت‌ای که در حوزه بین‌الملل دارند و نیز به سبب شکننده بودن محیط زیست‌شان، بیشتر از سایر مناطق دریایی مهم است. خلیج فارس یکی از این مناطق دریایی است. از اوایل هزاره‌ی ۲۱ میلادی کشور امارات، ساخت جزایر مصنوعی در حاشیه ساحلی سرزمین خود را آغاز کرده است. جزایری که بیش از یک دهه از ساخت آن می‌گذرد. این رخداد منجر به عواقب و نیز واکنش‌هایی شده است. این مقاله سعی کرده است این اقدام کشور امارات و نیز واکنش‌های که نسبت به آن صورت گرفته است، را از منظر حقوق بین‌الملل مورد نقد و تحلیل قرار دهد. نوشتار حاضر با هدف شناخت پیامدهای این مسئله از نظر حقوقی به ویژه حقوق بین‌الملل محیط زیست تهیه شده است. انتظار آن است که حقوقدانان کشورمان با توجه به قوانین و مقررات بین‌المللی و منطقه‌ای مرتبط با موضوع، بیشترین تلاش‌شان را در جهت استفاده از ظرفیت‌ها با توجه به منافع داخلی و نیز دفاع از آن‌ها به کار گیرند. این پژوهش به شیوه‌ی اسنادی و با هدف توجه بیشتر حقوقدانان و مقامات و به ویژه مسوولان مرتبط با موضوع در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی تهیه شده است.

**واژگان کلیدی:** جزایر مصنوعی، حقوق بین‌الملل دریاها، حقوق بین‌الملل محیط زیست، خلیج فارس، امارات متحده عربی

## مقدمه

براساس کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها، ساخت جزایر مصنوعی مجاز شناخته شده است و کشورها اجازه دارند برای اهداف پژوهشی، تحقیقاتی و بهره‌برداری از منابع دریایی به ساخت این گونه جزایر در حوزه حاکمیتی خود مبادرت کنند، ولی این جزایر فاقد مرزهای دریایی (دریای سرزمینی، منطقه نظارت، منطقه انحصاری اقتصادی و فلات قاره) هستند و کشورهای سازنده نمی‌توانند در این زمینه ادعایی داشته باشند. اما امروزه حرکت رو به رشد ساخت این جزایر به ویژه در منطقه خلیج فارس و پیچیدگی‌های زیست‌محیطی پدید آمده، موجب طرح برخی نگرانی‌ها از این روند شده است. در حال حاضر پروژه‌های متعدد ساخت جزایر مصنوعی در خلیج فارس وجود دارد. مهم‌ترین این پروژه‌ها توسط کشور امارات متحده عربی در حال احداث است.

امارات آخرین کشوری بود که در ۱۹۷۱ با شش ایالت به پایتختی ابوظبی مستقل شد. رأس‌الخیمه هم به عنوان هفتمین استان به امارات پیوست. داشتن منابع غنی انرژی و اتخاذ سیاست ایجاد منطقه آزاد اقتصادی، باعث شد امارات خیلی زود به کشوری ثروتمند تبدیل شود. دبی موفق‌ترین ایالت برای جذب سرمایه‌ی خارجی کشور امارات بوده است. ساخت شهر دبی و مدرنیزه کردن آن که به سبک شهر لاس وگاس آمریکا ساخته شد هزینه‌ای در حدود ۹۰ میلیون دلار تا سال ۲۰۱۰ داشته و همه‌ی این‌ها برای جذب سرمایه صورت گرفته است. در کنار آن امارات پروژه‌ی احداث جزایر مصنوعی را شروع کرد. این نوع جزایر تأثیرات زیادی می‌تواند داشته باشد. آنچه که در امارات تا به حال به آن اشاره داشته، بدست آوردن منافع اقتصادی بیشتر و جذب بیشتر گردشگر بوده است. پروژه جزایر پالم (نخل) اولین جزیره مصنوعی‌ای بوده که در دبی ساخته شد. بعد از آن شرکت اقتصادی نخیل<sup>۱</sup> یکی از بزرگ‌ترین شرکت‌های احداث جزایر مصنوعی، پروژه العالم<sup>۲</sup> را شروع کرد. ساخت این جزایر هزینه‌هایی بالغ بر بیلیون‌ها دلار داشته و انتظار آن بوده که تا پایان سال ۲۰۱۵ پروژه تکمیل گردد، هرچند که در عمل این انتظار محقق نشده است (Dadandish & Rahanavaed, 2013: 116-117). جزیره پالم و العالم که با مشارکت کنسرسیوم چندجانبه آمریکایی انگلیسی اماراتی ساخته شده است. این جزایر به شکل یک نخل و ۳۰۰ جزیره به صورت نقشه‌ی جهان است. شرکت مذکور قصد داشته سواحل امارات را تا ۱۰۰۰ کیلومتر توسعه دهد، در حالیکه قبلاً ۶۵۰ کیلومتر بوده و آن زمان ایران بیشترین خط ساحلی را تا حدود ۱۲۵۰ کیلومتر داشته است. القصر جزیره‌ای است که توسط امیرنشین رأس الخیمه امارات ساخته شده است. النجوم ده جزیره را در بردارد که پیش از چهار هزار ویلا و واحد تجاری را شامل

1-Nakheel

2-World



می‌شود و توسط امیرنشین شارجه ایجاد شده است. بنابراین با توجه به اهمیت موضوع در این پژوهش ضمن بررسی و تحلیل عملکرد کشورهای حاشیه خلیج در این خصوص به ابعاد حقوقی و زیست‌محیطی ساخت جزایر مصنوعی در دریای خلیج فارس پرداخته خواهد شد.

### ضرورت و اهمیت موضوع

با توجه به این که موضوع محیط‌زیست امری مهم و حق داشتن محیط‌زیست سالم در زمره‌ی یکی از حق‌های بشری است توجه به این موضوع از نظر حقوق محیط‌زیست به ویژه محیط‌زیست دریایی شکننده‌ی خلیج فارس بسیار حائز اهمیت است. مضاف بر این، در این رخداد پای منافع ملی کشورمان ایران در میان است و به همین جهت انتظار می‌رود حقوقدانان داخلی با توجه به قواعد بین‌المللی و منطقه‌ای مرتبط با موضوع بیشترین تلاششان را در جهت استفاده از ظرفیت‌ها با توجه به منافع داخلی و نیز دفاع از آن‌ها به کار گیرند.

با توجه به اهمیت موضوع این پژوهش به دنبال تحلیل سه سوال ذیل می‌باشد:

عملکرد کشور امارات در ساخت جزایر مصنوعی در حاشیه‌ی خلیج فارس از نظر حقوقی چگونه تحلیل می‌شود؟ بهترین واکنش کشورهای همسایه دیگر (به طور خاص ایران) از نظر حقوقی چه واکنشی باید باشد؟ رژیم حقوقی جزایر مصنوعی چیست؟ به عبارت دیگر آیا ادعاهای احتمالی امارات می‌تواند دارای جایگاهی از نظر منطبق حقوق بین‌الملل داشته باشد؟

با توجه به مساله پژوهش به نظر می‌رسد ساخت جزایر مصنوعی توسط کشور امارات متحده عربی به دلیل در نظرنگرفتن ملاحظات محیط‌زیستی و عدم اطلاع‌رسانی و نیز همکاری با سایر کشورهای همسایه، نقض مقررات مربوط به محیط‌زیست دریاها مندرج در کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها و نیز کنوانسیون منطقه‌ای کویت است و نیز نمی‌تواند موجب ادعای این کشور مبنی بر گسترش مرز دریایی در خلیج فارس قلمداد گردد.

### جایگاه خلیج فارس و اهمیت آن در منطقه و جهان

خلیج فارس، دریایی نیمه بسته با گستره‌ای برابر با ۴۰ هزار کیلومتر مربع است.<sup>۱</sup> این دریا از طریق تنگه‌ی هرمز به اقیانوس هند راه دارد و در منطقه‌ی گرمسیری و خشک جای گرفته است. این وضع محیطی سبب شده است که دامنه‌ی تحمل آبیان در این پیکره‌ی آبی، زیر فشارهای سنگین ناشی از دگرگونی‌های محیطی کم باشد و در برابر آلاینده‌ها سخت آسیب‌پذیر باشند. محیط‌زیست خلیج

۱ - طبق ماده ۱۲۲ کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها، خلیج فارس را می‌توان یک دریای نیمه بسته قلمداد نمود.

فارس به علت شرایط آب و هوایی، بسیار شکننده و آسیب‌پذیر است. ورود کمترین آلاینده به آن آثاری زیانبار بر سلامت آبزیان دارد، زیرا گرمای آب دریا در تابستان گاهی به ۳۶ تا ۳۷ درجه در جنوب و ۱۲ درجه در شمال خلیج فارس می‌رسد. بدین‌سان میانگین آن در سطح دریا ۲۴ تا ۲۶ درجه است. همچنین با شدت گرفتن گرما میزان تبخیر بسیار بالا می‌رود و به ۱۴۰۰ میلیون لیتر در سال می‌رسد (Taylor, 2008:40).

در منطقه خلیج فارس، پایگاه‌های متعددی وجود دارد که متعلق به قدرت‌های بزرگ است و این کشورها با استفاده از تجهیزاتی که در این پایگاه‌ها دارند، براحتی می‌توانند به هر نقطه‌ای که بخواهند لشگرکشی کنند. حساسیت این منطقه، همواره ابرقدرت‌ها را بر آن داشته تا کوشش‌های خود را جهت حضور مستقیم در منطقه، شدت بخشند. سابقه‌ی حضور فیزیکی و نظامی کشورهای قدرتمند به گذشته‌های دور مانند حضور نظامی کشورهایایی چون پرتغال، هلند، فرانسه، انگلستان و آمریکا بر می‌گردد. سیاست‌های غلط حاکمان منطقه و دعوت از قدرت‌های بزرگ برای حضور نظامی باعث شده که ناوگان‌های عظیم و پیشرفته کشورهای قدرتمند در این منطقه حضور داشته باشند.

بودجه‌های کلانی که سالیانه صرف خرید تسلیحات عظیم و پیشرفته می‌شود، با اهداف گوناگونی در این منطقه صورت می‌پذیرد. خریدهای هنگفتی که کشورهای عربی منطقه به‌ویژه عربستان داشته‌اند، این منطقه را تبدیل به یک انبار بزرگ تسلیحاتی کرده است. وجود تنگه هرمز در این منطقه به عنوان شاهراهی حیاتی که بیشتر سوخت مصرفی جهان صنعتی از آنجا تأمین می‌شود و همچنین وجود جزیره‌ها و مناطق استراتژیک دیگر بر اهمیت نظامی خلیج فارس افزوده است.

علاوه بر عامل مهم نفت که در سراسر قرن گذشته، خلیج فارس را به صورت مهم‌ترین منطقه استراتژیکی غرب و شرق درآورده است. اهمیت خلیج فارس به دلایل زیر برای ایران مهم است: تمام نفت ایران از خلیج فارس و تنگه هرمز صادر می‌شود. لذا مهم‌ترین دلیل اهمیت خلیج فارس برای صادرات نفت از این منطقه است. به همین علت از دهه ۷۰ به بعد مقامات ایرانی اعلام کردند که این تنگه، شاه‌رگ حیاتی ایران است؛ لذا سعی بر این است که همواره باز باشد. دلیل بعدی اهمیت خلیج فارس برای ایران تجارت ۸۰ درصدی برای کشورمان است که از این نقطه صورت می‌گیرد. دلیل سوم این که در دو دهه اخیر ایران، سرمایه‌گذاری‌های زیادی در جزایر و بنادر خلیج فارس انجام داده است که در مقایسه با قرن ۱۹ که از مناطق محروم به شمار می‌رفت. سرمایه‌گذاری‌ها باعث توجه بیشتر بین‌المللی و داخلی شده که اهمیت بیشتری پیدا کرده است. چهارمین دلیل اهمیت خلیج فارس برای ایران وجود حوزه‌های نفتی و گازی ایران در این منطقه

است. عمده ذخایر نفتی ایران در خوزستان است. بزرگترین حوزه های گازی ایران نیز عبارتند از: پارس جنوبی که در وسط آب های خلیج فارس بین قطر و بوشهر، کنگان در بوشهر، جبرزین در قشم و سرخون در بندرعباس قرار دارند. اهمیت پنجم خلیج فارس برای ایران وجود کارخانجات و صنایع بزرگ ایران از جمله صنایع فولاد، کشتی سازی، پالایشگاه ها و نیروگاه هسته ای در خلیج فارس است. اهمیت بعدی خلیج فارس برای ایران مربوط به بعد نظامی و امنیتی است. خلیج فارس از جمله مناطقی است که نقش به سزایی در اتخاذ تصمیمات و مقابله با تهدیدات نظامی دارد. بنابراین خلیج فارس در ابعاد گوناگون همواره اولویت اول را در اتخاذ تصمیمات و اجرای سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران داشته و دارد و در سطح بین المللی نیز از جمله مناطقی است که به علت موقعیت ویژه جغرافیایی و دارا بودن منابع فراوان نفتی و دریایی و برجستگی های استراتژیکی و ژئوپولیتیکی همواره از اهمیت خاصی برخوردار است و همچنان که ذکر شده به علت موقعیت ویژه خود چه در بعد سیاسی اقتصادی و چه در بعد جغرافیایی نظامی یکی از کانون های بحران در دنیا نیز هست که البته با مدیریت صحیح و کارآمدی فعال و دیپلماسی پویا و قوی می توان تهدیدها را در این منطقه و به خصوص منطقه خلیج فارس به فرصت تبدیل کرد (خوش آیند دولت آباد، ۱۳۸۹).

خلیج فارس با همه دشواری های محیطی و آب و هوایی که بر آن سایه افکنده، از گوناگونی زیستی گسترده ای برخوردار است. برای نمونه حدود ۴۵۰ گونه ماهی در آن زندگی می کنند. افزون بر ماهی ها بین ۳۰۰ الی ۴۵۰ گونه آبی دیگر نیز در این دریا یافت می شود و همین، خلیج فارس را از نظر تنوع زیستی در شمار مناطق منحصربه فرد جهان در آورده است. خلیج فارس یکی از زیستگاه های مهم مرجان های دریایی است، اما در سال های گذشته آلودگی فزاینده و افزایش غلظت آب به نابودی و خفه شدن مرجان ها انجامیده است، زیرا آبزیان دیگر نمی توانند به راحتی غذای خود را از آب تأمین کنند. از سوی دیگر خلیج فارس منطقه ای غنی و دارای ذخایر نفتی بسیار زیادی است. براساس آمارهای جهانی نزدیک به ۶۵ درصد ذخایر شناخته شده نفت جهان (۷۵۰ میلیارد بشکه) در این منطقه قرار دارد. بنابراین خلیج فارس مرکز ثقل تأمین انرژی جهان محسوب می شود (عباسی اشقلی، ۱۳۹۰: ۴۸). حدود ۹۰ درصد صادرات نفت و فرآورده های نفتی خلیج فارس با نفتکش های دنیا از راه تنگه ی هرمز انجام می شود و سالانه حدود ۴۰ هزار شناور از این تنگه عبور می کند. براساس آمار و برآوردهای انجام شده، ۵۷،۱ درصد آلودگی های نفتی خلیج فارس مربوط به حمل و نقل نفتکش ها و ۲۲،۴ درصد مربوط به بهره برداری از دریاست. به طور کلی، محیط زیست اصلی دریایی در خلیج فارس، به آب های کم عمق کمتر از ۱۰ الی ۱۲ متر محدود می شوند (Ponian, 2003: 1-5). این شرایط اوضاع زیست محیطی خلیج فارس را بیش از پیش وخیم می کند.

از عوامل دیگر آلودگی محیط‌زیست دریایی خلیج فارس سرازیر شدن فاضلاب مناطق شهری و واحدهای صنعتی، معدنی و تجاری، بندرگاه‌ها و اسکله‌ها است. در این میان آنچه در سال‌های اخیر علاوه بر موارد مذکور، بر نگرانی کشورهای حاشیه خلیج فارس در خصوص وضعیت زیست‌محیطی آن افزوده، ساخت جزایر مصنوعی از سوی برخی کشورهای حاشیه این دریای نیمه بسته است. ساخت این جزایر مسکونی و تفریحی محیط‌زیست آن را در شرایط وخیم‌تری قرار خواهد داد.

### پیشینه ساخت جزایر مصنوعی و نقش آن

بسیاری از کشورها بویژه آنهایی که با کمبود زمین برای ساختمان‌سازی روبه‌رو هستند، علاقه چشمگیری به این پروژه‌های دریایی نشان می‌دهند. طرح‌ریزی و پیگیری چنین پروژه‌هایی کمابیش به چند دهه پیش باز می‌گردد. نخستین شهر شناور دریایی در اوزاکای ژاپن در ۱۹۷۵ به نمایش گذاشته شد. این پروژه شامل چهارپایه آکواپلیس<sup>۱</sup> زیرآبی بزرگ و شناور از جنس استیل بود که مساحت آن کمابیش یک هکتار و ارتفاع آن هزار متر در نظر گرفته شده بود. امروزه چنین جزایری را در اتریش (جزیره دانوب)، کانادا (جزیره نتردام<sup>۲</sup> در مونترآل)، دانمارک (جزیره پپر<sup>۳</sup>)، هنگ کنگ و... نیز وجود دارد. این سازه‌ها در بسیاری از کشورها، مانند سکوهایی برای توسعه زیرساخت‌هایی همچون فرودگاه، بندر، بزرگراه و نیز برای بازسازی نواحی بومی و برپا کردن فضاهای تازه گردشگری و اقامتگاهی به کار رفته‌اند. همچنین، فعالیت‌های وابسته به آب، مانند ترابری دریایی، ماهیگیری، کشاورزی و گردشگری ساحلی، درخواست برای گسترش فضا در شهرها و کشورهای کرانه‌ای را افزایش داده است. در خلیج فارس نیز جزایر مصنوعی برای دسترسی به فضای بیشتر برای هدف‌های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی ساخته شده است (محمدی و سیفی‌نژاد، ۱۳۹۳، ۳۵). لذا با توجه به افزایش جمعیت جهان، توجه به پیامدهای حقوقی سیاسی جزایر مصنوعی توسط دولت‌های ساحلی در آینده اهمیت دارد.

بر اساس پیشنهاد بریتانیا مبنی بر ساخت شهر شناور با سکونت سی هزار نفر در دهه ۱۹۷۰، ساخت جزایر مصنوعی دبی می‌تواند به عنوان واقعیت این ایده در قرن ۲۱ در نظر گرفته شود. امروزه شماری از فرودگاه‌ها در کشورهای جنوب آسیا در سواحل دریایی و یا در دریا و اقیانوس‌ها ساخته شده‌اند. احداث چنین زیرساخت‌هایی پیامدهای حقوقی در سطح بین‌المللی برای کشورهای سازنده و کشورهای همسایه دارد.

1 - Aquapolic

2 - Notre-Dame

3 - Pepper

بر اساس کنوانسیون ۱۹۵۸ حقوق دریاها، تأسیسات خاص برای اکتشاف و استخراج منابع طبیعی در فلات قاره به مقررهای جزایر طبیعی در برنارد، پس تولید هر امتیازی برای کشوری که جزیره مصنوعی می‌سازد وجود ندارد. بنابراین، جزایر مصنوعی در تعیین خط ساحلی در نظر گرفته نمی‌شوند. اما علی‌رغم آن برای کشور سازنده جزیره مصنوعی، معامله‌کردن برای تحدید مرزها را افزایش می‌دهد.

### علل گرایش به جزیره‌سازی مصنوعی در کشورهای حوزه خلیج فارس

امارات متحده عربی از سال ۱۹۷۱ تاکنون درباره مالکیت بر جزایر سه گانه درگیری‌های لفظی با ایران داشته است. از سال ۱۹۷۱ که دو کشور بحرین و قطر به همراه هفت امیرنشین دیگر سعی در تشکیل کنفدراسیون عربی را داشتند، به علت استقلال بحرین آنها به ایران اعلام کردند که هزار جزیره را خواهیم ساخت. همانگونه که در سطور پیشین اشاره گردید، در حال حاضر برنامه‌ی عملیاتی برای ساخت ۳۲۵ جزیره اجرایی شده است. بنابراین مقداری از گرایش آنها به جزیره سازی به دلیل مسائل سیاسی است. بخشی از آن نیز مربوط به بحث‌های اقتصادی است. مثلاً شرکت داماک به عنوان بزرگترین برج ساز و سازنده مسکن در دوبی در قرعه کشی‌های فروش مجتمع‌های مسکونی خود برای هر مجتمع چند صد واحدی یک مسابقه برگزار می‌کند که هر کسی که در آن برنده شود می‌تواند مالک یک جزیره کوچک بعلاوه یک جت شود. در واقع علل ساخت جزایر، ترکیبی از عوامل اقتصادی و سیاسی است.

برخی معتقدند با توجه به آنچه که در دوبی اتفاق افتاده است، در ابتدا باید به بحث اقتصادی توجه کرد. به عبارتی دیگر، آنها در حال انجام ساز و کاری هستند که نوعی گذار تمدنی از درآمدهای نفتی ایجاد کنند. در واقع آمریکا سال ۲۰۲۵ را سال بحران اقتصادی ناشی از کاهش منابع انرژی پیش بینی کرده و به همین دلیل آمریکایی‌ها می‌خواهند وابستگی خود به نفت خلیج فارس را کاهش دهند. یعنی در آینده امکان این پیش‌بینی که دیگر نفت به قیمت ۵۰ دلار نرسد وجود دارد، لذا کشورهای توسعه‌یافته به دلیل مسائل زیست‌محیطی و اقتصادی و تا حدی سیاسی، برنامه‌ای برای گذار تمدن نفتی تدارک دیده‌اند و برخی کشورهای نفتی هم خود را برای آن آماده می‌کنند. لذا بخشی از علل ساخت این جزایر مربوط به دلایل اقتصادی است و بخشی از آن مربوط به ایجاد جذابیت این کشورها برای اتباع سایر کشورها است. وجود اتباع سایر کشورها برای محیط آینده امنیتی منطقه شکننده خواهد بود. اگرچه سکنی‌گزیدن اتباع خارجی در این جزایر شمشیر دو لبه است و منجر به تغییراتی در محیط امنیتی منطقه خلیج فارس خواهد شد. اما حضور و ماندگاری کشورهای قدرتمند جهان به واسطه اسکان شهروندان ثروتمند خود، سیاستمداران و

هنرپیشه‌ها و ورزشکاران در این منطقه باعث می‌شود تا در بلند مدت نگرانی آمریکا و غرب نسبت به اتباعش را افزایش دهد و علی‌رغم بی‌نیازی به نفت در این منطقه ماندگار شوند (معین آبادی، ۱۳۹۱).

در حال حاضر آمریکایی‌ها وابستگی نفتی خود را کاهش می‌دهند و پیش‌بینی می‌شود از این منطقه خارج گردند و برقراری امنیت را به سایر متحدین خود بسپارند؛ اما اگر اتباع آنها در اینجا حضور داشته باشند، لاجرم منجر به نگرانی امنیتی آمریکا شده و برخی معادلات استراتژیک را تغییر خواهد داد. اسکان افراد ثروتمند و موثر منجر به فوران درآمد گردشگری می‌شود. همچنین شرکت‌ها و اتباع کشورهای مختلف در این منطقه سکنی می‌گزینند که می‌تواند امنیت اقتصادی خلیج فارس را ارتقاء دهد. برخلاف کشورهای کوچک خلیج فارس ما همیشه نگران حضور بیگانگان در منطقه هستیم. اما آنها به دلیل شکنندگی و ذره‌ای بودن، و مشکل عدم یکپارچگی سیاسی سعی کرده‌اند مجموعه‌ای از عوامل اقتصادی و سیاسی و فرهنگی را ایجاد کرده و در آینده نیز امنیت خود را حفظ کنند. چنانچه امروزه درآمدهای دویی بر بورس لندن تأثیرگذار است، در واقع این کشورهای کوچک با برنامه‌ریزی موثر اقتصادی و اتباع سایر کشورها را درگیر کرده و در آینده امنیت خود را با امنیت غرب گره خواهند زد. در همین راستا تلاش می‌کنند افرادی که از نظر پولی و فرهنگی موثر هستند را جذب این جزایر مصنوعی کنند.

**پیامدهای ایجاد شده و احتمالی ساخت جزایر مصنوعی در منطقه و تأثیر آنها نسبت به کشورهای همسایه**  
ساخت جزایر مصنوعی در این منطقه آثاری را به دنبال داشته است و درکنار آن، کارشناسان احتمال ایجاد پیامدهایی را نیز در آینده در گزارش‌های خود بیان کرده‌اند. این آثار و پیامدها در نگاه اول ممکن است برای کشورهای سازنده منافع اقتصادی به همراه داشته باشد، حال آن‌که پیامدهای ژئوپلیتیکی، سیاسی، محیط‌زیستی، اجتماعی و فرهنگی نیز در این مقوله مورد توجه باید قرار گیرد که در این گزارش به هر کدام به تفکیک پرداخته خواهد شد.

از منظر اقتصادی، این جزایر سبب جذب منابع مالی بسیار زیاد به سوی کشور امارات شده است. همانطور که بیان شده هم بخش دولتی و هم بخش غیردولتی امارات بسیار بهتر از ایران موفق به جذب سرمایه‌گذاری خارجی از کشورهای مختلف که حتی در مواردی شامل ایران هم می‌شود شده است. این مسئله امارات را به بزرگترین رقیب تجاری اقتصادی ایران در اکتشاف و استخراج نفت در حاشیه خلیج فارس تبدیل کرده است. امارات حدود ۴/۵ میلیون نفر جمعیت دارد که از این میان تنها یک میلیون اماراتی الاصل هستند و الباقی تبعه‌ی خارجی مقیم در امارات

هستند که آنجا کار می‌کنند. ساخت این جزایر امارات را یکی از قطب‌های اقتصادی خاورمیانه ساخته است.

از نظر زیست‌محیطی، جزایر مصنوعی امارات، مورفولوژی خلیج فارس را تغییر خواهد داد. خشک شدن دریا در کرانه‌های جنوبی خلیج فارس به دست امارات، پدیده‌ای است که گذشته از تأثیر بر محیط‌زیست، می‌تواند در راستای ادعاهای احتمالی امارات در آینده مبنی بر احتساب خط مبدا دریایی و گسترش آب‌های سرزمینی و پیش آوردن مرزهای آبی خود به سوی جزیره‌های ایرانی بویژه جزیره استراتژیک ابوموسی باشد؛ زیرا پس از ساخت این جزایر، چه بسا امارات در آینده، ادعای افزایش آب‌های سرزمینی (به عنوان خط مبدأ دریایی) را مطرح کند. این ادعا همچنین مایه پدید آمدن تنش در زمینه بهره‌برداری از منابع دریایی و کف دریا می‌شود که وضع آن هنوز میان دو کشور قطعی نشده است؛ و نیز با اجرای این پروژه، فاصله امارات با جزیره ابوموسی یعنی دورترین جزیره ایرانی از خاک ایران، کمابیش ۱۰ کیلومتر کمتر خواهد شد (محمدی و سیفی نژاد، ۱۳۹۳: ۳۶-۳۷).

به گزارش کارشناسان سازمان‌های ناظر بین‌المللی موارد زیر مهم‌ترین پیامدهای نخستین دستکاری آشکار در طبیعت خلیج فارس است:

- تنها کرانه مرجانی شناخته شده در دبی، در این عملیات از میان رفته است؛
- آشیانه‌های ساحلی لاک پشت‌های دریایی (گونه خاص منطقه خلیج فارس) ویران شده است؛
- جریان‌های طبیعی آب تغییر مسیر داده است؛
- گل و لای ناشی از کار، آب‌های شفاف و شیشه‌ای را به لجن‌زار در محدوده این جزایر مصنوعی تبدیل کرده است، که رو به پیشروی است؛
- روانه شدن آب‌های ناپایدار فصلی از اقیانوس هند به خلیج فارس، سطح آب را بالا می‌آورد؛
- نوسان‌های سطح تراز آب به هنگام تغییرات فصلی، بر کرانه‌ها اثر می‌گذارد و سطح تراز را تغییر می‌دهد. هنگامی که موج به سوی ساحل می‌رود، در خط شکست خود دانه‌های رسوب را از نقطه-ای به نقطه دیگر می‌برد. بدین‌سان، وجود هرگونه مانع در خلیج فارس سبب می‌شود رسوبات به آن برخورد کند، همان‌جا انباشته شود و مایه تغییر خطوط جریان گردد. سرعت جریان آب در اندازه جابه‌جا شدن رسوب بسیار مؤثر است و با گذشت سال‌ها، جریان آب آنها را از جای خود بلند می‌کند و به جای دیگری می‌برد. ساخت جزایر مصنوعی از سوی امارات در طول‌ها و به شکل-های گوناگون، بر چرخه طبیعی جریان‌های جزر و مدی که مایه خلوص طبیعی آب دریا می‌شود، اثر گذاشته است؛

- این جزایر مصنوعی، الگوی جریان‌های دریایی در کرانه‌های ایران و جزایر قشم، ابوموسی، تنب بزرگ، تنب کوچک، سیری و حتی تا اندازه‌های جریان‌های ورودی و خروجی از تنگه هرمز را نیز در درازمدت دگرگون خواهد کرد و موجب تغییرات جدی در اکوسیستم منطقه و چه بسا جابه‌جایی جنگل‌های حرا و درختان ساحلی و دریایی خواهد شد؛
- جهت بیشتر بادهای خلیج فارس شمال غربی است که در زمستان شدت بیشتری از تابستان دارد. بنابراین خلیج فارس در زمستان زیر فشار هوای بیشتری ناشی از این بادهای روی سطح آب است و همین، بر سطح تراز آب اثر می‌گذارد. ساخت این جزایر بر جریان‌های ناشی از باد نیز اثر جدی خواهد گذاشت؛
- در زمستان، در شمالی‌ترین نقاط خلیج فارس، آب چگالی بیشتری در سنجش با بخش‌های جنوبی و باختری دارد و در کرانه‌های جنوبی و باختری خلیج فارس به علت اعتدال بیشتر اقلیم در زمستان و نیز تبخیر زیاد، شوری آب بیشتر است و این شوری یکی از عوامل کنترل‌کننده انتقال رسوب شمرده می‌شود. ایجاد مانع، با ساخت جزایر مصنوعی در خلیج فارس، می‌تواند بر چرخه آب اثر گذارد؛
- با توجه به پیشروی جزایر مصنوعی در آب‌های خلیج فارس که درازای آنها به کیلومترها می‌رسد، فشار هیدرودینامیک آن بر بدنه آب آثار درازمدت مورفولوژیک می‌گذارد که پیامد آن برای جزایر ایرانی ابوموسی، تنب بزرگ، تنب کوچک و سیری نگران‌کننده خواهد بود (سعیدی و همکاران، ۱۳۹۰: ۲۶-۲۵).

#### بررسی عملکرد کشورهای همسایه (مخصوصاً ایران) نسبت به احداث جزایر مصنوعی

کشورهای عربی همسایه خلیج فارس عمدتاً موضع مخالف از خود ابراز نداشته‌اند و اتفاقاً اقدام مذکور از طرف امارات کشورهای عرب دیگر همسایه‌ی خلیج فارس را نیز ترغیب به ساخت جزایر مصنوعی کرده است. بحرین ساخت جزیره دو دریا، کویت ساخت جزیره تفریحی سبز، قطر ساخت جزیره مروارید با امکانات کامل برای زندگی ۳۰ هزار نفر را در دست احداث دارند (Tsaltas and Bourtzis, 2009:5).

دولت ایران در مورد این موضوع از نظر دیپلماسی موضع شفاف و قاطعانه‌ای نسبت به امارات در پیش نگرفته است. شایعه‌ی ارسال نامه از طرف سازمان حفاظت محیط‌زیست به وزارت امور خارجه در زمان تصدی آقای احمدی نژاد به مسند ریاست جمهوری جهت اعتراض به امارات نیز تکذیب شد. هم‌چنین نامه‌ای که از سوی فراکسیون محیط‌زیست مجلس هفتم به سازمان ملل ارسال شد به دلیل عدم پیگیری وزارت امور خارجه بی‌پاسخ ماند.



گرچه دولت ایران به گونه رسمی و در سطح بالا به ساخت این جزایر اعتراض نکرده است، اما معاون رئیس سازمان حفاظت از محیط زیست، خواستار هماهنگی دولت امارات با همسایگان برای بررسی مسئله و جلوگیری از آلودگی آب های خلیج فارس شده است. همچنین رییس فراهسیون محیط زیست در مجلس شورای اسلامی در نامه ای به دبیر کل سازمان ملل خواستار رسیدگی به این موضوع شده است. به گفته ی سردار صفوی: «حوزه ژئوپولیتیکی خلیج فارس همچنان تا دهه های آینده کانون توجه، تنش و رقابت های بین المللی و منطقه ای خواهد بود و منشأ این تنش ها اکثراً اهداف و منافع قدرت های فرامنطقه ای است ولیکن برخی از رقابت های محلی بین کشورهای جنوب خلیج فارس و ایران هم می تواند کانون این تنش ها باشد. احداث این جزایر باعث پیچیده تر شدن اختلافات موجود اماراتی ها با ایران و نیز باعث واگرایی و تیره شدن بیشتر روابط کشورها خواهد شد.» (امیدی، ۱۳۸۶: ۷۴).

منوچهر متکی نیز در زمان تصدی اش در وزارت خارجه مسئله محیط زیست را یکی از نگرانی های منطقه خلیج فارس برشمرده و در این باره تاکید کرده بود که منطقه خلیج فارس به دلیل داشتن منابع انرژی و ترافیک حمل و نقل و تجارت از اهمیت بالایی برخوردار است. وزیر سابق خارجه در ادامه از احداث جزایر مصنوعی در خلیج فارس انتقاد کرده و گفته بود که احداث جزایر مصنوعی تبعات زیست محیطی فراوانی برای منطقه خلیج فارس به دنبال دارد و موجب کندی گردش آب خلیج فارس می شود. بنابراین باید با دقت بیشتری به موضوع ایجاد جزایر مصنوعی نگریسته شود.

در سال های آخر دولت دهم ایران نسبت به این موضوع سکوت بیشتری اتخاذ داشته که بیشترین دلیل آن به توقف پروژه ساخت جزایر مصنوعی به دلیل بحران های مالی بین سال های ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۳ مربوط است. اسماعیل کهرم نسبت به احتمال ساخت نیروگاه هسته ای و بروز فاجعه انسانی در منطقه در اثر پسماند سرشار از مواد رادیواکتیو و ورود به آب خلیج فارس هشدار داد. مخصوصاً دکتربین ایران و حقوقدانان از موضع شرکت های ایرانی در اقدام به فروش سنگ و شن ایران برای ساخت جزایر مصنوعی در امارات تحت عنوان صادرات غیر نفتی انتقاد کرده اند. توضیح آن که اقدام ایران در فروش سنگ و شن به شرکت های سازنده جزایر می تواند تحت عنوان قاعده ی استاپل برای امارات ادعای رضایت ایران به وضع موجود را به همراه داشته باشد.

### تحلیل حقوقی عملکرد کشور امارات در ساخت جزایر مصنوعی

#### رژیم حقوقی جزایر مصنوعی

#### تعریف جزایر مصنوعی

جزایر مصنوعی در شکل قدیمی آنها شامل ساختارهای شناور در آب، و یا ساخت و سازهای روی آب‌های بسیار کم عمق می‌شد اما امروزه، جزایر مصنوعی از طریق پیشروی خشکی در دریا ایجاد می‌شوند. جزایر مصنوعی، تأسیساتی انسان ساخته است که همه سوی آن را آب فرا گرفته و بالاتر از سطح بزرگترین امواج آب، در یک مکان جغرافیایی ویژه و برای یک دوره زمانی خاص یا حتی دوره‌ای طولانی و نامحدود با کارکردهای گوناگون در دریا برپا می‌شود. برپایه‌ی تعاریف مذکور در کنوانسیون‌های ۱۹۵۸ و ۱۹۸۲ حقوق دریاها، «جزیره عبارت است از قطعه زمینی که به طور طبیعی به وجود آمده باشد و اطراف آن را آب فرا گرفته باشد. تمام جزایر دارای دو قلمرو دریای سرزمینی و منطقه نظارت هستند. اما جزایر مصنوعی فاقد هر نوع قلمرو دریایی‌اند» (پیشگامی فرد، ۱۳۸۴: ۹).

#### صلاحیت دولت ساحلی نسبت به جزایر مصنوعی

براساس کنوانسیون حقوق بین‌الملل دریاها حاکمیت دولت‌ها در دریای سرزمینی به جز در حق عبور بی‌ضرر کشتی‌ها مطلق است؛ بنابراین، این حق به آنها داده شده است که به ساخت این جزایر یا سایر تأسیسات مصنوعی در این محدوده آبی مبادرت کنند و هیچ خدشه‌ای بر حقوق آنها وارد نیست. علاوه بر این، دولت‌ها در منطقه انحصاری اقتصادی و نیز در دریای آزاد حق ساخت جزایر مصنوعی را دارند. ماده ۵۶ کنوانسیون حقوق دریاها در بند ب قسمت ۱ به این حق اشاره داشته است:

«ماده ۵۶: حقوق، صلاحیت و تکالیف کشور ساحلی در منطقه انحصاری اقتصادی: ۱- در

منطقه انحصاری اقتصادی، کشور ساحلی:

ب) کشورها در مقررات این کنوانسیون در ارتباط با امور زیر صلاحیت دارد:

۱- ساخت و استفاده از جزایر مصنوعی، تأسیسات و بناها؛

ماده ۶۰ این کنوانسیون نیز به طور خاص به مقررات ساخت جزایر مصنوعی توسط دولت

ساحلی اشاره می‌کند.<sup>۱</sup>

کشورها در منطقه انحصاری اقتصادی حق انحصاری ساخت جزیره و اختیار وضع قاعده را دارند. صلاحیتی با در نظر گرفتن مقررات مالیاتی، گمرکی، سلامت و امنیتی به آنها تعلق می‌گیرد. علاوه بر این دولت ساحلی، حق ایجاد یک منطقه امن اطراف جزیره مصنوعی که کشتیرانی را در برداشته باشد دارد و پهنای این سواحل با در نظر گرفتن استانداردهای قابل اعمال بین‌المللی مشخص می‌شود. علاوه بر این دولت‌های ساحلی حق احداث جزیره مصنوعی را در دریای آزاد به عنوان یکی از آزادی‌های شش‌گانه‌ی دولت‌ها دارند» (Dadandish & Rahanavaed, 2013: 105-106). در کنار این حقوق، محدودیت‌هایی در مورد احداث جزایر مصنوعی مطابق کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها به شرح زیر وجود دارد:

۱. دولت‌های ساحلی نمی‌توانند مانع عبور بی‌ضرر از دریای حاشیه جزیره مصنوعی شوند.
۲. جزیره مصنوعی با کشتیرانی بین‌المللی در خطوط ضروری آبی شناخته شده تداخلی ندارد.
۳. به دلیل عدم حاکمیت کشورها بر دریای آزاد، یک تمایزی باید میان جزایر ساخته شده برای استخراج منابع طبیعی در آن مناطق و انواع دیگر چنین جزایری وجود داشته باشد. در مورد انواع پیشین، تأسیسات و مقررات مرتبط تحت کنوانسیون ۱۹۸۲ (بخش چهاردهم) است. احداث جزایر دیگر باید "مسالمت آمیز" و با دسترسی آزاد کشورهای دیگری در مطابقت با مقررات ملی و منطقه‌ای باشد. علاوه بر این باید گفت اگر کشور ساحلی بخواهد از جزیره مصنوعی برای اقامت مردم و فعالیت‌های اقتصادی استفاده کند، تعیین قدرت و صلاحیت حاکمیت به جهت آنکه شبکه-ی اجتماعی اقتصادی و روابط اجرایی در قلمرو آن شکل می‌یابد، ضروری است. اعمال صلاحیت در جزایر یکی از موضوعات بحث برانگیز در احداث جزایر مصنوعی است. کنوانسیون حقوق دریاها، حقوق مربوط به جزایر طبیعی را در جزایر مصنوعی در نظر نگرفته است. یکی از مسائل مهم در مورد جزایر مصنوعی، مسئله‌ی امنیت است که مورد قبول پروتکل ۱۹۸۸ برای توقف اعمال غیرقانونی علیه سکوها‌ی ثابت در فلات قاره قرار گرفته است. این مقررات، در حمایت از جزایر مصنوعی در مقابل تهدیدهای از قبیل نقض، تخریب، صدمه یا قتل اشخاص است. (ibid, 107).

۱- بند "د" ماده ۸۷ کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها به آزادی احداث جزایر مصنوعی و سایر تأسیسات مجاز به موجب حقوق بین‌الملل اشاره داشته است.<sup>۱</sup>

آیا دولت‌های ساحلی می‌توانند بدون در نظر گرفتن حقوق و منافع دیگران به ساخت جزایر مصنوعی اقدام کنند؟ در این زمینه رأی دیوان داورى حقوق دریاها درباره دعوی مالزی و سنگاپور بسیار روشن‌گر است. مالزی مدعی شد که اقدام سنگاپور در تأسیس جزایر مصنوعی با اثرگذاری منفی بر

محیط‌زیست دریایی، سبب فرسایش فزاینده ساحل، رسوب‌گذاری فزاینده، آلودگی و شورشدن فزاینده آب دریا خواهد شد. دیوان در بررسی این دعا و ادعاهای دولت مالزی اعلام کرد که دولت‌ها در زمینه ساخت جزایر مصنوعی باید آثار زیست‌محیطی آن را ارزیابی و به آگاهی کشورهای ذینفع برسانند و با دیگر کشورها برای نگهداشت محیط‌زیست دریا همکاری کنند. دیوان همچنین تأکید کرد که وظیفه اساسی دولت سازنده جزیره این است که نگرانی‌های زیست‌محیطی دیگر دولت‌ها را از راه همکاری مورد توجه قرار دهد. دیوان با توجه به آثار احتمالی اقدام سنگاپور بر محیط‌زیست دریا، تأکید کرد که دوراندیشی ایجاب می‌کند که سازوکارهای ارزیابی خطر پیش از عملیاتی‌شدن پروژه به کار گرفته شود. این عبارت در رأی دیوان نشان از لزوم در نظر گرفتن «اصل اتخاذ تدابیر احتیاطی پیش از عمل» دارد (امیدی، ۱۳۸۶: ۷۵).

#### تحدید حدود دریایی کشورها (به‌طور خاص ایران و امارات) در قضیه

تحدید حدود و مرزها اصولاً از مباحث مهم مربوط به اعمال حاکمیت است. از نتایج تحدید حدود دریایی، قانونمندی حاکمیت ملی کشورهای ساحلی در قلمرو دریایی است که به نوعی در هماهنگی با کنوانسیون ۱۹۸۲ دریاهاست. از آنجا که انعقاد موافقتنامه‌های تحدید حدود فلات قاره خلیج فارس به سال‌های دهه پنجاه میلادی باز می‌گردد. می‌توان ادعا کرد کشورهای حاشیه خلیج فارس در این امر پیشقدم بوده‌اند.

در این موافقت‌نامه‌ها ضوابط خط منصف یا خطوط متساوی‌الفاصله رعایت شده و سرتاسر طول خلیج فارس را به جز دو منطقه که هنوز تقسیم نشده‌اند تقسیم می‌کند. با توجه به این که در اوایل دهه پنجاه میلادی هنوز رژیم حقوقی بین‌المللی جهت تحدید حدود فلات قاره ایجاد نشده بود کشورهای حوزه خلیج فارس رأساً اقدام به این امور کردند، لذا دو رویه شکل گرفت. رویه ایرانی که در قوانین دریایی خود فلات قاره را شناسایی می‌کند و در حدود قواعد بین‌المللی زمان مورد بحث، مفاهیم موجود را در خلیج فارس پیاده کرده است و در مقابل عملکرد و رویه اعراب.

کشورهای عرب ساحلی از کاربرد مفهوم فلات قاره در اعلامیه‌های خود در خصوص قلمروهای دریایی‌شان در خلیج فارس امتناع کرده‌اند. این کشورها معتقدند که بستر دریا براساس اصول عادلانه و توافق طرفین باید تقسیم گردد. در بحث تحدید حدود مناطق دریایی در خلیج فارس نکته‌ای وجود دارد و آن این که کشورهای ساحلی مقرراتی را برای منطقه انحصاری اقتصادی تدوین نکرده‌اند (تولینزا، یومبرتو، ۱۳۸۹: ۲۲۴-۲۲۳).

دو علت سبب شد که تحدید حدود بستر دریاها بدون ایجاد منطقه اقتصادی-انحصاری، صورت پذیرد، یکی این که بهره‌برداری از منابع زیستی از قبیل ماهیگیری در امتداد منطقه دریایی بسیار

کم اهمیت فرض شده است. اما به بهره‌برداری از منابع معدنی فلات قاره بسیار اهمیت داده شده است. از طرف دیگر خلیج فارس، مانند دریای مدیترانه یک منطقه محدود و احاطه شده با ترافیک دریایی سنگین است که ایجاد مناطق انحصاری-اقتصادی می‌تواند ترافیک را مختل سازد.

مرز دریایی ایران و امارات متحده عربی تاکنون تحدید نشده است. مقامات این فدراسیون تلاش کرده‌اند تعیین مرز دریایی و افراز فلات قاره این فدراسیون را مرتبط به حل مسئله جزایر ایرانی مورد اختلاف نمایند.<sup>۱</sup> مرز دریایی ایران و امارات متحده عربی نسبت به سایر مرزها در خلیج فارس از ویژگی‌های خاصی برخوردار است. اولین ویژگی آن، دو قسمت بودن مرز در خلیج فارس و دریای عمان است. ویژگی دوم عدم یکپارچگی سرزمینی و چندبخش بودن امارات تشکیل دهنده فدراسیون امارات متحده عربی است و براساس قانون اساسی موقت هر اقدامی جهت تحدید حدود مرز دریایی و فلات قاره باید به تایید یکایک اعضاء این فدراسیون برسد. ویژگی سوم مرز دریایی ایران و امارات متحده عربی تحدید بخشی از آن در دهه ۱۳۵۰ است. ۱- ایران و شارجه طبق توافقی، اجرای مقررات دریایی، دوازده مایلی آب‌های سرزمینی از محل خط مبدا حد پست‌ترین جزر در خصوص جزیره ابوموسی را تصویب کرده‌اند. ۲- توافق مربوط به مرز دریایی ایران و شیخ نشین دبی به طول ۲۵ / ۳۹ مایل دریایی است که در تاریخ ۲۲ / ۵ / ۱۳۵۳ به امضاء دو طرف رسید. این موافقتنامه از سوی مجلس ایران تصویب شد ولی امارات تاکنون از تصویب آن خودداری کرده است این مرز از خطوط ژئودزیک تشکیل شده است. ویژگی چهارم و مهم این مرز، وجود حوزه‌های نفت و گاز مشترک است بیشترین حوزه‌های کشف شده مشترک در خلیج فارس بین ایران و امارات متحده عربی قرار دارد. از آنجا که براساس قوانین داخلی امارات متحده عربی هر امارت مالک اصلی منابع زیرزمینی واقع در آن امارت است، بنابراین حوزه‌های مشترک را بنام حوزه مشترک ایران و امارت‌های مقابل می‌شناسیم. این میادین مشترک بین ایران و امارت‌های ابوظبی (سلمان)، شارجه (مبارک) و دبی (نصرت و فرزام) واقع هستند که جزء منابع ارزشمند در خلیج فارس هستند. بیش از سه دهه که از تأسیس امارات متحده عربی می‌گذرد، عوامل گوناگون در عدم تحدید حدود فلات قاره دو کشور مؤثر بوده‌اند و عبارتند از:

۱- طمع ارضی امارات علیه جزایر ایرانی در خلیج فارس؛ ادعای امارات متحده عربی نسبت به جزایر ایرانی ابوموسی، تنب کوچک و بزرگ به نظر از مهم‌ترین عواملی است که سبب شده این کشور از تحدید حدود فلات قاره خود با ایران خودداری کند. لازم به ذکر است این جزایر در

۱- منظور از جزایر مورد اختلاف همان جزایر سه گانه است (ابوموسی، تنب بزرگ و تنب کوچک) که امارات ادعای حاکمیت بر آنها را دارد.

نزدیکی تنگه هرمز واقع هستند و دارای موقعیت استثنایی هستند. این جزایر تا سال ۱۸۹۳ تحت حاکمیت ایران بوده‌اند و از آن پس تا سال ۱۹۷۱ تحت حاکمیت شارجه و رأس الخیمه درآمدند. این مناطق تحت الحمایه انگلستان بودند و ضعف دولت مرکزی در ایران نیز از عوامل تأثیرگذار در این واقعه بود، با این وجود دولت ایران مستمراً و به کرات اعتراض خود را به این عمل اعلام کرد و سرانجام انگلستان به اعاده‌ی وضع حقوقی پیشین رضایت داد.

۲- ضعف قوانین داخلی امارات و وجود مشکل ساختاری و سیاسی و عدم هماهنگی بین امارت‌های تشکیل دهنده آن.

۳- اختلاف ارضی درون امارات متحده عربی (صفوی و قنبری ۱۳۹۰: ۱۱-۹).

### بررسی حقوقی ادعای احتمالی امارات مبنی بر گسترش خطوط مرزی دریایی

در منطقه دریای سرزمینی از آنجا که ادامه‌ی خشکی کشور ساحلی محسوب می‌گردد و کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها نیز به آن اشاره داشته است، وارد شدن بی‌حدومرز و دست‌اندازی بدان قطعاً تعرض محسوب می‌گردد. در منطقه انحصاری اقتصادی باز اولویت با دولت سازنده است و اجازه‌ی تعدی وجود ندارد. اما این که آیا امارات می‌تواند از طریق جزایر مصنوعی ادعای گسترش مرز دریایی خود را در آب‌های خلیج فارس داشته باشد یا نه، همانگونه که در بحث پیشین عنوان گردید جزیره مصنوعی در تعیین مرز دریایی محاسبه نمی‌گردد. اما آیا دولت امارات می‌تواند به بهانه یا به دلیل تغییر وضع ساحلی خود و بحث پیشروی ساحل این ادعا را داشته باشد یا خیر، می‌توان گفت این مسئله ممکن است که توانایی برای چانه زنی امارات را در عمل برای گسترش مرزها افزایش دهد اما در این موضوع اولاً باید واقعیات و حقیقت‌ها را بررسی کرد و ثانیاً عملکرد و مواضع کشورهای همسایه بسیار مهم است. باید سکوت و اعتراض آن‌ها را تحلیل و بررسی کرد که می‌تواند جایگاه عمده‌ای در این موضوع داشته باشد. در بحث منطقه انحصاری و اقتصادی و فلات قاره که اینجا مطرح است یک ماده یا مقرره‌ی خاص وجود ندارد. اما به طور کلی در بحث رودخانه‌ها در صورت اعتراض اصل تغییرپذیری خط مرزی بر اثر تغییرات طبیعی در کانال قابل کشتیرانی را می‌پذیریم (بند ۲ ماده ۲ پروتکل راجع به تعیین مرز رودخانه ای). بنابراین مفهوم مخالف آن هم قابل اجراست یعنی عدم پذیرش تغییر مرزی در اثر دستکاری انسانی.

### چالش‌های محیط‌زیست و تحلیل حقوقی آن

در بخش قبلی به پیامدهای ایجاد شده و احتمالی و مشکلات محیط‌زیستی ناشی از ساخت این جزایر در منطقه به تفصیل اشاره شد. در این مبحث به تحلیل مسائل محیط‌زیست دریایی منطقه

در پرتو کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها و کنوانسیون‌های دیگر بین‌المللی و منطقه‌ای (به طور خاص ROPME) پرداخته خواهد شد.

در بخش دوازدهم کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها، به طور خاص قواعد حقوقی مربوط به محیط‌زیست دریاها اشاره شده است. همچنین در برخی بخش‌های دیگر این کنوانسیون نیز بر حسب ضرورت موضوع محیط‌زیست مورد اشاره قرار گرفته است. در مجموع حدود ۶۰ ماده از کنوانسیون ۱۹۸۲ به این موضوع اختصاص دارد. ماده ۱۹۲ این کنوانسیون کشورها را موظف کرده است که محیط‌زیست دریا را حفاظت و حمایت کنند. در ماده ۱۹۳ حق حاکمیت کشورها برای بهره‌برداری از منابع طبیعی خود به شرط حمایت و حفاظت از محیط‌زیست دریا به رسمیت شناخته شده است. در ماده ۱۹۴ نیز اقدامات برای جلوگیری، کاهش و کنترل آلودگی محیط‌زیست دریا مورد بحث قرار گرفته است. بر اساس کنوانسیون ۱۹۸۲ کشورها موظفند بر حسب مورد به صورت فردی یا جمعی و منطبق با این کنوانسیون کلیه اقداماتی را که برای جلوگیری، کاهش و کنترل آلودگی محیط‌زیست دریا از هر منبع، ضروری است، به عمل آورند (پورنوری و حبیبی، ۱۳۸۲: ۸۶-۸۵). اقدامات دولت‌ها برای کاهش اثرات زیست‌محیطی آلودگی دریاها به ویژه برای امور زیر انجام خواهند شد:

- ۱- ریختن مواد سمی، مضر یا مهلک در دریا، به خصوص آنهایی که از طریق منابع زمینی، از طریق هوایی یا از طریق ریختن زباله استمرار و تداوم دارند.
  - ۲- آلودگی ناشی از کشتی‌ها، به خصوص اقدامات مربوط به جلوگیری از تصادفات و اقدام در موارد فوری و اضطراری، تضمین ایمنی عملیات در دریا، جلوگیری از تخلیه‌های عمدی و غیرعمدی و تنظیم طرح، ساخت، تجهیزات، عملیات و اداره‌ی کشتی‌ها؛
  - ۳- آلودگی ناشی از تأسیسات و ادوات مورد استفاده در اکتشاف و بهره‌برداری از منابع طبیعی بستر و زیربستر دریا، به خصوص اقدامات مربوط به جلوگیری از حوادث و اقدام در موارد فوری و ضروری، تضمین ایمنی عملیات در دریا و تنظیم طرح، ساخت، تجهیزات و اداره‌ی این تأسیسات و ادوات؛
  - ۴- آلودگی ناشی از سایر تأسیسات و ادوات مورد استفاده در محیط‌زیست دریا، به خصوص اقدامات مربوط به جلوگیری از حوادث و اقدام در موارد فوری و اضطراری، تضمین ایمنی عملیات در دریا و تنظیم طراحی، ساخت، عملیات و اداره این تأسیسات و ادوات.
- افزون بر این، در بند ۵ ماده ۱۹۴ کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها بر انجام اقدامات لازم در حمایت و حفاظت اکوسیستم‌های کمیاب یا شکننده و نیز زیستگاه نمونه موجودات بسیار کاهش یافته، در معرض تهدید یا خطر، و انواع دیگر موجودات دریایی تأکید شده است. در این کنوانسیون

این نکته مهم نیز مورد توجه قرار گرفته است که در انجام اقدامات مربوط به جلوگیری، کاهش یا کنترل آلودگی محیط‌زیست دریا، کشورها باید چنان عمل کنند که به طور مستقیم یا غیرمستقیم، ضرر و خسارت را از یک ناحیه به ناحیه دیگر منتقل ننمایند یا یک نوع آلودگی را به نوع دیگر تبدیل نکنند.<sup>۱</sup>

در کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها بر لزوم توجه به محیط‌زیست دریا در ساخت جزایر مصنوعی توجه خاصی شده است؛ به طوری که شرط لازم برای ساخت این جزایر عدم آسیب به محیط‌زیست و منابع زنده و غیرزنده موجود در بستر و زیربستر دریاها ذکر شده است. زیرا دولت‌ها براساس ماده ۲۳۵ کنوانسیون ۱۹۸۲ در مورد حمایت و حفاظت از محیط‌زیست دریا مسئول هستند و این مسوولیت مطابق با حقوق بین‌الملل است.<sup>۲</sup>

در ساخت جزایر مصنوعی توجه به منافع جامعه بین‌المللی از اهمیت بالایی برخوردار است. در حقوق بین‌الملل محیط‌زیست دریاها نیز این نکته مورد توجه قرار دارد. از این رو اگر ساخت جزایر مصنوعی آثار زیان بار محیط‌زیستی داشته باشد، حقوق بین‌الملل منافع جامعه بین‌المللی را بر منافع دولت سازنده برتری می‌دهد. حیطه جغرافیایی معاهدات زیست‌محیطی به میزان گسترده‌ای با سایر معاهدات متفاوت است، زیرا موضوعات محیط‌زیستی به مثابه حلقه‌های یک زنجیر به یکدیگر متصل هستند. این معاهدات عموماً بر اساس منافع مشترک بشریت مورد پذیرش قرار گرفته‌اند و اهداف آنها حمایت از زندگی گونه‌های گیاهان و جانوران وحشی، اقیانوس‌ها، هوا، خاک و به طور کلی طبیعت در این باره اعلامیه‌ی ریو است. اصل ۷ اعلامیه‌ی دولت‌ها در این مورد اعلام می‌دارد که «دولت‌ها باید جهت حمایت و بازگرداندن سلامت و یکپارچگی اکوسیستم کره زمین با روحیه مشارکت جهانی همکاری نمایند. دولت‌ها با توجه به سهم‌های متفاوت در انحطاط زیست‌محیطی جهانی، مسوولیت‌های مشترک اما متفاوت دارند» (عباسی اشقلی، ۱۳۹۰: ۵۶-۵۵).

در این زمینه با مطالعه قواعد مرتبط با محیط‌زیست در کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها و همین‌طور اعلامیه ریو و سند ژوهانسبورگ یا سند نشست ۲۰۰۲ سران برای توسعه پایدار می‌توان اصول حقوقی زیر را در این زمینه استخراج کرد:

۱- اصل مسوولیت‌پذیری دولت‌ها در پاسداری از محیط‌زیست: این اصل بدین معناست که دولت‌ها نسبت به آلودگی محیط‌زیست که از سرزمین آنها ریشه می‌گیرد، بدون توجه به اینکه از سوی کارگزاران دولتی یا شهروندان آنها باشد، مسوول هستند. این اصل ایجابی است و دولت‌ها موظف هستند با اقدامات پیشگیرانه جلوی آلودگی را بگیرند.

1 - UNCLOS, 1982, section 12

2 - UNCLOS, 1982, Article 235



- ۲- اصل همسایه خوب: بر این اساس دولت‌ها مکلف هستند با توجه به یکپارچه بودن محیط‌زیست، تدابیر لازم برای پاسداری از محیط‌زیست در درون مرزهای خود بیندیشند تا دیگر کشورها از همسایگی آنها آسیب نبینند.
- ۳- اصل تدابیر احتیاطی پیش از عمل: این اصل بدین معناست که کاربران فناوری‌های نوین باید از پیش تدابیری اطمینان بخش برای آن که آن فناوری‌ها بر محیط‌زیست اثر منفی نگذارند، بیندیشند و در صورت زیانبار بودن آنها، مسوول خواهند بود. به عبارت بهتر مطالعات اثرات زیست‌محیطی پیش از اجرا باید صورت بگیرد.
- ۴- اصل پرداخت خسارت از سوی آلوده‌کننده: دولتی که سبب آلودگی عمدی یا غیرعمدی می‌شود، باید خسارت را جبران کند.
- ۵- اصل توسعه پایدار: بر این اساس پاسداری از محیط‌زیست بخش جدانشدنی توسعه در ابعاد مختلف محسوب می‌شود (امیدی، ۱۳۸۶: ۷۸).
- در کنار معاهدات و اسناد بین‌المللی یک کنوانسیون منطقه‌ای هم با این موضوع مرتبط است که به کنوانسیون ۱۹۷۸ کویت یا ROPME مشهور است و تمامی کشورهای همسایه خلیج فارس عضو آن هستند. در مقدمه این کنوانسیون تعهد به رعایت اهداف کنوانسیون بیان شده است که عبارتند از:
- ۶- با توجه به محیط‌زیست و خصوصیات ویژه‌ی اکولوژیک محیط‌زیست دریایی منطقه و آسیب‌پذیری خاص آن فعالیت‌های توسعه‌ی شهر و روستا و استفاده از زمین باید به گونه‌ای باشد که منابع دریایی و محیط‌زیست حفظ شود.
- ۷- در مورد فعالیت‌های توسعه‌ی صنایع، برای حفظ منابع دریا و محیط‌زیست اطمینان حاصل شود.
- ۸- اتخاذ یک روش مدیریت جامع در مورد محیط‌زیست خلیج فارس.
- ۹- هم چنین ماده ۳ کنوانسیون مذکور به انجام کلیه اقدامات لازم به صورت جمعی یا فردی برای جلوگیری یا کاهش آلودگی دریایی خلیج فارس تأکید دارد. ماده ۱۳ کنوانسیون ROPME همانند ماده ۲۳۵ کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها به مسوولیت دولت‌ها اشاره می‌کند که بر دو نوع است:
- ۱۰- مسوولیت مدنی و جبران خسارت ناشی از آلودگی محیط‌زیست دریاها با توجه به مقررات بین‌المللی
- ۱۱- مسوولیت و جبران خسارت ناشی از نقض تعهدات این کنوانسیون و پروتکل‌های آن.

۱- مقدمه و مواد ۳ و ۱۳ کنوانسیون منطقه‌ای کویت برای همکاری درباره حمایت از محیط زیست دریایی در برابر آلودگی (ROPME)

### آخرین تحولات و بررسی آن

بعد از یک دوره‌ی چهارساله رکود اقتصادی و مسکوت ماندن پروژه‌های ساخت جزایر در امارات در سال ۲۰۱۳ ساخت آن از سر گرفته شده است. پروژه "پالم" در نخستین سال قرن جدید تا سال‌ها بعد، حکام امارات آنچنان مجذوب منظره‌ی هوایی سایت و ماکت این "نخل" پر نقش و نگار بوده‌اند که به رغم تمامی هشدارهای کارشناسانه در خصوص ناپایداری ژئوفیزیکی زیرسازی‌ها و عوارض منفی زیست‌محیطی ناشی از تداخل موانع و آبیگرهای مصنوعی با جریان‌های طبیعی دریایی و اکوسیستم موجود، تنها یک سال پس از آغاز عملیات اجرایی نخستین "پالم" یعنی در سال ۲۰۰۲ میلادی، عملیات اجرایی دومین جزیره‌ی مصنوعی از این نوع یعنی "پالم جیبلی علی" و دو سال پس از آن کار ساخت سومین جزیره موسوم به "پالم دیره" را آغاز کردند. پالم‌های جیبلی علی و دیره به ترتیب دو و هشت برابر پالم جمیرا وسعت خواهند داشت. حجم شن و ماسه و سنگ مصرفی برای احداث دو جزیره کوچکتر مجموعاً بالغ بر ۱۰۰،۰۰۰،۰۰۰ متر مکعب است و این رقم در مورد پالم دیره به تنهایی معادل یک میلیارد متر مکعب خواهد بود! تنها پس از گذشت ده سال از شروع این "چالش بزرگ"، پالم‌ها در حال ته نشین شدن در بستر خلیج هستند و جزایر پراکنده‌ی پروژه‌ی العالم (World) ایده‌ی کاملاً شخصی شیخ محمد که منحصراً محصول ذهن خلاق و شاعرانه اوست، همچون حبه‌های قند در نوازش زبان‌های امواج حل و محو می‌شوند. بنابراین علاوه بر مشکلات و فجایع زیانبار محیط‌زیستی امکان لایروبی و باسازی‌های مجدد به جهت ته‌نشین شدن ساحل در بستر دریا، همچنان شاهد افزایش نقض مقررات محیط‌زیستی از سوی کشور امارات خواهیم بود.

### نتیجه‌گیری

خلیج فارس با اهمیتی که از نظر جغرافیایی و منبع غنی ذخایر و انرژی‌های مهم دارد، همواره از دیرباز تا به امروز، کانون توجه بین کشورهای حاشیه‌ی آن و نیز در سطح بین‌المللی بوده است. در این میان پروژه‌ی احداث جزایر مصنوعی که ابتدا از طرف کشور امارات متحده عربی شروع شده دامنه‌ی توجه به این منطقه را بیش از پیش می‌طلبد. در این مقاله حتی الامکان تلاش بر آن گردید تا به تمامی پیامدهای این اقدام با توجه به گزارش کارشناسان مرتبط و نیز عواقبی که می‌تواند در آینده داشته باشد اشاره و از منظر حقوقی مورد تحلیل قرار گرفت.

اهم پیامدهای این اقدام کشور امارات در منطقه به طور خلاصه از این قرار است:

- از میان رفتن تنها کرانه‌ی مرجانی شناخته‌شده در دبی در اثر این عملیات
- ویران شدن آشیانه‌های ساحلی لاک‌پشت‌های دریایی (گونه خاص منطقه خلیج فارس)

- تغییر مسیر جریان‌های طبیعی آب و تبدیل شدن آب‌های شفاف و شیشه‌ای به لجن زار در محدوده این جزایر مصنوعی در اثر گل و لای ناشی از کار
- بالا آمدن سطح آب در اثر روانه شدن آب‌های ناپایدار فصلی از اقیانوس هند به خلیج فارس، نوسان‌های سطح تراز آب به هنگام تغییرات فصلی و تغییر سطح تراز آب به طور غیر طبیعی.
- دگرگونی الگوی جریان‌های دریایی در کرانه‌های ایران و جزایر قشم، ابوموسی، تنب بزرگ، تنب کوچک، سیری و حتا تا اندازه‌ای جریان‌های ورودی و خروجی از تنگه هرمز در اثر ساخت این جزایر.

- تأثیر منفی بر جریان‌های آب و شور شدن بیشتر آب خلیج در اثر تبخیر بی‌رویه آن
- پیشروی جزایر مصنوعی در آب‌های خلیج فارس و فشار هیدرودینامیک آن بر بدنه آب

باتوجه به این پیامدهای منفی، در کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها بر لزوم توجه به محیط‌زیست دریا در ساخت جزایر مصنوعی توجه خاصی شده است؛ به طوری که شرط لازم برای ساخت این جزایر عدم آسیب به محیط‌زیست و منابع زنده و غیرزنده موجود در بستر و زیربستر دریاها ذکر شده است. دولت‌ها براساس ماده ۲۳۵ کنوانسیون ۱۹۸۲ در مورد حمایت و حفاظت از محیط‌زیست دریا مسئول هستند و این مسوولیت مطابق با حقوق بین‌الملل است. به عبارتی دیگر، در ساخت جزایر مصنوعی توجه به منافع جامعه بین‌المللی از اهمیت بالایی برخوردار است. از این رو اگر ساخت جزایر مصنوعی آثار زیان بار محیط‌زیستی داشته باشد، حقوق بین‌الملل منافع جامعه بین‌المللی را بر منافع دولت سازنده برتری می‌دهد. علاوه بر آثار جدی زیست‌محیطی از نظر گسترش مرز مطابق کنوانسیون حقوق دریاها جزایر مصنوعی دریای سرزمینی و منطقه انحصاری اقتصادی و فلات قاره ندارد و تنها فضایی به شعاع ۵۰۰ متر از ساحل به عنوان حریم ساحل در نظر گرفته می‌شود و بنابراین نمی‌تواند موجب ادعای کشور امارات در این خصوص باشد. در پایان بحث آنچه که می‌توان به عنوان پیشنهاد در تحقیق حاضر برای جلوگیری از گسترش پیامدهای این اقدام کشور امارات پیشنهادات زیر را نیز در نظر داشت.

پیگیری مربوط به دولت: از آنجایی که پیمان‌نامه حفاظت محیط‌زیست منطقه‌ای از سوی همه کشورهای ساحلی خلیج فارس از جمله امارات در سال ۱۹۷۸ به امضا رسیده که در آن تأکید شده که "آب‌های خلیج فارس، بین‌المللی هستند و همه کشورها باید به حریم آن احترام بگذارند و هر نوع توسعه‌ای که حریم آن را به خطر می‌اندازد، برای کشورهای همسایه آن ممنوع است"، می‌توان از بازرسان سازمان ملل خواست تا در این منطقه حضور یابند یا از طریق ارائه گزارش به سازمان ملل موارد مربوط به تبعات زیست‌محیطی را پیگیری کرد. پیگیری مربوط به سازمان‌های مردم‌نهاد و به ویژه طرفداران محیط‌زیست: سازمان‌های مردمی، طرفداران محیط‌زیست و... به راحتی

می‌توانند با رسانه‌های کردن این مسئله، جهان و حامیان بین‌المللی محیط‌زیست را از آسیب‌های زیست‌محیطی که در نتیجه ساخت چنین جزایری حاصل می‌شود، مطلع نمایند. در مقابل پیامدهای منفی عملکرد دولت امارات - آن‌گونه که به آن اشاره گردید - سکوت دولت ایران و دیگر کشورهای همسایه عربی خلیج فارس جای بسی انتقاد دارد و مخصوصاً در جهت مقررات حقوق دریایی و محیط‌زیست منطقه ابراز اعتراض قاطعانه تر و مذاکرات در جهت همکاری‌های بیشتر در منطقه خلیج فارس را می‌طلبد.

## منابع

- امیددی، علی (۱۳۸۶)، حقوق بین‌الملل و ساخت جزایر مصنوعی در خلیج فارس، ماهنامه اطلاعات سیاسی اقتصادی، شماره ۲۳۷ و ۲۳۸.
- پورنوری، منصور؛ حبیبی، محمد (۱۳۸۵)، حقوق بین‌الملل دریاها کنوانسیون حقوق دریاها (مصوب ۱۹۸۲)، چاپ اول، تهران: مرکز ملی اقیانوس شناسی.
- پیشگامی فرد، زهرا؛ کامران، حسن؛ افضل، رسول؛ حسنی امینی، حسن؛ التیامی نیا، رضا (۱۳۹۱)، پیامدهای زیست‌محیطی و حقوقی ساخت جزایر مصنوعی در خلیج فارس، پژوهش‌های جغرافیای انسانی، شماره ۷۹.
- پیشگامی فرد، زهرا (۱۳۸۴)، مقدمه‌ای بر جغرافیای سیاسی دریاها، چاپ اول، انتشارات دانشگاه تهران.
- تولینزا، یومبرتو (۱۹۸۹)؛ تحدید حدود فلات قاره در خلیج فارس و حق عبور از تنگه هرمز، ترجمه عبدالرحیم ذاکر، حسین. مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، شماره ۲۸.
- چرچیل، رابین، لو، آلن (۱۳۶۷)، حقوق بین‌الملل دریاها، ترجمه‌ی بهمن آقایی، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، چاپ اول.
- سعیدی، سید ناصر؛ ندیمی، روح الله؛ نورامین، امیرسعید (۱۳۹۰)؛ نگاهی به ساخت جزایر مصنوعی و تغییرات اقلیمی حاصل از آن: تهدید زیست بوم زیبای خلیج فارس، نشریه‌ی پیام دریا، ش ۲۰۲.
- صفوی، سیدیحیی، قنبری، علی اصغر (۱۳۹۰)، پیامدهای احداث جزایر مصنوعی امارات متحده عربی بر ایران در خلیج فارس، فصلنامه‌ی ژئوپلیتیک، سال هفتم، شماره ۱ سوم.
- عباسی اشقلی، مجید (۱۳۹۰)، ساخت جزایر مصنوعی در خلیج فارس از منظر حقوق بین‌الملل محیط زیست، فصلنامه راهبرد، سال بیستم، شماره ۵۸.
- محمدی، فاطمه؛ سیفی نژاد، افشار (۱۳۹۳)، جزایر مصنوعی امارات عربی متحده در خلیج فارس و پیامدهای آن، مجله‌ی اطلاعات سیاسی – اقتصادی، شماره ۲۹۷.
- Aghai Diba (2009), *Artificial Islands in the Persian Gulf and the International Law of the Sea*, Soochow Law Journal, Vol.6.
- Dadandish, Parvin; Rahnavard, Hamid (2013); *The Artificial Islands in the Persian Gulf: A Political and Legal Analysis*; Iranian Review of Foreign Affairs, Vol. 3, No. 4.
- Gluckman, Ron. 2011. *New World Order: In Dubai, They are not Only Making a Better World, They are Adding the Universe*, available at: <http://www.gluckman.com/ArtificialIslands.html>
- International Tribunal For The Law of The Sea, *Case Concerning Land Reclamation By Singapore In And Around The Straits Of Johor* (Malaysia V. Singapore) List Of Cases: No. 12
- Niazi, Abbas (2013), *Artificial Islands in Persian Gulf in Conventions on Laws of Seas and Kuwait Convention*, Global Journal of Science, Engineering and Technology (ISSN: 2322-2441), Issue 5.

- 
- Ponian, C(2000), *The Effects of the 1991 Gulf War Om Marine and Coastal Environment ofthe Arabian Gulf*, MS.c Aquatic Resource Management, King's College, London.
  - Salahuddin, Bayyinah(2006), *The Marine Environment Impacts of Artificial Islands , Construction*, The Nicholas School of the Environment and Earth Sciences of Duke University.
  - Taylor,James(2008), *Enviromental Conditions of The Persian Gulf*, Uni press , 2008.
  - The Legal Regime Of Islands In The South China Sea, Marius Gjetnes(2000), Masters Thesis Of Law .
  - Tsaltas, Grigoris and Bourtzis, Tilemachos(2009), *Artificial Islands and Structures as a Means of Safeguarding State Sovereignty Against Sea Level Rise*; Law of the Sea Perspective, University of Athens UNCLOS,1982
  - United Nations Convention on the Law of the Sea 11. Kuwait Regional Convention for Cooperation on the Protection of the Marine Environment from Pollution.

## تهدیدها و چالش‌های زیست‌محیطی منطقه خلیج فارس

صادق برزگر<sup>۱</sup>، محمدحسین جان‌بابانزاد<sup>۲</sup>

### چکیده

خلیج فارس در زمره یکی از بارزترین زیست‌بوم‌های آبی جهان محسوب می‌گردد که با وجود متنوع‌ترین رویش‌های گرمسیری، گونه‌های مختلف جانداران آبی و... دارای شرایط بسیار ویژه‌ای است که محیط‌زیست آن را تبدیل به محیطی بسیار حساس و شکننده کرده است. به دلیل حاکم بودن شرایط طبیعی متفاوت بر گستره آبی و هم بر خشکی‌ها، این منطقه از ظرفیت تجدیدپذیری ضعیفی برخوردار بوده و زخم‌های طبیعی بر پیکره آن باعث نابودی بیشتر زمینه‌های مناسب زندگی می‌گردد. از این رو در سطح ملی و منطقه‌ای می‌بایست به مشکلات محیط‌زیست در راستای برقراری توازن میان توسعه و حفاظت محیط طبیعی منطقه خلیج فارس توجه کافی مبذول گردد. در این خصوص همزمان با بهره‌گیری از تکنولوژی برای جلوگیری از آلودگی و تخریب بیش از حد محیط‌زیست طبیعی، بایستی کوشش شود تا از طریق وضع و اعمال قوانین و نیز ارتقای سطح آگاهی‌های زیست‌محیطی مردم با مشکل آلودگی و تخریب محیط‌زیست مبارزه شود. اما متأسفانه و علی‌رغم تلاش‌های جاری باید اذعان نمود که تاکنون توازنی بین فعالیت‌های توسعه و حفاظت محیط‌زیست خلیج فارس حاصل نشده است. از این رو در این مقاله تلاش شده است با روش توصیفی و تحلیلی ضمن بررسی وضعیت زیست‌محیطی خلیج فارس، چالش‌ها و تهدیدهای زیست‌محیطی این منطقه را شناسایی کرده و در پایان راهکارها و پیشنهادات لازم ارائه گردد. بنابراین به منظور بهبود کیفیت زندگی و رفاه مردم منطقه و نسل‌های آینده لازم است در اسرع وقت نسبت به ترمیم منابع صدمه دیده همت گماشت و از تخریب بیشتر سایر منابع پیشگیری کرد.

واژگان کلیدی: خلیج فارس، محیط‌زیست، چالش‌های زیست‌محیطی

۱- نویسنده مسئول، استادیار گروه جغرافیا دانشگاه پیام نور s\_barzegar1386@yahoo.com

۲- کارشناس ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه تهران babanejad21@gmail.com

## مقدمه

محیط‌زیست بستر زندگی و حیات انسان و سایر موجودات و زیرساخت اساسی توسعه و پیشرفت بشر است. به دلیل رابطه متقابل و کاملاً به هم پیوسته‌ای که بین انسان و طبیعت برقرار است، هر گونه تغییر نامطلوب در شرایط اکولوژیکی محیط آثار مخربی بر انسان و منافع او پدید می‌آورد. خرابی‌ها، خسارت‌ها و ضرر و زیان ناشی از حوادثی همچون سیل، رانش زمین، گرم شدن کره زمین و تغییرات آب و هوایی، آلودگی هوا و ده‌ها مشکل دیگر بیانگر استفاده نابجای انسان از طبیعت و مواهب آن است؛ از این رو توجه به محیط‌زیست از دیرباز در کانون توجه انسان بوده است (جعفری، ۱۳۸۳: ۵۵). تخریب محیط‌زیست کره زمین امروزه به یک مشکل جهانی تبدیل شده و تداوم تخریب‌ها، چشم انداز ناخوشایندی پیش‌روی بشر قرار می‌دهد. اگرچه در کنار تلاش برای پیشرفت، اقداماتی نیز در مقیاس‌های ملی و بین‌المللی جهت حفاظت از محیط کره زمین صورت گرفته و دیدگاه‌هایی چون توسعه پایدار مطرح شده تا شاید بین جریان توسعه صنعتی و محیط‌زیست یک نوع آشتی معنادار ایجاد شود، اما همچنان تخریب‌ها ادامه دارد و روند آنها از قدرت خود ترمیمی طبیعت سریع‌تر است. در حال حاضر هیچ عنصری از کره خاکی از گزند تخریب‌ها در امان نیستند. به‌ویژه سه عنصر بسیار حیاتی آب، خاک و هوا که در این روند آسیب جدی می‌بینند (عسگری و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۷).

منطقه خلیج فارس مجموعه‌ای از کشورهای در حال توسعه را دربر می‌گیرد که در سال‌های اخیر تلاش‌های زیادی را برای دستیابی به توسعه انجام داده‌اند. حاصل تلاش‌های آنها اثرات زیانباری است که در چهره طبیعت منطقه قابل مشاهده است. همچنین این منطقه از تاریخ پرفراز و نشیبی در طی سال‌های گذشته برخوردار بوده است، جنگ‌های ویرانگر از ویژگی‌های این تاریخ پر فراز و فرود است (همان).

خصوصیت نیمه بسته بودن خلیج فارس همراه با پایین بودن میزان جابجایی و تبادل آب با اقیانوس هند، کمبود میزان بارندگی سالانه و کافی نبودن آب‌های ورودی به محیط همراه با تبخیر بیش از اندازه آب، به طور طبیعی ظرفیت خلیج فارس را در زمینه پخش و پراکندگی و خود پالایی آلودگی‌ها محدود ساخته است (لطفی و همکاران، ۱۳۸۹: ۲). خلیج فارس شاهراه انتقال انرژی و نیز یکی از اصلی‌ترین مسیرهای ترانزیت کالا به اقصی نقاط جهان به شمار می‌آید، علی‌رغم این مزایا متأسفانه این پهنه زیبای آبی مدفن و مخزن انواع آلاینده‌های بسیار خطرناک نیز است (جوادی، ۱۳۸۷). وجود منابع سرشار نفت در خلیج فارس باعث رشد شهری و صنعتی این منطقه شده و افزایش جمعیت را در پی داشته است. این تمرکز جمعیت و فعالیت‌های صنعتی باعث تخریب در اکوسیستم آبی منطقه شده است. تخلیه زباله و مواد زائد، شستشوی کشتی‌هایی که در حال آمد و



شد هستند، تردد نفت‌کش‌ها و دفع فاضلاب پالایشگاه‌ها و نیز آتش‌سوزی در اسکله‌های نفتی و تجاری همه و همه باعث آلودگی و دگرگونی‌های بزرگی در اکوسیستم خلیج فارس شده است که اگر ادامه پیدا کند عوارض جبران ناپذیری را بوجود خواهد آورد (ظفری، ۱۳۸۷). به دلایل فوق و دیگر دلایل ذیل از جمله؛ استخراج منابع نفتی، نشست نفت، تولید مواد پتروشیمی، صنعتی شدن کشورهای حاشیه به طور بی‌رویه، نبود مدیریت علمی منسجم، تردد زیر دریایی‌ها و غیره، خلیج فارس را تبدیل به یکی از آلوده‌ترین مناطق دریایی از نظر زیست‌محیطی کرده است، به نحوی که می‌توان گفت کمتر منطقه‌ای در جهان با چنین ابعادی در ویرانی محیط‌زیست مواجه بوده است (لطفی و همکاران، ۱۳۸۹: ۴).

وجود چنین محدودیت‌هایی البته از نگاه متخصصان و سازمان‌های بین‌المللی دور نمانده، برای بهبودی وضعیت زیست‌محیطی آن تدبیرهایی اندیشیده شده است. اما بالا گرفتن فعالیت‌های انسانی به شکل‌های مختلف حتی تغییر چهره کرانه‌ها باعث گردیده شرایط زیست‌محیطی خلیج فارس در وضعیت نگران‌کننده‌ای قرار بگیرد. تدوین مقرراتی ناقص برای حفظ این گستره آبی کارآمد نبوده و از توان لازم برای نگهداری این دریا برخوردار نیست. از اینرو در این تحقیق سعی شده است با توجه به شرایط موجود و اکوسیستم طبیعی منطقه با شناخت عوامل آلوده ساز و تجدیدکننده خلیج فارس به بررسی و تحلیل درباره چگونگی ایجاد این آلودگی‌ها و با ارائه راهکارهایی مناسب به چگونگی جلوگیری از این آلودگی‌ها پرداخته شود.

### روش تحقیق

روش اصلی این پژوهش، تحلیلی-توصیفی و مبتنی بر مطالعات کتابخانه‌ای است. در این راستا، ابتدا به جمع‌آوری و یافتن منابع کتابخانه‌ای پرداخته و در ادامه، منابع گردآوری شده را بررسی و از راه فیش‌برداری، اطلاعات مورد نظر استخراج گردید. گردآوری اطلاعات، تجزیه و تحلیل این اطلاعات و نتیجه‌گیری بر مبنای یافته‌های پژوهش روند کلی این تحقیق است.

### موقعیت خلیج فارس

خلیج فارس مانند دالانی است که بین ۳۰ درجه و ۲۴ دقیقه عرض شمالی و ۵۰ درجه و ۴۸ دقیقه طول شرقی واقع شده، حدود آن از شمال و شمال شرقی به سواحل ایران، از شرق به دریای عمان، از جنوب و غرب به شبه جزیره عربستان محدود است. گودی خلیج فارس نسبت به موقعیت آن فرق می‌کند. این عمق در دهانه خلیج ۷۰ تا ۹۰ متر است و هر قدر به طرف بالای خلیج فارس پیش رویم کمتر می‌شود و به مسافت ۹۰ کیلومتری تا دهانه اروندرود به عمق ۳۰ متری می‌رسد. در

صیدگاه‌های مروارید، عمق خلیج فارس کمتر از ۳۶ متر است. مساحت خلیج فارس ۹۷۰۰۰ مایل مربع یا ۲۵۱۳۰۰ کیلومتر مربع بوده و پس از خلیج مکزیک و خلیج هودسن سومین خلیج بزرگ جهان به شمار می‌آید. طول آن از سواحل عمان تا راس خلیج در حدود ۵۰۰ مایل یا ۸۰۰ کیلومتر و عرض آن کم و بیش بین ۱۸۰ تا ۲۹ مایل (تنگه هرمز) یعنی بین ۲۹۰ تا ۴۶,۵ کیلومتر است. خلیج فارس توسط تنگه هرمز به دریای عمان و از طریق آن به دریاهای آزاد مرتبط است و جزایر مهم آن عبارتند از: خارک، ابوموسی، تنب بزرگ، تنب کوچک، کیش، قشم، لاوان که تمامی آنها به ایران تعلق دارد. خلیج فارس و سواحل آن معادن سرشار نفت و گاز دارد و مسیر انتقال نفت کشورهای ایران، کویت، عربستان و امارات متحده عربی است، به همین دلیل منطقه‌ای مهم و راهبردی به شمار می‌آید. بندرهای مهمی در حاشیه خلیج فارس وجود دارد که از جمله می‌توان بندرعباس، بوشهر، شارجه، ابوظبی، و دویی را نام برد (قهرمانی، ۱۳۸۷).

### محیط‌زیست خلیج فارس

خلیج فارس از نظر گیاهان آبی و جریان مرجانی بسیار غنی است. وضعیت موجود، شرایط مناسبی جهت رشد و نمو گونه‌های مختلف ماهی و میگو و سایر جانداران دریایی مانند گاو دریایی و لاک پشت بوجود آورده است. گیاهان و جانوران خلیج فارس به آبزیان حاره ای وابستگی دارند و جوامع زیستی آنها نیز دارای ویژگی‌ها و نیازهای زیست محیطی اکوسیستم‌های مناطق گرمسیری است، چنین اکوسیستم‌هایی متکی به انرژی خورشیدی هستند تا به بستر دریا نفوذ کرده و زمینه فتوسنتز را برای گیاهان دریایی از قبیل جلبک‌ها و مرجان‌ها فراهم سازند. محیط‌زیست منطقه بر اثر فعالیت‌های گوناگون انسان دستخوش تحولاتی شده است مهم‌ترین این فعالیت‌ها که محیط زیست دریایی را نیز تهدید می‌نماید شامل موارد زیر می‌شود:

- تغییرات فیزیکی محیط‌زیست بر اثر زهکشی، احیا زمین و فعالیت‌های معدنی و مهندسی در سواحل
- آلودگی ناشی از پساب‌های صنعتی، استخراج نفت، فاضلاب‌های انسانی و کشاورزی، تخلیه زباله‌ها، دورریزهای کشتی‌ها و سکوه‌های نفتی در سواحل آب‌های ساحلی.
- صید بی‌رویه آبزیان توسط کشتی‌های صیادی تجاری و شیوه‌های نامناسب صید آبزیان دریایی (رنجبر و همکاران، ۱۳۸۷).

### وضعیت زیست‌محیطی خلیج فارس و عوامل مؤثر در آن

منطقه خلیج فارس و به‌ویژه گستره آبی دریای پارس به تنهایی یک اکوسیستم کامل را تشکیل می‌دهد و جزو مناطق حساس زیست‌محیطی دنیا به شمار می‌رود. در پیدایش چنین شرایطی دو گروه از عوامل طبیعی و انسانی نقش داشته‌اند. در هم آمیختگی این شرایط باعث شکنندگی بیشتر محیط‌زیست این دریا شده است. ولی در اثر فعالیت‌های انسان در منطقه خلیج فارس این اکوسیستم متعادل، مورد تخریب واقع شده و به سوی بی‌تعادلی سوق داده می‌شود. به عبارتی دیگر نقش انسانی در تشدید شرایط طبیعی خلیج فارس از عوامل غیر انسانی قوی‌تر است.

#### الف - عوامل طبیعی

اگرچه از نظر اکولوژیکی خلیج فارس جزو مناطق منحصر به فرد است، اما شرایط حاکم بر این دریا نیز ویژه می‌باشد و می‌تواند به شدت نظام اکولوژیکی منطقه را برهم زند. ذخایر زیستی و اکوسیستمی خلیج فارس جزو ذخایر مهم و ارزشمند به شمار می‌رود. این دریا از لحاظ دارا بودن انواع گوناگون ماهی‌ها و جانوران دریائی به میزان فراوان در ردیف یکی از غنی‌ترین دریاهای جهان محسوب می‌شود. چنانکه ماهی و دیگر جانوران دریائی آن (مانند میگو و خرچنگ) یکی از اقلام صادراتی و تجاری کشورهای منطقه را تشکیل می‌دهد. جدا از آن مروارید و مرجان نیز از جمله دیگر ذخایر دریائی منطقه است که به ویژه مروارید خلیج فارس از قرن‌ها پیش شهرت جهانی داشته است (عسگری و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۷).

خلیج فارس در زمره یکی از باارزش‌ترین زیست بوم‌های آبی جهان محسوب می‌گردد که با وجود متنوع‌ترین رویش‌های گرمسیری، گونه‌های مختلف جانداران آبزی و... دارای شرایط بسیار ویژه‌ای است که محیط‌زیست آن را تبدیل به محیطی بسیار حساس و شکننده کرده است (لطفی و همکاران، ۱۳۸۹: ۱). از جمله شرایط طبیعی حاکم بر خلیج فارس که محیط‌زیست آن را تحت تأثیر قرار می‌دهند عبارتند از:

- ورود پساب‌های صنعتی و غیر صنعتی
- تخلیه نمک و املاح حاصل از شیرین کردن آب دریا
- تخلیه آب مخازن نفتکش‌ها که همراه خود نفت خام را وارد دریا می‌کنند
- تبخیر بیش از میزان تغذیه و شوری بیش از میانگین معمول
- خصوصیت نیمه بسته بودن و تبادل و جابجایی اندک و ناچیز آب با اقیانوس هند از طریق تنگه هرمز و دریای عمان
- ورود آب گرم حاصل از خنک کردن نیروگاه‌ها (عسگری، ۱۳۸۷: ۷۰).

**ب - شرایط انسانی**

شرایط انسانی حاکم بر منطقه خلیج فارس و شکل‌گیری فعالیت‌های اقتصادی متنوع و خیزش کشورهای ساحلی برای دستیابی به رشد و توسعه باعث گردیده محیط‌زیست خلیج فارس دچار آسیب‌های زیادی شود. در ایجاد وضعیت موجود دو گروه از نیازها و تقاضاها نقش داشته‌اند، بخشی از نیازها و تقاضاها منطقه‌ای بوده و مربوط به کشورهای ساحلی است و بخش دیگر به سایر کشورهای جهان که به انرژی نیاز مبرم دارند.

**۱- آلودگی ناشی از جنگ‌ها**

دریای پارس در دهه‌های اخیر شاهد چند جنگ ویرانگر بوده است. این جنگ‌های ویرانگر اثرات مخرب بسیاری در محیط‌زیست این دریا داشته‌اند. در این جنگ‌ها از انواع تسلیحات استفاده شده است. این مسئله زمانی پیچیده‌تر می‌شود که بدانیم در برخی از این جنگ‌ها نوعی مسابقه تسلیحاتی وجود داشته و باعث ویرانی‌های ماندگار شده است. جنگ‌های منطقه فقط با استفاده از تسلیحات جنگی انجام نمی‌شود، بلکه تمامی امکانات در خدمت جنگ قرار گرفته است حتی از چاه‌های نفتی برای این منظور استفاده شده است.

در سال ۱۹۸۵ حدود ۵/۲ میلیون تن، در سال ۱۹۸۶ حدود ۱/۲ میلیون تن و در سال ۱۹۸۸ به میزان ۹/۹ میلیون تن نفت به آب‌های خلیج فارس نشت کرد که جمع کل نفت ریخته شده معادل ۲۲/۳ میلیون تن بود با در نظر گرفتن مساحت کل خلیج فارس که ۲۳۲ هزار و ۸۵۰ کیلومتر مربع است، مقدار نفت در هر کیلومتر از آب‌های خلیج فارس برابر با ۹۶ تن می‌شود. ارقام فوق ۷۰ درصد از ظرفیت کل نفتکش‌هایی است که در مدت هشت سال جنگ آسیب دیده‌اند. همچنین در طول جنگ، چاه‌های نفتی اردشیر، فروزان، نصر، نوروز و الامیه تخریب شدند که مقدار بسیار زیادی نفت به دریا ریخته شد؛ به عنوان مثال اگر چاه‌های نفت نوروز را در نظر بگیریم از ژانویه تا سپتامبر ۱۹۸۳، مقدار ۲۹۰ تا ۴۹۰ هزار تن نفت از این چاه‌ها به خلیج فارس ریخته شده است.

همچنین طی جنگ عراق - کویت (۱۹۹۱) حدود ۶ تا ۸ میلیون بشکه نفت در منطقه دریایی خلیج فارس تخلیه گردید. از بین رفتن بسیاری از ماهی‌ها و آبزیان و نیز تخریب تأسیسات و زیستگاه‌های ساحلی پرده دیگری از سوانح جنگ ۱۹۹۹ را تشکیل داد و اثرات زیست‌محیطی بزرگ و زیان آوری بر جو و اکوسیستم‌های خاکی و دریایی اطراف برجای گذاشت (عسگری و همکاران، ۱۳۹۳: ۲۱). در محیط دریا مواد باقی مانده از انفجارات قبلی، گلوله‌های عمل نکرده و سایر مواد تسلیحاتی باعث آلودگی محیط دریا شده است. در مواردی که انفجارها از شدت بالاتری برخوردار بوده باعث شده آسیب زیادی به اکوسیستم دریائی و فرم ساحل وارد گردد.

### ۲- آلودگی ناشی از حمل نقل

تخمین‌ها راجع به منطقه خلیج فارس نشان می‌دهد که ۵۷/۱ درصد آلودگی نفتی مربوط به حمل و نقل نفت‌کش‌ها و ۲۲/۴ درصد مربوط به بهره‌برداری در دریاست (لطفی و همکاران، ۱۳۸۹: ۵).

### ۳- آلودگی ناشی از فلزات سنگین

از آغاز ایجاد تغییرات شدید محیطی یعنی از سال‌های آغاز جنگ عراق علیه ایران، تاکنون اطلاعاتی راجع به میزان آلودگی آب و تغییرات در محیط‌زیست خلیج فارس به موجب اجرای چندین طرح توسط دانشکده علوم دریایی و اقیانوسی دانشکده شهید چمران اهواز به دست آمده است و طرح آلودگی در خلیج فارس در طول سال‌های گذشته نمونه‌هایی از آب، آبزیان و رسوبات در سطح وسیعی از خلیج فارس جمع‌آوری و تحلیل شده‌اند و نتایجی در مورد میزان آلوده‌کننده‌ها به ویژه عناصر سنگین در تمام نمونه‌ها حاصل شده است. در تمام نمونه‌ها، آلودگی شدید محیط‌زیست خلیج فارس به مواد آلوده کننده به ویژه سرب، مس، کبالت و کرم وجود دارد.

### ۴- آلودگی ناشی از باران‌های اسیدی

منبع اصلی باران‌های اسیدی را، گازهای آلوده‌کننده هوا از قبیل اکسیدهای ازت، اکسید گوگرد، دی اکسید کربن یا گاز کربنیک تشکیل می‌دهند که در نتیجه سوخت‌های فسیلی مانند زغال، مواد نفتی مورد استفاده در کارخانه‌ها، اتومبیل‌ها و دیگر وسایل وارد هوا می‌شوند. در حمله عراق به کویت در سال‌های گذشته و به آتش کشیدن چاه‌ها علاوه بر آلودگی نفتی «جنگ نفت یا جنگ خلیج فارس» در این کشور و آغاز جنگ کشورهای غربی با عراق و در پی آلودگی شدید آب خلیج فارس در نتیجه نشت نفت، گزارش تکان‌دهنده‌ای مبنی بر وقوع پدیده باران اسیدی در منطقه خلیج فارس ارائه داده است.

### ۵- آلودگی نفتی خلیج فارس

مهم‌ترین آلودگی آب‌های خلیج فارس، ناشی از مواد نفتی است زیرا این منطقه هم ذخایر عظیم نفت دارند و هم پالایشگاه‌های متعددی در حوزه آن مشغول به کار هستند و هم کشتی‌های نفتکش متعددی برای حمل این ماده و واردات و صادرات دیگر کالاها در آب‌های خلیج فارس و دریای عمان رفت و آمد دارند. نفت از منابع گوناگونی وارد دریا می‌شود. برای مثال نشت‌های نفتی طبیعی، تخلیه‌های صنعتی از صنایع واقع در خشکی، تخلیه معمول از کشتی‌ها و لکه‌های نفتی که به سبب ریزش نفت به صورت تصادفی یا بی‌توجهی به دریا حادث می‌شوند را می‌توان نام برد. به‌دست‌آوردن

ارقام صحیح از مقدار کل نفتی که به اقیانوس‌های جهان وارد می‌شود بسیار مشکل است ولی IMO این تعداد را در حدود ۱۶ میلیون بشکه نفت در سال از تمامی منابع به دریا تخمین می‌زند (دانه کار، ۱۳۸۷).

#### ۶- آلودگی‌های زیست‌محیطی دستگاه‌های آب شیرین‌کن

آب شیرین به منزله منبعی نادر، نقش مهمی در ژئوپلیتیک جهان دارد. آب در بعضی از مناطق و نواحی جهان به حد کافی وجود ندارد و سعی می‌شود از حداقل آب موجود، حداکثر بهره‌برداری انجام شود. اغلب کشورهای حاشیه خلیج فارس، از نظر دارا بودن منابع آبی و به‌ویژه آب شیرین فقیر می‌باشند (روحانی، ۱۳۹۰: ۲۶۴) (جدول ۱). در این کشورها، کمبود آب شیرین و منابع آب قابل استفاده باعث ایجاد چالش و مشکلات فراوانی شده است. به عنوان مثال کشور کویت بر اساس آمار یونسکو، کم‌آب‌ترین کشور دنیا در دهه‌های آینده خواهد؛ به طوری که سرانه مصرفی آب آن (به ازاء هر نفر در سال) ۱۱ متر مکعب تخمین زده می‌شود (کاویانی راد و همکاران، ۱۳۸۸: ۳۴۲). یکی از راهکارهایی که این کشورها در مواجهه با این بحران به سمت آن رفته اند استفاده از دستگاه‌های آب شیرین‌کن می‌باشد. بطوری که از میان ۱۰۰ آب شیرین‌کن بزرگ دنیا (تا سال ۲۰۰۹ میلادی) ۸۶ مورد در خاورمیانه و از این تعداد ۹۰ درصد در حاشیه خلیج فارس قرار دارد. به بیان دیگر ۶۰ درصد همه آب شیرین‌کن‌های دنیا در خاورمیانه قرار دارند. یکی از مشکلات این دستگاه‌ها این است که مدرن‌ترین آب شیرین‌کن‌ها بهره ۵۰ درصدی دارند، یعنی نیمی از آبی را که می‌گیرند به آب شیرین تبدیل کرده و مابقی به صورت تلخاب وارد دریا می‌شود. میزان املاح و فلزات سنگین موجود در تلخاب حدود ۶۴ تا ۷۰ ppt قسمت در هزار است. این یعنی دو برابر آب دریا. بر اثر فعالیت دستگاه‌های آب شیرین‌کن روزانه بیش از یک میلیون و دویست هزار متر مکعب تلخاب به خلیج فارس وارد می‌شود. خلیج فارس به دلیل شرایط طبیعی اش از سرعت بالای گردش کامل آب برخوردار نیست. برای این که سیکل آب خلیج فارس بتواند یکبار گردش کامل داشته و آلودگی‌ها را از خلیج فارس بیرون ببرد، ۴ سال زمان لازم است. از طرفی دمای میانگین دریاهای آزاد زیر ۲۵ درجه است. این دما برای رشد و زندگی همه انواع آبزیان حیاتی است و تغییر آن موجب انقراض شان می‌شود. این مسئله در حالی است که بدانیم تلخاب‌ها، دمایی حدود ۱۸ تا ۶۰ درجه سانتی-گراد دارند. دمای میانگین اطراف خروجی تلخاب‌ها همواره بالاتر از ۳۰ درجه است. این شوک حرارتی همه آبزیان را تا سر حد انقراض پیش می‌برد (روزنامه جام جم، ۱۳۹۰: شماره ۳۳۴۶).

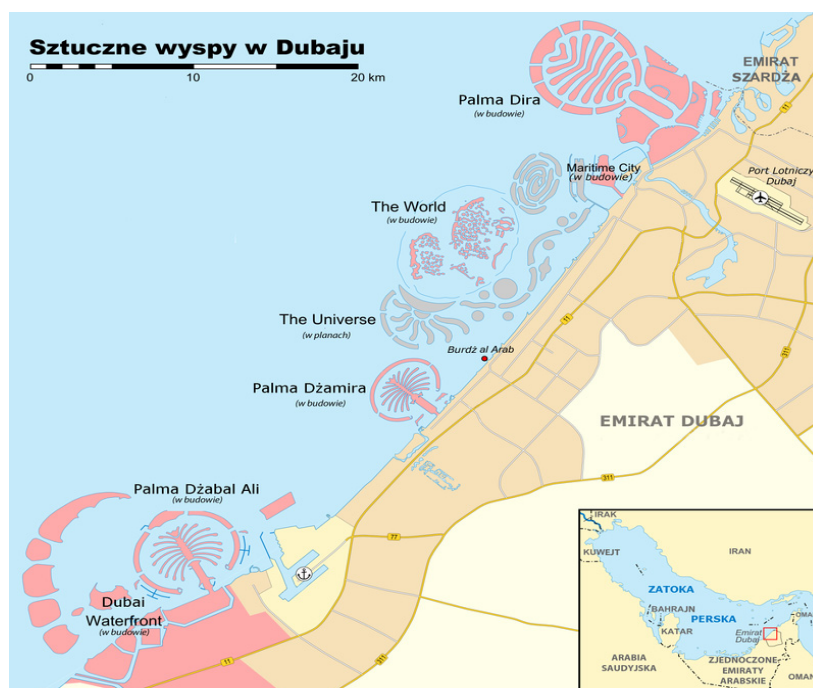
کشور	مساحت کشور (کیلومتر مربع)	زمین‌های مزروعی و زیرکشت (هکتار)	نسبت زمین-های مزروعی به مساحت کشور	میانگین بارندگی به میلی‌متر در سال	منابع آب زیرزمینی سالانه	آب‌های سطحی	کل منابع آب تجدیدپذیر واقعی (مترمکعب سرانه در سال)	کل منابع آب تجدیدپذیر واقعی (مترمکعب)
ایران	۱۶۴۸۱۹۵	۱۶۳۳۶۰۰۰	۹/۹	۲۲۸	۴۹۳۰	۹۷/۳	۱۳۷/۵۱	۱۹۵۵
بحرین	۶۹۴	۶۰۰	۸/۴	۸۳	۰	/۰۰۴	/۱۲	۱۸۱
عراق	۴۳۸۳۱۷	۵۵۴۰۰۰۰	۱۲/۶	۲۱۶	۱/۲۰	۳۴	۷۵/۴۲	۳۲۸۷
کویت	۱۷۸۱۸	۱۰۰۰۰	/۵	۱۲۱	/۰	۰	/۰۲	۱۰
قطر	۱۱۰۰۰	۲۱۰۰۰	۱/۹	۷۴	/۵۰	/۰۰۱	/۰۵	۹۴
عربستان	۲۱۴۹۶۹۰	۳۷۸۵۰۰۰	۱/۷	۵۹	۲/۲۰	۲/۲۰	۲/۴۰	۱۱۸
عمان	۳۰۹۵۰۰	۸۰۰۰۰	/۳۵	۱۲۵	/۹۶	/۹۳	۹/۹	۳۸۸
امارات	-	-	-	-	-	-	-	-

(جدول شماره ۱) - وضعیت میزان آب در کشورهای حاشیه خلیج فارس

(روحانی، ۱۳۹۰: ۲۶۴)

### ساخت جزایر مصنوعی و چالش‌های زیست‌محیطی آن

کشورهای عربی، به ویژه امارات متحده عربی با کمک درآمدهای نفتی، شاهکارهای مهندسی چالش‌برانگیزی را شامل، بلندترین ساختمان یا برج جهان، گران‌ترین جزایر سکونت‌گاهی جهان و نیز، بزرگترین فرودگاه جهان را ساخته‌اند و این تحولات هیجان‌انگیز و پیشرفته، هزینه‌های زیادی برای منابع آب و محیط‌زیست این کشورهای بیابانی داشته است (شکل ۱). به عنوان مثال برج العرب که دومین برج بلند جهان است، روی یکی از جزایر مصنوعی این کشور بنا شده است. پروژه مهم دیگر دبی، هتل شهر آبی است که حدود بیست متر زیر آب‌های خلیج فارس واقع شده و شامل ۲۲۰ سوئیت است و جمعیت زیادی را جذب کرده که می‌تواند پیامدهای بسیاری در پی داشته باشد. پروژه‌های زیر آبی، چون در زیر آب واقع است با جان مردم، محیط‌زیست، موجودات و سکنه-ی دریایی و جریان‌های دریایی سروکار دارند که سبب بروز نگرانی‌هایی شده است. در امارات متحده-ی عربی، به علت ساخت و سازهای انبوه، میزان گازهای گلخانه‌ای به شدت افزایش یافته است. سطح دریا بالا آمده و پیش‌بینی می‌شود، جزایر مصنوعی تا ۵۰ سال آینده زیر آب بروند بنابراین، کشورهای عربی خلیج فارس، به‌ویژه امارات، به دلیل پروژه‌های ساخت و ساز با مشکلات زیست‌محیطی بسیاری در دریا مواجه اند (McCreery, 2009, 2-3).



(شکل ۱): نقشه طرح نهایی جزایر شیخ نشین دبی

بر اساس پروژه تحقیق کنگره منابع آب و محیط‌زیست جهان، جزایر مصنوعی اعراب، بدون ملاحظات و مطالعات زیست‌محیطی ساخته شده‌اند و به این دلیل، محیط‌زیست خلیج فارس در خطر است (Kumar, 2009, 2).

هم اکنون خلیج فارس میزبان گونه‌های زیست‌محیطی متنوعی است. شامل بیش از ۵۰۰ نوع ماهی، ۱۵ نوع میگو و ۵ گونه نادر لاک پشت است. کارشناسان در مورد تخریب ساحل مرجانی منحصربه‌فرد دبی هشدار داده‌اند. جزایر مصنوعی خلیج فارس، حیات دریایی را مورد خطر قرار داده، به صخره‌های مرجانی آسیب رسانده، بر تیرگی آب دریا افزوده و حیات وحش را مدفون کرده است (Butler, 2005, 2). تغییرات مهم در محیط‌زیست از سطح دریا به طرف پایین، زخم‌های عمیقی را ایجاد کرده‌اند. آب‌های زلال خلیج فارس، در نتیجه حفاری و رسوب‌گذاری دوباره‌ی ماسه‌ها و شن‌ها و گل‌ولای پوشانده شده و سبب تیرگی بیش از حد آن شده است (United Nations University, 2005, 5). فعالیت ساخت و ساز همچنان به سکنه و سکونت‌گاه‌های دریایی زیان می‌رساند و سبب دفن صخره‌های مرجانی، اراضی و قنات‌های زیر دریا، علف‌های



دریایی، صدف‌های کف دریا و به خطر انداختن گونه‌های ماهی می‌شود(شکل‌های ۴ و ۳)(Salahuddin, 2006, 80).



(شکل ۲): فرایند احداث جزایر مصنوعی

در کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها، بر لزوم توجه به محیط‌زیست دریا در ساخت جزایر مصنوعی، توجه ویژه‌ای شده است. این کنوانسیون شرط لازم برای ساخت جزایر مصنوعی را، عدم آسیب به محیط‌زیست و منابع زنده و غیر زنده در بستر دریا و زیر دریاها ذکر کرده است(ماده ۲۳۵ کنوانسیون ۱۹۸۲)(Tsaltas and Tilemachos, 2010, 5). همچنین براساس ماده ۵۶ کنوانسیون ۱۹۸۲، دولت ساحلی، صلاحیت انحصاری برای تأسیسات، قوانین گمرکی، مالی، بهداشتی، مهاجرتی و ایجاد کمر بند ایمنی اطراف آنها را مطابق با استانداردهای بین‌المللی و تضمین ایمنی دریانوردی دارند، اما این جزایر، نباید مخل دریانوردی بین‌المللی باشد و مهم‌تر اینکه، این جزایر قلمروهای طبیعی یا دریایی ندارند و وجود آنها تأثیری بر تعیین حدود دریای سرزمینی ندارد(Tsaltas & Tilemachos, 2010, 8-9).



(شکل ۳): فرایند احداث جزایر مصنوعی

ملاحظات آنکه می‌بایست در جریان ساخت این بناها مورد استفاده قرار گیرد، عمق آب و هوای دامنه‌ی بلندترین موج، دامنه جزر، جریان‌های دریایی، شرایط پی ساختمان، خطر زمین لرزه، منبع مصالح، مسیرهای کشتیرانی، خطوط لوله‌های موجود، جنبه‌های حقوقی، ملاحظات زیست‌محیطی و ملاحظات ماهیگیری است رعایت نکردن این اصول، به معنای ایجاد چالش و مشکلات زیست‌محیطی است (پیشگاهی فرد و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۳۳).

از آنجایی که خلیج فارس دریای بسته و نیمه بسته‌ای است، آلودگی‌های زیست‌محیطی، دست کم تا ۴ سال آینده در این دریا باقی‌مانده و به دور خود می‌چرخد. جدول شماره ۱، چالش‌های بسیاری که به دلیل رعایت نشدن اصول و الزامات حقوقی، زیست‌محیطی و اخلاقی به وجود آمده را نشان می‌دهد.

(جدول شماره ۱): پیامدهای زیست‌محیطی ساخت جزایر مصنوعی

ردیف	پیامدهای زیست‌محیطی	منبع
۱	ایجاد ضایعات خانگی، آلودگی ساحل و ذخایر آبی	Butler, 2005, 2-3
۲	تخریب صخره‌های مرجانی، آلودگی و مسمومیت ماهیان و کاهش منابع دریایی	Salahuddin, 2006, 87
۳	فرسایش و کمبود خاک	Poole, 2009
۴	آسیب دیدن تنها ساحل مرجانی مشهور دبی	Butler, 2005, 2-3
۵	نابود شدن زیستگاه لاک پشت دریایی	Butler, 2005, 2-3
۶	تغییر مسیر جریان‌های طبیعی	خبرگزاری فارس، اسفند، ۲۰۱۰
۷	تبدیل آبهای شفاف و زلال پیرامون این جزایر به لجن‌زا با گل و لای ناشی از جزایر	خبرگزاری فارس، اسفند، ۲۰۱۰
۸	افزایش محدوده ی تحت کنترل امارات از ۶۰ کیلومتر به ۱۲۰۰ کیلومتر و آسیب‌رسانی به مرجان‌ها	Poole, 2009
۹	خشک‌کردن منطقه‌ی بزرگی از ساحل، کاهش عمق دریا، سلطه‌ی امارات بر خلیج فارس در مقابل جزایر سه‌گانه و ابوموسی، تغییر ساختار خلیج فارس و محیط‌زیست منطقه و باریک شدن ساحل.	Poole, 2009, 13
۱۰	آسیب‌زدن به منابع درآمدی مردم محلی و صنعت ماهیگیری	Salahuddin, 2006, 87
۱۱	تخریب جابه‌جایی رسوب و محروم کردن سواحل امارات از شن و ماسه	Tsaltas and Tilemachos, 2010, 8-9
۱۲	توسعه و تحولات ساخت و ساز دریایی در خلیج فارس از سوی کشورهای عربی منجر به مشکلاتی چون گرم شدن جهانی و منطقه‌ای، افزایش بلای طبیعی و آلاینده‌های فاضلاب شده است.	Kumar, 2009

(پیشگامی فرد و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۳۵)

در این شرایط ساخت تأسیسات دریایی و جزایر مصنوعی بر وخامت اوضاع زیست‌محیطی این منطقه افزوده است. تغییر ساختار منطقه با ضایعات زیست‌محیطی مخرب همراه بوده است و این زیان‌های متعدد به حیات گیاهی و جانوری منطقه، حلقه‌ی گم شده‌ی این طرح‌ها بوده که در جریان ساخت فراموش شده است.

از این رو نکته‌ی مهم این است که جزایر مصنوعی، نباید بدون توجه به حقوق و منافع دیگران و پیامدهای زیست‌محیطی ساخته شود و کشورهای سازنده موظف هستند، حقوق دیگران را محترم شمرده و منافع متقابل را رعایت کنند. بنابراین در ساخت جزایر مصنوعی باید اصول دیگری رعایت شود. در طراحی جزایر مصنوعی بایستی از تکنولوژی پیشرفته استفاده شود، از نظر اقتصادی عملی بوده و مهم‌تر از همه، حافظ محیط‌زیست باشد. طرح ساخت جزیره‌ی مصنوعی باید از سوی اداره‌ی محیط‌زیست و کشتیرانی تأیید شود. جزایر مصنوعی باید به نیازهای حفاری مناسب، اکتشاف و بهره‌برداری نفت و پیاده‌سازی قطعات و جابه‌جایی پس از تخریب آگاهانه یا ناآگاهانه‌ی جزیره پاسخ

دهد. بنابراین، همه‌ی این الزامات باعث می‌شود، تأسیسات گوناگونی در دریا ایجاد شود و این به معنای آلوده‌تر شدن دریاست. کشورها به شرطی می‌توانند جزایر مصنوعی بسازند که تمام شرایط زیست‌محیطی را رعایت کنند، در غیر این صورت، اقدام آنها پیامدهای ناخوشایندی را برای محیط‌زیست دریا و منافع متقابل کشورها دارد.

### حفاظت از محیط‌زیست خلیج فارس

اندیشه حفاظت از محیط‌زیست به ویژه آب دریاها و اقیانوس و آب‌های بین‌المللی، منطقه‌ای و ساحلی کشورها با این منطق که منافع تمامی کشورها در گرو سالم بودن آنها میسر و ممکن است و همگان باید در حفظ آن کوشا باشند و اینکه بدون مشارکت همگان آینده‌ای تاریک برای بشر در پیش خواهد بود در سال‌های اخیر شکل گرفته و بیش از هر زمان دیگری ضروری و حیاتی است. اندیشه حفاظت از محیط‌زیست در پیوند با دیگر بیم‌ها، دغدغه‌ها و امیدهای بشر در اواخر هزاره دوم و اوایل هزاره سوم گره خورده و عزمی ملی، منطقه‌ای، فرامنطقه‌ای و جهانی را می‌طلبد، عزمی که باید همراه با کمک دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی منسجم شده و به منصف ظهور برسد.

متأسفانه کشورهای منطقه خلیج فارس، پروتکل‌ها و آیین‌نامه‌های اجرایی برای حفظ محیط‌زیست ندارند. از سوی دیگر حدود ۵۰۰ کنوانسیون در رابطه مستقیم و غیرمستقیم با مبحث محیط‌زیست در دنیا وجود دارد که این کنوانسیون‌های بین‌المللی متأسفانه با هم ناهماهنگ بوده و هرکدام موضوعی خاص را دنبال می‌کند؛ چرا که فی‌نفسه تخصصی و منطقه‌ای می‌باشند و در عمل ابزار مالی و فنی لازم را نداشته و در اجرا با مشکل مواجه هستند.

جمهوری اسلامی ایران با تدوین و ارائه آیین‌نامه‌ها و پروتکل‌ها و موافقت‌نامه‌های زیست-محیطی متکی بر اهداف مشترک کشورهای منطقه و تلاش در جهت معرفی و امضاء این موافقت‌نامه‌ها با هدف حفظ محیط‌زیست دریایی برای منطقه خلیج فارس می‌تواند بستر مناسبی را برای همکاری منطقه‌ای و بین‌المللی با محوریت رعایت اصول زیست‌محیطی دریایی بوجود آورده و ضمن تثبیت جایگاه محوری خود می‌تواند به الگوی منطقه‌ای تبدیل شود. در این راستا جهت کنترل و مهار هر نوع آلودگی در این پهنه آبی، مشارکت و همکاری همسایگان آن بیشتر از هر موضوعی می‌بایست مدنظر قرار گیرد. تعهد به کنوانسیون‌های مختلف (کویت و ...) و مدیریت مناسب در رفع آلاینده‌های کارخانجات و... نظارت دقیق و متعدد بر تردد شناورهای مختلف و... می‌تواند به عنوان گام‌های اولیه در رسیدن به مهار آلودگی در خلیج فارس به شمار آید (لطفی و همکاران، ۱۳۸۹: ۸ به نقل از غناری، ۱۳۶۹).

## نتیجه‌گیری

محیط‌زیست دریایی خلیج فارس به علت شرایط اکولوژیک خاصی که دارد و بهره‌گیری‌هایی که از این محیط و منابع آن می‌شود در معرض مخاطراتی به طور مستمر قرار گرفته است. خلیج فارس در زمره یکی از با ارزش‌ترین زیست بوم‌های آبی جهان محسوب می‌گردد که با وجود متنوع‌ترین رویش‌های گرمسیری، گونه‌های مختلف جانداران آبی و... دارای شرایط بسیار ویژه‌ای است که محیط زیست آن را تبدیل به محیطی بسیار حساس و شکننده کرده است. متأسفانه در سال‌های اخیر عوامل مختلفی چون افزایش جمعیت، توسعه شهرنشینی، گسترش صنعت، استفاده غلط از منابع طبیعی و... باعث بروز آلودگی شدید و زیست محیطی این منطقه گردیده است.

زندگی صنعتی بشر امروزی بیش از هر پهنه آبی دیگر بر پیکر بی‌دفاع خلیج فارس آثار مخرب خود را نشان داده است. عبور و مرور انواع شناورها و تخلیه مواد آلاینده آنها به خلیج فارس، تخلیه انواع مواد شیمیایی خطرناک و... از عمده‌ترین عوامل آلودگی محیط‌زیست دریایی خلیج فارس به شمار می‌آید که توانسته‌اند در اندک زمانی اکوسیستم بی‌نظیر آن را تا ۴۷ برابر حد طبیعی آلودگی، آلوده نماید و بدین طریق آبریزان و موجودات آن را با خطر نابودی مواجه سازند. خلیج فارس شاهراه انتقال انرژی و نیز یکی از اصلی‌ترین مسیرهای ترانزیت کالا به اقصی‌نقاط جهان به شمار می‌آید، علی‌رغم این مزایا این پهنه زیبای آبی مدفن و مخزن انواع آلاینده‌های بسیار خطرناک نیز است.

وجود منابع سرشار نفت در خلیج فارس باعث رشد شهری و صنعتی این منطقه شده و افزایش جمعیت را در پی داشته است. این تمرکز جمعیت و فعالیت‌های صنعتی باعث تخریب در اکوسیستم آبی منطقه شده است. تخلیه زباله و مواد زائد، شستشوی کشتی‌هایی که در حال آمد و شد هستند، تردد نفت‌کش‌ها و دفع فاضلاب پالایشگاه‌ها و نیز آتش سوزی در اسکله‌های نفتی و تجاری همه و همه باعث آلودگی و دگرگونی‌های بزرگی در اکوسیستم خلیج فارس شده است که اگر ادامه پیدا کند عوارض جبران ناپذیری را بوجود خواهد آورد.

به دلایل فوق و دیگر دلایل ذیل از جمله استخراج منابع نفتی، نشست نفت، تولید مواد پتروشیمی، صنعتی‌شدن کشورهای حاشیه به طور بی‌رویه، نبود مدیریت علمی منسجم، تردد زیردریایی‌ها و غیره، خلیج فارس یکی از آلوده‌ترین مناطق دریایی از نظر زیست‌محیطی می‌باشد، به نحوی که می‌توان گفت کمتر منطقه‌ای در جهان با چنین ابعادی در ویرانی محیط زیست مواجه بوده است.

ارزیابی نهایی چنین است که اگر منطقه‌ی خلیج فارس را در نظام منطقه‌ای به صورت یک سیستم فرض کنیم، هر نقصی در یک جزء این سیستم، اجزای دیگر این سیستم را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد. بنابراین، تهدیدات ناشی از این معضلات زیست‌محیطی که امروزه در این منطقه شاهد

آن هستیم، متوجه تمام کشورهای حوزه‌ی خلیج فارس است. کشورهای خلیج فارس باید با تدبیر و کارایی خاص هر چه بیشتر در حفظ محیط‌زیست این منطقه کوشا باشند و برای جلوگیری از به خطر افتادن اکوسیستم آبی منطقه حداکثر تلاش خود را انجام دهند، اگرچه در این زمینه پژوهش‌های فراوان انجام شده اما همچنان آلودگی‌های زیست‌محیطی خلیج فارس به خصوص آلودگی‌های نفتی، اکوسیستم این منطقه را تهدید می‌کند و این امر لزوم همکاری کشورهای متعهد در جهت کاهش خطرات زیست‌محیطی را بیش از پیش می‌طلبد. در صورتی این همکاری می‌تواند پاسخ مثبتی در برداشته باشد که اقدام عملی برای این مدیریت از درون کشورها شروع شود و در این ارتباط عناصری چون دولت‌ها و رسانه‌ها، نقش مؤثری در این زمینه ایفا کنند.

### پیشنهادات

- (۱) جلوگیری از تغییرات فیزیکی محیط‌زیست در اثر زهکشی، احیای زمین و فعالیت‌های معدنی و مهندسی در سواحل؛
- (۲) ارائه آگاهی‌های لازم درباره‌ی آثار زیست‌محیطی ساخت جزایر مصنوعی از طرف دولت‌های سازنده و دارنده‌ی این جزایر؛
- (۳) شناخت منابع آلوده‌کننده‌ای که در خشکی و مناطق ساحلی وجود دارد و برنامه ریزی جهت مقابله با آن؛
- (۴) نظارت کامل و دقیق بر تردد نفت‌کش‌ها و قراردادن جریمه‌های سنگین برای نفت‌کش‌های آلوده کننده؛
- (۵) برگزاری دوره‌های آموزشی علمی و تخصصی در سطح منطقه در ارتباط با محیط زیست دریایی و حفاظت از آن؛
- (۶) همکاری و مشارکت کشورهای پیرامون منطقه خلیج فارس برای بهسازی و پاکسازی این منطقه در جهت حفظ چشم اندازهای طبیعی آن؛
- (۷) فرهنگ‌سازی بین اقشار مختلف مردم منطقه در جهت حفاظت از محیط‌زیست خلیج فارس؛
- (۸) امضای تفاهم نامه کشورهای منطقه خلیج فارس برای نوسازی و به روز کردن کشتی‌های نفت-کش جهت بالا بردن ضریب اطمینان از عدم نشت نفت به علت فرسودگی؛
- (۹) وضع قوانینی مانند مالیات‌های زیست‌محیطی بر نفت منطقه و جلوگیری از ورود نفت به منطقه؛
- (۱۰) جلوگیری از ورود فاضلاب‌های شهری و صنعتی؛
- (۱۱) بهینه‌کردن شیوه‌های تهیه آب شیرین از دریا؛
- (۱۲) توقف برداشت شن از دریا و توقف تغییر سواحل و ساخت و سازهای ساحلی.

### منابع

- پیشگاهی فرد، زهرا، کامران، حسن، افضل، رسول، امینی، حسن و التیامی‌نیا، رضا (۱۳۹۱)، پیامدهای زیست‌محیطی و حقوقی ساخت جزایر مصنوعی در خلیج فارس، فصلنامه پژوهش‌های جغرافیای انسانی، شماره ۷۹، فصل بهار.
- جواد، محمد و همکاران (۱۳۸۷)، *خلیج فارس و چالش‌های زیست‌محیطی آن*، مجموعه مقالات همایش ملی جایگاه خلیج فارس در تحولات استراتژیک جهان،
- دانه‌کار، افشین و پور خشوردی، سیده زهرا (۱۳۸۷)، *فرایند آلودگی نفتی دریا، سازمان محیط‌زیست*، مجموعه مقالات همایش ملی جایگاه خلیج فارس در تحولات استراتژیک جهان، دانشگاه آزاد اسلامی واحد گرمسار.
- رنجبر، دکتر محسن و ندیری، مژگان (۱۳۸۷)، *ارزیابی مسائل زیست محیطی خلیج فارس*، مجموعه مقالات همایش ملی جایگاه خلیج فارس در تحولات استراتژیک جهان دانشگاه آزاد اسلامی واحد گرمسار.
- روحانی، حسن (۱۳۹۰)، *امنیت ملی و نظام اقتصادی ایران*، انتشارات مرکز تحقیقات استراتژیک، چاپ چهارم، تهران؛
- روزنامه جام جم (۱۳۹۰)، بیست و چهارم بهمن؛ شماره ۳۳۴۶.
- ظفری، افسانه و همکاران (۱۳۸۷)، *مروری بر قوانین محیط زیست خلیج فارس با تاکید بر محیط زیست دریایی*، مجموعه مقالات همایش ملی جایگاه خلیج فارس در تحولات استراتژیک جهان، دانشگاه آزاد اسلامی واحد گرمسار؛
- عسگری، سهراب (۱۳۸۷)، *محیط‌زیست خلیج فارس رویکردی بر اهمیت در ژئوپلیتیک منطقه*، نشریه علمی فنی سازمان جغرافیائی سپهر، شماره ۶۸.
- عسگری، سهراب، صادقی، فرزانه، خان محمدی، زهرا (۱۳۹۳)، *ویژگی‌های زیست‌محیطی خلیج فارس و جایگاه آن در کنوانسیون‌های کویت و حقوق بین‌الملل دریاها*، فصلنامه سپهر، دوره بیست و سوم، شماره هشتاد و نهم.
- غناری، پیمان (۱۳۶۹)، *حفاظت محیط زیست در خلیج فارس*، مجموعه مقالات سمینار بررسی خلیج فارس، تهران؛ اردیبهشت، چاپ دوم.
- قهرمانی، دکتر شهاب و همکاران (۱۳۸۷)، *خلیج فارس و قدرتهای فرامنطقه‌ای و تحلیل ۳ جنگ اخیر خلیج فارس*، مجموعه مقالات همایش ملی جایگاه خلیج فارس در تحولات استراتژیک جهان.
- کاویانی‌راد، مراد (۱۳۸۴)، *مناسبات هیدروپلیتیک ایران و افغانستان*، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال هشتم، شماره دوم، تهران.
- لطفی، حیدر، بقایی حمید؛ موسوی، سیدرضا و خیامباشی، سهیل (۱۳۸۹)، *محیط‌زیست خلیج فارس و حفاظت از آن*، فصلنامه علمی پژوهشی جغرافیای انسانی، سال سوم، شماره اول، زمستان.
- Butler, T., (2005), *Dubai's Artificial Islands Have High Environmental Cost the Price of "The World"*, Dubai's Artificial Future, August 23.

- 
- Kumar, A.,(2009), *Reclaimed Islands and New Offshore Townships in the Arabian Gulf: Potential Natural Hazards*, Current Science, Vol. 96, PP. 1-6.
  - McCreery, K., Khurshid, M.,(2009), *Introduction to Civil Engineering Critique*, PP.1-24.
  - Poole, E.,(2009), *The Dubai Palms: Construction and Environmental Consequences*, World Environmental and Water Resources Congress.
  - Salahuddin, B.,(2006), *the Environmental Impacts of the Artificial Islands Construction in Dubai of the UAE*, Duke University.
  - Tsaltas, G., Bourtzis, T., Rodotheatos, G.,(2010), *Artificial Island and Structure as a Means of Safeguarding State Sovereignty Against Sea Level Rise*, A law of Sea Perspective, P.1-17.
  - United Nations University,(2005), *International Network on Water, Environment and Health*, Coastal Zone Management in the Persian Gulf.



## مطالعه هویت نام خلیج فارس در نقشه‌ها و اطلس‌های موجود در سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران و وزارت امور خارجه

زهرا میرحسینی<sup>۱</sup>، زهرا ابادری<sup>۲</sup>، صفورا محرابی<sup>۳</sup>

### چکیده

این پژوهش به بررسی و تعیین هویت نام خلیج فارس در نقشه‌ها و اطلس‌های موجود در سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران و وزارت امور خارجه می‌پردازد. اسناد مورد مطالعه شامل ۱۴۸۲۶ نقشه و ۱۷۴ اطلس موجود در دو کتابخانه می‌باشد که از میان آنها ۶۸۹ منبع در کتابخانه ملی و ۱۶۱ منبع در کتابخانه امور خارجه مورد بررسی قرار گرفت. نتایج نشان می‌دهد نام خلیج فارس در نقشه‌ها به زبان فارسی (۴۹/۳ درصد)، به زبان انگلیسی (۱۲/۲ درصد) و به زبان فرانسه (۴/۷ درصد) به کار رفته است. در اطلس‌ها به زبان فارسی (۲۵/۳ درصد)، به انگلیسی (۳۰/۵ درصد) و به فرانسه (۱۲/۱ درصد) مربوط به منطقه خاورمیانه، اروپا و آمریکا به کار رفته است. این نام در قرن ۱۴ شمسی (۱۵ ق)، همچنین ۲۰ و ۲۱ میلادی بیشترین فراوانی را داشته است. ۳ درصد نقشه‌ها و اطلس‌های موجود در دو کتابخانه قبل از قرن دوازدهم میلادی منتشر شده است. از مجموع ۶۸۹ نقشه و اطلس با عناوین خلیج فارس در سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، ۷۴/۷ درصد نقشه و ۲۵/۳ درصد اطلس می‌باشد. از مجموع ۱۶۱ منبع مطالعه شده در وزارت امور خارجه با عناوین خلیج فارس، ۱۰۰ درصد نقشه‌ها به نام‌های خلیج فارس، الخلیج الفارسی، دریای بوشهر، Persian gulf، پرشین گلف + خلیج فارس، زبان فرانسه Golf persique، زبان آلمانی Persischer gulf، ایتالیایی Golfo persico و سایر نام‌ها بوده است. با توجه به تحقیق انجام شده این نام‌ها سندیت تاریخی دارند و اسامی مجعول فعلی مبنای تاریخی نداشته و درست نمی‌باشند.

واژگان کلیدی: هویت، خلیج فارس، نقشه، اطلس

---

۱- دانشیار گروه علم اطلاعات و دانش‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال

z\_mirhoseini@iau-tbn.ac.ir (نویسنده مسئول)

۲- دانشیار گروه علم اطلاعات و دانش‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال

۳- کارشناسی‌ارشد علم اطلاعات و دانش‌شناسی

## مقدمه

خلیج فارس در حدود ۲۵ تا ۳۸ میلیون سال پیش با از بین رفتن دریای تتیس<sup>۱</sup> کم کم شکل گرفت. به عبارت دیگر خلیج فارس از بقایای دریای تتیس است. از حدود صد هزار سال پیش ایران کاملاً مسکونی شده بوده و در آن کویر و بیابان وجود نداشت (سحاب و محمودیان، ۱۳۸۴: ۱۲).

خلیج فارس همانند دالانی است که در واقع باقیمانده گودال بزرگی در دوران‌های گذشته زمین‌شناسی است. فشارهای حاصل از آتشفشان‌های فعال فلات ایران و مقاومت فلات عربستان در برابر این واکنش‌های تکتونیکی<sup>۲</sup>، سبب ایجاد و توسعه عرض و عمق آن شده است (عقلمند، ۱۳۶۸: ۳۹۱). خلیج فارس جزو اندک نام‌های جغرافیایی است که کهن‌ترین اسناد نام آن را بر خود حک کرده‌اند. عده‌ای معتقدند "خلیج فارس گهواره تمدن جهان یا خاستگاه نوع بشر است". ساکنان باستانی این منطقه، از نخستین انسان‌هایی بودند که روش دریانوردی را آموخته و کشتی اختراع کرده و شرق و غرب را به یکدیگر پیوند داده‌اند. خلیج فارس از زمان باستان تا امروز اهمیت و ارزشمندی خود را از نظر جایگاه بازرگانی، انتقال فرهنگی و اهمیت راهبردی حفظ کرده است (عجم، ۱۳۸۸: ۲۰۵).

پژوهش‌های زمین‌شناسان نشان داده است که خلیج فارس چندین خلیج فرعی دارد و در دوره سوم زمین‌شناسی به وجود آمده که روزگاری برخی از جزایر آن آتشفشانی بوده است (تکمیل-همایون، ۱۳۸۱، ۱۱). ۳۰ میلیون سال قبل بر اثر فشار زیاد آب و لرزش‌های مداوم زمین در ارتفاعات بین خلیج فارس و دریای عمان شکستگی‌هایی ایجاد شد و در نتیجه تنگه هرمز پدید آمد و خلیج فارس به دریای عمان متصل شد. گفته‌اند در صورتی که تنگه هرمز پدید نمی‌آمد، خلیج فارس به مردابی راکد مبدل می‌گشت که به تدریج خشک می‌شد و جای آن را کویری همچون کویر لوت می‌گرفت (حمیدی، ۱۳۶۸: ۲۳۲).

ساکنین اولیه خلیج فارس نخست (دراویدی‌ها) بودند که ساکن کرانه‌های مکران بوده و پس از تسلط بلوچ‌ها بر آن ناحیه در نژاد بلوچ مستهلک شدند. دوم (سامی‌های) ساکن کرانه‌های عربستان بودند که چون به این منطقه آمدند (حامی‌ها) یا سیاهان آفریقایی ساکن این حدود را بیرون راندند و خود به جای آنها اقامت گزیدند. سوم (ایلامی‌ها) بودند که در مدخل خلیج فارس تا نزدیکی‌های بوشهر سکونت داشتند (سعیدی، ۱۳۶۸: ۲). ابوالقاسم محمدبن حوقل در کتاب صوره الارض که آن را به سال ۳۶۷ هـ. تالیف کرده، این خلیج را "بحر فارس" نامیده است (اقتداری، ۱۳۸۷: ۲۱۶).

1- tethes sea

۲- نیروهایی که برابر حرکت صفحه‌های پوسته زمین به وجود می‌آید.

دو نقشه بسیار معتبر از کشورهای کویت و عراق در دست است که دریای جنوب ایران و جنوب شرقی را در سال‌های اخیر خلیج فارس نام می‌دهند. اول نقشه‌ای است از دائرة المعارف مشهور و بسیار پر ارزش "المنجد" و دیگری نقشه‌ای است از دائرة المعارف اقتصادی لبنانی به نام (الدلیل التجاری - للشرق الاوسط) ۱۹۷۱-۱۹۷۲ (مجتهدزاده، ۱۳۵۴: ۵۵).

«علی حمیدان»، در کتاب «سلاطین سیاه» چاپ پاریس (۱۹۶۹ م)، بارها از خلیج فارس نام برده است. روزنامه تایمز لندن در شماره ۱۶ دسامبر ۱۳۴۷/۱۹۶۸ ه.ش اظهار امیدواری کرده که دیگر نویسندگان و تاریخ نگاران عرب نیز از علی حمیدان پیروی کرده و از کوشش بیهوده در تغییر نام خلیج فارس که سده‌ها در تمامی نقشه‌های جهان، به همین نام آمده است، خودداری کنند (افشار سیستانی، ۱۳۸۱: ۱۱۲).

خلیج فارس نظر به موقعیت خاص و ممتازی که دارد از قدیمی‌ترین ازمنه تاریخ مورد توجه بشر واقع گردیده و شاید بتوان گفت یکی از قدیمی‌ترین دریاهایی را که انسان متمدن شناخته همین دریا بوده است. برخی مورخین از جمله صاحب کتاب "ملوک العرب" برآنند که خلیج فارس گاهواره تمدن عالم یا مبدا پیدایش نوع بشر می‌باشد و ساکنان آن نخستین انسانهایی بودند که طریق دریانوردی را آموخته‌اند و کشتی اختراع کردند و امواج خروشان دریا را محکوم اراده توانای خود ساخته‌اند و خاور و باختر را به یکدیگر مربوط نمودند (نشأت، ۱۳۴۴: ۱۱). نام جدید خلیج فارس و نام‌های قدیم به ترتیب عبارتند از: آکوآروم پرسیکو، اریط روم، بحر الفارس، بحر قلزم، لینوس پرسیکوس، پرسیکون کا ای تاس، خلیج سرخ، دریای اریتره، دریای بابل، دریای پارس، دریای بوئیکیک، دریای سبز، دریای فارس، ذراه کامسیر، ماره پرسیکوم، نارمرتو، ناره مره تو (چکنگی، ۱۳۸۷: ۱۹۶).

خلیج فارس همواره محل حضور و کشمکش و رقابت قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای بوده است. زمانی تجارت ادویه و دیگر کالاها علت اهمیت و حضور قدرت‌ها بوده، زمانی دیگر سرکوب دزدان دریایی را بهانه‌ای برای حضور خود قلمداد می‌کردند. پس از آن نفت کشف شد و تامین امنیت شرکت‌های نفتی توجهی برای حضور قدرت‌های خارجی شد (حافظ نیا، ۱۳۹۲: ۳۴۰). خلیج فارس یکی از مناطق مورد توجه پرتغالی‌ها بود که از ابتدای سفر دریایی‌شان به سمت شرق در نقشه‌ای به نام «کانتینو» دیده شده است (انوری، ۱۳۸۶: ۲۸).

«پیتر هیلین»<sup>۱</sup> مورخ و دین‌شناس هم از لفظ خلیج فارس در اثر ترسیمی‌اش از جهان با نام "تاریخ جهانی" که در ۱۹۵۰ به نگارش درآمده استفاده می‌کند (میرفخرایی، ۱۳۸۳: ۹).

خلیج فارس، پس از پنج هزار سال جنگ و ستیز در این گاهواره تمدن با آغاز قرن بیستم میلادی از حدود یکصد سال پیش در گیر و دار کشمکش‌های سیاسی و فرهنگی با دول همسایه عرب خود و استعمارگران اروپایی، روسی، چینی، ترک، تاتار، آفریقایی و آسیایی بوده است. در سال‌های اخیر نیز مصرانه و مجدانه کوشش نموده‌اند که نام خلیج فارس به «خلیج عربی و خلیج» تبدیل شود، و منافع ملی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی چند هزار ساله ایران در خلیج فارس و دریای عمان را در خطر نابودی قرار دهند. این رویه در رفتار دول عرب برای سعی در تغییر نام واقعی خلیج فارس که چهار هزار سال است به این اسم خوانده می‌شود، اثر بسیار نامطلوبی در ایران داشته است. خلیج فارس دچار جعل و تحریف گردیده و با تبلیغات دروغین همراه شده به طوری که ملت‌ها را در مقابل یکدیگر قرار داده است. در پایان نامه محروقی تحت عنوان «متغیرهای هویت بخش خلیج فارس: تهدیدها و فرصت‌ها» به اختلافات ارضی و مرزی و تلاش برای تغییر نام خلیج فارس از سوی موسسه نشنال ژئوگرافی پرداخته شده است (محروقی، ۱۳۸۷). با توجه به توضیحات فوق تحقیق حاضر در صدد است با بررسی نقشه‌ها و اطلس‌های موجود در کتابخانه وزارت امور خارجه و کتابخانه ملی ایران که مربوط به دوره‌های مختلف تاریخی هستند به شناسایی هویت نام خلیج فارس بپردازد.

### اهداف پژوهش

- ۱- تعیین نام خلیج فارس در زبان‌های مختلف بر اساس نقشه‌ها و اطلس‌های موجود در سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران و وزارت امور خارجه
- ۲- تعیین تغییر نام خلیج فارس در طول تاریخ بر اساس نقشه‌ها و اطلس‌های موجود در سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران و وزارت امور خارجه
- ۳- تعیین نام خلیج فارس از نظر قدمت در نقشه‌ها و اطلس‌های موجود در سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران و وزارت امور خارجه
- ۴- تعیین بیشترین منابع مطالعه شده (نقشه و اطلس) براساس مناطق جغرافیایی

### روش‌شناسی

پژوهش حاضر از نظر هدف بنیادی است و به روش تاریخی انجام شده است. برای گردآوری مطالب نیز از شیوه کتابخانه‌ای استفاده شده است. پژوهش تاریخی، پژوهشی گذشته نگر است که از طریق مطالعه عمیق منابع و موارد مربوط به گذشته، به روشن ساختن مساله مورد نظر در زمان حال

می‌پردازد (کومار<sup>۱</sup>، ۱۳۷۴، ۶۸). جامعه مورد پژوهش مجموعه نقشه‌ها و اطلس‌های موجود در سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران (۸۰۰۰ نسخه) و نقشه‌های وزارت امور خارجه (۷۰۰۰ نسخه) است.

از روش سرشماری استفاده شد و کل جامعه پژوهش مورد بررسی و مطالعه قرار گرفته است. تعداد ۶۸۹ منبع در مجموعه کتابخانه ملی وجود داشت (شامل ۵۱۵ نقشه و ۱۷۴ اطلس)، و تعداد ۱۶۱ منبع در وزارت امور خارجه (شامل ۱۶۱ نقشه) وجود داشت. یک اطلس دو جلدی نیز از مجموع ۱۶۱ نقشه موجود در کتابخانه وزارت امور خارجه تهیه شده بود، اما، جزء منابع مورد مطالعه در نظر گرفته نشد.

برای توصیف داده‌های بدست آمده از روش‌های معمول در آمار توصیفی در قالب جداول توزیع فراوانی - رسم نمودار استفاده شد و همچنین برای تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم افزار excel و spss نتایج تحقیق استخراج شد.

### یافته‌های پژوهش

(جدول شماره ۱): توزیع فراوانی نوع منابع مطالعه شده به تفکیک محل نگهداری

نوع منبع	کتابخانه ملی		امور خارجه	
	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد
نقشه	۵۱۵	۷۴,۷	۱۶۱	۱۰۰,۰
اطلس	۱۷۴	۲۵,۳	۰	۰,۰
جمع	۶۸۹	۱۰۰	۱۶۱	۱۰۰

چنانچه که در جدول شماره ۱ ملاحظه می‌شود، از مجموع ۶۸۹ منبع بررسی شده که در کتابخانه ملی قرار دارد، ۷۴,۷ درصد نقشه و ۲۵,۳ درصد اطلس بوده است. همچنین کلیه منابع بررسی شده که محل نگهداری آن‌ها وزارت امور خارجه قرار داشته مربوط به نقشه‌ها بوده است.

جدول شماره ۲: زبان منابع مورد مطالعه به تفکیک محل نگهداری

امور خارجه		کتابخانه ملی		زبان منابع
درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	
۱۲,۴	۲۰	۵۴,۴	۳۷۵	فارسی
۳۶,۰	۵۸	۲۴,۱	۱۶۶	انگلیسی
۱,۹	۳	۶,۷	۴۶	فارسی - انگلیسی
۰,۰	۰	۲,۲	۱۵	عربی
۰,۰	۰	۲,۰	۱۴	روسی
۲۰,۵	۳۳	۵,۵	۳۸	فرانسه
۶,۲	۱۰	۲,۶	۱۸	آلمانی
۳,۷	۶	۰,۶	۴	ایتالیایی
۲,۵	۴	۱,۷	۱۲	سایر زبانها
۱۶,۸	۲۷	۰,۱	۱	نامشخص
۱۰۰	۱۶۱	۱۰۰	۶۸۹	جمع

در جدول شماره ۲ زبان منابع مورد مطالعه بررسی قرار گرفته است. در منابعی که در کتابخانه ملی قرار داشته است؛ بیشترین منابع ۵۴,۴ درصد زبان فارسی؛ ۲۴,۱ درصد زبان انگلیسی؛ و کمترین منابع ۰,۶ درصد زبان ایتالیایی و ۱,۷ درصد مربوط به سایر زبانها بوده است. ضمن این که زبان ۰,۱ درصد منابع نامشخص بوده است. در منابعی که در امور خارجه نگهداری می‌شوند؛ بیشترین منابع ۳۶ درصد زبان انگلیسی؛ ۲۰,۵ درصد زبان فرانسه؛ و کمترین منابع ۳,۷ درصد زبان ایتالیایی و ۲,۵ درصد به سایر زبانها بوده است. ضمن این که زبان ۱۶,۸ درصد نامشخص بوده است.

جدول شماره ۳: توزیع فراوانی محل انتشار منابع مورد مطالعه به تفکیک محل نگهداری

امور خارجه		کتابخانه ملی		محل انتشار
درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	
۶,۲	۱۰	۴,۸	۳۳	آسیا
۱۳,۰	۲۱	۷۰,۵	۴۸۶	خاورمیانه
۱,۲	۲	۰,۴	۳	آفریقا
۱,۲	۲	۵,۱	۳۵	آمریکا
۶۲,۱	۱۰۰	۱۸,۹	۱۳۰	اروپا
۱,۲	۲	۰,۰	۰	استرالیا
۱۰۰	۱۳۷	۱۰۰	۶۸۷	جمع

چنانچه در جدول شماره ۳ ملاحظه می‌شود، محل انتشار منابع مورد بررسی قرار گرفته است که در کتابخانه ملی نگهداری می‌شود؛ بیشترین مربوط به منطقه خاور میانه ۷۰٫۵ درصد، و کمترین مربوط به منطقه آفریقا ۰٫۴ درصد بوده است. در منابع وزارت امور خارجه؛ بیشترین درصد مربوط به منطقه اروپا ۶۲٫۱ درصد و کمترین ۱٫۲ درصد مربوط به منطقه آفریقا؛ ۱٫۲ منطقه آمریکا و ۱٫۲ درصد مربوط به منطقه استرالیا بوده است.

جدول شماره ۴: توزیع فراوانی نام درج شده برای منابع مورد مطالعه به تفکیک محل نگهداری

امور خارجه		کتابخانه ملی		نام درج شده
درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	
۱۱٫۸	۱۹	۵۲٫۰	۳۵۸	خلیج فارس
۰٫۰	۰	۱٫۲	۸	الخلیج الفارسی
۰٫۰	۰	۱٫۶	۱۱	دریای بوشهر
۲۹٫۲	۴۷	۲۱٫۶	۱۴۹	Persian Gulf
۱٫۲	۲	۷٫۴	۵۱	پرشین گلف + خلیج فارس
۲۰٫۵	۳۳	۵٫۵	۳۸	Golfe persique
۶٫۸	۱۱	۲٫۵	۱۷	Persischer Golf زبان آلمانی
۰٫۰	۰	۲٫۰	۱۴	زبان روسی
۳٫۷	۶	۰٫۴	۳	Golfo Persico ایتالیایی
۶٫۲	۱۰	۱٫۲	۸	Sinus persicus سینوس پرسیکوس
۵٫۰	۸	۴٫۵	۳۱	سایر نام‌ها
۱۵٫۵	۲۵	۰٫۱	۱	نام نامشخص
۱۰۰	۱۶۱	۱۰۰	۶۸۹	جمع

همان‌طور که در جدول شماره ۴ مشاهده می‌شود، در جدول فوق وضعیت نام درج شده در منابع مورد مطالعه ارزیابی شده است. در منابعی که در کتابخانه ملی نگهداری می‌شود؛ ۵۲ درصد نام خلیج فارس؛ ۱٫۲ درصد نام الخلیج الفارسی؛ ۱٫۶ درصد نام دریای بوشهر؛ ۲۱٫۶ درصد نام Persian Gulf؛ ۷٫۴ درصد نام پرشین گلف + خلیج فارس؛ ۵٫۵ درصد نام Golfe persique؛ ۲٫۵ درصد نام زبان آلمانی Persischer Gol؛ ۳٫۷ درصد ایتالیایی Golfo Persico؛ ۶٫۲ درصد سینوس پرسیکوس Sinus persicus و ۵ درصد سایر نام‌ها بوده است. ضمن این که نام ۱۵٫۵ درصد منابع نامشخص بوده است.

جدول شماره ۵: توزیع فراوانی تاریخ انتشار منابع مورد مطالعه به تفکیک محل نگهداری

تاریخ انتشار		کتابخانه ملی		امور خارجه		جمع	
		فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد
شمسی و قمری	قرن دوازدهم و کمتر	۲	۰.۳	۰	۰.۰	۲	۰.۲
	قرن سیزدهم	۴	۰.۶	۲	۱.۲	۶	۰.۷
	قرن چهاردهم	۳۵۲	۵۱.۱	۸	۵.۰	۳۶۰	۴۲.۴
	قرن پانزدهم	۳	۰.۴	۰	۰.۰	۳	۰.۴
میلادی	قرن شانزدهم	۰	۰.۰	۹	۵.۶	۹	۱.۱
	قرن هفدهم	۲	۰.۳	۴	۲.۵	۶	۰.۷
	قرن هجدهم	۵	۰.۷	۳۹	۲۴.۲	۴۴	۵.۲
	قرن نوزدهم	۴۱	۶.۰	۳۰	۱۸.۶	۷۱	۸.۴
	قرن بیستم	۱۴۴	۲۰.۹	۷	۴.۳	۱۵۱	۱۷.۸
	قرن بیست و یکم	۶	۰.۹	۰	۰.۰	۶	۰.۷
نامشخص		۱۳۰	۱۸.۹	۶۲	۳۸.۵	۱۹۲	۲۲.۶
جمع		۶۸۹	۱۰۰.۰	۱۶۱	۱۰۰.۰	۸۵۰	۱۰۰.۰

در جدول شماره ۵ وضعیت تاریخ منابع آمده است. منابعی که در کتابخانه ملی قرار دارد، بیشترین منابع ۵۱,۱ درصد مربوط به قرن چهاردهم و ۲۰,۹ درصد مربوط به قرن بیستم است. کمترین مربوط به قرن دوازدهم کمتر و قرن ۱۷ است. از قرن ۱۶ نقشه‌ای در کتابخانه موجود نبود. ضمن این که تاریخ ۱۸,۹ درصد منابع نیز در این گروه نامشخص بوده است. در منابعی که در وزارت امور خارجه نگهداری می‌شود؛ بیشترین مربوط به قرن چهاردهم ۴۲,۲ درصد، و کمترین مربوط به قرن شانزده ۱,۱ درصد است. ضمن این که ۲۲,۶ درصد از منابع فاقد تاریخ بوده است.

در جدول شماره ۶ وضعیت زبان منابع به تفکیک نوع منبع مورد بررسی قرار گرفته است. از مجموع منابع بررسی شده ۶۷۶ مورد نقشه بوده است که زبان ۵۲,۴ درصد آن فارسی بوده است. ۲۴,۱ درصد زبان انگلیسی، ۶,۷ درصد زبان فارسی - انگلیسی، ۰,۷ درصد زبان عربی، ۰,۳ درصد زبان روسی، ۷,۵ درصد زبان فرانسوی، ۱,۹ درصد زبان آلمانی، ۱ درصد زبان ایتالیایی و ۱,۲ درصد به سایر زبان‌ها بوده است. ضمن این که زبان ۴,۱ درصد نقشه‌ها نامشخص بوده است. از مجموع منابع ۱۷۴ مورد مربوط به اطلس‌ها بوده است که زبان ۲۲,۶ درصد از منابع فارسی، ۳۵,۱ درصد انگلیسی، ۲,۳ درصد فارسی - انگلیسی، ۵,۷ درصد عربی، ۶,۹ درصد روسی، ۱۱,۵ درصد فرانسوی، ۸,۶ درصد آلمانی و ۱,۷ درصد به زبان ایتالیایی بوده است. ضمن این که زبان ۴,۶ درصد اطلس‌ها نامشخص بوده است.



جدول شماره ۶: توزیع فراوانی زبان منابع مورد مطالعه به تفکیک نوع منبع

اطلس		نقشه		زبان منابع
درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	
۲۳.۶	۴۱	۵۲.۴	۳۵۴	فارسی
۳۵.۱	۶۱	۲۴.۱	۱۶۳	انگلیسی
۲.۳	۴	۶.۷	۴۵	فارسی - انگلیسی
۵.۷	۱۰	۰.۷	۵	عربی
۶.۹	۱۲	۰.۳	۲	روسی
۱۱.۵	۲۰	۷.۵	۵۱	فرانسه
۸.۶	۱۵	۱.۹	۱۳	آلمانی
۱.۷	۳	۱.۰	۷	ایتالیایی
۴.۶	۸	۱.۲	۸	سایر زبان‌ها
۰.۰	۰	۴.۱	۲۸	نامشخص
۱۰۰	۱۷۴	۱۰۰	۶۷۶	جمع

جدول شماره ۷: توزیع فراوانی محل انتشار منابع مورد مطالعه به تفکیک نوع منبع

اطلس		نقشه		محل انتشار
درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	
۱۲.۶	۲۲	۳.۱	۲۱	آسیا
۳۳.۹	۵۹	۶۶.۳	۴۴۸	خاورمیانه
۱.۱	۲	۰.۴	۳	آفریقا
۱۲.۱	۲۱	۲.۴	۱۶	آمریکا
۳۹.۷	۶۹	۲۳.۸	۱۶۱	اروپا
۰.۰	۰	۰.۳	۲	استرالیا
۰.۶	۱	۳.۷	۲۵	نامشخص
۱۰۰	۱۷۴	۱۰۰	۶۷۶	جمع

در جدول شماره ۷، محل انتشار منابع به تفکیک نوع منبع مورد بررسی قرار گرفته است. در بخش نقشه‌ها؛ ۳،۱ درصد در آسیا انتشار یافته است. ۶۶،۳ درصد در خاورمیانه، ۰،۴ درصد در آفریقا، ۲،۴ درصد در آمریکا، ۲۳،۸ درصد در اروپا و ۰،۳ درصد در استرالیا انتشار یافته است ضمن اینکه محل انتشار ۳،۷ درصد نقشه‌ها نامشخص بوده است. در بخش اطلس‌ها ۱۲،۶ درصد در آسیا،

۳۳,۹ درصد در خاورمیانه، ۱,۱ درصد در آفریقا، ۱۲,۱ درصد در آمریکا و ۳۹,۷ درصد در اروپا انتشار یافته است. ضمن اینکه ۰,۶ درصد محل انتشار نامشخص داشته است.

جدول ۸. توزیع فراوانی نام درج شده در منابع مورد مطالعه به تفکیک نوع منبع

اطلس		نقشه		نام درج شده
درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	
۲۵,۳	۴۴	۴۹,۳	۳۳۳	خلیج فارس
۱,۱	۲	۰,۹	۶	الخلیج الفارسی
۰,۶	۱	۱,۵	۱۰	دریای بوشهر
۳۰,۵	۵۳	۲۱,۲	۱۴۳	Persian Gulf
۲,۳	۴	۷,۲	۴۹	پرشین گلف + خلیج فارس
۱۲,۱	۲۱	۷,۴	۵۰	Golfe persique
۸,۶	۱۵	۱,۹	۱۳	Persischer Golf زبان آلمانی
۶,۹	۱۲	۰,۳	۲	زبان روسی
۱,۷	۳	۰,۹	۶	Golfo Persico ایتالیایی
۰,۶	۱	۲,۵	۱۷	Sinus persicus سینوس پرسیکوس
۱۰,۳	۱۸	۳,۱	۲۱	سایر نام‌ها
۰,۰	۰	۳,۸	۲۶	نام نامشخص
۱۰۰	۱۷۴	۱۰۰	۶۷۶	جمع

در جدول فوق نام درج شده در منابع به تفکیک نوع منبع آورده شده است. در بخش نقشه‌ها، ۴۹,۳ درصد به نام خلیج فارس، ۰,۹ به نام الخلیج الفارسی، ۱,۵ درصد به نام دریای بوشهر، ۲۱,۲ درصد به نام Persian Gulf، ۷,۲ درصد به نام پرشین گلف + خلیج فارس، ۷,۴ درصد به نام Golfe persique، ۱,۹ درصد به زبان آلمانی Persischer Golf، ۰,۳ درصد به زبان روسی، ۰,۹ درصد به نام ایتالیایی Golfo Persico، ۲,۵ درصد به نام سینوس پرسیکوس Sinus persicus و ۳,۸ درصد به سایر نام‌ها بوده است ضمن این که نام ۳,۸ درصد نقشه‌ها نامشخص بوده است. در بخش اطلس‌ها ۲۵,۳ درصد به نام خلیج فارس، ۱,۱ درصد به نام الخلیج الفارسی، ۰,۶ درصد به نام دریای بوشهر، ۳۰,۵ درصد به نام Persian Gulf، ۲,۳ درصد به نام پرشین گلف + خلیج فارس، ۱۲,۱ درصد به Golfe persique، ۸,۶ درصد به زبان آلمانی Persischer Golf، ۶,۹ درصد به زبان روسی، ۱,۷ درصد به ایتالیایی Golfo Persico و ۰,۶ درصد به نام سینوس پرسیکوس Sinus persicus بوده است. ضمن اینکه ۱۰,۳ درصد اطلس‌ها به سایر نام‌ها بوده است.

## بحث و نتیجه‌گیری

نتایج به‌دست‌آمده نشان می‌دهد که از مجموع ۶۸۹ نقشه و اطلس با عناوین خلیج فارس در سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران ۷/۷۴ درصد نقشه و ۳/۲۵ درصد اطلس بوده است که ۳۵۸ مورد فارسی، ۳ مورد مربوط به قرن ۱۲ شمسی، ۴ مورد مربوط به قرن ۱۳ شمسی و ۲۹۱ مورد آن مربوط به قرن ۱۴ شمسی بوده، ۱۴۹ مورد انگلیسی که ۹۲ مورد مربوط به قرن ۲۰ و ۲۱ میلادی بوده و ۲۸ مورد فرانسه بوده که ۲ مورد آن مربوط به قرن ۱۴ میلادی و ۹ مورد آن مربوط به قرن‌های ۱۷ تا ۱۹ میلادی می‌باشد. از مجموع منابع مطالعه شده در کتابخانه ملی تنها چهار مورد آن به نام «خلیج عربی» ذکر شده که یک مورد نقشه رنگی در سال ۱۹۸۰ با مقیاس ۲۵۰۰۰۰۰ و سه مورد اطلس رنگی در سال‌های ۱۸۶۱، ۱۹۶۶ و ۱۹۹۳ با مقیاس متفاوت که همگی آنها در منطقه خاورمیانه چاپ گردیده است. یک مورد آن نیز با نام «خلیج» به صورت اطلس رنگی با مقیاس ۵۰۰۰۰۰۰ در سال ۲۰۰۲ در اروپا چاپ شده است. از مجموع ۱۶۱ مورد نقشه در وزارت امور خارجه با عناوین خلیج فارس ۱۲ مورد نام فارسی آن مشاهده شده که ۷ مورد مربوط به قرن ۱۴ شمسی، و ۳ مورد آن مربوط به قرن ۱۳ شمسی و کمتر از آن بوده، ۴۷ مورد انگلیسی که ۱۲ مورد مربوط به قرن ۱۹ میلادی، ۱۰ مورد آن مربوط به قرن‌های ۱۷ و ۱۸ میلادی و ۳۳ مورد فرانسه بوده که ۱۲ مورد آن مربوط به قرن ۱۹ میلادی و ۱۷ مورد آن مربوط به قرن‌های ۱۷ و ۱۸ میلادی می‌باشد.

همچنین نام خلیج فارس در قدیمی‌ترین نقشه‌های وزارت امور خارجه از قرن‌های ۱ و ۲ میلادی و در قدیمی‌ترین نقشه‌ها و اطلس‌های کتابخانه ملی از اوایل قرن ۱۷ میلادی به زبان انگلیسی مشاهده می‌شود.

از نتایج بدست آمده مجموع ۶۸۹ مورد نقشه و اطلس در کتابخانه ملی ۳۷۵ مورد یعنی ۵۴/۴ درصد فارسی بوده و از مجموع ۱۶۱ مورد نقشه وزارت امور خارجه ۵۸ مورد یعنی ۳۶ درصد زبان انگلیسی با بیشترین فراوانی و ۴ مورد یعنی ۰/۶ درصد زبان ایتالیایی در کتابخانه و ۳ مورد یعنی ۱/۹ درصد به زبان فارسی- انگلیسی در وزارت امور خارجه دارای پائین‌ترین فراوانی می‌باشند. با توجه به نقشه‌ها و اطلس‌های موجود در منابع کتابخانه ملی در قرن چهاردهم نام خلیج فارس با ۲۹۱ مورد و در وزارت امور خارجه *Golf Persique* با ۱۷ مورد بیشترین فراوانی و *Sinus Persicus* در قرن نوزدهم و بیست و یکم با ۱ مورد در کتابخانه ملی و *Persicus, Persischer Golf* در قرن پانزدهم و شانزدهم با ۱ مورد در وزارت امور خارجه دارای پایین‌ترین فراوانی می‌باشند. از مجموع ۱۳۸ اطلس مطالعه شده در کتابخانه ملی ۳۲ مورد نام خلیج فارس که ۲۷ مورد آن مربوط به قرن چهاردهم و از مجموع ۱۶۱ نقشه مطالعه شده در

وزارت امور خارجه ۴۲ مربوط به زبان انگلیسی در قرن ۱۹ بیشترین را دارا می‌باشند. با توجه به این اسناد می‌توان نتیجه گرفت که نام خلیج فارس طی قرون متمادی شناخته شده و مورد استفاده در نقشه‌ها و اطلس‌های گوناگون جهان بوده است و استفاده از نام خلیج عربی به دهه‌ای اخیر و در منطقه خاورمیانه بر می‌گردد و داری اصالت تاریخی نیست.

### پیشنهادهای کاربردی:

۱- تهیه دفاع نامه جامع و کاملی درباره نام خلیج فارس به دو زبان عربی و انگلیسی از طرف دولت جمهوری اسلامی ایران و ارسال آن به همه سازمان‌های بین‌المللی؛ از جمله کنفرانس یکسان‌سازی اسامی جغرافیایی سازمان ملل" و موسسه‌های کارتوگرافی و انتشاراتی مشهور جهان، در خواست برای خواندن و نوشتن درست این نام.

۲- برگزاری المپیادهای بین‌المللی دو سالانه‌ی دانشجویی در رشته‌های تاریخ، جغرافیا و اقیانوس شناسی با نام "المپیاد خلیج فارس".

۳- نام گذاری یکی از مناسبت‌های مهم سال، به ویژه ایامی مثل یکی از روزهای ۲۹ اسفند، روز ملی شدن صنعت نفت، زیرا این روز منجر به برانگیختن خشم انگلیسی‌ها و آغاز توطئه‌ی تغییر نام خلیج فارس شد؛ روز ۹ آذر بازگشت جزایر سه‌گانه به ایران، روز ۱۲ تیر روز اخراج پرتغالی‌ها از خلیج فارس به نام روز ملی خلیج فارس.

۴- چاپ تمبر بین‌المللی به نام خلیج فارس.

۵- نظر به این که برخی شرکت‌های خصوصی ایرانی در نقشه‌ها و بروشورهای تبلیغی خود این آبراه را بدون نام ترسیم می‌کنند، باید در بخشنامه‌ای جلوی این اقدام غیر مسوولانه گرفته شود و هیچ نقشه‌ای در ایران بدون درج کامل " خلیج فارس" به فارسی و لاتین توزیع نشود.

۶- نظر به اینکه در کشورهای عربی ماهنامه‌هایی با عنوان " تحقیقات علمی خلیج عربی" و یا "باستان‌شناسی و بیولوژی در خلیج عربی" منتشر می‌شود، لازم است وزارت ارشاد از ماهنامه‌هایی که در زمینه‌ی محیط زیست و یا مسائل و موجودات دریایی فعالیت می‌کنند، بخواهد که از پسوند‌هایی مانند خلیج فارس، دریای پارس، پرشن گلف، سینوس پرسیکوس و یا واژه‌های مشابه استفاده کنند.

در کنفرانس آینده یکسان‌سازی نام‌های جغرافیایی باید درباره موضوع نام‌های مشترک میان چند کشور و یا نام‌های ورای حوزه جغرافیایی چند کشور و به‌ویژه نام خلیج فارس مقاله و گزارش فنی تهیه شود و قطعنامه ویژه‌ای در حفاظت از نام خلیج فارس تصویب شود تا به صورت قانونی بتوان از انتشار اطلس‌های جدید با نام جعلی که با مصوبات، روح و اساسنامه و

اهداف کنفرانس مغایرت دارد، جلوگیری نمود. همچنین برای آگاه‌سازی شرکت‌کنندگان در کنفرانس - که عموماً متخصصان نقشه‌نگاری و مدیران سازمان‌های کارتوگرافی و ژئودزی و روسای گروه‌های جغرافیایی دانشگاه‌ها و موسسات تحقیقاتی هستند، در خصوص سابقه وجه تسمیه نام خلیج فارس، باید کتاب دفاع نامه‌ای مشابه آنچه دولت کره و دولت ژاپن تهیه و پخش کردند، تهیه و در اجلاس توزیع شود.

## منابع

- افشار سیستانی، ایرج (۱۳۸۱)، *نام خلیج فارس بر پایه اسناد تاریخی و نقشه های جغرافیایی*. تهران دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی وزارت امور خارجه
- اقتداری، احمد (۱۳۸۷)، *خلیج فارس از دیرباز تاکنون: یکصد سال کشمکش پس از پنج هزار سال جنگ و ستیز در گاهواره تمدن*، تهران، امیر کبیر
- انوری، امیر هوشنگ (۱۳۸۶)، *خلیج فارس در حدیث دیگران*، تهران: بنیاد ایرانشناسی
- تکمیل همایون، ناصر (۱۳۸۱)، *خلیج فارس*، تهران: دفتر پژوهش های فرهنگی و هنری چکنگی، علی رضا (۱۳۸۷)، *فرهنگنامه تطبیقی نام های قدیم و جدید مکان های جغرافیایی ایران و نواحی مجاور*، مشهد: بنیاد پژوهش های اسلامی
- حافظ نیا، محمد رضا، ربیعی، حسین (۱۳۹۲)، *مطالعات منطقه ای خلیج فارس*، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت)
- حمیدی، سید جعفر (۱۳۶۸)، *زمان شناسی تاریخ خلیج فارس*، مجموعه مقالات سمینار بررسی مسائل خلیج فارس، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی وزارت امور خارجه
- سحاب، محمودیان (بی تا) *راهنمای نقشه مصور تاریخی خلیج فارس از آغاز تاکنون*. تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان
- سعیدی، محمد (۱۳۶۸)، *خلیج فارس در روزگار باستان*، مجموعه مقالات سمینار بررسی مسائل خلیج فارس، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی وزارت امور خارجه
- عجم، محمد، (۱۳۸۸)، *اسناد نام خلیج فارس*، میراثی کهن و جاودان. تهران، نشر اوین.
- عقلمند، احمد (۱۳۶۸)، *تحلیلی بر اوضاع ژئوپلیتیک خلیج فارس*، مجموعه مقالات سمینار بررسی مسائل خلیج فارس، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی وزارت امور خارجه
- کومار، کرشین (۱۳۷۴)، *روش های پژوهش در کتابداری و اطلاع رسانی*، ترجمه فاطمه رهادوست، با همکاری فریبرز خسروی، تهران: متابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران.
- مجتهدزاده، پیروز (آبان ۱۳۵۴)، *جغرافیای تاریخی خلیج فارس*. تهران: موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
- میرفخرایی، محمد حسین (پائیز ۱۳۸۳)، *خلیج فارس با یک نام ساختگی برای آن*، ترجمه غفار پوربختیار، فصل نامه تاریخ روابط خارجی، ش ۲۰.
- نشات، صادق (۱۳۴۴)، *تاریخ سیاسی خلیج فارس*، تهران: شرکت نسبی کانون کتاب.

## بررسی جایگاه مدیریت منابع مشترک مرزی در همگرایی بین کشورها در خلیج فارس

محسن جان‌پرور<sup>۱</sup>

### چکیده

در زمینه اهمیت و نقش برجسته ژئوپلیتیکی و ژئواستراتژیکی خلیج فارس و همچنین علل و عوامل همگرایی و واگرایی در خلیج فارس مطالب و مقالات بسیاری از سوی اندیشمندان و صاحب نظران بیان شده است. حتی در زمینه مرزها و چگونگی شکل‌گیری آنها در خلیج فارس مطالب و مقالات بسیاری وجود دارد. اما متأسفانه با وجود اهمیت و نقش مدیریت مرزها که زمینه ثبات و روابط فرامرزی صلح آمیز بین کشورهای همجوار را فراهم می‌آورد و درک روش‌های آن جایگاه مهمی برای کاهش کشمکش‌ها و ناآرامی‌های مرزی دارد و می‌تواند فرصت‌ها و ظرفیت‌های بالای نواحی مرزی را در راستای دستیابی به همکاری‌های دو جانبه و همگرایی با کشورهای همجوار تبدیل کند، هنوز توجه زیادی به آن صورت نگرفته است. در این بین، یکی از چالش‌های مهمی که زمینه‌های عدم همگرایی و روابط دوجانبه و چندجانبه بین کشورهای خلیج فارس را به وجود آورده است عدم مدیریت منابع نفتی و گازی مشترک مرزی بین این کشورها است. بطوری که این عدم مدیریت سبب شکل‌گیری دشمنی‌ها، سوء استفاده‌ها و سوء تفاهم‌ها در بین کشورهای خلیج فارس شده است. پژوهش حاضر با روش توصیفی-تحلیلی و براساس مطالعات کتابخانه‌ای، اسنادی، اینترنتی انجام شده است و تلاش دارد تا شکاف بین مطالعات جغرافیایی با مدیریت مرزی را در مدیریت منابع مشترک مرزی در خلیج فارس بین کشور ایران و همسایگان از بین ببرد و هدف کلی آن ارائه الگویی برای مدیریت منابع مشترک مرزی ایران با همسایگان در خلیج فارس جهت فراهم ساختن زمینه همگرایی بین کشورهای ساحلی است.

**واژگان کلیدی:** خلیج فارس، مدیریت مرز، منابع مشترک مرزی، همگرایی

## مقدمه

امروزه با توجه به تحولات صورت گرفته در جهان از جمله جهانی شدن، ورود به عصر اطلاعات بسیار مشکل است که کشورها به تنهایی و به صورت انفرادی بتوانند منافع ملی خود را در سطح جهان پیگیری کنند و به بقاء خود ادامه دهند. چرا که به دلیل پیوندها و وابستگی‌هایی که بین کشورها ایجاد شده است و همچنین بی‌ثباتی سیاسی و ضعف‌های استراتژیکی بسیاری از کشورها تأمین امنیت ملی به تنهایی تقریباً غیرممکن است. بنابراین کشورها برای تأمین امنیت و منافع ملی خود همکاری و همراهی را امر معقول و مطلوب می‌بینند. در این راستا است که، فرامرزی شدن منافع و خواست‌های ملی کشورها در دهه‌های پایانی قرن بیستم (جهانی شدن‌ها) را سبب شده است. جهانی شدن اقتصاد بازار آزاد و اقتصادی شدن نظام جهانی که از دهه پایانی قرن بیستم سرعت زیادی پیدا کرد، رقابت‌های ژئواکونومیک و ژئواستراتژیک را در جهان رونق فراوانی داده است. این دگرگونی پراهمیت در نظام جهانی سبب تشویق منطقه‌گرایی و روی آوردن به همکاری‌ها و گروه بندی‌های همگرایی‌های منطقه‌ای برای واقعیت بخشیدن به رقابت‌های موثر میان منطقه‌های جهان در نظام شکل‌گیرنده ژئوپلیتیک جهانی دوران پست‌مدرن گردیده است (مجتهدزاده، ۱۳۸۱: ۲۰۳-۲۰۲). به دیگر سخن، سازگاری و تطابق با شرایط جدید بین‌المللی و سوق دادن آن در راستای سیاست خارجی خود به تنهایی از عهده هر بازیگر و دولت منفرد خارج بوده و نیازمند یک نیروی جمعی می‌باشد. به همین جهت بعد از جنگ جهانی دوم تا امروز نظام بین‌الملل شاهد شکل‌گیری تعداد زیادی از سازمان‌ها و نظام‌های منطقه‌ای بوده است. که برای تأمین ثبات سیاسی-اقتصادی منطقه‌ای و موازنه قدرت به وجود آمده‌اند. سیاست منطقه‌گرایی با استفاده از ظرفیت‌های منطقه‌ای و بهره‌برداری از حاصل جمع توان کشورها ضمن هموار ساختن مسیر رشد و توسعه، نیروی مضاعفی را در برطرف ساختن مشکلات داخلی و منطقه‌ای و عدم آسیب‌پذیری در برابر جریان‌ات بین‌المللی به وجود می‌آورد. از سوی دیگر، در دنیای پر تحول امروز که همکاری‌های منطقه‌ای اهمیت وافری یافته است، توجه به عامل توافق‌ها و تعارض‌ها و سعی در افزایش و تقویت همکاری‌ها و همگرایی‌ها می‌تواند به سود منافع ملی و استحکام امنیت کشورهای منطقه باشد.

در این بین، حوضه خلیج فارس به عنوان یک حوضه با قابلیت‌های بالا به لحاظ سیاسی، اقتصادی، و همچنین دارا بودن منابع انرژی زیاد ظرفیت‌های خیلی بالایی برای ایجاد یک سازمان منطقه‌ای قدرتمند را دارا می‌باشد و می‌تواند با شکل‌دهی به این نظام منطقه‌ای<sup>۱</sup> در جهت دست-

۱- در این تحقیق نظام منطقه‌ای با سازمان منطقه‌ای هم‌معنی گرفته شده است و اگر در جاهای مختلف بصورت متفاوت بکار برده شده است نشان‌دهنده تفاوت نیست.



یابی به نظم، امنیت کشورهای حوضه خلیج فارس و همچنین بدست آوردن توان بالای مانور در سطح بین‌المللی در راستای دستیابی به اهداف کشورهای سازمان اقدام نماید. اهمیت خلیج فارس از دیرباز مخصوصاً در چند دهه اخیر، باعث تبادل پیام‌های تنش‌زایی درون منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای بوده است. لذا پیگیری راه و روش‌های حل بحران و دوری‌گزیدن از روش‌های قهرآمیز در راستای همگرایی اجتناب‌ناپذیر است. یکی از ویژگی‌های مهم که زمینه همکاری کشورهای همکرانه خلیج فارس را به وجود می‌آورد وجود منابع مشترک در مرز این کشورها است. هر چند متأسفانه همیشه با دید منفی و چالش‌زا به مرزها نگاه شده است اما باید توجه داشت که مرزها دارای کارکردهای متعددی هستند که کارکرد ارتباط‌دهنده آنها کمتر دیده شده است. مرزها اگر به صورت بهینه مدیریت شوند می‌توانند به عنوان عامل ارتباط‌دهنده کشورهای همجوار عمل کنند و زمینه همگرایی و همکاری بین کشورها را به وجود آورند. با توجه به این نقش برجسته مدیریت مرزها در ایجاد پیوند و همگرایی و همچنین وجود منابع مشترک مرزی متعدد بین کشورهای خلیج فارس که از جمله آن منابع نفتی/گازی مشترک مرزی بین آنهاست. بر این اساس در این مقاله سعی شده است جایگاه مدیریت منابع مشترک مرزی را در کاهش چالش‌ها و برطرف کردن دیدگاه‌های منفی نسبت به همسایگان و در ادامه همگرایی بین کشورهای خلیج فارس را بیان کند.

### روش تحقیق

پژوهش حاضر با روش توصیفی-تحلیلی و براساس مطالعات کتابخانه‌ای، اسنادی، اینترنتی انجام شده است. این تحقیق با توجه به رویکرد جغرافیای سیاسی آن، اولین تحقیق علمی-جغرافیایی-سیاسی در تبیین جایگاه مدیریت منابع مشترک مرزی در همگرایی بین کشورهای حاشیه خلیج فارس می‌باشد. پژوهش حاضر دارای اشتراکات و همپوشانی با رشته‌های حقوق بین‌الملل، مدیریت و روابط بین‌الملل می‌باشد اما شاکله اصلی و تمرکز اصلی این پژوهش جغرافیای سیاسی است. سوال اصلی این مقاله عبارت است از این که، مدیریت منابع مشترک مرزی بین کشورهای دارای مرزهای مشترک در خلیج فارس چه جایگاهی می‌تواند در همگرایی بین آنها داشته باشد؟

### مبانی نظری

#### منابع مشترک مرزی

مرزها به صورت‌های مختلف زمین و فضای جغرافیایی را بین دو کشور تقسیم می‌کنند و ممکن است در طول فضای جغرافیایی تقسیم شده بین دو کشور منابع و معادنی وجود داشته باشد که به

وسیله مرزهای بین دو کشور تقسیم شده باشد. به این منابع به اصطلاح منابع طبیعی فرامرزی<sup>۱</sup> می‌گویند این منابع در معنای خود شامل هر نوع منابع طبیعی می‌گردد که در شکل و حالت طبیعی خود و بدون دخالت انسان قادر به عبور از مرزهای سیاسی یک کشور می‌باشد. میدان‌های نفت و گاز مشترک به دلیل گستره جغرافیایی آنها و تعلق به بیش از یک کشور مصداق بارز این منابع می‌باشند (میرعباسی و جهانی، ۱۳۹۰: ۹۲). در این راستا از آنجا که بیشتر مرزهای بین‌المللی از درون مناطق غنی از نظر منابع طبیعی عبور می‌کنند این امر سبب شده است که این منابع مشترک به مکان‌هایی برای رقابت و چالش بین دو کشور تبدیل شوند و دستیابی به الگوی مناسب مدیریت مرزی را سخت‌تر کنند. هر چند اگر بتوان منابع مشترک مرزی را به صورت بهینه-ای مدیریت کرد می‌توان زمینه‌های همگرایی و همکاری دوجانبه و چندجانبه بین کشورهای دارنده آنها را فراهم کند و از به وجود آمدن ذهنیت‌ها و چالش‌های ناشی از بهره‌برداری‌های یک‌جانبه، میزان برداشت و ... در بین دو کشور جلوگیری کرد. بر این اساس می‌توان گفت منابع مشترک مرزی به دو صورت عامل پیونددهنده دو کشور دارنده و عامل چالش‌زا (چیزی که الان بیشتر وجود دارد) بین دو کشور دارنده می‌تواند عمل کند. لذا برای دستیابی به الگوی بهینه مدیریت مرزی باید بتوان از طریق ایجاد توافق بین طرفین و قانونمند کردن بهره‌برداری، سرمایه‌گذاری و ... در منابع مشترک بین دو کشور زمینه همکاری و تعامل آنها را فراهم کرد (جان‌پرور، ۱۳۹۱: ۷۲).

### مدیریت مرز

مدیریت مرز اغلب به روش‌ها و فن‌آوری‌هایی که به افراد، دولت‌ها و حکومت‌ها کمک می‌کند تا مسائل مرزی، عبور مرور افراد و کالا، استفاده بهینه از منابع مشترک و ... را منطبق با قوانین و مقررات کشور انجام دهند، اشاره می‌کند. مدیریت مرز بیش از کنترل مرزی که گمان می‌شود مسوولیت رسیدگی به عبور و مرور افراد، کالاها، منابع مرزی و ... داشته باشد با امنیت ملی کشور ارتباط دارد. به عبارت ساده‌تر «مدیریت مرز مکانیسمی برای تضمین امنیت مرزهای ملی و برای تنظیم حرکات قانونی در طول مرزها برای دستیابی به نیازهای متفاوت ملت توسط ارتباط فرهنگی - اجتماعی - اقتصادی می‌باشد، که از طریق مرزها فراهم می‌گردد». بنابراین واژه مدیریت مرز یک واژه گسترده‌تری است که محدوده کنترل امور اجرایی مرزها شامل اطمینان از حفظ حرمت آنها را مشخص می‌کند. به بیان دیگر مدیریت مرزها را می‌توان به عنوان تنظیم رابطه‌ای قاعده‌مند و حساب‌شده بیان کرد که از طریق آن بتوان مرزهای کشور در عرصه‌های مختلف را تا حد امکان باز گذاشت تا روابط، عبور و مرور افراد، کالاها، اطلاعات و ... به راحتی از طریق آن

جریان داشته باشند و از سوی دیگر مرزها را تا آن حد بسته نگاه داشت که ناامنی‌ها، بی‌نظمی‌ها و سایر چالش‌ها و مسائل فراسوی مرزها نتواند وارد فضای کشور و جامعه شده و زمینه بی‌نظمی و ناامنی را در کشور به وجود آورد (Janparvar & Others, 2014: 61-62).

### همگرایی<sup>۱</sup>

تعاریف مختلفی از همگرایی شده است بعضی آن را یک فرایند، گاه وضعیت نهایی وحدت سیاسی در روابط واحدهای مستقل تعبیر کرده‌اند. این تفاوت نگرشی از اختلافات سلیقه‌ای است که تحلیل‌گران از موضوع وحدت دارند (کاظمی، ۱۳۷۰: ۳۶). به عنوان مثال ارنست‌هااس<sup>۲</sup> از جمله کسانی است که معتقد است همگرایی یک فرآیند است که حول محور آن بازیگران سیاسی و دولت‌های مستقل در کشورهای مختلف به این باور تن می‌دهند که نفع آنها در تجمع و وحدت در تأسیس متمرکز جدیدی است که جایگزین دولت‌های ملی شود (Haas, 1958: 16). همگرایی واژه‌ای است که در برابر واگرایی<sup>۳</sup> مطرح می‌گردد و عبارت است از فرایندی که دولت‌ها یا واحدهای سیاسی مجزا از هم بطور داوطلبانه و آگاهانه از قسمتی از اقتدار خود و اعمال آن، جهات دستیابی به اهداف مشترکشان صرف نظر کرده و از یک قدرت ما فوق ملی تبعیت نمایند. در همگرایی تلاش بر این است که عوامل اختلاف‌زا و زمینه‌های ناسیونالیستی همچون وفاداری‌های ملی و احساسات ناسیونالیسی و ... را کنار بگذارند.

همچنین روند همگرایی به عنوان نظریه‌ای که به دنبال صلح و ثبات است که پس از جنگ جهانی دوم مطرح شده است و امروزه آنچنان فراگیر شده است که کشورهای مختلف جهان را به آن متمایل ساخته است تا از طریق آن صلح و امنیت را به وجود آورند و ضریب امنیت خود را افزایش دهند (محمودی، ۱۳۸۱: ۳۲).

### مرزهای دریایی ایران در خلیج فارس

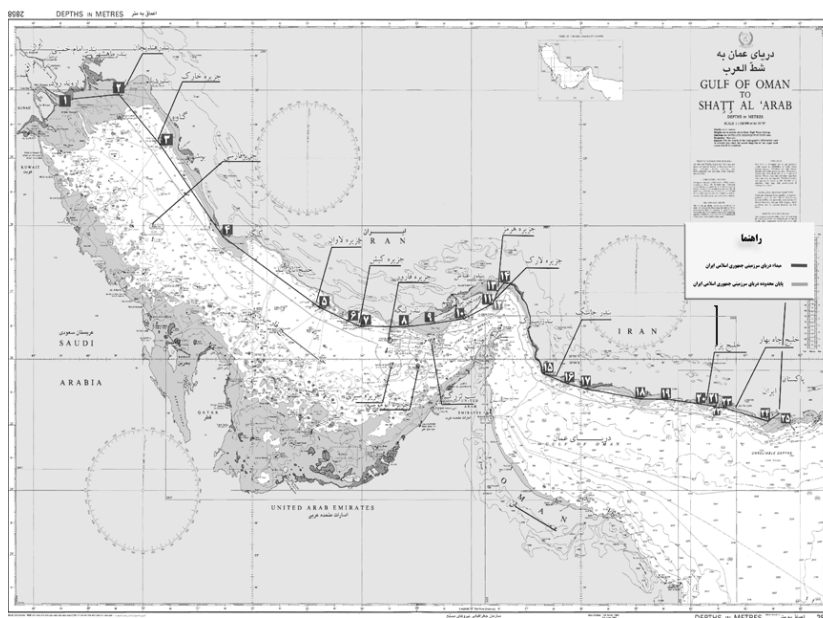
در واقع با پیدایش نفت در خلیج فارس، مسئله سرحدات مرزی آبی و خاکی و حدود قلمرو حاکمیت کشورهای ساحلی مطرح شد و اختلاف‌ها و رقابت‌های سیاسی جنبه ملموس پیدا کرد. قبل از آن دوران، مرزهای سیاسی کشورهای حاشیه خلیج فارس مبهم و نامشخص و حاکمیت آنها بر دریای مجاورشان مقوله‌ای نه در قلمرو حقوق بین‌الملل، بلکه در گرو قدرت و سیاست

1- Integration

2 -Ernest Haas

3- Disintegration

استعمارگران و بیگانگان بود. در حقیقت قلمرو حاکمیت شیوخ و دولت‌های حاشیه خلیج فارس، محدود به «مرزهای مصلحتی» با ترسیم خطوط مبهم می‌شد. به زبان دیگر اساس حاکمیت سرزمینی در مفهوم و تعبیر غربی آن مقوله‌ای ناشناخته بود و تنها محدوده استقرار قبیله‌ها ملاک تعیین مرزها محسوب می‌شد، حتی اکثر فرمانروایان سنتی این منطقه از تثبیت حدود مرزهای خود گریزان بودند؛ از جمله نقل می‌کنند که این سعود با پیشنهاد سرپرسی کاکس در مورد تثبیت مرزها ناخشنود بود. توجیه ساده و بعضاً منطقی این مخالفت این بود که حکمرانان سنت‌گرا و روسای قبایل این منطقه فایده اندکی در ترسیم خطوط مجازی در پهنه کویرها و شنزارها می‌دیدند. آنچه در این وادی بی‌آب و علف مهم به حساب می‌آمد، وجود چاه و چشمه آب در واحه‌ای کوچک با چند نخل خرما بود. در جهت مقابل در ناحیه شمالی خلیج فارس، مسئله تحدید حدود مرزی شکل پیشرفته‌تری داشت و قواعد حقوقی- سیاسی حاکم در غرب ناظر بر حدود حاکمیت دولت ایران بر قلمرو خشکی و آبی و جزایر از اعتبار و ملاک خاصی برخوردار بود (کازمی، ۱۳۷۴: ۲-۳). به طوری که، قبل از آن که که کشورهای کنونی جنوبی خلیج فارس بر روی نقشه‌های جهان پیدا شوند در مناطق شمالی آن ایران، عثمانی، هند و سایر قدرت‌های موجود، بخش زیادی از مرزهای خود را مشخص و محدوده‌های خود را تعیین کرده بودند. اما در کرانه‌های جنوبی خلیج فارس که قدرت‌های خارجی قرن‌ها در آن حضور داشته و به نوعی آن را اداره می‌کردند تعیین مرزها همچنان مبهم و نامشخص بود. از نیمه دوم قرن بیستم به تدریج تعیین مرزهای سیاسی اهمیت پیدا کرد و کشورهای منطقه شروع به تعیین مرزهای خود کردند (ربیعی، ۱۳۸۸: ۱۰۳). در این راستا، کشور ایران مرزهای خود در این قلمرو دریایی (دریای عمان و خلیج فارس) را، در چهارچوب قوانین ملی و متأثر از قواعد بین‌المللی شروع به تعیین کرد و اولین قانون دریایی خود را در سال ۱۳۱۳.ش/۱۹۳۳ م و دومین قانون را در سال ۱۳۳۸.ش/۱۹۵۹ م به تصویب رساند. سومین قانون دریایی ایران در چهارچوب کنوانسیون ۱۹۸۲ در تاریخ ۳۱ فروردین ۱۳۷۲.ش به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید و امروزه ملاک تحدید حدود مناطق دریایی ایران در دریای عمان و خلیج فارس محسوب می‌شود. در این قانون، تصویب‌نامه مورخ ۱۳۵۲.ش هیأت وزیران در خصوص تعیین خط مبدأ و آبهای داخلی ایران نیز مورد تأیید قرار گرفته است. مطابق این مصوبه خط مبدأ ایران که مبنای تعیین حدود سایر مناطق دریایی است، از دهانه فاو تا خلیج گواتر ۲۵ نقطه مشخص دارد (نقشه (۱) (حافظ‌نیا، ۱۳۸۱: ۳۳۷).



(نقشه شماره ۱): نقاط ترسیم خط مبدأ و محدوده دریای سرزمین در جنوب جمهوری اسلامی ایران

## یافته‌ها

### مدیریت مرز و همگرایی

رمز بقای حکومت در دارا بودن توان دگرگون‌شدن در راستای تطبیق یافتن با پیشرفت‌های فکری سیاسی، اجتماعی در جامعه و در جهان نهفته است. این حکمی است که با قانون یا اصل «تدریجی» (evolution) پدیده‌های زنده هماهنگی دارد (مجتهدزاده و عسکری، ۱۳۸۴: ۲۱). یکی از این پیشرفت‌های صورت گرفته در جهان فرایند منطقه‌گرایی است که از دهه ۱۹۸۰ میلادی به تدریج مورد توجه قرار گرفته است و منشور سازمان ملل متحد نیز در برخی از فصول خود بر آن صحنه گذارده و کشورها را به حل و فصل دعاوی و اختلافات خود در چارچوب توسل به ترتیبات منطقه‌ای تشویق نموده است. لذا برخی کشورها به تکوین و تکامل روندهای همگرایی میان خود و همسایگان‌شان پرداخته‌اند تا بتوانند با این کار زمینه بقای خود را با این تحولات که در جهان صورت گرفته تطبیق دهند. در این بین، کشورهای نزدیک به هم از نظر جغرافیایی غالباً مناطق ارتباط سیاسی دو جانبه را شکل می‌دهند و سیاست خارجی آنها به شدت از همسایگان‌شان تأثیر می‌پذیرد. این تأثیرپذیری به‌ویژه بر اساس اندازه‌های طبیعی و سطح چسبندگی، ماهیت ارتباط

بین کشورها و ساختار روابط میان آنها می باشد. بنابراین ویژگی‌های مشترک جغرافیایی، زیر ساخت رفتارهای همگرایی منطقه‌ای را تشکیل می‌دهد (حافظنیا، ۱۳۸۳: ۷۳-۶۱).

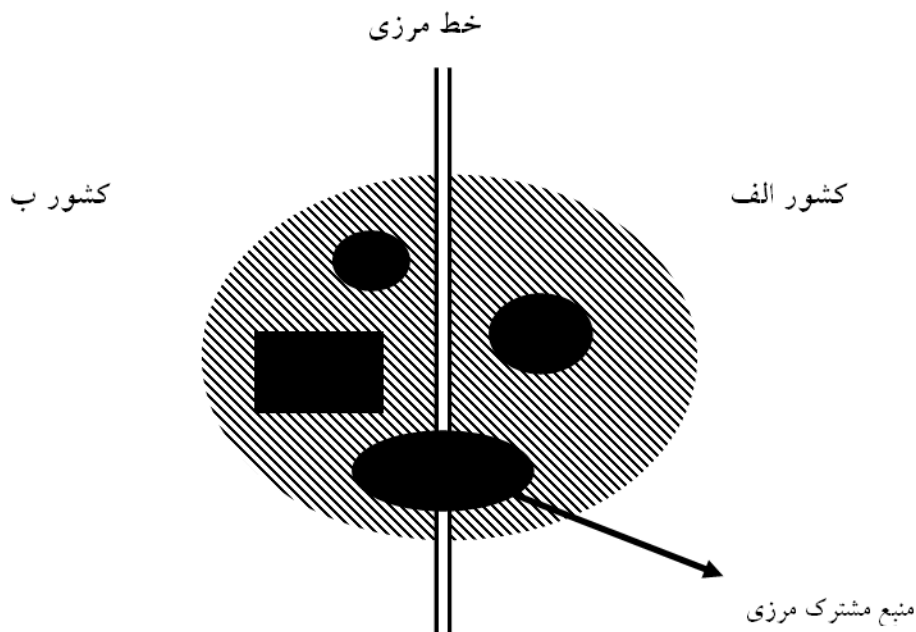
در راستای این تحولات صورت گرفته کشورهای حوضه خلیج فارس نمی‌توانند خود را از این روند جهانی جدا کنند و فرار کنند زیرا نیاز و وابستگی روز افزون کشورها به یکدیگر برای برقراری امنیت، تأمین منافع ملی این امر را اجتناب ناپذیر می‌کند. در این بین درباره زمینه‌های همگرایی و واگرایی بین کشورهای خلیج فارس به صورت‌های مختلف و در غالب کتب و مقالات متعدد مورد بحث قرار گرفته است اما یکی از زمینه‌های مهم این امر که می‌تواند سبب همگرایی و همکاری کشورهای خلیج فارس را فراهم کند و با توجه به تحولات و دگرگونی‌های صورت گرفته در جهان جایگاه آن برجسته‌تر می‌شود مدیریت بهینه مرزها می‌باشد که توانایی بالایی در کاهش چالش‌ها و مسائل ناشی از تحولات صورت گرفته در فضای جهانی از یک سو و ایجاد همگرایی و همکاری، تأمین منافع و امنیت ملی خود و شهروندان خود بین کشورهای همجوار از سوی دیگر دارا می‌باشد. مدیریت مرزها می‌تواند به ثبات و روابط فرامرزی صلح آمیز بین کشورها کمک کند. بر این اساس، درک روش‌های مدیریت مرزی جایگاه مهمی برای کاهش کشمکش‌ها و درگیری مرزهای ناآرام و ناامن دارد و می‌تواند از فرصت‌ها و ظرفیت‌های نواحی مرزی در راستای دستیابی به همکاری‌های دو جانبه بین دو کشور کمک بگیرد. این مدیریت و کنترل نه تنها با حرکت مردم و مهاجرت آنها بلکه از دیدگاه دیگر بطور ویژه با مخاطرات محیطی که بر کیفیت زندگی افراد در دو طرف مرز نیز در ارتباط می‌باشند نیز، بستگی دارد. شکل قابل توجه مدیریت مرزها با پروسه‌هایی که برای مهاجران وجود دارد، صورت می‌گیرد. این مدیریت نه تنها در بخش فیزیکی ورود این افراد به کشور انجام می‌گیرد بلکه در آژانس‌هایی که حقوق پایه‌ای را به مهاجران می‌دهند مانند امنیت اجتماعی، آموزش فرزندان و حمایت از اعضای خانواده ریشه دارند. این پروسه از مدیریت به صورت نزدیک با طبیعت ورود و خروج در ارتباط می‌باشد (Newman, 2003: 125-127). علاوه بر موارد ذکر شده در بالا در زمینه مدیریت مرز مسائل زیر نیز تعریف مدیریت خوب مرزها را در عصر جهانی شدن و قرن حاضر هنوز حیاتی باقی نگاه می‌دارند و وجود آنها را مورد تأیید قرار می‌دهند:

- مدیریت منابع مشترک مرزی
- روابط بین‌المللی خوب
- امنیت محلی و ملی
- مدیریت محلی موثر
- استفاده کارآمد از منابع
- شکوفائی مناطق مرزی (Pratt, 2007: 1)

بر این اساس، یاد گرفتن مهارت‌های مدیریت مرز برای برقراری روابط خوب میان دو کشور حیاتی است. به عنوان مثال اگر من یا شما بدانیم که مرز فضای شخصیمان در یک مکان عمومی مانند ترمینال‌ها به چه صورت است هیچ موقع به خود اجازه نمی‌دهیم که در این فضا سیگار بکشیم و حریم‌ها و مرزهای دیگران را از بین ببریم و زمینه ساز روابط بد بین خود و دیگران شویم. همچنین اگر ما طرف دیگر قضیه باشیم و مهارت‌های مدیریت مرز و حریم خود را که مورد تجاوز قرار گرفته است و زمینه ناراحتی ما را فراهم آورده است را بدانیم می‌توانیم به آسانی این مسئله را درک کرده و آن را اداره کنیم.

این امر در سطوح بالاتر مانند سطح حکومت‌ها نیز جریان دارد و حفاظت و حراست از پهنه سرزمینی، امنیت و منافع ملی در سراسر کره خاکی برای تمام کشورها یک ارزش به حساب می‌آید و ضمانت تحقق این امر نیز مدیریت مرزها و داشتن مرزهایی با امنیت کامل است (قالیباف و دیگران، ۱۳۸۷: ۲۶). با وجود اهمیت مدیریت مرزها به ویژه در زمینه ایجاد همگرایی و همکاری بین کشورهای همسایه متأسفانه هنوز توجه زیادی از سوی محققان نسبت به مدیریت مرز صورت نگرفته است. با توجه به اینکه مرزهای بین‌المللی دارای ابعاد گسترده‌ای هستند و طبیعت آنها قابل تغییر است در این تحقیق مدیریت مرزهای دریایی در خلیج فارس مد نظر است و تمرکز اصلی تحقیق بر روی مدیریت مرزهای ایران با کشورهای همسایه در خلیج فارس (عمان، امارات متحده عربی، قطر، بحرین، کویت و عراق) می‌باشد. لازم به ذکر است که مدیریت مرز دارای جنبه‌های مختلفی است که جنبه‌های مهم آن عبارتند از: مدیریت بحران‌های مرزی، مدیریت حقوقی، مدیریت منابع مشترک مرزی، مدیریت زیست‌محیطی، مدیریت عبور و مرور انسان‌ها و مدیریت ورود و خروج کالاها.

با وجود جنبه‌های مختلف مدیریت مرزی در اینجا مدیریت منابع مشترک مرزی مد نظر قرار گرفته است. این منابع در امتداد خط مرزی بین دو کشور یا چند کشور و در دو طرف مرزها قرار گرفته‌اند و کشورهای همسایه دارای مالکیت مشترکی بر این منابع می‌باشند. منابع مشترک مرزی اگر به صورت بهینه مدیریت شوند می‌توانند زمینه‌های همگرایی و همکاری دوجانبه و چندجانبه بین کشورهای دارنده آنها را فراهم کنند و از به وجود آمدن ذهنیت‌ها و چالش‌های ناشی از بهره‌برداری‌های یکجانبه، میزان برداشت و ... در بین دو کشور جلوگیری کنند. چگونگی قرارگیری این منابع مشترک مرزی بین دو کشور در شکل شماره ۱ آورده شده است.



(شکل شماره ۱): منبع مشترک مرزی بین دو کشور (افشردی و جان پرور، ۱۳۹۲: ۱۲۹)

### منابع مشترک مرزی بین ایران و کشورهای خلیج فارس

کشورهای هم‌کرانه در خلیج فارس با یکدیگر دارای منابع مشترک مرزی متعددی هستند که بهره‌برداری بهینه و مدیریت شده آنها می‌تواند به صورت‌های مختلف زمینه همگرایی و همکاری دوجانبه و چندجانبه این کشورها را با یکدیگر فراهم آورد و در کنار سایر موارد مدیریت مرزی بهینه روند همگرایی منطقه‌ای در خلیج فارس را توسعه دهد و زمینه شکل‌گیری سازمان منطقه‌ای را فراهم آورد و چالش‌ها و مسائل ناشی از عدم همکاری بین کشورهای همکرانه خلیج فارس را تا حد بالایی از بین ببرد. منابع مشترک مرزی در خلیج فارس متعدد است که در اینجا به دلیل جلوگیری از اطاله کلام فقط به منابع مشترک نفتی/گازی مرزی و آن هم بین ایران با کشورهای همسایه در خلیج فارس به صورت مختصر اشاره می‌شود و منابع مشترک مرزی دیگر و منابع مشترک مرزی بین دیگر کشورهای همسایه خلیج فارس با یکدیگر که می‌توانند سبب همگرایی و همکاری‌های دوجانبه و چندجانبه در بین کشورهای هم‌مرز در خلیج فارس شوند و روند شکل‌گیری نظام منطقه‌ای در خلیج فارس را توسعه دهند، بیان نمی‌شود. منابع مشترک نفتی/گازی



مرزی شناخته شده بین ایران و کشورهای هم مرز در خلیج فارس حداقل ۱۵ عدد می‌باشد. این مخازن عبارتند از:

#### ایران و عراق: میدان نفتی نفت شهر

میدان نفتی نفت شهر در فاصله ۱۰۰ کیلومتر شمال غربی ایلام و ۲۳۰ کیلومتری جنوب غربی کرمانشاه واقع است. این میدان در سال ۱۹۲۳ در تاق‌دیس نفت شهر کشف گردید. میدان نفت خانه بخش عراقی میدان نفت شهر، در سال ۱۹۲۷ توسط شرکت نفت انگلیسی و عراق کشف کرد.

#### ایران و عراق: میدان نفتی دهلران

میدان دهلران در سال ۱۳۵۱ کشف شد. میزان نفت خام در جای اولیه این میدان ۴۲۱۲ میلیون بشکه است که ۶۳۵ میلیون آن را می‌توان برداشت کرد. همچنین این میدان دارای کلاهدک گازی می‌باشد.

#### ایران و عراق: میدان نفتی پایدار غربی

این میدان در سال ۱۳۵۹ کشف گردید. سازندهای آسماری و گروه بنگستان (بویژه سروک) در این میدان سنگ مخزن می‌باشند. این میدان دارای کلاهدک گازی و نفتی با درصد سولفور ۱/۵ درصد است.

#### ایران و عراق: میدان آزادگان (آزادگان شمالی و جنوبی)

میدان عظیم نفتی آزادگان یکی از بزرگترین میدان نفتی ایران و جهان است که در سال ۱۳۷۶ کشف شده است. در محدوده‌ای به وسعت ۲۰ در ۷۵ کیلومتر در ۸۰ کیلومتری غرب اهواز در منطقه دشت آزادگان واقع است. میدان نفتی آزادگان به دو بخش شمالی و جنوبی تقسیم می‌شود. میدان نفتی آزادگان شمالی در ۱۲۰ کیلومتری غرب اهواز، منطقه مرزی بین ایران و عراق واقع شده است.

#### ایران و عراق: میدان نفتی یادآوران (یا مخازن حسینیه / کوشک سابق)

میدان یادآوران از ترکیب دو میدان یا تاق‌دیس حسینیه و کوشک تشکیل شده است. تاق‌دیس حسینیه در ناحیه دزفول شمالی در مجاورت و به موازات خط مرزی و مشترک بین ایران و عراق و

چاه حسینه به فاصله ۲۱ کیلومتری شمال غربی چاه دارخوین ۲ و حدود ۴۳/۵ کیلومتری شمال غرب چاه خرمشهر ۱ و حدود ۳۰ کیلومتری جنوب چاه کوشک ۱ واقع شده است. تاقدیس کوشک در فاصله ۵۳ کیلومتری جنوب غرب ساختمان جفیر و ۲۲ کیلومتری جنوب شرق ساختمان آزادگان و ۸۰ کیلومتری جنوب غرب اهواز نزدیک مرز ایران و عراق قرار دارد. امتداد آن شمال غرب - جنوب شرقی می‌باشد.

#### ایران و کویت: میدان گازی/نفتی آرش

این میدان مشترک در بین ایران و کویت در سال ۱۳۷۹ کشف گردید. میدان نفتی و گازی آرش با نفت خام درجای اولیه ۴۵۷ میلیون بشکه در سازند گدوان و گاز درجای اولیه ۲۲/۵ میلیارد متر مکعب و ۸۳/۶ میلیون بشکه میعانات گازی در سازند فهلیان است.

#### ایران و عربستان: میدان نفتی اسفندیار

میدان یاد شده در سال ۱۳۴۵ در تاقدیس اسفندیار توسط شرکت آپیک کشف شد. میدان اسفندیار مشترک با عربستان دارای ۵۳۲ میلیون بشکه نفت خام درجا می‌باشد.

#### ایران و عربستان: میدان فروزان

میدان نفتی فروزان که قبل از انقلاب به نام فریدون خوانده می‌شد، یکی از میادینی است که توسط شرکت نفت پان آمریکن در سال ۱۹۶۶ در آب‌های فلات قاره ایران کشف شد. این میدان ۲۳۰۹ میلیون بشکه نفت خام درجا دارد.

#### ایران و عربستان: میادین گازی فرزاد A و B

این میادین از میادین کوچک گازی ایرانی در نزدیکی هم (جزیره فارسی) بلوک اکتشافی فارسی هستند. میدان گازی فرزاد B با ذخیره درجای حدود ۱۲/۵ تریلیون فوت مکعب گاز طبیعی دارد. بخش بسیار ناچیزی از ساختمان فرزاد A حصبه در قسمت ایرانی می‌باشد. در حالی که بخش اعظم ساختمان فرزاد B در آب‌های ایران واقع شده است. روند ساختمان فرزاد A به صورت شمال شرقی - جنوب غربی است در حالی که روند ساختمان فرزاد B به صورت شمال غربی - جنوب شرقی است.

#### ایران و قطر: میدان گازی/نفتی پارس جنوبی

بزرگترین ساختمان حاوی گاز در دنیا یعنی میادین پارس جنوبی - شمال قطر در بین ایران و قطر مشترک می‌باشند. بزرگترین میدان گازی جهان است که در خلیج فارس و در آب‌های سرزمینی

ایران و قطر واقع شده است. این میدان گازی بین ایران و قطر مشترک بوده و در کشور قطر میدان گازی گنبدشمالی نام دارد. مساحت این میدان ۹۷۰۰ کیلومتر مربع است که ۳۷۰۰ کیلومتر مربع آن در آب‌های سرزمینی ایران و ۶۰۰۰ کیلومتر مربع آن در آب‌های سرزمینی قطر قرار دارد (مصلح و دیگران، ۱۳۸۷: ۱۴). اگرچه سازندهای گروه خامی و بنگستان نیز در این میادین دارای نفت می‌باشد. مهم‌ترین میدان گازی دریائی کشور دارای ۱۳۱۳۰ میلیارد متر مکعب گاز درجا است. هم اکنون ۲۸ تریلیون متر مکعب گاز درجا در کشور وجود دارد که نزدیک به ۵۰ درصد از ذخایر گازی کشور (۸ درصد کل مخازن گازی دنیا) تنها در میدان پارس جنوبی قرار دارد. این میدان همچنین دارای میعانات گازی در جای معادل ۱۸ هزار میلیون بشکه است. این میدان به همراه میادین پارس شمالی، گلشن و فردوسی تحت پوشش شرکت نفت و گاز پارس است.

#### ایران و امارات متحده: میدان نفتی/گازی سلمان

میدان سلمان (ساسان سابق) در سال ۱۳۴۴ (۱۹۶۵) در خلیج فارس و منطقه لاوان (تحت پوشش شرکت فلات قاره) کشف شد. ذخیره نفت خام میدان سلمان ۴۰۷۳ میلیون بشکه و گاز ۱۸۳/۵ میلیون متر مکعب گاز درجا است. این میدان با میدان نفتی ابوالبخوش ابوظبئی مشترک است.

#### ایران و امارات متحده: میدان نفتی فرزام

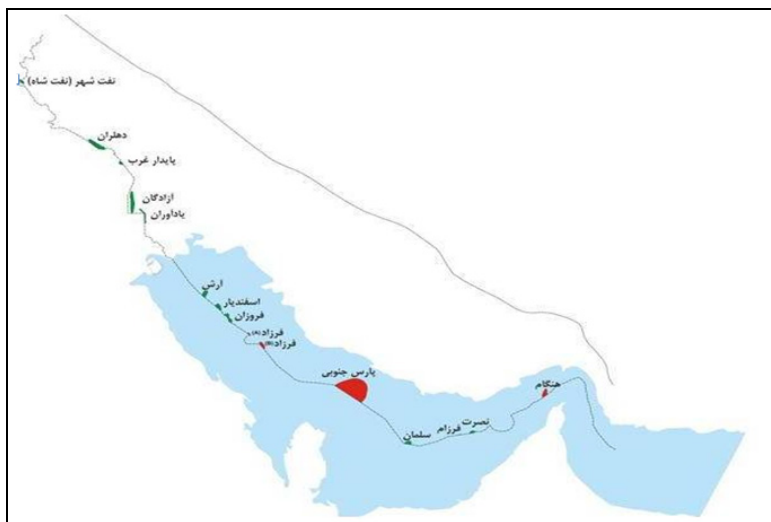
میدان فرزام بخش بسیار کوچکی از میدان فلاح امارات متحده عربی است که در آب‌های ایران (ناحیه سیری) واقع شده است. روند قرارگیری تاقدیس این میدان به صورت شمالی- جنوبی است.

#### ایران و امارات متحده: میدان نفتی نصرت

میدان نصرت در سال ۱۳۴۰ در ناحیه سیری توسط شرکت سوپیران کشف شد. مقدار نفت درجای این میدان ۱۸۸ میلیون بشکه می‌باشد.

#### ایران و عمان: میدان گازی هنگام

تنها میدان مشترک ایران با کشور عمان میدان هنگام می‌باشد که در گذشته به نام (HE-E1) مشهور بوده است. این میدان توسط شرکت سوپیران در سال ۱۳۵۴ کشف گردید. گاز درجایی برابر با حجم ۲۲/۴ میلیارد متر مکعب در سازندهای ایلام و سروک در این میدان وجود دارد (جان‌پور، ۱۳۹۱: ۵۷).



(نقشه شماره ۲): منابع مشترک مرزی بین ایران و همسایگان در خلیج فارس

### تجزیه و تحلیل و نتیجه‌گیری

همگرایی به عنوان نظریه‌ای که به دنبال صلح و ثبات است یک فرایند یا وضعیت است که بویژه پس از جنگ جهانی دوم آنچنان فراگیر شده است که کشورهای مختلف جهان در اکثر نواحی به چنین فرایندی متمایل شده‌اند تا از این طریق تنش و درگیری بین خود را به حداقل برسانند و ضریب امنیتی خویش را افزایش دهند. در این بین، منطقه استراتژیک خلیج فارس نیز از این امر مستثنی نخواهد بود. این کشورها خود را نمی‌توانند از این روند جهانی دور نگه دارند و برای اینکه بتوانند امنیت ملی، منافع ملی و جایگاه برجسته خود را به لحاظ ژئوپلیتیکی و ژئواستراتژیکی در نظام جهانی و مبادلات بین‌المللی بالا ببرند نیازمند ثبات منطقه‌ای و ایجاد همگرایی بین خود هستند. در این راستا کشورهای خلیج فارس باید بتوانند عوامل و چالش‌هایی که زمینه‌های واگرایی را در بین این کشورها ایجاد می‌کنند را کاهش داده و از بین ببرند و بر عوامل و زمینه‌های مشترک بین خود برای ایجاد همگرایی و شکل‌گیری روند سازمان منطقه‌ای در منطقه خلیج فارس تلاش کنند. در این بین یکی از عواملی که در خلیج فارس می‌تواند زمینه ساز همگرایی و ثبات منطقه‌ای را بین کشورهای هر کرانه خلیج فارس ایجاد کند، مدیریت مرز در خلیج فارس می‌باشد. چون با روند وابستگی‌ها و فرایند جهانی شدن‌ها در قرن بیست و یکم دیگر کشورها نمی‌توانند حتی نیازهای آنها نمی‌گذارد که بخواهند مرزهای خود را مسدود کنند کشورها برای اینکه بتوانند از این فرایند بهره ببرند و از سوی دیگر چالش‌های ناشی از آن را تا حد امکان بین خود کاهش

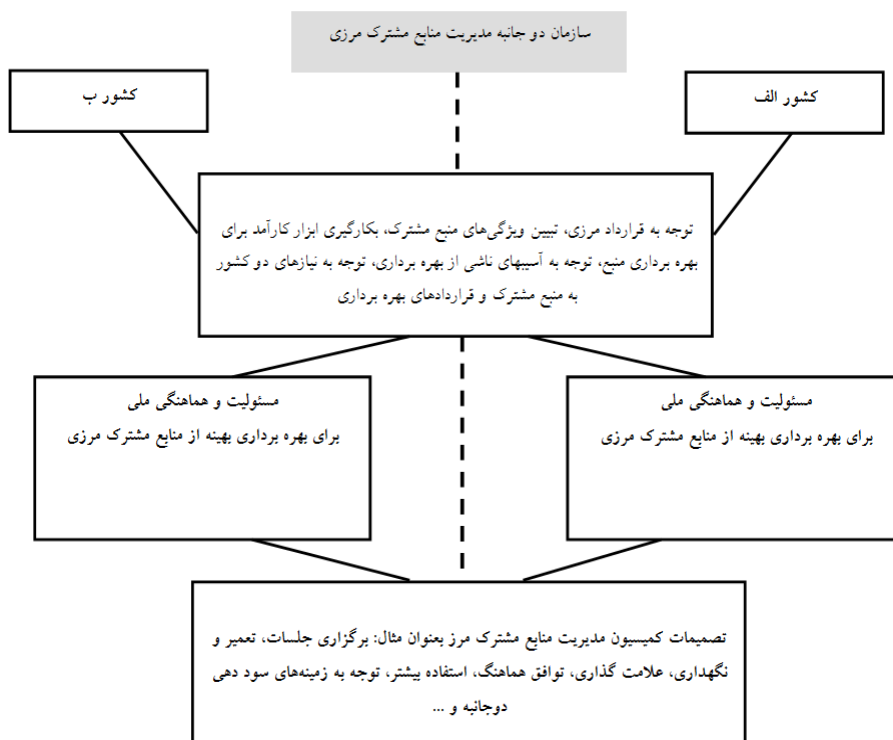
بدهند نیازمند آن هستند که مرزهای خود را به صورت قاعده‌مندی مدیریت کنند. همچنین کشورهایی که در راستای تشکیل یک سازمان منطقه‌ای و همگرایی منطقه‌ای نیز می‌باشند از این قاعده مستثنی نیستند به عنوان مثال در این زمینه می‌توان اتحادیه اروپا را ذکر کرد که به صورت کامل و قاعده‌مندی در سطوح مختلف مرزهای خود را مدیریت می‌کند. کشورهای هم‌کرانه خلیج فارس که هر کدام حداقل با چند کشور در خلیج فارس هم مرزی می‌باشند برای اینکه بتوانند به سوی یک همگرایی منطقه‌ای بروند پیش زمینه و شروع این امر مدیریت مرزهایشان در خلیج فارس می‌باشد. این کشورها باید با دید جامع‌تر و وسیع‌تری به مرزها نگاه کنند و مرزها را در بین خود به عنوان عامل جداکننده بحساب نیاورند آنها باید کارکردها و فرصت‌های دیگری که مرزها از جمله ایجاد زمینه‌های همکاری، ارتباط، فرصت‌های اقتصادی و ... را که در اختیار کشورها قرار می‌دهند را نیز در نظر بگیرند و این کار زمانی قابل انجام است که بتوانند مرزهای خود را در خلیج فارس به صورت قاعده‌مندی مدیریت کنند.

مدیریت مرزها دارای ابعاد متعدد و گوناگونی می‌شود که شش بعد آن که دارای اهمیت نسبتاً بالاتری از سایر ابعاد دارند عبارتند از: مدیریت منابع مشترک مرزی، مدیریت حقوقی مرز، مدیریت عبور و مرور مرزی انسان‌ها، مدیریت ورود و خروج کالاها، مدیریت محیط‌زیست و مدیریت بحران‌های مرزی. در این بین فقط به یکی از ابعاد مدیریت مرزی به عنوان عامل همگرایی در خلیج فارس اشاره شده است.

از آنجا که خلیج فارس دارای منابع سرشار گاز، نفت، ماهی و ... می‌باشد که به صورت مشترک در بین کشورهای هم‌کرانه خلیج فارس قرار دارند که به صورت‌های مختلف زمینه‌ساز چالش‌ها و مسائل بین کشورهای دارنده این منابع مشترک بوده است مدیریت بهینه منابع مشترک مرزی می‌تواند این چالش‌ها و ذهنیت‌های سوء نسبت به بهره‌برداری زیاد از منابع را تا حد امکان کاهش دهد و سبب ایجاد نوعی همگرایی و حس اعتماد و شکل‌گیری سازمان‌های مشترک دوجانبه برای مدیریت این منابع شود و زمینه‌های شکل‌گیری سازمان منطقه‌ای قدرتمند و منطقه‌ای بدون چالش را در خلیج فارس فراهم کند. توانایی مدیریت مرزی موثر در خلیج فارس می‌تواند در بهبود روابط و کاهش چالش‌ها و ناامنی‌های این کشور با همسایگان تا حد امکان کمک کند. براین اساس، آغاز مبحث مدیریت مرزی به ویژه مدیریت منابع مشترک مرزی در مطالعات دانشگاهی در حوضه خلیج فارس می‌تواند کمک شایانی به همگرایی و همکاری‌های دوجانبه و چندجانبه بین این کشورها بکند و چالش‌ها، درگیری‌ها، مسائل و تنش‌های مرتبط با این عوامل را تا حد بالایی بین کشورهای هم‌جوار در خلیج فارس کاهش دهد و در سطحی بالاتر خلیج فارس با پدیده‌های مشترک محیطی از جمله منابع مشترک مرزی این فرصت را برای کشورهای هم‌کرانه به وجود

می‌آورد که در راستای همگرایی و تشکیل یک سازمان منطقه‌ای گام بردارند. سازمان منطقه‌ای که برای بقای کشورهای منطقه در ژئوپلیتیک چند قطبی آیند امری ضروری است. همگون بودن زندگی اقتصادی و دلبستگی‌های استراتژیک مربوط، توأم با اهمیت جهانی این منطقه به خاطر ظرفیت گسترده تولید و صدور نفت و گاز، منابع مشترک مرزی و وابستگی‌های دیگر فرصتی ویژه را برای همگرایی کشورهای منطقه فراهم می‌آورد.

در یک جمع‌بندی کلی در این زمینه می‌توان گفت، بدون شک بقای حکومت‌ها در نظام ژئوپلیتیک قرن ۲۱ وابسته به درک موقعیت آنها از شرایط جهانی و توانایی آنها در ایجاد شرایط مناسب منطقه‌ای و داخلی جهت توسعه روابط همه جانبه به صورت‌های مختلف است. در این بین، مدیریت منابع مشترک مرزی نشان‌دهنده خطی فیزیکی تماس بین کشورها می‌باشند و فرصت‌هایی را برای همکاری و نزاع بین آنها فراهم می‌کند که می‌توان با مدیریت بهینه این منابع مشترک مرزی زمینه‌های همکاری بین کشورها را در خلیج فارس بالا برد و نزاع و درگیری‌های ناشی از آن را تا حد امکان بین کشورهای دارنده این منابع کاهش داد. در این راستا، حکومت‌ها برای اینکه بتوانند مرزها را به صورت موثر و کارآمد مدیریت و کنترل کنند و هزینه کمتری را برای این کار صرف کرده و کشمکش‌ها و چالش‌های مرزی را به حداقل ممکن برسانند نیازمند شکل دادن به یک سازمان و نهاد مرزی مشترک بین خود برای مدیریت منابع مشترک مرزی هستند که بتوانند با استفاده از آن منابع مشترک مرزی بین دو کشور را به صورت موثر مدیریت و کنترل کرده و زمینه‌های همکاری و روابط خوب را در امتداد مرزها بین دو کشور شکل دهند. الگوی عملکرد و مسوولیت‌های این سازمان در شکل شماره ۲ بیان شده است.



(شکل شماره ۲): منابع مشترک مرزی در همگرایی در خلیج فارس (منبع نگارنده)

## منابع

- افشردی، محمدحسین، جان پرور، محسن (۱۳۹۲)، *الگوی مدیریت مرزهای سرزمینی (مورد پژوهی: مرزهای دریایی ایران در خلیج فارس)*. تهران: دانشگاه عالی.
- جان پرور، محسن (۱۳۹۱)، *تبیین الگوی مدیریت مرز دریایی مورد خلیج فارس*. رساله دکتری رشته جغرافیای سیاسی، به راهنمایی دکتر محمدحسین افشردی. تهران: دانشگاه تربیت مدرس.
- جان پرور، محسن (۱۳۹۱)، *مدیریت مرز؛ حلقه گم شده هم‌گرایی و برقراری امنیت در خلیج فارس*، فصلنامه مطالعات خلیج فارس، سال نوزدهم، شماره چهارم.
- حافظ‌نیا، محمدرضا (۱۳۸۱)، *جغرافیای سیاسی ایران*، تهران: سمت.
- حافظ‌نیا، محمدرضا و کاویانی راد، مراد. (۱۳۸۳)، *افق‌های جدید در جغرافیای سیاسی*. تهران: سمت.
- ربیعی، حسین (۱۳۸۸)، *نقش قدرت‌های منطقه‌ای در حل و فصل منازعات سرزمینی مورد: ایران در منطقه خلیج فارس در دهه ۷۰ میلادی*. رساله دکتری جغرافیای سیاسی. به راهنمایی دکتر پیروز مجتهدزاده. تهران: دانشگاه تربیت مدرس.
- قالیباف، محمد باقر و دیگران. (۱۳۸۷)، *تأثیر ابعاد سرمایه اجتماعی بر امنیت مرزها مطالعه موردی: بخش مرزی نوسود شهرستان پاوه استان کرمانشاه*. فصلنامه ژئوپلیتیک. سال چهارم، شماره ۲. تابستان.
- کاظمی، علی اصغر (۱۳۷۰)، *نظریه همگرایی در روابط بین‌الملل*. تهران: قومس.
- مجتهدزاده، پیروز (۱۳۷۹)، *خلیج فارس کشورها و مرزها*. تهران: عطایی.
- مجتهدزاده، پیروز (۱۳۸۱)، *جغرافیای سیاسی و سیاست جغرافیایی*. تهران: سمت.
- مجتهدزاده، پیروز و عسگری، سهراب (۱۳۸۴)، *جغرافیای سیاسی و ژئوپلیتیک*. تهران: پیام نور.
- محمودی، احمد (۱۳۸۱)، *ارتباط و روند همگرایی در منطقه خلیج فارس بین سال‌های ۲۰۰۰-۱۹۹۰*، به راهنمایی سید جلال دهقانی فیروزآبادی. رشته علوم سیاسی. تهران: دانشگاه تربیت مدرس.
- مصلح، کامران و دیگران (۱۳۸۷)، *استفاده بهینه از منابع گازی در ایران*. تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
- میرعباسی، سید باقر و جهانی، فرخزاد (۱۳۹۰). «*رژیم حقوقی بهره‌برداری از میادین مشترک نفت و گاز از دیدگاه حقوق بین‌الملل*، فصلنامه مطالعات راهبردی. شماره ۶۱.

- Cox, Kevin R. (2008). *Political Geography*. Los Angeles: SAGE Publication.
- Janparvar, Mohsen & Others (2014). *Border Management; as Strategy of States to Maintain Order and Security in the Country*. *Geopolitics Quarterly*, Volume: 9, No 4.
- Haas .Ernest. B (1958). *The Uniting of Europe*. Stanford.
- Newman, David. (2003). 'Boundaries'. *A Companion to Political Geography*. Jan Agnew. The United Kingdom. Blackwell publishing.
- Pratt, Martin. (2001). *Boundary- Making, Challenges & Opportunities*. IBRU. Durham University. UK.
- The Concise Oxford Dictionary, 1999: 864.



## اوضاع اجتماعی خلیج فارس در عصر قاجاریه با تأکید بر سفرنامه‌ها

دکتر امامعلی شعبانی<sup>۱</sup>، مریم جلالی مشایخی<sup>۲</sup>

### چکیده

خلیج فارس همواره یکی از مناطق بسیار حائز اهمیت در جغرافیای ایران و در دوره‌ها و در ابعاد و زمینه‌های مختلف بوده است. تأثیر و تاثرات محلی، منطقه‌ای و بین‌المللی خود انعکاسی از این جایگاه - به ویژه در بعد اجتماعی می‌باشد که تاکنون نیز تداوم یافته است. در این میان شهرها، بنادر و جزایر خلیج فارس در دوره قاجاریه تحولات اجتماعی مهمی را تجربه کرده‌اند که خود بعدها بر تحولات اجتماعی ایران تأثیر نهاده است. از سوی دیگر تحولات اجتماعی این منطقه در مؤلفه‌هایی چون آداب و رسوم، باورها، پوشاک و خوراک، مذهب، تعلیم و تربیت، قومیت‌ها و ترکیب جمعیتی، بهداشت و بیماری‌ها، معماری و شهرسازی، تفریحات و... توجه خاصی در نگاه سیاحان و مورخان داخلی و خارجی عصر قاجار داشته است؛ لذا پژوهش پیش رو اوضاع اجتماعی خلیج فارس را از منظر یکی از متون مهم و در عین حال قابل اعتنای این دوره - یعنی سفرنامه‌ها - مورد مطالعه و بررسی دقیق قرار داده است. یافته‌های پژوهش نه تنها در تصحیح و یا تکمیل داده‌ها و اطلاعات دیگر انواع متون تاریخی و در این زمینه بسیار مفید است، بلکه علاوه بر این در شناخت هر چه بهتر از اجتماع عصر قاجار و بازیگران اصلی آن یعنی مردم که کمتر در تواریخ عمومی و سلسله‌ای مجال انعکاس می‌یافتند، ارزشمند خواهد بود. پژوهش به لحاظ روشی به صورت توصیفی - تحلیلی پیش رفته است. یعنی در گام نخستین، اطلاعات مرتبط به موضوع از سفرنامه‌ها استخراج و آن گاه کار تجزیه و تحلیل و در نهایت تدوین صورت پذیرفته است.

**واژگان کلیدی:** خلیج فارس، اوضاع اجتماعی، قاجاریه، سفرنامه‌ها، قومیت، آداب و رسوم، مذهب

---

۱ - استادیار گروه تاریخ دانشگاه اراک shabani.2009@gmail.com

۲ - کارشناسی ارشد تاریخ ایران دوره اسلامی m.jalalimashayekhi@gmail.com

## مقدمه

تحولات اجتماعی یکی از محورهای مهم بررسی تاریخ تحولات ایران در دوره‌های مختلف است. در این میان تحولات منطقه خلیج فارس در عصر قاجاریه و در ابعاد و زمینه‌های مختلف اجتماعی (از جمله آداب و رسوم، باورها، پوشاک و خوراک، قومیت‌ها و ترکیب جمعیتی، مذهب، تعلیم و تربیت، بهداشت و بیماری‌ها، معماری و شهرسازی، تفریحات و...) اهمیت ویژه‌ای در نگاه سیاحان و مورخان داخلی و خارجی داشته است. پیوند مباحث مذکور با اجتماع عصر قاجار و بازیگران اصلی آن یعنی مردم که کمتر در تواریخ عمومی و سلسله‌ای مجال انعکاس می‌یافتند، بر اهتمام به آن و به خصوص در منظر جهانگردان خارجی افزوده است.

در مقوله دیگر و در پیوند با محور اصلی بحث، باید بر جایگاه و اهمیت «سفرنامه‌ها» در شناخت تاریخ تحولات اجتماعی این دوره و به خصوص در حوزه خلیج فارس و با توجه به اهمیت این منطقه در جغرافیای ایران اشاره کرد. بی‌تردید سفرنامه‌ها - چه ایرانی و چه خارجی - یکی از منابع اصلی آگاهی ما از تاریخ ایران دوره قاجار و در ابعاد و زمینه‌های اجتماعی است. سفرنامه نویسان اگر چه غالباً از ماموران سیاسی و مبلغان مذهبی بوده و در این راستا منافع‌اندیشه و مقاصد سیاسی - مذهبی خاص خود و احياناً دول متبوع‌شان را - با توجه به رقابت‌ها و کشمکش‌های سیاسی بین استعمارگران از جمله فرانسه و انگلیس - در تصویربرداری از شرایط اجتماعی ایران آن روز دخالت داده‌اند، لیکن نوشته‌های آنان حاوی اطلاعات ارزشمندی از جامعه‌ی ایران این عصر و به خصوص منطقه خلیج فارس بوده که متأسفانه علی‌رغم اهمیت آن، موردبررسی محققان این عرصه قرار نگرفته است. در خصوص ضرورت بحث نیز باید گفت که فهم صحیح، دقیق و جامع از تاریخ تحولات اجتماعی ایران بی‌تردید در گرو مطالعه و شناخت واقعی از این تحولات در ایالات و مناطق آن است که در نهایت به تکمیل پازل‌های شناخت ما کمک خواهد کرد.

بنابراین پژوهش حاضر سعی دارد تا با روش توصیفی - تحلیلی، مؤلفه‌های اصلی اجتماعی خلیج فارس را در عصر قاجاریه و با استفاده از سفرنامه‌های مشهور اروپایی، آسیایی و ایرانی این دوره (مانند سفرنامه فوروکاواوی ژاپنی، سفرنامه دیالافوای فرانسوی، سفرنامه یوشیدا ماساهاروی ژاپنی، سفرنامه کنت دوگوبینوی فرانسوی و...) موردبحث و بررسی قرار دهد. در این راستا پاسخ به این پرسش اصلی که اوضاع اجتماعی خلیج فارس و در انواع آن چگونه در سفرنامه‌های عصر قاجاریه انعکاس یافته است؟ مهم‌ترین دغدغه پژوهشگران در فرآیند تحقیق بوده است.

محدوده زمانی بحث از سال ۱۲۰۹ ق/ ۱۷۹۴م - یعنی سال تأسیس سلسله قاجاریه - تا سال ۱۳۴۴ ق/ ۱۹۲۵م - سال سقوط قاجاریه - است. به لحاظ مکانی و جغرافیایی، محدوده موضوع

منطقه خلیج فارس عصر قاجاریه را در بر می‌گیرد که به‌طور تاریخی خود شامل محدوده خلیج فارس امروزی، دریای عمان و سواحل و شهرهای پیرامونی و جزایر آن می‌شده است. در پایان ذکر نکته‌ای به عنوان مشکلات و دشواری‌های پژوهش ضروری به نظر می‌رسد و آن این که با وجود تدوین ده‌ها سفرنامه در خصوص ایران عصر قاجاریه، متأسفانه سفرنامه‌هایی که به محدوده جنوب ایران - به‌خصوص به خلیج فارس و سواحل آن پرداخته باشند، بسیار اندک‌اند و در تمام عصر قاجاریه شاید از انگلستان دو دست تجاوز نکنند. این مسأله حکایت از آن دارد که سفرنامه‌نویسان ایرانی و غیر ایرانی به هر دلیلی کمتر رغبت نشان داده‌اند تا از این منطقه بازدید کنند و از تحولات و وضعیت خلیج فارس در ابعاد و زمینه‌های مختلف گزارشاتی بر جای گذارند. مزید بر این توجه ثانوی به رخدادهای اجتماعی در منظراندک سفرنامه‌های موجود از این دوره (با توجه به وجود نگرش غالب در تاریخ‌نویسی ایرانی و تأکید بر تحولات سیاسی - نظامی) نیز نکته‌ی درخور تعمقی است که خود بر دشواری‌ها و مشکلات پژوهش پیش‌رو افزوده است.

#### قومیت‌ها و ترکیب جمعیتی

در خصوص وضعیت اجتماعی منطقه خلیج فارس و بنادر و جزایر آن نخست می‌بایست از انواع قومیت‌ها و نیز ترکیب جمعیتی آن سخن گفته شود. این امر بی‌تردید ما را به شناخت هر چه بهتر از دیگر مؤلفه‌های اجتماعی و حتی اقتصادی این منطقه کمک خواهد کرد. در این میان سفرنامه‌ها به عنوان یکی از ابزارهای مهم شناخت و با توجه به مطالعات میدانی سفرنامه‌نویسان اعتبار خاصی دارند.

براساس سفرنامه‌های این دوره، در منطقه خلیج فارس و در جزایر، شهرها و روستاهای پیرامونی آن قومیت‌های گوناگونی زندگی می‌کردند؛ چنان‌چه در «عباسی» یا همان «بندر عباس» جمعیت ترکیبی از اوزی‌ها، لاری‌ها، سبعه‌ای‌ها، جهرمی‌ها و قلیلی از احفاد<sup>۱</sup> تازیان گزارش شده است. به نوشته سدیدالسلطنه کبابی<sup>۲</sup> در عباسی، بلوچ خالص هم زیاد دیده می‌شود که محله مخصوصی در شمال شرق شهر دارند. علاوه بر این‌ها آمده است که در بندر و شهر مذکور، سیاهانی از غلام و کنیزان آزاد شده وجود دارد که تقریباً سیصد نفر بوده که مشغله‌شان رامشگری است و محله‌شان معروف به محله سیاهان است که خود در شمال غرب این بندر واقع است. همچنین کبابی تصریح

۱- نسل

۲. وی در اواخر قاجاریه دارای خدمات اداری و دولتی در خلیج فارس بوده است. ضمناً پدر او نیز سمت کارگزاری دولت ایران در بنادر و جزایر خلیج فارس را داشته است - کبابی، ۱۳۶۸: ۶، ۲۱ - ۲۲.

دارد که « نفوس عباسی در زمستان و خریف<sup>۱</sup> عموماً در عباسی جمعند، لیکن در تابستان و ربیع<sup>۲</sup> به اطراف عباسی متفرق می‌شوند» (کیابی، ۱۳۶۸: ۱۵۷).

در خصوص بندر و شهر بسیار مهم «بوشهر» نیز گزارشات جالب توجهی از وجود قومیت‌های مختلف و ترکیب جمعیتی آنان در ایران عصر قاجاریه به دست ما رسیده است. چنان چه فوروکاوا - سیاح ژاپنی<sup>۳</sup> - در بازدید از این منطقه و در سال ۱۲۹۷ ه.ق می‌نویسد: «مردم آمیخته از چند قوم‌اند که آرامنه و اعراب در میان آنها هستند. جمعیت این شهر ثابت نیست و جمعیت شهرها و مراکز آبادی‌ها بر روی هم یک میلیون نفر برآورد می‌شود و مردم دیگر شامل دهقانان ساکن در روستاها، اقوام ترکمان و لر و نیز ایلات و عشایر است که کوچ نشین‌اند و مسکن معین ندارند و شمار جمعیتشان نیز دقیق مشخص نیست» (فوروکاوا، ۱۳۸۴: ۴۶، ۴۷). در گزارش دیگر از این بندر و به روایت سیاحی که بدان سفر کرده نیز آمده است که در کنار اعراب، سایر سکنه آن از طوایف کازرونی، دریسی، بهبهانی، ده‌دستی و شبندی هستند که هریک از آنها برای خود کدخدا و مهتری دارند. همچنین از شیرازی‌ها و شوشتری‌ها نام برده شده که به دلیل کم‌بودن جمعیتشان در این ناحیه کدخدا و مهتر ندارند (دو سفرنامه از جنوب ایران، ۱۳۶۸: ۷۲).

در جغرافیای دیگری از منطقه خلیج فارس و در خصوص قومیت‌ها و ترکیب جمعیتی می‌توان به بندر - شهر مهم «چابهار» اشاره کرد. چنان‌چه در مقدمه بیان گردید، گستره خلیج فارس و در طول تاریخ نه تنها صرفاً خلیج فارس امروزی، بلکه تا دریای عمان و تا مرز اقیانوس هند را شامل می‌شده است. به نوشته یکی از سفرنامه‌های این دوره، طوایف ساکن در چابهار عبارت‌اند از حیدر آبادی‌ها که شیعه مذهب‌اند، گبر و هندو. البته به اعتقاد نویسنده تعداد زرتشتی‌ها در این منطقه بسیار کم است. وی همچنین از وجود جمعیت زیادی از سیاهان نام می‌برد و ضمناً خاطرنشان می‌سازد که آنان آزاد هستند. حضور تعداد کمی از بلوچ‌ها نیز در این منطقه گزارش شده است (ماهان تا چابهار، ۱۳۷۰: ۹۰).

۱- پاییز

۲- بهار

۳ - وجود دو گزارش ارزشمند از ژاپنی‌ها و از خلیج فارس سال‌های پایانی قرن سیزدهم هجری قمری از نکات جالب توجهی است که خود موجب ایجاد پرسشی در این زمینه خواهد بود. ناصرالدین شاه در سفر اروپایی خود در شهر سن پترزبورگ با انومتو - سفیر ژاپن در روسیه - ملاقات کرد (۱۸۷۹ م / ۱۲۹۶ ق) و علاقه خود را به گشودن مناسبات دیپلماتیک و بازرگانی با این کشور اعلان داشت. پیرو این ملاقات و در سال بعد، هیاتی هفت‌نفره به ریاست ماساهارو و نیز با عضویت فوروکاوا به ایران آمدند. دو شخص اخیر علاوه بر تهیه گزارشی از موقعیت سیاسی - اقتصادی ایران برای دولت ژاپن، سفرنامه‌ی مجزایی از دیده‌ها و شنیده‌های خود نوشتند - فوروکاوا، ۱۳۸۴: ۲۱ - ۲۲، ۳۴.

### مذهب

مذهب به عنوان رکن دیگری از اجتماع، بخش مهمی از زندگی اجتماعی مردم را تشکیل می‌دهد. در این میان باورها، اعتقادات مذهبی مردم بومی شهرها، سواحل و جزایر خلیج فارس و بافت مذهبی آنجا همواره یکی از محورهای اساسی مورد توجه سیاحان و سفرنامه نویسان به ویژه سیاحان اروپایی بوده است. اساساً بعضی از آنان نقش مسیونرهای مذهبی عیسوی را بازی می‌کردند و از سوی دیگر نیز شناخت اعتقادات و ذائقه‌های فرهنگی - مذهبی مردم این نواحی و برای پیشبرد سیاست‌های دولت متبوعشان، خود محرک و انگیزه‌ی مناسبی برای توجه آنان به این بعد از زندگی اجتماعی مردم این مناطق بوده است. در هر صورت سفرنامه‌های این دوره حاوی اطلاعات ارزشمندی از مذهب و اعتقادات مذهبی مردم خلیج فارس در عصر قاجاریه هستند.

با نگاهی اجمالی به مطالب آمده در سفرنامه‌ها در می‌یابیم که با توجه به پیشینه تاریخی ایران و به خصوص در حوزه خلیج فارس، دین اسلام دین غالب مردم این مناطق بوده و از سوی دیگر دو مذهب تشیع و تسنن با گرایش‌های مختلف، شاکله مذهبی مردم جزایر و سواحل خلیج فارس را در دوره مورد اشاره شکل داده است. البته با توجه به این نکته که جمعیت اهل تسنن در این مناطق و در قیاس با جمعیت شیعه - بنا به دلایل تاریخی - قابل توجه است که این امر تا به امروز نیز تداوم یافته است. مثلاً در خصوص مذهب مردم جزیره «قشم»، سدیدالسلطنه کبابی می‌نویسد: «در قشم عموم سکنه جزیره در عداد اهل سنت‌اند و طریقه شافعی دارند و شیعه آنجا انگشت شمار است» همچنین آمده است که در این شهر ۱۵ مسجد از اهل سنت و دو مسجد با دو تکیه از جماعت تشیع وجود دارد (کبابی، ۱۳۶۸: ۱۳۰-۱۱۸). همچنین در مورد مذهب مردم بندر خمیر چنین وضعیتی حاکم بوده و اغلب جمعیت آن از اهل تسنن و از نوع شافعی به شمار می‌رفتند. تعداد شیعیان نیز در این بندر معدود گزارش شده است

داده‌های ارائه شده از سوی سدیدالسلطنه و از تعداد مساجد موجود در «بندر عباس» عصر قاجار نیز، بیانگر وجود ترکیب جمعیتی قابل توجه از سنیان در این شهر است. اگر چه ظاهراً استنباط می‌شود که غلبه جمعیتی با آنان نبوده است. در نوشته او آمده است که در بندرعباس یازده باب مسجد موجود است که پنج باب از آنها تعلق به اهل سنت و بقیه تعلق به اهل تشیع دارد و از استحکام بنای این مساجد سخن رانده است. وی همچنین از وجود ده تکیه برای ایام سوگواری در این بندر - شهر خبر می‌دهد و ضمناً خاطرنشان می‌سازد که تکیه سیاهان تعلق به غلامان و کنیزان آزاد شده دارد، سه تکیه متعلق به حیدرآبادی‌هاست و شش تکیه متفرقه‌اند و از استحکام بنای تکایای متعلق به حیدرآبادی‌ها در شهر بندرعباس سخن می‌گوید. در خصوص موقعیت و پراکندگی جغرافیایی شیعیان، اهل تسنن و یا دیگر فرق مذهبی در شهرها و جزایر خلیج فارس،

موقعیت بقاع متبرکه و قبرستان‌های مربوط به هریک از پیروان مذاهب و ادیان می‌تواند معیار مناسبی برای تعیین این امر باشد. مثلاً در مورد شهر بندرعباس - به عنوان یکی از مهم‌ترین شهرهای خلیج فارس عصر قاجار - شاید بتوان چنین حدس زد که شیعیان غالباً در شمال بندرعباس آن روز و محلات نظرآباد، سرریگ و شمال غرب زندگی می‌کردند که مدفن امامزادگان و بزرگان شیعه - از جمله امامزادگان سید کامل و شاه تقی - بوده است. در گزارشی از شیعیان این شهر و در خصوص تدفین مردگان آمده است که بعضی از مردگان را پس از غسل در بقعه‌ای به امانت می‌گذارند و آن گاه جهت دفن به عتبات می‌برند. اهل تسنن نیز محتملاً در جنوب غربی این شهر و به‌ویژه در محله اوزی‌ها متمرکز بودند. وجود مقبره‌ای برای زرتشتی‌ها در دامنه کوه و در طرف شمال شهر نیز می‌تواند نشانه‌ای از حضور و زندگی این فرقه‌ی مذهبی در این منطقه باشد (کبابی، ۱۳۶۸: ۱۵۹-۱۵۷).

همچنین گزارشات آمده در سفرنامه‌ها حکایت از وجود نوعی تعصبات مذهبی در بین مردم این مناطق دارد؛ چنان‌چه در خصوص مردم «بندر دیلم» آمده است که به دلیل تعصبات بسیار، عیسویان را نجس و خونشان را مباح می‌دانستند. آنان به همین جهت اروپاییان را به آبادی‌هایشان راه نمی‌دادند و حتی برخی دهقانان از فروش مواد غذایی بدانان امتناع می‌کردند و استدلالشان در این اقدام نیز این بود که عیسویان را کافر و گناهکار دانسته و اعانت و معاونت به آنان را نوعی گناه تلقی می‌کردند (بابن و هوسه، ۱۳۶۳: ۱۳۵). البته نباید از تصویربرداری سیاح زیرک و نقاد ژاپنی از اعتقاد مذهبی مردم این مناطق و به‌ویژه در انجام فرایض دینی - از جمله انجام عمل حج - شاید اندکی با چاشنی کسب اعتبار و شخصیت اجتماعی - اقتصادی غفلت شود. فوروکاوا در سفرنامه خود خاطر نشان می‌سازد که «شنیدم در میان ۱۲-۱۳ تاجر عمده ایرانی اینجا، تاجری حاجی بابا نام سمت ملک التجار دارد. «حاجی» جزء نام نیست، و مسلمانان این عنوان را پیش از نام کسی می‌گذارند که به شرف اعلا‌ی زیارت [مدینه] مزار حضرت محمد(ص) بانی دین اسلام و مکه در عربستان نائل آمده است. مردم اگر تمکن چندان هم نداشته باشند، باز به زیارت حج می‌روند، و کسانی هم هستند که چند بار به مکه رفته‌اند. بنا به رسم، هرکس که کعبه را زیارت کرده باشد عنوان «حاجی» جلوی نامش می‌آورند. چنین است که در میان ایرانیان، و به طور کلی مسلمانان، کسانی که حاجی خوانده می‌شوند بسیار زیادند. این نمونه نشان می‌دهد که دین اسلام در افکار و زندگی مسلمانان نفوذ بسیار دارد. از سوی دیگر، رونق مکه را با بودن این رسم و فریضه می‌توان تصور کرد» (فوروکاوا، ۱۳۸۴: ۱۹۴).

در خلیج فارس این عصر و در شهرها و جزایر آن از زندگی دیگر مذاهب از جمله: هندوها، زرتشتی‌ها، یهودی‌ها، نصارا و صابئین اخبار و گزارشات جالب توجهی از سفرنامه‌ها به ما رسیده

است. از همه مهم‌تر وجود زیارتگاه‌ها و معابد متعلق به این مذاهب و آثار و بقایای آن - به طور مثال در شهری چون بندرعباس<sup>۱</sup> - خود گواهی بر این امر است. مثلاً در خصوص هندوها آمده است که «سابقاً معبد یعنی بت خانه صحیح نداشته‌اند و تقریباً در سال ۱۳۱۰ محمد حسن خان سعدالملک که در بنادر حکومت داشت، ۲۰۰ تومان از هندوها تعارف گرفت و اجازه‌ی بنیان معبد به آنها داد و آنها در وسط باغی که قبل از موقع تدارک کرده بودند در شمال شرق شهر بنیان آن معبد را گذاشته و استادان ماهر برای بنا از هندوستان آوردند و معبد رفیع البنا را در اندک زمانی ساختند». همچنین درباره مقبره‌ی متعلق به نصاری و در ضمن آن اشاره به حضور یهودیان در این شهر گزارش شده است که «مقبره نصاری فیما بین حسین آباد و دریا واقع و سیصد فیت از دریا دور است، قریب آن مقبره گنبد مخروطی‌ای دیده می‌شود، و آنرا مدفن یک نفر از اولیاء دانند و معروف به خضر است و مقبره نصاری را مولاعبدالله‌نامی از تجار اوزی دعوی مالکیت آن کند، و از هر مقبره بیست و پنج قران بدایتا دریافت نماید، و یهود را هم در آنجا دفع کنند» (کبابی، ۱۳۶۸: ۱۵۹-۱۵۸). وجود مقبره‌ای برای زرتشتی‌ها در دامنه کوه پستی در طرف شمال شهر نیز موید حضور و زندگی این فرقه‌ی مذهبی در این منطقه دارد.

همچنین علاوه بر فرق و مذاهب پیش‌گفته، گزارشات سیاحان از شهرها و بنادر خلیج فارس عصر قاجار - به‌ویژه در بندر بصره - از حضور صابئین یا مغتسله حکایت دارد. نخست باید از روایت دوید<sup>۲</sup> در خصوص آراء و اندیشه‌ها و معتقدات این فرقه مذهبی در اواخر دوره قاجاریه سخن گفت: از نظر مذهبی آنان اولوهیت نجات دهنده‌ی ما را قبول دارند و به تثلیث مقدس معتقدند صابئان صلیب می‌کشند و از شانه راست به چپ شروع می‌کنند، آنگاه جبین را لمس و سرانجام دست را بر ناف شکم می‌گذارند. صائبان قدیس یوحنا‌ی تعمیددهنده را که پیغمبر یحیی می‌نامند، بزرگترین رسول می‌دانند و بدین ترتیب نام قدیس یوحنا بر پیروان او باقی است. هم‌چنان‌که مسلمانان معتقد به وجود حضرت مهدی هستند، آنان نیز معتقدند که حضرت یحیی هنوز زنده است و هرچند نادیدنی است، اما در شام سکونت دارد. معمولاً صائبان نیایش را در کنار آب برگزار می‌کنند و این عادت را بدان سبب رعایت می‌کنند که قدیس یوحنا از آب اردن برای تعمید استفاده کرده است و

۱ - این مسأله حکایت از آن دارد که بندر - شهر مذکور کانون زندگی مسالمت آمیز بین ادیان و فرق مختلف مسلمان و غیر مسلمان در منطقه خلیج فارس و در ایران دوره قاجاریه بوده است.

۲ - کلمنت اوگاستس دوید سیاح روس، نایب اول سفارت روسیه در تهران، عضو انجمن سلطنتی جغرافیای لندن و دارای تحصیلات عالی در رشته‌ی تاریخ باستانی مشرق بود. او در پی یافتن آثار و رد پای تاریخ ایران باستان به سیر و سیاحت در جنوب ایران و در اواسط قرن سیزدهم هجری قمری پرداخت. تسلط وی به زبان و فرهنگ ایران باعث گردید تا ضمن بسط دادن گفته‌هایش، سنجیده و سخته نیز سخن بگوید- دوید، ۱۳۸۴: ۲-۳، ۱۴.

به همین جهت ترجیح می‌دهند محل سکونت‌شان در ساحل آب باشد. مناطق سکونت عمده‌ی آنان بصره در شط‌العرب و سوق الشیوخ نزدیک بصره و شوشتر و اهواز کنار کارون و دزفول در کنار رود دز و حویزه نزدیک نهر کرخه است (دوبد، ۱۳۸۴ : ۳۵۰-۳۵۲).

هنری لایارد<sup>۱</sup> که در سفرش به ایران با یک مرد صابئی زرگر به همین علت او بر این باور است که صابئین معمولاً از راه تعمیر زیورآلات زنان امرار معاش می‌نمایند همراه بوده، آگاهی‌های جالب توجهی از این مذهب و پیروان آن در دوره مورد اشاره ارائه می‌کند. وی اگر چه استقبال مردم عرب از آنان را خوب توصیف می‌نماید، لیکن متذکر می‌شود که «اینان به طرز شرم‌آوری از سوی مقامات ایران و عثمانی مورد اجحاف قرار می‌گرفتند و به‌طوردایم از آنان اخاذی می‌شده است و دولت‌های مذکور سعی بر این داشتند که آنان را وادار به تغییر مذهب کنند» لایارد در توصیف دیگری از آنان می‌نویسد که صابئین لباس عربی می‌پوشند و به زبان عربی تکلم می‌کنند. البته با مسلمانان غذا نمی‌خورند و گوشت حیواناتی را که خودشان ذبح نکرده باشند، نمی‌خورند. زبان آنان نیز سامی است و خط مخصوص به خود دارند (لایارد، ۱۳۷۶ : ۲۴۰).

### پوشاک و خوراک

نوع پوشش و خوراک مردم بومی شهرها و بنادر خلیج فارس در تاریخ ایران دوره قاجاریه، یکی از نکات مهمی بوده است که توجه جهانگردان و سفرنامه‌نویسان را به خود جلب نموده و این امر در نوشته‌های آنان - ولو به‌طورمختصر - انعکاس یافته است. در این قسمت با استفاده از داده‌های موجود در سفرنامه‌های این دوره، به بررسی وضعیت پوشاک و خوراک مردم سواحل و جزایر خلیج فارس از جمله بوشهر، قشم، بندر عباس و... پرداخته می‌شود.

در خصوص وضع لباس مردم بندر بوشهر در این دوره خانم دیالافوا در سفرنامه خود که مربوط به اواسط قرن سیزدهم قمری است<sup>۲</sup>، توصیفی جالب و در عین حال با نگاه مغرضانه ارایه داده است.

۱ - لایارد انگلیسی فرانسوی الاصل که ظاهراً از همان دوران کودکی علاقه‌مند به فرهنگ و تمدن مردم خاور زمین بود، در بین سال‌های ۱۸۴۰-۱۸۴۲ م / ۱۲۵۶ - ۱۲۵۸ ق از سوی دولت انگلستان در جنوب ایران مشغول به مجموعه‌ای از فعالیت‌های سیاسی بود و چندین بار از خوزستان به بغداد و از بغداد به خوزستان سفر نمود و در غائله‌ها و شورش‌های این منطقه دست داشت. وی همچنین اولین کسی بود که طرح کشتیرانی در کارون را به دولت انگلیس پیشنهاد کرد- لایارد، ۱۳۷۶: مقدمه.

۲ - باستان‌شناس فرانسوی که برای مطالعه و تحقیق در آثار باستانی ایران و در طی سه بار به ایران مسافرت نمود. نوشته‌های او درباره ایران که حاصل یادداشت‌های روزانه اوست - علی‌رغم اغلاط و مسامحات تاریخی - برای بیان احوال حکومت و طرز زندگی عامه مردم، منبع سودمندی است - بیات، ۱۳۷۷ : ۳۳۹.



«وضع لباس مردم این شهر هم به لباس عربی است. نظر به این که با عرب‌ها مجاور هستند مانند آنها پیراهن پشمی سفید می‌پوشند و کمر بند رنگینی به کمرشان بسته شده است، عبائی هم بر دوش دارند و عمامه‌ای از پارچه هندی که خطوط قرمزی دارد و بر سر می‌گذارند. زنان با چادر بیرون می‌آیند و به جای روبند خفه‌کننده نقابی که از موهای سیاه یال اسب بافته شده است بر صورت می‌زنند و کفش آنها به شکل نیم‌چکمه‌ای است که دهان قیف مانندی دارد و می‌توانند با آن در تپه‌های کثافات راه بروند و از دور مانند غازهای درشت چاق بنظر می‌آیند» (دیبالافوا، ۱۳۶۱: ۵۰۴-۵۰۳). در رابطه با زنان دالکی نیز دوگوبینو به نکته عجیبی در سفرنامه‌اش اشاره دارد و آن این که «زنان که اصلاً حجاب نداشتند، و این امر نزد مردم روستایی بسیار عادی است، قدری شبیه اهالی اوورنی بودند و در ساختمان بدنیشان قدرت بیشتر از زیبایی وجود داشت» (گوبینو، ۱۳۶۷: ۱۴۲). در خصوص لباس مردم قشم در این دوره نیز آورده است «مانند لباس حالیه تازیان است و زیور آلات زنان خود را به طرز تازیان سازند» (کبایی، ۱۳۶۸: ۱۳۰).

هنری پاتینجر<sup>۱</sup> توصیف دقیقی از نوع پوشش مردان و زنان بلوچ و بر حسب طبقات و سطح زندگی آنان که حاصل مشاهدات و مطالعات میدانی او در سال‌های ۱۸۰۹ - ۱۸۱۰ م / ۱۲۲۴ - ۱۲۲۵ ق است، ارائه می‌کند. وی در سفرنامه سند و بلوچستان خود می‌نویسد که «لباس عمده‌ی بلوچ‌ها پیراهنی است بلند تا زیر زانو و از جنس چلوار درشت باف به رنگ سفید یا آبی... شلوار نیز از همین نوع پارچه دوخته شده و یا از پارچه‌ای است راه راه به نام سوسی، شلوارها گشاد و چین خورده بوده، در دو قوزک پا باریک شده و جمع می‌شود. بندرت سر را می‌پوشانند، مگر با کلاه لایی دوزی شده از پنبه و یا ابریشم و آن طوری ساخته شده که قالب جمجمه است. هرگاه لباس کامل بپوشند، بر روی عرقچین عمامه‌ای از پارچه شطرنجی یا آبی می‌بندند و یک کمربندی نیز از همان رنگ به دور کمر می‌پیچند. روسا و خویشاوندان ایشان در زمستان ارخالق یا عبایی از پارچه گلدار که با پنبه لایه‌دوزی شده بر روی البسه قبلی می‌پوشند و طبقات فقیرتر وقتی در خارج از بنا به - سر می‌برند، خود را در روجامه‌ای بلند که از نوعی پارچه مخصوص ساخته شده، می‌پیچند. پوشاک

۱- در رابطه با علت ورود پاتینجر به ایران باید خاطر نشان کرد که وی از ماموران سیاسی - نظامی سرجان ملکم انگلیسی بود که با توجه به احتمال لشکرکشی ناپلئون به هندوستان از طریق ایران، ماموریت یافت تا قدرت طبیعی، اقتصادی، نظامی و راه‌های سوق الجیشی مناطق بلوچستان و ایران جنوب شرقی را از طریق راه خشکی بررسی نموده و ارزش اردو کشی در این نواحی را مشخص کند. ستوان پاتینجر ماموریت خویش را به نحو احسن انجام داد و چون بعد از شکست ناپلئون و ختم نفوذ سیاسی و نظامی فرانسه در ایران و رفع تهدید حمله هندوستان، علتی برای مخفی نگه داشتن قسمتی از شرح این مسافرت وجود نداشت، وی اجازه یافت تا شرح مسافرت و نقشه مسیر خود را به صورت کتابی منتشر کند- پاتینجر، ۱۳۴۸: مقدمه مترجم.

زنان خیلی شبیه مردان است و معمولاً از پارچه‌های پنبه‌ای به رنگ قرمز یا قهوه‌ای است و بسیار بلند تا پاشنه پا که از جلو تا زیر بغل باز می‌شود و از آنجا که در زیر آن چیزی در بر نمی‌کنند، بدن به وضع قابل ملاحظه‌ای نمایان است. شلوار زنان به طور غیرطبیعی گشاد و جنسش از پارچه‌ای است ابریشمی یا مخلوطی از نخ ابریشم و پنبه. زنان سالخورده دستمالی به دور سر گره می‌زنند و آن را با پارچه پشمی یا ابریشمی گلدار زینت می‌دهند. زنان چه پیر و چه جوان وقتی از منزل بیرون می‌روند صورت خود را می‌پوشانند تا دیده نشوند؛ اما در منزل آزاد هستند» (پاتینجر، ۱۳۴۸: ۶۷، ۶۸).

در خصوص نوع خوراک مردم و اهالی ساکن شهرهای حاشیه خلیج فارس و جزایر آن اطلاعات جمع‌آوری شده از میان نگاشته‌های سیاحان ایرانی و اروپایی حکایت از آن دارد که خوراک معمول مردم شهرهایی چون بوشهر، برنج، خربزه و گوشت گوسفند بوده است. به نوشته ماساهارو آنها به پیروی از تعالیم اسلام ماهی بی فلس و گوشت خوک نمی‌خوردند و مشروبات الکلی نمی‌نوشیدند. وی همچنین در خصوص آداب غذاخوردن مردم این منطقه آورده است که ایرانیان خوراک را با انگشتان دست راست خود به دهان می‌برند و می‌خورند. وی در ادامه خاطرنشان می‌سازد که این نوع غذا خوردن برای غیر ایرانی‌ها چندان راحت نبوده است (ماساهارو، ۱۳۷۳: ۴۷).

گزارشی دیگر از شهر بندرعباس در اواخر دوره قاجاریه حکایت از آن دارد که غذای طبقات متوسط و پایین جامعه آرد گندم، آرد جو، برنج پست هندوستان و ماهی تازه بوده و در شرایط بد اقتصادی خوراک آنان ماهی شور، ماهی سوراخ و چاهی پست کلکته به همراه شکر بوده است. ثروتمندان این منطقه نیز علاوه بر اقلام غذایی فوق - البته با کیفیت متوسط - گوشت بز و قند مصرف می‌کردند (کبابی، ۱۳۶۸: ۱۶۲).

### آداب و رسوم و تفریحات

آداب و رسوم مردم بندر و جزایر خلیج فارس از موضوعاتی بوده که کمتر توجه سفرنامه‌نویسان را به خود جلب کرده است. احتمالاً دل‌مشغولی‌ها و دغدغه‌های سیاسی - مذهبی و یا اقتصادی آنان در این مسأله بی‌تأثیر نبوده است. با این وجود فوروکاوای ژاپنی در سفرنامه خود - ظاهراً به دلیل علقه‌های شخصی - توجه خاصی به موضوع زناشویی و نیز مراسم عروسی مردم این منطقه معطوف داشته و بدین جلوه از زندگی اجتماعی مردم این مناطق توجه نموده است. آگاهی‌ها و اطلاعات او در این خصوص امروزه برای هر محققى به عنوان منبع ارزشمندی محسوب می‌شود. وی نخست از آداب و رسوم عروسی مردم این منطقه سخن می‌گوید: «عروسی در بوشهر دارای مراسمات خاص است به طوری که مردم در کوچه در حال دست‌زدن و آواز خواندن ظاهر می‌شوند و کوی و گذر را با

مشعل‌هایی که در دست دارند روشن می‌کنند. در میان آنان دو طبق‌کش وجود دارد که دو کله قند و شش‌الی هفت هندوانه و چراغ توری روشن بر سر می‌برند. راهپیمایان در ردیف‌های دو تا پنج نفری دنبال هم می‌روند و پیرامونشان کسانی مشعل به دست راه را روشن می‌کنند. در میانشان، پیران و کودکان هم وجود دارند که با جمعیت هم آوایی کرده و همراهشان می‌روند. به دنبال همه-ی آنها مردی، الاغی را که کیسه بزرگ هیزم برای مشعل ساختن بارش کرده بودند می‌کشید. «وی در ادامه‌ی گزارش خود از مراسم عروسی خاطرنشان می‌سازد که «در این ولایت رسم است که هرگاه در خانه‌ای عروسی باشد، نه فقط خویشاوندان بلکه دوستان و آشنایان نیز هر یک خوردنی و نوشابه بر سینی می‌گذارند و به آن خانه می‌روند، می‌نوشند و سرخوش می‌شوند و آواز خوانان عروسی را جشن می‌گیرند».

این سیاح ژاپنی سن ازدواج برخی از دختران این مناطق را در هشت سالگی عنوان کرده که البته این مسأله برای او امر غریبی به شمار می‌رود. وی البته به این نکته نیز اشاره دارد که پیشتر شنیده است که سن ازدواج در نواحی گرمسیر پایین‌تر از نواحی سردسیر است و تصور می‌رود که دختران در این نواحی زودتر به بلوغ می‌رسند.

فوروکاوا در خصوص رسم چند همسری [که البته باز هم برای او رسم اعجاب‌آوری است] و قوانین و قواعد جاری مربوط به ارث و میراث در شهرها و بنادر خلیج فارس در اواخر قرن سیزدهم هجری قمری بر عمومیت این مسأله در جامعه ایران عصر قاجاریه صحنه می‌گذارد؛ چنان‌چه می‌نویسد: «مردان ایرانی همه برابر حکم و جواز اسلام می‌توانند تا چهار زن بگیرند و بعد از طلاق دادن هر یک بار می‌توانند به جای او زن دیگری بگیرند و در زمان واحد می‌توانند چهار زن داشته باشند. محدودیت فقط در این است که اگر زنی را سه بار طلاق دهند دیگر نمی‌توانند او را به همسری بگیرند. در عده‌ی مجاز زنان صیغه نیز محدودیتی نیست» وی در خصوص تقسیم ارث نیز می‌آورد که در تقسیم اموال میان فرزندان این دو دسته از زنان نیز تفاوت و امتیازی نیست و امتیاز در ارث فقط این است که پسر دو برابر دختر ارث می‌برد (فوروکاوا، ۱۳۸۴: ۲۰۳-۱۹۶).

در خصوص انواع تفریحات مردم سواحل و جزایر خلیج فارس در این دوره ما صرفاً آگاهی‌هایی را درباره شکار در یکی از سفرنامه‌های این دوره - یعنی سفرنامه دیالافوا - شاهدیم. گزارش دقیق او در حقیقت انعکاسی از وضعیت، شرایط و ملزومات این نوع از تفریحات در تمام جغرافیای ایران عصر قاجار است. دیالافوا در خصوص این سرگرمی که غالباً به اشراف و اعیان اختصاص دارد، می‌نویسد: «شکار یکی از وسایل تفریح و سرگرمی‌های لذت‌آور ایرانیان است. اما بیشتر روسا و امرای قبایل و اعیان و اشراف می‌توانند به این تفریح بپردازند و عامه از آن محروم‌اند؛ زیرا این کار وسایل پرخرجی لازم دارد؛ از قبیل اسب تندرو و تازی‌ها و قوش‌ها و... نگهداری قوش‌ها بسیار پر

خرج است، زیرا همه روزه باید به آنها گوشت مرغ یا گوسفند داد و یک نفر پرستار هم لازم دارند که باید به تعلیم و تربیت آنها بپردازد. باید اسب سریع السیر هم داشته باشند و روی هم رفته مخارج نگهداری اسب و قوش و پرستار در سال هزینه ی گزافی می شود که هرکس نمی تواند این هزینه را تحمل کند. معمولاً وقتی که می خواهند با قوش شکار کنند، یک شبانه روز به آن غذا نمی دهند و کلاهی بر سرش می گذارند که چشمانش را بیوشاند؛ این کلاه معمولاً با یاقوت و فیروزه زینت یافته. بند چرمی هم به پای آن می بندند و بر روی دو شاخه آهنی قرار می دهند و اسفنجی هم برای تمیز کردن آن همراه دارند و طبلیکی هم هست که چون بخواهند آن را احضار کنند، به صدا در می آورند. در موقع رفتن به شکار قوشچی دستکش چرمی ضخیمی به دست کرده و قوش را در دست خود بر ۲ شاخه آهنی می نشاند و بند چرمی را که به پایش بسته در دست نگاه می دارد و سوار بر اسب به دنبال آقای خود می رود. در کل قوش پر خور و بلعنده است و اگر حیثاً به شکاری موفق نگردد و یا شکار از چنگالش فرار کند عصبانی می شود و هر قدر آن را تحریص و ترغیب نمایند به شکار نمی پردازد؛ اما چون نیرومند و تیز رو است غالباً شکاری به چنگ می آورد» (دیالافوا، ۱۳۶۱: ۴۹۴-۴۹۶).

### تعلیم و تربیت (آموزش)

تعلیم و تربیت یکی از محورهایی بوده است که توجه سیاحان را در بازدید از بندر، شهرها و جزایر خلیج فارس عصر قاجار به خود جلب کرده و در نوشته های آنان انعکاس یافته است. در این میان اشخاصی چون فرمانفرما و سدیدالسلطنه کبابی در خصوص مدارس این منطقه و وضعیت آنان گزارشات قابل توجه - گر چه اندکی - را برای ما به یادگار گذاشته اند که خود به فهم نوشته های دیگر از این موضوع و در متون تاریخی و اسناد این دوره یاری گر خواهد بود. فرمانفرما از وجود مدرسه سعادت<sup>۱</sup> با ۱۸۵ نفر شاگرد کوچک و بزرگ در بوشهر خبر می دهد و آن را از افتخارات این

۱ - این مدرسه به عنوان اولین مدرسه ی جدید بوشهر یکی از اولین نهادهای فرهنگی نو پا بود که در راه اصلاحات سیاسی گام برداشت و مدیران و معلمان آن به غیر از فعالیت های فرهنگی و آموزشی، با ارسال مقالات اجتماعی و سیاسی برای روزنامه ی حبل المتین کوشش های مفیدی در راستای بهسازی محیط سیاسی و اجتماعی ایران می کردند؛ بطوری که تاثیر این مقالات تا آنجا بود که میرزا احمدخان دریابویی، حکمران بوشهر، تحت فشار حکومت مرکزی قرار گرفت و معزول شد. از سال ۱۲۹۷ش مدرسه مذکور با مساعدت دریابویی و جمعی از بازرگانان و فرهنگیان بوشهر دارای بودجه ی منظم و ثابت گردید. طبق آمار سال ۱۳۰۶ ش مدرسه در آن سال دارای ۳۲۹ دانش آموز و ۱۶ آموزگار بوده است که ۱۱۹ نفر از شاگردان به رایگان در مدرسه تحصیل می کردند و تعداد فارغ التحصیلانش از آغاز تا آن سال ۲۸۶ نفر بوده است. - حمیدی، ۱۳۷۷، ۶۰، ۶۱؛ قاسمی پویا، ۱۳۷۷: ۴۷۹، ۴۸۰.

شهر یاد می‌کند. وی در ادامه از مشکلات مالی این مدرسه و خطر تبدیل شدن آن به یک سربازخانه سخن می‌گوید: «اگرچه به همت والای مدیر مظفری وجه اعانه از تجار محترم برای آنها معین شده و می‌رسد ولی گاهی که نواقص دست می‌دهد و راه کسری مخارج از هیچ طرف باز نمی‌شود، آنها به ننگ بسته شدن راضی می‌شوند؛ ولی چنان چه حکومت بندر بوشهر از انتفاعات حکومتی دستگیری از این محوطه ی با شرف نماید، ثابت و برقرار خواهد ماند و گرنه بعید نیست که به مرور ایام آن هم معدوم شود و از میان برود و حکم سرباز خانه را پیدا کند» (فرمانفرما، ۱۳۸۶: ۱۶۱).

کبابی توجه خاصی به مدارس علمیه دینی نشان داده و متذکر می‌گردد که این نوع از مدارس منحصر در جزیره قشم وجود دارد. او نخست از مدرسه‌ای متعلق به اهل تسنن با نام شیخ محمد کمال با موقوفات بسیار در روستای کاروان نام می‌برد که به نام بانی و موسس آن بوده و در زمان بازدید او از جزیره، تقریباً یکصد سال قدمت داشته و جالب تر از همه آن که تولیت و تدریس در این مدرسه هنوز با فرزندان و نوادگان بانی بوده است. وی در ادامه تعداد طلاب این مدرسه را حداکثر یکصد و حداقل شصت نفر بر می‌شمارد. در خصوص متون درسی مدرسه نیز اشاره دارد که در آنجا صرف، نحو، معانی، بیان، تفسیر، علم کلام و فقه امام شافعی تدریس می‌شود. دیگر مدرسه مورد اشاره او نیز مدرسه علمیه سید محمد واقع در روستای رملکان است که به نوشته او در سال ۱۳۲۰ هجری قمری و در دوره سلطنت مظفرالدین شاه قاجار تأسیس گردید. سومین مدرسه‌ای که او یاد می‌کند، مدرسه شیخ محمد اسماعیل است که سال تأسیس آن به ۱۲۷۰ قمری باز می‌گردد (کبابی، ۱۳۶۸: ۱۳۱).

### بهداشت و بیماری‌ها

سیاحان در بازدید از شهرها و جزایر ساحلی خلیج فارس به وضعیت بهداشتی این شهرها و نیز از وجود امراض و بیماری‌های مختلف که اتفاقاً زندگی اجتماعی مردم این مناطق به شدت با آنها درگیر بوده است، توجه ویژه‌ای نشان داده‌اند. گزارشات دقیق آنان که در سفرنامه‌هایشان مکتوب است، موید این امر است.

در رابطه با وضعیت بهداشتی شهرهای خلیج فارس و حتی مهم‌ترین شهر آن یعنی بوشهر نوشته‌های سیاحان حکایت از نابه‌سامانی، آشفتنگی و خرابی اوضاع شهری دارد. به طور مثال گزارش فوروکاوا از بوشهر که حاصل مشاهدات دقیق اوست، انعکاس واقعی از این امر بوده و بر این ادعا صحه می‌گذارد: «کوی و گذر انباشته از خاکروبه و مدفوع حیوان؛ و اینجا و آن جا هم استخوان چارپایان مرده و لاشه سگ و گربه دیده می‌شود. آلودگی محیط و زندگی این منظره به‌اندازه‌ای است که به وصف در نمی‌آید. جایی هم بود که برای ادامه راه می‌باید از میانه قبرستان او روی

گورها] عبور کرد. نیز در این شهر از جوی و مجرای آب خیابان ساخته شده و مانند این‌ها [که از اجزای ساخت و ساز شهر است] اثری نمی‌دیدیم» (فوروکاوا، ۱۳۸۴: ۱۹۰) دیالافوا نیز در خصوص وضع بهداشتی این شهر با شدت بیشتری بر نوشته‌های فوروکاوا مهر تایید می‌زند: «وضع بهداشت بوشهر خراب و نفرت‌آور است. هرگز من شهری به این کثیفی ندیده‌ام<sup>۱</sup>. میدان‌ها پر از قبرهای کم عمق است و کوچه‌ها مملو از کثافات حیوانی و نباتی است. خلاصه آن که ابداً نمی‌توان در کوچه‌های بوشهر داخل شد» وی در ادامه متذکر می‌شود که «با اینکه در آئین اسلام بر پاکیزگی تأکید شده است، نمیدانم چرا مسلمانان از کثافات پرهیز نمی‌کنند» (دیالافوا، ۱۳۶۱: ۵۰۳).

بخشی از نوشته‌های سفرنامه‌های این دوره علاوه بر بحث بهداشت محیط شهری، به انواع بیماری‌ها و امراض شایع در بین مردم سواحل و جزایر خلیج فارس اختصاص یافته است. به‌طور-مثال «آفتاب زدگی» به عنوان یکی از عوامل مرگ و میر مورد توجه سیاحانی چون فوروکاوا بوده است: «تابستان عوارض آفتاب زدگی بسیار وخیم و هولناک است. ولی اگر مراقبت کافی شود و زیر آفتاب نروند و به سایه پناه برند مرگ و میر زیاد نخواهد بود. از این رو است که فرنگی‌های مقیم بوشهر شب‌ها با پشه‌بند روی بام می‌خوابند با این حال چون در این ناحیه رطوبت هوا زیاد است کسانی که عادت به هوای نمناک نداشته باشند، نمی‌توانند آن را تحمل کنند؛ حتی مردمی که به این هوا عادت دارند اگر با سر زدن آفتاب برنخیزند ممکن است دچار سردرد ناگهانی و خون دماغ شوند و به رنجوری و ناراحتی بیفتند و عوارض این حال برای تازه آمدگان و مسافران که به هوای اینجا خو نکرده‌اند بسیار وخیم‌تر است.» (فوروکاوا، ۱۳۸۴: ۵۳).

مادام دیالافوا نیز در سفرنامه‌اش از وجود نوعی کرم بیماری‌زا در بوشهر در نتیجه فاسد و مضر بودن آب این شهر خبر می‌دهد و می‌نویسد «هنگام ورود به بوشهر همه به آنان توصیه می‌کردند که ابداً لب به آب نزنند؛ زیرا علاوه بر اینکه فاسد و مضر است دارای نطفه کرمی است که وقتی وارد

۱ - البته ذکر این نکته مایه تعجب خواهد بود که اگر گفته شود شهری چون بوشهر در این دوره به کانون تجارت ایران شهرت داشته و به عنوان مهم‌ترین بندر تجاری - سیاسی خلیج فارس، مرکز اصلی تصمیم‌گیری تجاری در منطقه محسوب می‌شده است. لذا بی‌علت نبود که بندر مذکور در قرن سیزدهم قمری به طور مکرر مورد هجوم نیروهای انگلیسی قرار گرفت - هوشنگ مهدوی، ۱۳۷۵: ۲۹۵؛ وثوقی، ۱۳۸۴: ۴۰۰. اهمیت مذکور حتی در سفرنامه‌های این دوره نیز انعکاس یافته است؛ چنانچه مسیو چریکف می‌نویسد: حکومت بندر بوشهر میراثی است و حاکمی علی‌النقد در آنجا حکومت دارد - چریکف، ۱۳۵۸: ۷. گوینو و فوروکاوا نیز بر این جایگاه صحنه می‌گذارند: حاکم بوشهر شخصیت کوچکی نبوده و علاوه بر وظیفه فرمانداری و فرمانده لشکری عنوان دریایی را هم دارا بوده است. قلمرو حکومتش سراسر خلیج فارس را شامل می‌شده - گوینو، ۱۳۶۷: ۱۱۷. نظم و اداره‌ی همه‌ی شهر زیر نظر اوست و دولت ایران در اینجا کارگزار امور خارجه دارد که با فرنگی‌ها در ارتباط است. ... حکومت اینجا را ایرانیان دریا بیگی می‌نامند - فوروکاوا، ۱۳۸۴: ۱۹۱.

معهده شود رشد کند و در طول ماهیچه‌های بدن به راه افتد و بعد از آنکه باعث درد و رنج فراوان شود عاقبت از پوست بدن سر در می‌آورد که معالجه‌اش نزد بومیان آسان است ولی حوصله زیادی را می‌طلبد. همینکه کرم از بدن سر در می‌آورد جلد را شکافته و سر آن را با سنجاق به قرقره‌ای وصل می‌کنند و همه روزه قرقره را کمی می‌چرخانند تا به آن بیچد و پس از مدتی از بدن خارج شود. پاره‌ای از آنها ممکن است در عرض یک هفته از بدن خارج شوند و برعکس پاره‌ای در مدت دو ماه هم از بدن بیرون نمی‌آیند. بدبختانی در این شهر هم دیده می‌شوند که چندین بار گرفتار این بلا شده‌اند. اروپاییان و سکنه‌ی متمول بوشهر هرگز از آب بوشهر مصرف نمی‌کنند؛ ولی اشخاص فقیر و بیچاره ناچارند از همین آب مصرف کنند و در تمام طول عمر به این بلا گرفتارند. «او علاوه بر این، از شیوع انواع دیگر بیماری‌های خطرناک با تلفات بسیار مانند دیفتری، وبا و تب‌های موذی در بین مردم بومی منطقه و در تمام فصول سال خبر می‌دهد. وی فقرا و کارگران بی‌بضاعت را که معمولاً در طبقه‌ی زیرین خانه‌ها منزل دارند، در معرض چنین بیماری‌هایی می‌داند. از دیدگاه او چنین افرادی با خوردن غذاهای بد و آشامیدن آب‌های مضر به تب‌های مسری مبتلا می‌گردند، فلج می‌شوند و از کار می‌افتند و طولی نمی‌کشد که تلف می‌شوند (دیالافوا، ۱۳۶۱: ۴۹۹-۵۰۰).

البته گوبینوی فرانسوی علل شیوع این بیماری‌ها را در طبیعت نامساعد خلیج فارس می‌داند و می‌نویسد که «طبیعت با خلیج فارس یاری نکرده و آن را منطقه‌ای دلپذیر نساخته، زیرا همه جا شن و باتلاق‌های متعفن است؛ به همین جهت است که بخش بزرگی از سال، تب نوبه و گاهی وبا شیوع می‌یابد.» (گوبینو، ۱۳۶۷: ۱۱۲).

### معماری و شهرسازی

شهرسازی و شیوه معماری بناها در خلیج فارس - از خانه گرفته تا کاروانسرا و مساجد - از نخستین مسائلی بوده است که توجه سیاحان را به خود معطوف داشته است. آنان پس از توصیف آب و هوا و دیگر ویژگی‌های جغرافیایی یک شهر یا یک ده، معمولاً به توصیف بناهای آنجا می‌پرداختند. نکته جالب توجه در دقت آنان در توصیف این بناها نهفته است. سیاحان غیر ایرانی - برخلاف سیاحان ایرانی که برایشان امری تکراری بوده است - توصیفات دقیق و جزیی از وضعیت شهرسازی و معماری شهرها و جزایر خلیج فارس در دوره قاجاریه ارائه داده‌اند. امروزه داده‌های آنان برای شناخت تاریخ معماری - شهرسازی ایران منبع دقیق‌تری محسوب می‌شود.

### معماری خانه‌ها

جغرافیای طبیعی و وضعیت آب و هوایی خلیج فارس موجب گردید تا نوع معماری - شهرسازی آن چهره متفاوتی از دیگر نقاط ایران داشته باشد. به طور مثال وجود جبهه هوای بسیار گرم در این منطقه، شکل و شمایل و طرح هماهنگ با محیط طبیعی و وضعیت جوی را در معماری خانه‌ها و دیگر جلوه‌های معماری در پی داشته است. در هر صورت بخش قابل توجهی از گزارشات سیاحان ایرانی و غیر ایرانی به انعکاس نوع معماری خانه‌ها و محلات شهرها، بنادر، روستاها و جزایر خلیج فارس - البته با نگاه‌های متفاوتی - اختصاص یافته است.

نوشته‌های موجود از سفرنامه‌های این دوره حکایت از آن دارد که اکثر خانه‌های این منطقه از خشت و گل، چوب و به ندرت از سنگ ساخته می‌شده است. چنان‌چه فوروکاوا در توصیفی از خانه‌های بوشهر به مصالح خشت خام یا مصالح سخت شده در آب دریا اشاره دارد. به روایت او بام خانه‌ها نیز کاهگل پوش و گاهی با بالاخانه‌ای بوده که جهت شب‌های تابستان پناهگاه خنکی محسوب می‌شده است (فوروکاوا، ۱۳۸۴: ۱۹۰). مطابق نوشته سدیدالسلطنه کبابی در خمیر بیشتر بناها از خشت و گل ساخته می‌شده و گاهی به ندرت اتاق‌هایشان با گچ سفید می‌شده است (کبابی، ۱۳۶۸: ۸). همچنین مصالح خانه‌های هرمز، گل و چوب عنوان شده است (همان، ۹۴) خشتی و گلی بودن خانه‌های برازجان نیز در گزارش گوبینو به خوبی انعکاس یافته است: «برازجان عبارت از انبوهی خانه‌های خشت و گلی است که نسبتاً بسیار خوب بنا شده اند و بیش از یک طبقه ندارند، ولی گاهی نیز اتاقی در طبقه‌ی فوقانی دارند که بالا خانه نامیده می‌شود.» (گوبینو، ۱۳۶۷: ۱۳۶، ۱۳۷).

در معماری از به کارگیری درخت در بنای خانه‌ها در شهرها و روستاهای خلیج فارس این دوره روایت شده است؛ چنان‌چه دیالافوا دربارہ دهکده‌ی گورک از توابع بوشهر می‌نویسد که مرکب از کلبه‌هایی است که مانند تمام منازل فارس جنوبی از تنه و شاخه‌های نخل برپا شده است (دیالافوا، ۱۳۶۱: ۴۹۳). خانه‌ها در تنگستان نیز از چوب درخت کومه و عریش گزارش شده است (دوسفرنامه از جنوب ایران، ۱۳۶۸: ۹۱).

گوبینو - سیاح دانشمند فرانسوی - که در بین سال‌های ۱۸۵۵ - ۱۸۵۸ م / ۱۲۷۲ - ۱۲۷۵ ق از بوشهر بازدید کرده و با نگاه علمی و در عین حال متفاوت از بقیه سیاحان به معماری خانه‌ها

---

۱ - گلی و چوبی بودن خانه‌های تنگ تنگ و فشرده چابهار [معروف به کتوک] نیز در دوره قاجاریه گزارش شده است - از ماهان تا چابهار، ۱۳۷۰: ۹۰.



نگریسته، نگاه مثبتی نسبت به معماری این شهر نداشته و آن را فاقد سبک معماری می‌داند. چنانچه پس از مشاهده خانه‌های این شهر می‌نویسد:

«بیشتر خانه‌ها محقر و مفلوک هستند. در هر قدم با کلبه‌ها و لانه‌هایی که از برگ درختان نخل تعبیه شده روبرو می‌شویم که به هیچ سبک معماری تعلق ندارند. محلات کاملی مملو از ویرانه وجود دارد که حتی وقتی ویرانه نبوده ارزشی نداشته‌اند.<sup>۱</sup>» (گوبینو، ۱۳۶۷: ۱۲۰) وی در بیان علت خرابی وضعیت معماری - شهرسازی این شهر به طبیعت نامساعد، فقدان آب آشامیدنی مناسب، عدم وجود کشاورزی و صنعت و خروج سرمایه به مناطق و شهرهای اطراف اشاره دارد (همان: ۱۲۱، ۱۲۲).

البته دوگوبینو در وصف خانه‌های منطقه دالکی با نگاهی مثبت، منطقی، ظریف و در عین حال بی طرفانه می‌نگرد و در کنار بعد ویرانی‌ها، به نقاط قوت و آبادانی آن نظر می‌اندازد؛ چنانچه در سفرنامه‌اش می‌آورد: «دالکی دهی زیبا و نسبتاً ثروتمند است. ویرانه‌های زیادی دارد<sup>۲</sup>، ولی خانه‌هایی که برپا هستند وضع خوبی دارند. بسیاری از آنها از سنگ ساخته شده‌اند که در ایران بسیار کمیاب است» وی در ادامه به نکته‌ی ظریفی در خصوص معماری خانه‌های آن اشاره دارد «خانه‌های دالکی منظوم‌انمایی که سرپا هستند، خصیصه‌ای دارند که در جای دیگری ندیده‌ام و باید مخصوص ولایت شوشتر باشد و آن اتاق‌های بسیار بزرگ است که یک بخاری دیواری عظیم به شکل تنور گرد در وسط آن قرار گرفته» (گوبینو، ۱۳۶۷: ۱۴۱-۱۴۰).

طراحی شهرسازی این مناطق نیز قابل توجه بوده است. خانه‌ها بسیار به هم نزدیک ساخته می‌شدند و کوچه‌ها تنگ و باریک گرفته می‌شدند. [چنانچه در خصوص کوچه‌های برازجان اشاره شده است که به عرض شش پا<sup>۳</sup> بوده اند - گوبینو، ۱۳۶۷: ۱۳۶، ۱۳۷] بدون شک در طراحی این ساختمان‌ها و کوچه‌ها قطعاً حکمتی نهفته بوده است. در درجه‌ی اول شاید بتوان به شرایط آب و

۱- لازم به یادآوری است که گوبینو صرفاً اقامتگاه نماینده مقیم انگلیس در بوشهر را که یک خانه‌ی زیبای یک طبقه‌ای به سبک اروپایی با ستون‌های زیبا توصیف - به عنوان شهری کوچک - دارای وضعی آبرومند می‌داند. لذا بی‌علت نیست که می‌نویسد: "هر قدر شهر ایرانی بد منظر و ناخوشایند بود، از تاسیسات انگلیسی خوشمان آمد و به نظرم تمیز و مناسب جلوه کرد" - همان، ۱۳۶۷: ۱۲۲، ۱۲۳.

۲- گوبینوی شرق‌شناس در خصوص وجود ویرانه‌های موجود در ایران که آن را بیش از هر جای دیگر دنیا می‌داند، چنین استدلال می‌کند که بیشترشان مربوط به عصر قاجار بوده و نه از فقر، بلکه از عادت روستاییان ایرانی مبنی بر زندگی کوچ نشینی (بیلاقی و قشلاقی) و ذائقه آنان مبنی بر احداث خانه و یا ده جدید در کنار ده و خانه قدیمی منتج شده‌اند. البته ادعای دیگر او مبنی بر عدم مرمت خانه‌ها توسط ایرانیان و ترجیحشان در احداث خانه جدید تعجب‌آمیز خواهد بود - گوبینو، ۱۳۶۷: ۱۴۰، ۱۴۱.

۳- شش پا برابر با حدود یک متر و هشتاد سانتیمتر می‌باشد.

هوایی این منطقه مرتبط دانست. چون در شرایطی که بیشتر از پنج ماه از سال برای زندگی غیر قابل تحمل بوده و است، کوچه‌های تنگ می‌توانستند نقش سایبان را برای عابرین و در تمام ساعات سوزان روز فراهم سازند. مزید بر این و با توجه به جغرافیای سیاسی ایران، پدیده‌ی ناامنی که البته عارضی تاریخ ایران و مردم آن در تمام طول تاریخ - به ویژه در سده‌های استیلای استعمار بر این مرز و بوم و به خصوص در نواحی جنوبی ایران - بوده است، می‌تواند توجیه‌گر این مسأله باشد. کوچه‌های باریک و تنگ کار دفاع از کوی و برزن را به هنگام ناامنی‌ها، تهاجمات و راهزنی‌ها برای اهالی محله تسهیل می‌ساخته است.

در خصوص محلات شهری نیز باید گفت که هر محله‌ای از شهر اختصاص به قومیت، مذهب و یا صنف خاصی داشته است. چنانچه سدیدالسلطنه کبابی در گزارشی از محلات شهر بندر عباس می‌نویسد که در شمال شرق محله زندگی بلوچ‌ها، کله‌پزها و محله طارمی‌ها است. در طرف مغرب محله اوزی‌هاست و محله پشت شهر محله ماهی فروش‌هاست. در شمالغرب هم محله سیاهان است (کبابی، ۱۳۶۸: ۱۵۷).

### معماری مذهبی

معماری مذهبی بخش دیگری از گزارشات اجتماعی سیاحان دوره قاجار را به خود اختصاص داده است که خود در حقیقت انعکاسی از اهمیت این مسأله در بین مردم بومی شهرها و جزایر خلیج فارس در دوره مورد اشاره است. در این میان کبابی توجه دقیقی به این موضوع داشته که برای شناخت معماری مساجد، مقبره‌ها و آرامگاه‌ها ذیقیمت است. به طور مثال در خصوص مساجد موجود در بندر عباس حکایت از وجود ۱۱ مسجد (۵ مورد متعلق به اهل تسنن و ۶ مورد مربوط به اهل تشیع) دارد. او از استواری و استحکام مساجد جامع اهل تسنن و تشیع و نیز سستی مساجد علافان و ماهی فروشان سخن می‌گوید. وی همچنین از وجود ۱۰ تکیه متعلق به سیاهان (غلامان و کنیزان آزاد شده) حیدر آبادی‌ها و... در این شهر خبر می‌دهد. همچنین چنانچه پیشتر اشاره گردید کبابی از وجود معبد هندوها به عنوان بت‌خانه در بندر عباس خبر می‌دهد که توسط استادان ماهر هندوستانی و با ارتفاع بسیار بنا گردید (۱۳۱۰ ق) (کبابی، ۱۳۶۸: ۱۵۸).

در خصوص بناهای آرامگاهی و مقابر متعلق به شیعیان در بندرعباس که به سیدکامل شهرت داشته است، آمده است که دارای غسل‌خانه مختصری با یک چهارطاق مربعی بوده و اجساد امواتی را که باید به عتبات عالیات ببرند، در آن چهارطاق امانت می‌گذاشتند. همچنین از دو بقعه متبرکه در این شهر یاد شده که متعلق به اهل تشیع بوده و نسب هر دو به حضرت موسی بن جعفر (ع) امام هفتم شیعیان می‌رسد. یکی از این بقعه‌ها همان سیدکامل است که محوطه آن مدفن معاریف

عباسی است و دیگری موسوم به شاه‌تقی در شمال بازار با تکیه، مسجد و موقوفاتی به همین نام است. از مقبره اهل سنت نیز در وسط محله اوزی‌ها و در جنوب غربی شهر بندر عباس در این دوره یاد شده است (کیابی، ۱۳۶۸: ۱۵۷-۱۶۰).

### نتیجه‌گیری

مطالعه و بررسی تاریخ اجتماعی خلیج فارس در دوره قاجاریه از منظر سفرنامه‌ها ما را به نکات چندی در این خصوص رهنمون خواهد بود: نخست باید اذعان کرد که متون و منابع سفرنامه‌ای در خصوص مؤلفه‌های اجتماعی خلیج فارس در دوره قاجاریه بر داده‌های دیگر منابع تاریخی مهر تایید، تکمیل و یا تصحیح می‌زنند. از سوی دیگر باید معترف بود که اهمیت و جایگاه ممتاز خلیج فارس موجب گردید تا فهم دقیق و درست ما از تاریخ تحولات اجتماعی ایران در گرو شناخت ما از تحولات اجتماعی مناطقی چون خلیج فارس باشد. در حقیقت مطالعه و بررسی در ایالات و ولایات ما را در تکمیل پازل‌های شناخت تاریخ تحولات اجتماعی ایران و از همه مهم‌تر روش منطقی مطالعه و بررسی از پایین به بالا کمک می‌کند.

در خصوص وضعیت اجتماع خلیج فارس در این دوره باید گفت که سفرنامه‌های نوشته شده توسط ایرانیان و یا خارجیان که خود حاصل مشاهدات و مطالعات میدانی آنان است، خود حکایت از وجود آداب و رسوم، ویژگی‌های مذهبی، قومیت و تنوع جمعیتی و حتی نوع معماری - شهرسازی خاصی دارد که در حقیقت بومی این منطقه محسوب می‌شود و البته با نگاه مثبت و منفی سفرنامه‌نویسان روبه‌رو است. در هر صورت این مؤلفه‌ها انعکاسی از هویت ملی ایرانیان و در طول تاریخ اجتماعی آن است.

## منابع

- آل داود، علی (مصحح) (۱۳۶۸)، دو سفرنامه از جنوب ایران؛ در سال‌های ۱۲۵۶ - ۱۳۰۷ ق. تهران: امیرکبیر.
- بابن، سی - هوسه، فردریک (۱۳۶۳)، سفرنامه جنوب ایران. ترجمه محمدحسن خان اعتمادالسلطنه. تهران: دنیای کتاب.
- بیات، عزیزالله (۱۳۷۷)، شناسایی منابع و مآخذ تاریخ ایران. تهران: امیرکبیر.
- پاتینجر، هنری (۱۳۴۸)، سفرنامه پاتینجر (مسافرت سند و بلوچستان). ترجمه شاپور گودرزی. بی جا: کتابفروشی دهخدا.
- چریکف (۱۳۵۸)، سیاحتنامه مسیو چریکف، ترجمه آبکار مسیحی. تهران: شرکت سهامی کتاب‌های جیبی.
- حمیدی، جعفر (۱۳۷۸)، بوشهر در مطبوعات عصر قاجار. تهران: موسسه مطالعات تاریخ معاصر.
- دریاگشت، محمد رسول (۱۳۷۰)، از ماهان تا چابهار (سفرنامه بلوچستان)، کرمان: مرکز کرمان شناسی.
- دوید، کلمنت اوگاستس (۱۳۸۴)، سفرنامه لرستان و خوزستان. ترجمه محمد حسن آریا. تهران: علمی و فرهنگی. چاپ دوم.
- دیالافوا، ژان پل راشل (۱۳۶۱)، سفرنامه مادام دیالافوا، ترجمه محمدعلی فره‌وشی. تهران: کتابفروشی خیام. چاپ دوم.
- سدیدالسلطنه (کبابی)، محمدعلی (۱۳۶۸)، بندرعباس و خلیج فارس، تصحیح احمد اقتداری، تهران: دنیای کتاب. چاپ دوم.
- فرمانفرما، فیروز (۱۳۸۶)، ملاحان خاک و سیاحان افلاک، به کوشش مجید نیکپور، بی جا: مرکز کرمان شناسی.
- فوروکاوا، نوبویوشی (۱۳۸۴)، سفرنامه فوروکاوا، ترجمه هاشم رجب زاده، کینیجی نه‌اورا. تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- قاسمی پویا، اقبال (۱۳۷۷)، مدارس جدید در دوره قاجاریه، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- گوینو، ژوزف آرتور کنت دو (۱۳۶۷)، سفرنامه سه سال در آسیا. ترجمه عبدالرضا هوشنگ مهدوی. تهران: کتاب‌سرا.
- لایارد، هنری استون (۱۳۷۶)، سفرنامه، ترجمه مه‌راب امیری، تهران: آنزان. چاپ دوم.
- ماسهارو، یوشیدا (۱۳۷۳)، سفرنامه یوشیدا ماسهارو. ترجمه هاشم رجب‌زاده. مشهد: آستان قدس رضوی.
- وثوقی، محمدباقر (۱۳۸۴)، تاریخ خلیج فارس و ممالک همجوار. تهران: سمت.
- هوشنگ مهدوی، عبدالرضا (۱۳۷۵)، تاریخ روابط خارجی ایران. تهران: امیرکبیر. چاپ پنجم.

## فراز و فرودهای جزایر سه‌گانه و اهمیت آن در سیاست‌های کلان جمهوری اسلامی ایران

مسعود رضایی<sup>۱</sup>

### چکیده

همه‌ساله در آستانه ۹ آذرماه سالروز بازپس‌گیری جزایر سه‌گانه از چنگال استعمار بریتانیا همواره این پرسش در اذهان برخی ایرانیان مرور می‌گردد که اهمیت راهبردی این سه جزیره از چه رویی است و یا اینکه ادعاهای کشور امارات متحده عربی دال بر اشغال جزایر توسط ایران از چه خاستگاهی نشأت می‌گیرد؟ پیش از هر نکته‌ای می‌بایست به این مهم اشاره‌ای داشت که اساساً منطقه خلیج فارس به دلیل ماهیت ژئوپولیتیک و ژئواستراتژیکی که از آن برخوردار است و به جهت دارابودن منابع سرشار انرژی یکی از حساس‌ترین نقاط جهان بوده تاجایی که اهمیت آن در طی قرون گذشته تا دوران معاصر نه تنها کاهش نیافته؛ بلکه روبه فزونی نیز نهاده است. عربستان با دارابودن بیش از ۲۵۰ میلیارد بشکه و ایران با دارابودن بیش از ۱۵۰ میلیارد بشکه ذخایر نفتی دارنده بزرگترین منابع نفتی این منطقه محسوب می‌گردند و میدان گازی پارس جنوبی که مابین ایران و قطر به صورت مشترک است، نیز بزرگترین میدان گازی جهان قلمداد می‌گردد در واقع دو مقوله انرژی و امنیت همواره مؤلفه‌های کلیدی خلیج فارس بوده است بدین‌سان چنین موقعیتی سبب گردیده تا این منطقه مورد توجه قدرت‌های استعماری و جهانی قرارگیرد؛ بنابراین با توجه به اهمیت موضوع، این پژوهش با روش توصیفی و تحلیلی به فراز و فرودهای جزایر سه‌گانه و اهمیت آن در سیاست‌های کلان جمهوری اسلامی ایران می‌پردازد.

واژگان کلیدی: ایران، بریتانیا، خلیج فارس، تنگه هرمز، جزایر سه‌گانه

## مقدمه

در منطقه خلیج فارس نزدیک به ۱۳۰ جزیره کوچک و بزرگ وجود دارد که دربارهٔ اعمال حاکمیت بر برخی از این جزایر مابین کشورهای ساحلی اتفاق نظری نیست که این امر بی‌تردید از سیاست‌های استعماری دولت بریتانیا در قرن بیستم بوده است. در واقع این دولت پس از فروپاشی امپراتوری عثمانی پس از پایان جنگ بین‌الملل نخست بسیاری از ممالک جنوبی حاشیه خلیج فارس را به زیر یوغ خود درآورده و موجب شد که کشورهای گلخانه‌ای با حدود و ثغور جغرافیایی ناروشن بر جغرافیای منطقه افزوده شوند. در این راستا یکی از پر سر و صداترین موارد مناقشه مربوط به جزایر تنب و ابوموسی است؛ بنابراین با توجه به اهمیت کنترل بر جزایر مزبور به دلایل خاص ژئواستراتژیکی و ماهیت ایرانی بودن آنها، تعریف سرزمین از دیدگاه گوتمن نیز اهمیت خود را نشان می‌دهد:

«سرزمین بخشی از محیط جغرافیایی است که با گستره‌های جغرافیایی قلمرو یک دولت، هماهنگی و برابری پیدا می‌کند. سرزمین دربرگیرنده و نگهدارنده فیزیکی یک سازمان سیاسی است که زیربنای ساختاری یک دولت را تشکیل می‌دهد. سرزمین توصیف‌کننده جولانگاه محیطی یک نظام سیاسی است که حکومت (براساس مفهوم ملت) در همه یا قسمتی از آن جای دارد.» (مجتهدزاده، ۱۳۷۲: ۶۶).

## تنگه هرمز

تنگه هرمز آبراهه بسیار باریک با بیش از ۱۰۰ مایل درازا است که به دو بخش آبراهه بین‌المللی تفکیک شده است در واقع این تنگه، خلیج فارس را از طریق دریای عمان به دریاهای آزاد متصل می‌نماید. خلیج فارس ۶۰ درصد از انرژی جهان را در خود جای داده و ۴۰ درصد از نفت جهان از طریق تنگه هرمز ارسال می‌گردد ضمن اینکه روزانه مابین ۲۰ تا ۳۰ نفتکش از این تنگه می‌گذرد. بعد از پیروزی انقلاب اسلامی و روی کار آمدن نظام جمهوری اسلامی در ایران و ایجاد تقابلات سیاسی مابین ایران و جهان غرب، خلیج فارس و تنگه هرمز جولانگاه کشورهای غربی گردید که مدعی بودند حضور ایشان صرفاً می‌تواند امنیت را به این ناحیه بازگرداند حال آنکه پس از این حضور نامیمون غرب، در حقیقت تنگه هرمز به یکی از مناطق بحرانی جهان مبدل شده است. اقتصاد ایران به استخراج انرژی‌های فسیلی و صادرات آن به اقصی نقاط جهان از مبادی خلیج فارس مخصوصاً تنگه هرمز بستگی دارد؛ بنابراین مقوله امنیت این تنگه از ارکان اصلی سیاست خارجی دولت‌های ایران بوده و خواهد بود. کشور ایران با توجه به عمق راهبرد دفاعی و امنیتی خود و همچنین در میان بودن جزایر گوناگون در نزدیکی این تنگه و البته محاسبه خطوط کرانه‌های

همه جزایر خود قراردادی را در دهه ۷۰ میلادی با کشور عمان امضا کرد، این قرارداد مرزی که پس از ماجرای قائله عملیات ظفار در عمان که منتج به باز پس‌گیری سکن هدایت و رهبری توسط سلطان قابوس بر این کشور گردید، در تاریخ ۲۰ ژوئیه ۱۹۷۴ با این سلطان‌نشین منعقد شد که بر طبق مفاد آن دارای مالکیت سیاسی و جغرافیایی در بخش‌های وسیعی از تنگه هرمز گردید و این قرارداد از ۲۸ مه ۱۹۷۵ به مرحله اجرایی شدن رسید. طبق ماده سه کنوانسیون حقوق دریاها که در جامائیکا در سال ۱۹۸۲ به تصویب رسید حداکثر عرض دریایی سرزمینی ۱۲ مایل دریایی معادل ۲۲/۵ کیلومتر محسوب شده و ۲ کنوانسیون پیشین نیز بوسیله سازمان ملل متحد در خلال سال‌های ۱۹۵۸ و ۱۹۶۰ منعقد گردید. توضیح اینکه هر مایل دریایی در حدود ۱۸۵۲ متر است. با این تفصیل و با عنایت به این امر که عرض تنگه هرمز در حدود ۳۴ مایل بوده کشورمان با محاسبه ۱۲ مایلی محدوده مجاز خود این توان را دارد که در باب این تنگه اعمال نظر مستقیم بنماید.

### جزیره ابوموسی

ابوموسی آخرین نقطه خط منحنی استراتژیکی موردتوجه ایران را تشکیل می‌دهد. این جزیره در ۳۱ مایلی خاوری جزیره ایرانی سیری، ۴۲ مایلی جنوب بندر لنگه، و حدود ۴۰ مایلی بندر شارجه قرار دارد. ابوموسی از دو تنب بزرگتر و تقریباً به شکل مستطیل است. این جزیره در میان دو زاویه متقابل به طور مورب قرار گرفته و حدود سه مایل امتداد دارد. ارتفاع بخش اعظم جزیره از سطح دریا کمتر است و از دشت‌های شنی تشکیل شده، به‌ویژه در جنوب و مرکز، این دشت‌ها فراوان بوده؛ اما سطح جزیره ناهموار است (مجتهدزاده، ۱۳۸۵: ۴۸).

به موجب یادداشت تفاهمی که در نوامبر ۱۹۷۱ میان ایران و شارجه امضا شد، ساکنان بومی روستای ابوموسی تحت حاکمیت شارجه بوده و این درحالی است که حاکمیت بر بخش‌های استراتژیکی جزیره و ساکنان آن به ایران واگذار شده است. تماس بین ایرانیان و اهالی شارجه در جزیره به ندرت روی می‌دهد؛ اما در مواقع اضطراری مانند خراب شدن دستگاه آب شیرین کن، آنها به یکدیگر یاری می‌رسانند. ابوموسی به‌ویژه به داشتن ذخایر اکسید آهن قرمز شهرت دارد. نخستین امتیاز بهره‌برداری از این ذخایر را شیخ قاسمی لنگه در اواخر سده، به ازای حق‌الامتیاز سالانه ۲۵۰ پوند به یکی از بومیان بندر لنگه اعطا کرد (مجتهدزاده، ۱۳۸۵: ۴۹).

این جزیره یکی از نقاط حساس برای در خطر قراردادن تنگه هرمز است و به دلیل این‌که وضعیت سیاسی و ادعاهای مالکیت شارجه بر این جزیره تعقیب می‌شود توجه به این جزیره استراتژیک را دوچندان می‌کند (کامران، ۱۳۸۲: ۱۹۹).

### تنب بزرگ

جزیره تنب بزرگ در حدود ۱۷ مایلی جنوب باختری قشم در شمال خط میانه خلیج فارس واقع شده است. فاصله این جزیره از بندر لنگه ۳۰ مایل است و از امیرنشین رأس‌الخیمه بیش از ۴۶ مایل فاصله دارد. واژه تنب در گویش تنگستانی (جنوب ایران) به معنی تپه است. با توجه به فاصله تنب بزرگ نسبت به دهانه خلیج فارس، ارزش استراتژیک آن چندان نیست؛ البته در زنجیره دفاعی مفروض ایران، حلقه استراتژیک ارزشمندی شمرده می‌شود (مجتهدزاده، ۱۳۸۶: ۳۸). این جزیره تقریباً دایره شکل است و حدود دو و نیم مایل قطر دارد. سطح جزیره، شن‌زاری خشک است با تپه‌هایی که بلندترین نقطه آن در بخش شمال باختری است و ۵۳ متر ارتفاع دارد. تنب بزرگ در بخش جنوبی هموار است و مناسب‌ترین لنگرگاه جزیره را در این بخش از کرانه جنوبی باید جستجو کرد. جمعیت اندک جزیره، آمیزه‌ای است از ایرانیانی که اصالتاً از بندرلنگه‌اند و عرب‌هایی که اصالتاً از قبیله بنی یاس دبی هستند (پورمهرانی، ۱۳۸۹: ۲۱۴).

### تنب کوچک

در فاصله ۸ مایلی از باختر تنب بزرگ، جزیره تنب کوچک واقع شده است و بلندترین نقطه آن ۳۵ متر ارتفاع دارد. جزیره‌ای غیر مسکونی است که از دیدگاه استراتژیک تنها بعنوان حلقه ارتباطی برای تنب بزرگ دارای اهمیت است (مجتهدزاده، ۱۳۸۶: ۳۸). دوری این جزیره از بندر لنگه ۲۷ مایل (۵۰ کیلومتر) بیش نیست، این جزیره تقریباً مثلثی شکل و دوری بین اضلاع آن از یک مایل بیشتر نیست. پهنای تنب کوچک، در پهناورترین نقطه بخش جنوبی، از سه چهارم مایل فراتر نمی‌رود. یک تپه صخره‌ای تیره رنگ، در بخش شمال باختری جزیره وجود دارد که بلندترین نقطه تنب کوچک است و ۳۲ متر ارتفاع دارد (پورمهرانی، ۱۳۸۹: ۲۱۵).

چون این جزیره حریم آب‌های قانونی سواحل خلیج فارس را گسترش می‌دهد و در نزدیکی خطوط کشتیرانی است و به کلیه ناوهای که قصد عبور از تنگه هرمز را دارند اشراف دارد. از طرفی می‌تواند عقبه‌ای برای تنب بزرگ محسوب شود، همچنین خط مقدمی برای حفاظت از بندر لنگه بوده که ارزش نظامی دارد (کامران، ۱۳۸۲: ۱۹۹).

### جایگاه ویژه جزایر در راهبرد دفاعی جمهوری اسلامی ایران

توجه به این نکته بسیار حائز اهمیت است که تنها مجرای ورودی خلیج فارس به اقیانوس هند و به‌طور کل دریاهای آزاد تنگه هرمز بوده و طبیعتاً بدون دسترسی و منوپولی سیاسی، نظامی بر آن به هیچ وجه نمی‌توان از مخاطرات امنیتی جهان خارج از این محدوده جغرافیایی پیشگیری کرد.



کشور ایران دارای شرایط ویژه بهتری به جهت نگاهبانی از تنگه هرمز است که از علل عمده آن را می‌توان برخورداری از بنیه نظامی قوی در منطقه نام برد و همچنین وجود جغرافیای سرزمینی‌ای که بر مبنای آن همه کرانه‌های شمالی خلیج فارس، تنگه هرمز و دریای عمان در قلمروی ایران زمین است و از تنگه هرمز با توجه به وجود جزایر موثر خود به بهترین شکل ممکن می‌تواند پاسداری نماید.

در حقیقت ایران در بخش دهانه تنگه هرمز دارای ۶ جزیره راهبردی است که عبارتند از لارک، هرمز، هنگام، قشم، تنب بزرگ و ابوموسی که از موقعیت جغرافیایی راهبردی ویژه‌ای برخوردارند زیرا که نخستین خط قوسی دفاعی ایران را در حدود تنگه هرمز شکل داده‌اند. این خط دفاعی برای نگاهبانی و حراست از تنگه هرمز و مقوله کشتیرانی بین‌المللی از جایگاه بسیار با ارزشی برخوردار است. هرچند که جزایر تنب و ابوموسی هر یک به تنهایی دارای جایگاه ژئواستراتژیکی آنچنانی نیستند و صرفاً به جهت حضور در نخستین خط قوسی دفاعی از اهمیت برخوردار می‌شوند هرچند این نکته را نیز نباید از نظر دور انداخت که اساساً کشتی‌های حامل نفت پس از وارد شدن به کرانه‌های خلیج فارس از فراز تنب بزرگ و کوچک عبور می‌کنند و در زمانی که قصد خروج را داشته باشند از زیر دو تنب می‌گذرند. با توجه به عبور و مرور کشتی‌های بازرگانی و نفتکش‌ها از مجاورت این جزایر بر پایه موازین حقوق دریاها قانون سوم ناظر بر کشتیرانی، هر دولتی که مالک تام این جزایر باشد می‌تواند هزینه خدمات مخابراتی و علائم ناوبری را دریافت کند. در همین راستا خط دفاعی کشورمان در خلیج فارس مربوط به پایگاه‌های نظامی ایران در بندر چابهار، بندرعباس و بندر بوشهر است. این بنادر بصورت پوشش‌دهنده جزایر ۶ گانه در محدوده تنگه هرمز عمل می‌کنند و دارای موقعیت مناسب آفندی و پدافندی هستند. نگاهبانی از این بنادر در حقیقت حکم نگاهبانی از بندرعباس را داراست و نگاهبانی از بندرعباس به منزله نگاهبانی از امنیت ایران زمین برشمره شده زیرا که بندرعباس در بخش جنوبی فلات ایران واقع گشته و مسیر بندرعباس بسوی کرمان از مهم‌ترین راه‌های ارتباطی به داخل فلات ایران تلقی می‌شود. با این تفصیل جایگاه ویژه جزایر تنب و ابوموسی برای کشورمان دارای اهمیت خاص راهبردی استراتژیک هست و در مقابل با توجه به ادعاهای کشور امارات برای ایشان به هیچ وجه از چنین اهمیتی برخوردار نیستند. اساساً از انگیزش‌های مهم کشور امارات پیرامون مدعاهای خود این است که در حلقه دفاعی ایران رسوخ کند، چون که جزایر ایرانی مناطقی بالقوه از دید استقرار ادوات نظامی چه از سوی ایران چه بر علیه آن می‌توانند مورد بهره‌برداری قرار گیرند. این جزیره‌ها عنصر مهم عملیات دریایی در خلیج فارس برای ایران و نیز سکولهای دیده‌بانی و کنترل بر خلیج فارس به شمار می‌آیند.

جزیره‌های تنب بزرگ، تنب کوچک و ابوموسی از دوران‌های بسیار کهن بخشی از محدوده جغرافیایی ایران زمین بوده‌اند. پژوهش‌ها و کاوش‌ها و همچنین اسناد متقن حقوقی و تاریخی به ما نیک نشان می‌دهند که این جزایر از دو هزار سال پیش از میلاد مسیح، توسط حکامی که در قلمروی جغرافیایی ایران زمامدار بودند اداره می‌شدند. در واقع خلیج فارس و تمامی جزایر آن در دوران عیلامی‌ها، مادها، هخامنشیان، اشکانیان، ساسانیان، دوران اسلامی و پس از آن نیز همواره و به‌طور پیوسته بخشی از خاک این سرزمین بوده‌اند.

### خلیج فارس و جزایر آن محل تاخت و تاز قدرت‌های استعماری غرب

در سال ۱۴۹۸ میلادی دریانورد بزرگ پرتغالی «واسکو دوگاما» از طریق راه دریایی آفریقا به اقیانوس هند رسید این سال حقیقتاً سال مهمی در تاریخ دریانوردی و اکتشاف سرزمین‌های دیگر برای دول استعماری قلمداد می‌شود. به موجب گزارشی که وی از سفر خود ارائه داد، بسیاری از بازرگانان و حتی مقامات کلیسا و پادشاه پرتغال ژوان دوم را متوجه سواحل خلیج فارس کرد. پس از چندی در سال ۱۵۰۷ میلادی نیروی دریایی پرتغال به فرماندهی «آلفونسو آلبو کرک» پس از گذر از دهانه تنگه هرمز موفق به اشغال جزیره هرمز شد. این آغاز سلطه استعمارگران پرتغالی بر خلیج فارس و تمامی جزایر آن از جمله جزایر سه‌گانه گردید. این سلطه‌گری تداوم داشت تا اینکه در سال ۱۶۲۲ میلادی نیروهای ایرانی با حمایت بومیان منطقه‌ای در جزایر و البته کمک نیروهای دریایی انگلستان، پرتغالی‌ها را به‌طور تمام و کمال از منطقه خلیج فارس و دریای عمان خارج نمایند.

«متأسفانه در دوره صفویه، سیاست‌گذاران ایران به دستور شاه عباس اول، بی‌آنکه به چگونگی و عواقب شوم همکاری با بیگانگان چنان‌که باید، آگاهی داشته باشند، مقدمات ورود انگلیسی‌ها را به بهانه سرکوبی و بیرون راندن پرتغالی‌ها فراهم آوردند. اما آن‌سان که تاریخ نشان می‌دهد، این قدرت تازه‌نفس و برخوردار از انقلاب صنعتی اروپا، با تجهیزات دریایی و نظامی جدید، پس از بیرون راندن رقیبان همانند قدرت برتر در منطقه حاکمیت یافت.» (تکمیل‌همایون، ۱۳۹۰: ۴۴).

دوره استیلای پرتغالی‌ها بر خلیج فارس تنها یک نکته مثبت برای ایران داشته و آن هم این است که بی‌نظیرترین و ارزشمندترین نقشه‌ها درباره‌ی خلیج فارس تهیه شده و در حال حاضر در بسیاری از موزه‌های معتبر جهانی و البته به عنوان میراث بشری نگاهبانی می‌شود. پس از وقایع خروج پرتغالی‌ها از خلیج فارس کشور هلند در سال ۱۶۲۵ میلادی با افتتاح نمایندگی تجاری خود در جزیره هرمز و بعد در بندرعباس تمامی مساعی خود را بر این داشت که سهمی از بازرگانی این ناحیه را به عهده گیرد تا از این طریق راه نفوذ و سلطه خود را هموار سازد. در این میان رقابت بر

سر حضور فعالانه در خلیج فارس مابین دول انگلستان، فرانسه و هلند بالا گرفت و البته هلند که یارای این چنین زورآزمایی‌ای را نداشت هیچ گاه نتوانست در سطح پرتغالی‌ها جزایر و کلیت منطقه را تحت اختیار خود قرار دهد و در اواسط قرن ۱۸ و در سال ۱۷۶۶ میلادی مجبور به ترک خلیج فارس شد. این دوران مصادف است با روی کار آمدن نادرشاه افشار که توانست قدرت و وسعت امپراتوری ساسانی را محقق سازد و لیکن با درگذشت نادرشاه افشار در سال ۱۷۴۷ میلادی مجدداً کنترل ایران بر جزایر خلیج فارس به حداقل رسید و برخی از این جزایر از جمله بحرین، رأس‌الخیمه و همچنین برخی قبایل قاسمی از دادن مالیات به دولتین مرکزی ایران خودداری کردند و تقریباً به صورت مناطق تفکیک شده از جغرافیای ایران درآمدند. در سال میلادی ۱۸۲۰ دولت بریتانیا آنها را تحت قیومیت خود نهاد و این دوران را می‌توان سرآغازی بر حضور گسترده نظامی، سیاسی انگلستان در خلیج فارس نامید. «انگلیسی‌ها جنوب سواحل عمان را دریای عرب نامیدند و شمال عمان را دریای اومان نام گذاری کردند؛ در حالی که اومان بندری پارسی در شمال کشور فعلی عمان بوده است. بدین ترتیب دریای پارس که قدماً آن را یکی از چهار دریای بزرگ جهان توصیف می‌کردند، به منطقه کوچکتر خلیج فارس فعلی عقب رانده شده است و ساحل جنوبی آن در قلمرو کشورهای عربی قرار گرفت و بهانه‌های به دست اعراب داد تا به تغییر این نام کهن باستانی بپردازند» (عجم، ۱۳۸۸: ۱۶۷).

پالمستون وزیر امور خارجه بریتانیا و از مغزهای متفکر استعمار این کشور در سال ۱۸۳۸ میلادی دربارهٔ خلیج فارس عنوان کرد که: «ما وظیفه داریم خلیج فارس را زیر سلطه نیروی دریایی خود درآوریم، به طوری که هیچ قدرتی نتواند با ما به رقابت برخیزد و در این راه باید روشی اتخاذ کنیم که از لحاظ مالی گران نباشد» (تکمیل همایون، ۱۳۹۰: ۴۹).

پس از ظهور استعمار انگلستان در منطقه خلیج فارس تغییراتی به وسیله ایشان در این منطقه ایجاد گردید در حقیقت سعی ایشان بر این بود که جنوب ایران را تجزیه نمایند و یا تحت انقیاد درآوردند و زمینه اشغال جزایر خلیج فارس از جمله جزایر سه‌گانه را فراهم کنند. هرچند که در طی این دوران دولتین ایران از هیچ تلاشی در جهت استیفای حق حاکمیت خود بر جزایر سه‌گانه فروگذاری نکردند، تا جایی که روند تفکیک این جزایر از ایران برای انگلستان امری دشوار تصور می‌گردید؛ اما متأسفانه در این میان بحرین به دام اشغالگری و تجزیه بریتانیا گرفتار شد.

«عدم تردید انگلیسی‌ها در حاکمیت بی‌چون و چرای ایران بر بندر لنگه و بنادر و جزایر تابعه آن در هنگام قراردادن کنترل فرمانداری لنگه در دست شیوخ قاسمی را می‌توان براساس نقشه به اثبات رساند که در سال ۱۸۳۵ توسط کفیل نماینده سیاسی بریتانیا در خلیج فارس، سروان اس. هنل ترسیم شده است. سروان هنل به منظور جلوگیری از مخاصمات در میان قبایل سواحل

جنوبی خلیج فارس در فصل صید مروارید در آن سال پیشنهاد کرد آتش‌بس در دریا برقرار شود. قرار داد آتش‌بس در ۲۱ اوت ۱۸۳۵ امضا شد. وی روی نقشه خلیج فارس با رسم خطی، مستملکات قبایل عرب را از مستملکات ایران جدا کرد. در این نقشه، بندرهای لنگه، لافت، چارک و نیز جزایر قشم، تنب و ابوموسی به عنوان مستملکات ایران مشخص گردید" (مجتهدزاده، ۱۳۸۵: ۳۵).

هرچند با تمامی این تفصیلات و آگاهی ایشان نسبت به حاکمیت مسلم و بحق ایران بر جزایر خود ولیکن بدلائل ژئوپولیتیکی شاهد دست‌اندازی‌ها در اواسط قرن نوزده و اوایل قرن بیستم پیرامون این حق خواهی بوده‌ایم. در شهریورماه سال ۱۸۸۷ میلادی دولت وقت ایران حاکم بندر لنگه از قبیله قاسمی رأس‌الخیمه کسی که کنترل جزایر سه‌گانه را در دست داشت بر کنار کرد. هرچند در یک سال پیش از آن یعنی ۱۸۸۶ میلادی وزیر امور خارجه بریتانیا نقشه ایران را که از اتفاق در وزارت جنگ این کشور ترسیم شده بود و در آن جزایر سه‌گانه با رنگ نقشه ایران کشیده شده بود به ناصرالدین شاه قاجار اهدا کرد؛ البته ناصرالدین شاه بلافاصله پس از رویت نقشه به وزیر خارجه ابراز داشت که به شهادت کشور بریتانیا جزایر سه‌گانه بخشی از قلمروی کشور ایران است. پس از این اظهار نظر وزیر خارجه بریتانیا هیچ واکنشی نشان نداده بلکه این نقشه درفاصله سال‌های ۱۸۹۱ لغایت ۱۸۹۸ میلادی به طور مکرر چاپ گردید. این نکته نیز قابل ذکر است که بین دول بریتانیا و روسیه تزاری در آن دوران رقابت‌های ژئوپولیتیکی پیرامون کنترل منطقه خلیج فارس بسیار پر رنگ بود و با این وضعیت کنترل جزایر به دست ایران که به زعم آنها فاقد جاهت اساسی برای مقابله با روسیه دیده می‌شد، کاملاً غیرمنطقی تصور می‌گردید. «بریتانیایی‌ها به برافراشته شدن پرچم ایران در سال ۱۸۸۷ در جزیره‌های ابوموسی و سیری اعتراض کردند و اعتراض شدید بریتانیا در سال ۱۹۰۴ به هنگام تلاش ایران در راه تأسیس پست‌های گمرکی و برافراشته شدن پرچم ایران در تنب بزرگ و ابوموسی به توقف این تلاش و انتقال این مستملکات ایران به قاسمی‌های مسندم انجامید» (نامه شماره ۶۴ مورخ ۱۴ شوال ۱۳۲۸ (۱۹ اکتبر ۱۹۱۰)).

همین دغدغه موجب گردید که بریتانیایی‌ها به جهت پیش‌دستی نسبت به روسیه تصمیم خود را به‌طور قاطع بگیرند و لذا در سال ۱۹۰۳ میلادی تحت نام شیوخ رأس‌الخیمه و همچنین شارجه که تحت‌الحمایه ایشان بودند جزایر تنب و ابوموسی را تصرف کردند. این مورد نیز قابل ذکر است که درآمد گمرک ایران از بخش‌های جنوبی خود که در سال ۱۸۹۹ میلادی از دولت انگلستان دریافت کرده بود باید به جهت دریافت وامی که بر مبنای آن سفر مظفرالدین شاه قاجار به اروپا را ضمانت می‌کرد در اختیار این کشور قرار می‌داد و همین سبب، شرایطی را فراهم آورد تا دولت بریتانیا جاه-طلبانه‌تر به قصد دخالت در امور جزایر ایرانی خلیج فارس گام بردارد.

### تاریخ دعاوی ایران بر استیفای حق تاریخی خود بر جزایر

ایران در گرماگرم حوادث در خلیج فارس از لحاظ سیاسی در وضعیت بسیار وخیمی به سر می‌برد و کشور در آستانه جنگ داخلی قرار داشت و دولت مرکزی فاقد اقتدار لازم به جهت صیانت از تمامیت ارزی بود. نخستین اعتراض به اشغال جزایر تنب و ابوموسی در سال ۱۹۰۴ صورت گرفت جایی که دامبریان مدیر بلژیکی گمرکات بخش جنوبی ایران، در حین گشت‌زنی دریایی از بنادر و جزایر با دیدن پرچم شارجه بر فراز جزایر تنب و ابوموسی، فرمان پائین کشیدن آنها را داد و مقرر کرد که دو تفنگ‌دار ایرانی در این جزایر استقرار نظامی یابند.

در پی این رخداد کارگذار انگلستان در خلیج فارس یک کشتی نیروی دریایی هند را برای بازدید از جزایر اعزام کرد. پس از ورود متوجه تحرکات دامبریان مدیر بلژیکی گمرک جنوب ایران شده و پیشنهاد داد که بوسیله دو قایق مجهز توپدار پرچم ایران را به زیر آورده و پرچم شارجه بر فراز جزایر به اهتزاز درآورده شود. اندک مدتی بعد وزیر مختار بریتانیا در تهران سر ای. هاردینگ تلگرافی به وزارت خارجه این کشور ارسال می‌کند که در آن استفاده از طرفندی به جهت پیشبرد منافع شیخ شارجه را توصیه می‌نماید. او پیشنهاد گفتگوهای سیاسی با ایران را داد و عنوان کرد که از ایران درخواست شود در طی مذاکرات دیپلماتیک پرچم خود را در جزایر به پائین بیاورند تا در وقت مقتضی پرچم شارجه بالا برده شود (اسناد وزارت خارجه انگلستان ۴۱۶/۱۷: تلگراف شماره ۴۹ مورخه ۲۰ آوریل ۱۹۰۴).

پس از ارائه پیشنهاد و درخواست مذاکره با ایران در تاریخ ۱۴ ژوئن وزیر امور خارجه ایران، مشیروالدوله به وزیر مختار انگلستان در تهران نامه‌ای با این مضمون می‌نویسد:

«برای اطلاع آن جناب مایلیم خاطرنشان سازم در ارتباط با جزایر تنب و ابوموسی، که دولت ایران آنها را متعلق به خود می‌داند، اقدامات مأموران گمرک در این جزیره‌ها به هدف اعمال این صورت گرفته است. نتیجه مذاکرات چند روز پیش اینجانب و آن جناب به اعلیحضرت گزارش گردید و اوامر ملوکانه چنین شرف صدور یافته است که عجالاً مأموران گمرک اقدامات خود را در جزایر متوقف کنند و تا حصول توافق‌هایی در مورد {دو جزیره}، هیچ پرچمی نباید در آنها برافراشته گردد» (مشیروالدوله، ۱۴ ژوئن ۱۹۰۴).

در حقیقت این مذاکره دامی بود که سرهاردینگ برای ایران پهن کرد. ایران نیز در پی مذاکرات پذیرفت که پرچم‌هایی را که دامبریان در جزایر مورد مناقشه بلند کرده بود به زیر آورده شود تا مذاکرات صورت پذیرد. ولیکن تنها سه روز پس از این عمل ایران بریتانیا با خلف وعده کردن تفاهم‌نامه با ایران اقدام به اهتزاز پرچم شارجه در دو جزیره تنب بزرگ و ابوموسی کرد. ولیکن هم-چنان جزیره تنب کوچک خارج از این شرایط بود. تا اینکه در سال ۱۹۰۸ هنگامی که کمپانی

بریتانیایی «فرانک استریک» در تلاش برای به دست آوردن حق امتیاز بهره‌برداری از معادن اکسید آهن قرمز در جزیره‌های فارور کوچک و بزرگ، سیری و همچنین تنب کوچک بود، بریتانیایی‌ها متوجه اهمیت تنب کوچک نیز شدند. "سرگرد پرسی کاکس، نماینده سیاسی مقیم بریتانیا در خلیج فارس، در اکتبر ۱۹۰۸ اظهار داشت که چون تنب کوچک همان نام تنب بزرگ را دارد، وضعیت مالکیت آن نیز خود به خود همان وضعیت جزیره بزرگتر خواهد بود. این فرمول مورد پذیرش وزارت خارجه بریتانیا قرار گرفت و به شرکت انگلیسی {فرانک استریک} پیشنهاد شد که به رغم این واقعیت که شرکت در نخستین بررسی‌های خود گزارش کرده بود که پرچم ایران سالیان دراز بر فراز تنب کوچک در اهتزاز بوده است، برای دریافت امتیاز با شیخ شارجه تماس بگیرد. در نتیجه، دست پرورده بریتانیا در شارجه، تنب کوچک را در سال ۱۹۰۸ اشغال کرد و پرچم خود را در آن برافراشت.

نکته جالب اینجاست که در همان دوران حاج معین بوشهری بنا بر گزارش محرمانه سفارت انگلستان در تهران دارای حق امتیاز اکتشاف و بهره‌برداری از معادن اکسید آهن در همه جزایر ایران و از جمله هرمز، هنگام، قشم، ابوموسی و سیری بود؛ ولیکن به دلایل ضعف عمده‌ای که در حاکمیت مرکزی ایران وجود داشت که ناشی از تحولات انقلاب مشروطه بود، هیچ‌گونه مقاومتی در برابر این حق کشی‌های استعمارگرایانه صورت نگرفت (اسناد وزارت خارجه ۱۶/۱۱۱: ۴، ۱۲، مورخه ۱۹۰۹).

ایران پس از پشت سر گذاشتن رویدادهای معطوف به انقلاب مشروطیت با این نکته تلخ مواجه گردید که در برخورد با جزایر خلیج فارس منافع ملی رعایت نگردیده و کشور از این رهگذر متحمل زیان شده و خاکش با تجزیه مواجه گردیده است در واقع ایرانیان به این مورد کاملاً وقوف یافتند که از سال ۱۹۰۴ دیگر به هیچ وجه پرچم ایران بر فراز جزایر تنب و ابوموسی برافراشته نگردیده بود. با علم به این قضیه در خلال سال‌های ۱۹۲۶-۱۹۲۳ و همچنین ۱۹۲۷ به‌طور مکرر ادعای حاکمیت خود بر جزایر را مطرح کرد. با توجه به این هتک حیثیت ملی که به سبب این رویداد پیش آمد مورد دیگری نیز باعث آزرده‌گی دولتی ایران را فراهم آورد که مرتبط به اشغال این جزایر بود و آن هم اینکه بصورت کاملاً غیرقانونی از جزایر اشغالی به سمت ایران رفت و آمدهایی صورت می‌گرفت که خود ناقض امنیت ملی و احترام به حق حاکمیت محسوب می‌شد.

با این تفصیل اداره گمرکات کشوری در مرداد ۱۳۰۶ گزارشی به دولت ایران تقدیم می‌کند با این مضمون که با تأسیس پست‌های دیده‌بانی در ابوموسی و دو جزیره تنب علیه بازرگانی غیرقانونی واکنش صورت پذیرد (اداره گمرکات ایران، ۵ مرداد ۱۳۰۶).

"در تابستان ۱۹۲۸، اداره گمرک ایران یک سرویس قایق موتوری در تنب بزرگ دایر کرد. این امر حاصل یک سلسله تماس‌های محرمانه با شیخ رأس‌الخیمه بود که برای برگرداندن دو جزیره تنب به ایران آمادگی داشت. در آگوست همان سال، این قایق موتوری یک قایق بادبانی متعلق به امیرنشین دویی را که در آب‌های ساحلی تنب بزرگ لنگر انداخته بود، تصرف کرد. این کار اعتراض بریتانیا را برانگیخت اما وزارت خارجه ایران اعلام داشت تنب تحت حاکمیت ایران قرار دارد و این اقدام با مقررات بین‌المللی سازگار است (اسناد وزارت خارجه بریتانیا ۴۱۶/۱۱۳: ۴۹، ۱۹۲۸)

مذاکرات صورت گرفته مابین دولت ایران و دولت بریتانیا که از حزب کارگر بود در ماه می سال ۱۹۲۹ میلادی، بدلیل شکست انتخاباتی این حزب از حزب محافظه کار و اتخاذ سیاست بسته و لغو مذاکره با ایران وارد فاز تازه‌ای شد. با هرچه بیشتر تنش آلود شدن فضای سیاسی مابین دو دولت در ماه فوریه سال ۱۹۳۰ میلادی، وزیر جنگ ایران طی نامه‌ای به وزیر امور خارجه گزارش سر فرماندهی نیروهای نظامی ایران دال بر اینکه بریتانیایی‌ها تعداد کثیری از پرچم‌های خود را در دو جزیره تنب بزرگ و ابوموسی برافراشته‌اند رساند که متعاقب این جریان وزیر امور خارجه ایران به سر رابرت کلایو وزیر مختار بریتانیا در تهران مراتب اعتراض و ناخرسندی خود را ابراز داشت. نکته جالب در این ماجرا انکار اصل این واقعه از جانب انگلیسی‌ها بود هرچند ایرانیان با رصد کردن فعالیت‌های این کشور بار دیگر در سال ۱۹۳۱ میلادی تکرار مجدد آن را به ایشان تذکر دادند. پس از رویدادهای سال‌های آغازین دهه ۳۰، پیشنهاد معامله‌ای از جانب بریتانیا به ایران ارائه گردید با این مضمون که اگر ایران از ادعای حقوقی خود در باب جزایر بحرین، تنب بزرگ و ابوموسی بگذرد دولت فخیمه بریتانیا حاضر به پذیرش حق حاکمیت ایران بر جزیره سیری و همچنین رد ادعای خود در مورد بزرگترین جزیره خلیج فارس یعنی قشم خواهد شد. ایران این پیشنهاد را نپذیرفت زیرا که حق حاکمیت خود را بر جزایر نامبرده شده حتمی می‌دانست، هرچند در ماه ژوئیه سال ۱۹۳۲ تیمورتاش به وزیر امور خارجه انگلستان سر رابرت هور خاطرنشان ساخت که ایران در صورتی از ادعای خود در باب بحرین چشم‌پوشی می‌کند که انگلستان به حق حاکمیت دولت ایران بر تنب و ابوموسی احترام بگذارد و نکته تأمل برانگیز اینجاست که در ابتدا بریتانیایی‌ها از این پیشنهاد استقبال نکردند! رخداد مهم در سال ۱۹۳۳ پیاده شدن تعدادی از پرسنل نیروی دریایی ایران توسط یک کشتی جنگی ایرانی در تنب بزرگ بود که هدف از این اقدام بررسی وضعیت فانوس دریایی در این جزیره بود این تحرک در سال بعد نیز مجدداً صورت پذیرفت با توجه به شواهد و قرائن و ارتباطی که مقامات ایرانی با شیخ رأس‌الخیمه داشتند وی تصمیم داشت که جزیره تنب بزرگ را به ایران دهد. طبیعتاً دولت انگلستان از این رویدادها آشفته خاطر شده زیرا همواره خود را حامی شیوخ جنوبی خلیج فارس قلمداد می‌کرد حال آنکه ایران در حال معامله با ایشان بر سر

جزیره تنب بزرگ بود. هر چه بود در آن ایام دلمشغولی و نگرانی دولت بریتانیا آن بود که ایران برای حل و فصل مسئله جزایر خلیج فارس به جامعه جهانی روی بیاورد و این امر بسان چالشی بزرگ در سیاست خارجی انگلستان محسوب می‌شد.

«تنب و ابوموسی دقیقاً همان وضعیت جزیره سیری را به هنگام دیدار کشتی ارموند از خلیج فارس به منظور نقشه برداری داشت. دولت علیا حضرت از دولت ایران درخواست کرد به مأموران خود در جزیره سیری اطلاع دهند که شناور یاد شده از این جزیره هم بازدید به عمل خواهد آورد. در این نامه جمله‌ای افزوده شده بود مبنی بر اینکه این بازدید به معنی شناسایی رسمی مالکیت ایران بر این جزیره نیست. تصور می‌شد که ایرانیان موضوع را در شورای جامعه ملل مطرح سازند؛ اما چنین نکردند» (سند وزارت خارجه بریتانیا ۳۱/۱۵۷۰۳۱/۳۷۱ (۱۹۶۱)).

بریتانیایی‌ها یک سال بعد یعنی در سال ۱۹۳۵ جزیره هنگام را به ایران بازگرداندند ولیکن در باب جزایر ابوموسی و تنب همچنان بر رویه سابق خود پافشاری کردند. این پافشاری کردن تا حدی جنبه اقتصادی نیز برای ایشان داشت زیرا ایرانیان برخلاف بریتانیایی‌ها معتقد بودند تا زمانی که مناقشه جزایر مابین دو دولت حل و فصل نگردیده هیچ یک از طرفین نباید که از معادن اکسید آهن قرمز ابوموسی استخراج نمایند این در حالی است که دیدگاه دولت بریتانیا با ایران تفاوت فاحشی داشت. زیرا طبق آگاهی‌رسانی وزارت دارایی ایران در سال ۱۹۳۷ انگلیسی‌ها سرگرم کار در این معادن بودند. در طی سال‌های پایانی دهه ۴۰ خورشیدی ایران به جهت نفوذ در جزایر اشغالی درخواست دائر کردن دفاتر را کرد که طبیعتاً بریتانیا با آن مخالفت ورزید و حتی در یک مورد هم که ایران پرچم خود را در جزیره تنب کوچک به اهتزاز درآورد سریعاً توسط نیروی دریایی بریتانیا پائین کشیده شد. «دکتر مصدق در دوره نخست‌وزیر خود نیز هیأتی را با یک رزمناو و ایرانی عازم منطقه کرد (۱۳۳۲ ش / ۱۹۵۳ م) که در جزیره ابوموسی با مردم دیدار و گفتگو کردند که البته دولت انگلیس را خوش نیامد» (تکمیل همایون، ۱۳۹۰: ۸۲).

در ماه مه سال ۱۹۶۱ میلادی که مصادف با نخست‌وزیری علی امینی نیز بود ایران یک بالگرد را در جزیره تنب بزرگ فرود آورد که ۲ آمریکایی و یک ایرانی وارد جزیره شدند، از قراری اهداف این افراد عکس برداری از فانوس دریایی و تأسیسات ساختمانی جزیره بود، این رویداد بار دیگر در ماه آگوست همان سال اتفاق افتاد به وجهی که بریتانیا هدف اصلی این فرود ایرانیان با بالگرد در جزایر را انجام بررسی‌های نفتی می‌دانستند. بریتانیایی‌ها مستأصل از این نوع کنش ایرانیان در پی اعتراض برآمده و به مقامات دولت ایران عنوان کردند که از به وقوع پیوستن این رویدادها کاملاً آگاهی دارند و در انتظار توضیح متقابل هستند که البته در پاسخ دولت ایران اعتراض دولت بریتانیا را مردود دانسته و بر تکرار این مورد تأکید ورزیدند که حق حاکمیت ایران بر جزایر تنب و ابوموسی



به عنوان بخش لاینفک قلمروی خود و براساس موازین حقوقی بین‌المللی است و جای هیچ شک و شبهه‌ای در این میان موجود نیست. نکته حائز اهمیت در این زمان برقراری ارتباطات و مناسبات حسنه با شیوخ و امیرنشین‌های حاشیه خلیج فارس توسط دولت ایران است که فی‌نفسه اقدامی هدفمند و در زمانی ویژه صورت گرفت و تا سال ۱۹۷۱ که ایران موفق به اخذ اختیار تام جزایر سه‌گانه می‌شود این روابط پایرجا باقی می‌ماند.

### بازگشت جزایر به ایران پس از سال‌ها جدایی

با ورود به دهه ۷۰ میلادی دولت بریتانیا تصمیم به اتخاذ سیاستی مبنی بر خروج نیروهای نظامی خود از خلیج فارس گرفت و همچنین زمزمه‌هایی مبنی بر این که امارت‌های جنوبی خلیج فارس تصمیم به ایجاد یک کشور واحد را دارند، دولت ایران نیز با علم به این مسائل برپافشاری خود مبنی بر استرداد جزایر سه‌گانه تأکید ورزید درحقیقت ایران تصویری کرد که موضوع جزایر سه‌گانه باید پیش از شکل‌گیری دولت امارات حل و فصل گردد چه در غیر اینصورت کشور تازه تأسیس می‌توانست همراهی همسایگان عرب همسایه خود را داشته باشد که این خود یک نوع چالش سیاسی برای دولت ایران قلمداد می‌شد هرچند که در همان هنگام دولت سعودی نیز بدلیل اختلافات ارزی که با ابوظبی داشت هم پا با ایران خواهان تعویق در ایجاد کشور امارات متحده عربی بود؛ بنابراین به نظر می‌رسد که دستگاه دیپلماسی ایران با توجه به بعد زمانی، خود را تحت فشار برای اتخاذ تصمیمی سرنوشت ساز درباره جزایر ایرانی خلیج فارس می‌دید.

«پس از مسئله بحرین در همان سال شایع شد که ایران به این دلیل از دعوای تاریخی خود در مورد بحرین چشم پوشیده است که در آن هنگام گمان می‌برد که منفعت اصلی این کشور در تنگه استراتژیک هرمز و جزیره‌های دهانه خلیج فارس متمرکز است. دلیل دیگر این چشم پوشی این بود که بریتانیایی‌ها همراه با برخی دولت‌های عرب، ایران را مطمئن ساخته بودند که به جای بحرین، مالکیت ابوموسی و دو تنب را به دست خواهد آورد» (مجته‌زاده، ۱۳۸۵: ۷۹). «شایعه‌ای که بر سرزبان‌ها افتاده حاکی از این است که دو طرف همراه با پاره‌ای دولت‌های عرب در معامله‌ای به توافق رسیدند که بر اساس آن در ازای چشم پوشی ایران از دعوای خود در مورد بحرین، جزیره ابوموسی به این کشور واگذار شود» (الاهرام، ۱۹۶۸).

اسدالله علم در یادداشت‌های روزانه خود در تاریخ ۲۳ مارس ۱۹۶۹ می‌نویسد: «سفیر انگلیس امروز راغب‌تر از ملاقات قبلی بود که حل مسئله بحرین را به پیشنهادی مربوط به جزایر مرتبط سازد. وی خاطر نشان کرد که اگر ایران به تأسیس فدراسیون امارات عربی کمک کند، در این صورت ما (ایران) خواهیم توانست به دعوت و از جانب فدراسیون، جزایر را تصرف کنیم، بی‌آنکه

ترس از واکنش شدید عرب‌ها داشته باشیم (علم، ۱۹۹۱: ۴۵). با توجه به شواهد تاریخی حل معضل تاریخی جزایر سه‌گانه با توجه به اولویت‌بخشی‌های دولت وقت در باب اهمیت تنگه هرمز ایشان را بر آن داشت تا این مهم را با ترک دعاوی خود در مورد جزیره بحرین به پیش برد؛ البته این چشم-پوشی حکومت پهلوی از مالکیت چندین هزار ساله ایران بر شبه جزیره بحرین و دست‌کشیدن از شیعیان هم تبار آن منطقه گناهی غیرقابل بخشش به‌شمار می‌رود. با گذشت زمان و البته رایزنی‌های پشت پرده ایران و بریتانیا، مقامات ایرانی لحن خود در باب بازپس‌گیری جزایر اشغالی، تدریجانه‌تر کرده و هم اینک عنوان کردند که در صورت عدم موفقیت در مذاکرات سیاسی برای پیوستن جزایر به ایران حق استفاده از زور را برای خود محفوظ می‌دارند. امیرعباس هویدا نخست‌وزیر وقت ایران به ساکنان بنادر ایرانی در خلیج فارس چنین گفت: «ایران به هیچ رو نسبت به آینده خلیج فارس بی‌تفاوت نیست زیرا خلیج فارس راه حیاتی ایران است. ایران برای امنیت و رونق اقتصادی خویش به این جزیره‌ها نیاز دارد و اگر مسئله از راه‌های مسالمت آمیز فیصله نیابد، ایران با استفاده از همه امکانات و قدرت خویش در راه رسیدن به این هدف نبرد خواهد کرد» (اطلاعات، ۱۹۷۱). در سال ۱۹۷۱ میلادی مخصوصاً چند ماه باقیمانده به بازپس‌گیری جزایر ادبیات مقامات ایرانی تندتر شده به نحوی که در صورت لزوم از امکان برخورد شدید نظامی با بریتانیا سخن به میان آمد. هرچند که با وجود این قبیل تهدیدات مذاکرات فشرده دیپلمات‌های ایرانی با مقامات محلی، اعراب و بریتانیایی در جریان بود.

«در ۸ مه ۱۹۷۱ سخنگوی دولت ایران اظهار داشت که به کشتی‌های جنگی ایران دستور داده شده هر هواپیمای بریتانیایی را که به فضای هوایی ایران تجاوز کند، سرنگون سازند و حسب ادعا چنین تجاوزی در هفته گذشته بر فراز جزایر تنب روی داده بود. بریتانیا روز بعد این اتهام را تکذیب کرد و یادآور شد که هواپیماهای بریتانیا بر فراز کشتی‌ها یا جزایر ایران در خلیج فارس پروازهای تهدیدآمیز انجام نداده اند» (Middle East Journal, 1971: 376). در تاریخ ۲۹ نوامبر ۱۹۷۱ تفاهم‌نامه‌ای پیرامون جزیره ابوموسی مابین ایران و شارجه منعقد گردید که مفاد آن در بخش ضمایم این جستار ارائه خواهد شد. از آنجایی که در آن برهه زمانی شارجه تحت‌الحمایه دولت انگلستان بود؛ بنابراین به اقتضای شرایط پیمان‌های مخصوص شارجه با دولت بریتانیا در خلال سال‌های ۱۸۶۴ و ۱۸۹۲ میلادی این امیرنشین به جز با همراهی بریتانیا حق امضای هیچ‌گونه قراردادی را با هیچ دولتی نداشت و این نکته طبیعتاً بسیار حائز اهمیت است که یادداشت تفاهم مابین ایران و شارجه با همگامی بریتانیا صورت پذیرفت.

فردای روز یادداشت تفاهم ایران و شارجه در ساعت ۶:۱۵ صبح ۳۰ نوامبر سال ۱۹۷۱ میلادی تفنگداران نیروی دریایی ایران در جزایر تنب و ابوموسی وارد شدند و پرچم ایران بر فراز تپه حلوه در

ابوموسی به اهتزاز درآمد. خبر این رویداد توسط هویدا نخست‌وزیر وقت در مجلس اعلام گردید و بدین ترتیب پس از ۶۸ سال جزایر سه‌گانه به آغوش ایران زمین بازگردانده شدند. نمایندگان نیروی دریایی ایران از جانب شیخ سلطان بن محمد القاسمی، که در آن هنگام ولیعهد شارجه و نماینده برادرش شیخ خالد بن محمد القاسمی، حاکم شارجه بود به گرمی مورد استقبال قرار گرفتند. موردی که در باب مفاد تفاهم‌نامه قابل تأمل است این نکته است که موضوع مالکیت کلی جزیره ابوموسی در آن بصورت هاله‌ای از ابهام باقی مانده است به وجهی که هم ایران و هم شارجه خود را درباب این جزیره ذی نفع می‌دانستند و همین امر باعث سوء برداشت‌ها از مقوله تفاهم‌نامه از جانب شارجه گردید. حاکم وقت امیرنشین شارجه در مصاحبه‌ای چند روز پس از ورود تفنگداران دریایی ایران به ابوموسی در گفتگویی با نشریه پر تیراژ الاهرام عنوان کرد: «به عقیده این امیرنشین، توافق شارجه با ایران در حق حاکمیت شارجه بر ابوموسی تأثیری نامطلوب برجای نخواهد نهاد و این توافقی موقتی است و به منظور غلبه بر بحران و جلوگیری از خونریزی به عمل آمده است» (الاهرام، ۱۹۷۱). مسلماً اظهار نظر حاکم شارجه در تضاد با امیرعباس هویدا نخست‌وزیر ایران هست جایی که وی عنوان کرد: «پرچم ایران بر فراز کوه حلوه، بلندترین قله جزیره ابوموسی، به اهتزاز درآمده است. به نظر اینجانب اعلام این نکته ضروری است که دولت ایران به هیچ روی از حقوق مالکیت خود بر جزیره ابوموسی و نیز مالکیت خدشه ناپذیر خود بر تمامی آن چشم پوشی نکرده و در آینده نیز چشم پوشی نخواهد کرد. از این رو، حضور عوامل محلی {مقامات شارجه} در بخشی از جزیره به هیچ روی نباید مغایر با سیاست اعلام شده ما تلقی و تعبیر گردد» (اطلاعات، کیهان ۳۰ نوامبر ۱۹۷۱). پس از تسلط ایران بر جزایر سه‌گانه موجی از گنجی و سردرگمی در میان اعراب شکل گرفت گویی چنان‌که جامعه عرب از جانب دولت ایران به سخره گرفته شده و تحقیر گردیده! برخی از ایشان درخواست شکایت از ایران در مجامع بین‌المللی را داشتند و برخی نیز معتقد به صدور یک بیانیه اعتراضی در پایتخت‌های خود بودند. تنها کشور اردن بود که به هیچ یک از این کمپین‌ها نپیوست.

«این درحالی بود که رهبران مصر، مراکش، تونس، لبنان، عربستان سعودی، عمان، قطر و بحرین محرمانه از رهبران ایران به خاطر صدور چنین بیانیه‌ای پوزش خواستند.» (مجتهدزاده، ۱۳۸۵: ۸۹). نکته جالب‌توجه اینجاست که براساس توافق انجام شده در طی روزهای منتهی به پایان نوامبر و روزهای نخستین دسامبر یعنی در ظرف هفت روز سه رویداد مهم و تاریخی در منطقه خلیج فارس به وقوع پیوست.

۱) بیرون رفتن کامل نیروی نظامی سلطنتی بریتانیا از خلیج فارس

۲) بازگشت جزایر سه‌گانه به ایران و ورود سربازان ایرانی به این جزایر

۳) تشکیل کشور امارات

پس از این رویدادها کشورهای تندروی عربی چون لیبی، عراق، یمن جنوبی، امارات و کویت در تاریخ ۹ دسامبر ۱۹۷۱ از ایران به شورای امنیت سازمان ملل متحد شکایت کردند که البته این شکایت نیز در دیدگاه جامعه بین‌المللی موثر واقع نگردید.

### نتیجه‌گیری

تفاهم یادشده مابین ایران و شارجه تنها سه روز مانده به اعلام تشکیل امارات متحده عربی که شارجه هم یکی از امارت‌های آن کشور محسوب می‌گردد از نتایج مثبت دیپلماسی ایران در باب جزایر است و صرفاً و تنها در مورد جزیره ابوموسی بحث و نظر صورت گرفته است و نه سایر جزایر؛ بنابراین بحثی که از جانب مقامات کشورهای عربی در طی چند سال گذشته پیرامون "اشغال جزایر سه‌گانه" نام برده می‌شود بر مبنای مدارک مستدل و مستند تاریخی کاملاً پیوج و بی‌ارزش و فاقد معیارهای حقوقی جهان شمول تلقی می‌گردد. از نظرگاه ایران مشکلات پیش روی اجرای تفاهم‌نامه با شارجه پیرامون ابوموسی تنها از طریق گفتگوی ایران و امارات متحده عربی برطرف خواهد شد و طبیعتاً در طی این گفتگو باید به آگاهی امارات رسانیده شود که جزیره ابوموسی در طول تاریخ جزء جدایی‌ناپذیر ایران بوده و هست و خواهد بود و هیچ امری نمی‌تواند ایران را از ادامه حاکمیت ملی خود باز دارد. لیکن نباید فراموش کرد که قدرت‌های استعماری جهان تنها با ایستادگی و مقاومت مجبور به عقب نشینی از مواضع و خواسته‌های نامشروع خود خواهند شد.

### منابع

- اسناد وزارت خارجه ۴۱۶/۱۱۱: ۱۲، گزارش محرمانه سالانه سفارت بریتانیا در تهران برای سال ۱۹۰۹، صفحه ۲۱.
- اسناد وزارت خارجه انگلستان ۴۱۶/۱۷: تلگراف شماره ۴۹ مورخه ۲۰ آوریل ۱۹۰۴ سر ای. هاردینج به مارلس آولنزدون، تهران، پیوست شماره ۱۶۵ صفحه ۱۹۷.
- اسناد وزارت خارجه بریتانیا ۴۱۶/۱۱۳: ۴۹، گزارش محرمانه سالانه سفارت انگلیس در تهران برای سال ۱۹۲۸، بند ۱۴۷.
- پورمهرانی، مهرا (۱۳۸۸)، چالش‌های ژئوپلیتیکی ایران در مرزهای پیرامونی، انتشارات نوآور.
- تکمیل‌همایون، ناصر (۱۳۹۰)، خلیج فارس، دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- رابرت کلابوبه، سر، سر آستن چمبرلین (۱۹۲۹)، گزارش محرمانه مورخ ۱۸ ژانویه ۱۹۲۹، مجموعه شماره ۴۲۰ اسناد سیاسی بریتانیا.
- روزنامه مصری الاهرام، ۱۰ نوامبر ۱۹۶۸
- سند وزارت خارجه بریتانیا ۳۱/۱۵۷۰۳۱: گزارش محرمانه (۱۹۶۱) وزارت خارجه بریتانیا. موقعیت جزایر تنب، سیری و ابوموسی.
- عجم، محمد (۱۳۸۸)، اسناد نام خلیج فارس میراثی کهن و جاودان، انتشارات اوین.
- کامران، حسن (۱۳۸۲)، مقاله جغرافیایی نظامی جزایر، انجمن جغرافیایی ایران.
- کروبولوژی، ایران، ۸ و ۹ مه ۱۹۷۱، شماره ۲۵ (۳)
- مجتهدزاده، پیروز (۱۳۸۵)، حاکمیت ایران بر جزایر تنب و ابوموسی، موسسه جغرافیایی و کارتوگرافی سحاب.
- مجتهدزاده، پیروز (۱۳۸۶)، جزایر تنب و ابوموسی، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
- مجتهدزاده، پیروز (۱۳۷۲)، کشورها و مرزها در منطقه ژئوپلیتیک خلیج فارس، بازگردان و تنظیم حمیدرضا ملک محمدی نوری، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
- نامه شماره ۶۴ مورخ ۱۴ شوال ۱۳۲۸ (۱۹ اکتبر ۱۹۱۰) کارگزار نخست بندر خلیج فارس و سواحل بلوچستان به وزارت خارجه ایران، از اسناد وزارت خارجه.
- نامه مشیرالدوله به سرهاردینج، ۲۶ ربیع الاول ۱۳۲۲ (۱۴ ژوئن ۱۹۰۴).
- نشریات اطلاعات و کیهان، ۳۰ نوامبر ۱۹۷۱
- نشریه اطلاعات، ۲۷ ژوئن ۱۹۷۱
- نشریه الاهرام، ۸ دسامبر ۱۹۷۱
- وزارت امور خارجه ایران (۱۳۰۶) نامه اداره گمرکات وزارت مالیه (۲۷ ژوئیه ۱۹۲۷). وزارت مالیه، سند شماره ۱۱۴۶۹.



## فراز و فرودهای مسائل مربوط به جزایر سه‌گانه خلیج فارس (تنب بزرگ، تنب کوچک و ابوموسی) و اهمیت آن در سیاست‌های کلان جمهوری اسلامی ایران

سید مصطفی پورقاسمی<sup>۱</sup>، رامین نوشاددل<sup>۲</sup>، آیه شعبانی<sup>۳</sup>

### چکیده

مرزهای جنوبی ایران به‌خصوص مناطق دریایی به علت ارتباط با آب‌های آزاد و پایگاه‌های ثابت و متحرک دشمن از جمله کانون‌های پرخطر و تنش خیز نسبت به امنیت کشور محسوب می‌گردند. سیاست‌های تنش-زای برخی کشورها در منطقه که در واقع بهانه‌هایی برای فعالیت نیروهای بیگانه در منطقه را فراهم می‌سازد مزید بر علت و بر میزان تهدیدات موثر است. خلیج فارس به عنوان مهم‌ترین مخزن نفتی جهان نقش تعیین‌کننده‌ای در سرنوشت اقتصاد جهان به‌ویژه در دنیای صنعتی دارد. موقعیت خلیج فارس در جنوب ایران و جایگاه مهم آن در نقشه جغرافیای سیاسی جهان و منابع انرژی موجود در آن فرصت‌های بسیار زیادی در اختیار ایران قرار می‌دهد؛ لذا این مقاله با تبیین رویکرد دفاعی امنیتی جمهوری اسلامی ایران در این منطقه با توجه به ویژگی‌های ژئوپلیتیکی منطقه سعی در پاسخ به این پرسش دارد که این کارکردها چه تأثیری در این منطقه استراتژیک دارد؟

**واژگان کلیدی:** ژئوپلیتیک، استراتژیک، امنیت، دفاع، خلیج فارس.

---

۱- دانش‌آموخته کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی

۲- دانش‌آموخته کارشناسی ارشد جغرافیای سیاسی

۳- دانش‌آموخته کارشناسی ارشد جغرافیای سیاسی ayeshabani@yahoo.com (نویسنده مسئول)

## مقدمه

موقعیت ژئواستراتژیک کشور ما به‌ویژه برخورداری از سواحل طولانی در مجاورت حیاتی‌ترین شاه‌رگ اقتصادی دنیا (خلیج فارس)، از نظر اقتصادی و استراتژیکی، ایران را به عنوان یک کشور وابسته به سواحل و بنادر تبدیل کرده و ماهیت ضد استکباری نظام جمهوری اسلامی ایران موجب شده است تا ملت ایران از همان روزهای اول پیروزی انقلاب با مجموعه‌ای از چالش‌ها و تهدیدها از سوی رقبای منطقه‌ای و دشمنان بین‌المللی روبه‌رو شود. و این یک حقیقت و واقعیت آشکار، دشمنان ما به‌ویژه آمریکا را مجاب ساخته است تا به بهانه پاسداری از منافع خویش و در پوشش پاسداری از جریان نفت خلیج فارس به بازارهای بین‌المللی، ناوهای نظامی خود را روانه منطقه سازد. بدیهی است یک حمله تهاجمی علیه زیرساخت‌های مرزی دریایی در بنادر جنوبی کشورمان می‌تواند سبب اختلال عظیمی در اقتصاد کشور شود و حجم عظیمی از تلفات، خسارات و به طبع آن بحران بزرگی را برجای گذارد. این تهدیدها طیفی از اقدامات خصومت‌آمیز شامل کودتا، ترور، جنگ، تحریم و ... را شامل شده است که اگر چه امروزه برخی گزینه‌ها مانند جنگ کم‌رنگ شده اند، اما هنوز دشمن در چهارچوب جنگ همه‌جانبه سیاسی، اقتصادی، اطلاعاتی، فرهنگی و ... در- صدد تضعیف و در سطحی بالاتر براندازی جمهوری اسلامی ایران است. نبردهای جدید در زمان کوتاه، محیط نامتقارن و در مکان بسیط اتفاق می‌افتند و دارای مشخصه‌هایی چون عمق، سرعت، دقت، پیوستگی، غیرمتناوب و موازی‌بودن هستند؛ بنابراین اهداف به صورت گزینشی تعیین می‌گردند (صیدال‌فعال، ۱۳۹۰: ۳).

## بیان مسئله

جمهوری اسلامی ایران در طول جنگ تحمیلی بارها با تهدیدات نظامی از سوی آمریکا در سواحل و بنادر خود مواجه بوده و از گذشته درس‌های زیاد گرفته که باید در پرتو تهدیدات نظامی نامتقارن جدید مورد توجه قرار گیرند. حال با توجه به درک اهمیت ارزش حیاتی بنادر در منطقه خلیج فارس، برای مقابله با تهدیدات احتمالی دشمنان خارجی و یا حداقل به تأخیرانداختن حملات و ایجاد شبهه در دشمن جهت عدم تحقق اهداف در صورت حمله، می‌بایست ضمن شناسایی نقاط آسیب‌پذیر مرزی دریایی با ارایه الگوی منسجم و هماهنگ بر اساس مولفه‌های حیاتی‌بودن، در دسترس‌بودن، قابلیت بازیابی، آسیب‌پذیری، اثرگذاری و قابلیت شناسایی و با هدف ارزیابی آسیب‌پذیری و مقابله صحیح و اصولی، گام مهمی در جهت کاهش آسیب‌پذیری‌ها برداشته شود و با توجه به نقش انکارناپذیر منابع انرژی در ابعاد تاکتیکی، عملیاتی و راهبردی از وضعیت دشمن، نقش تعیین‌کننده‌ای در موفقیت دفاع نظامی به کار گیرد.



### روش‌شناسی تحقیق

روش پژوهش از نوع توصیفی-تحلیلی و از نوع کاربردی با روش زمینه‌یابی و ابزار گردآوری اطلاعات با استفاده از اسناد و مدارک موجود در سازمان‌های نظامی و انتظامی، کتاب‌ها، مقاله‌های تخصصی، اینترنت و با بهره‌گیری از ابزار پرسشنامه و مصاحبه با صاحب‌نظران و کارشناسان امنیتی-دفاعی بوده است.

### مبانی نظری

#### امنیت

امنیت به معنای اولیه آن یعنی صیانت نفس، یکی از مسائلی است که بسیاری علت اصلی تشکیل دولت را به آن منتسب می‌کنند، یعنی ایجاد و تأسیس دولت، استقرار و حفظ امنیت در اجتماع است، امنیت گاه تنها معنای «حفظ جان و صیانت نفس در اندیشه‌های هابز و زمانی دیگر، حفظ اموال و دارایی در اندیشه‌های لاک به معنای آن اضافه شده است». باری بوزان در کتاب «مردم، دولت و هراس»، امنیت را پدیده‌ای متشکل از پنج بعد نظامی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی دانسته که در تعامل با یکدیگر عمل می‌نمایند. هریک از این ابعاد دارای کانون مهمی در درون مسئله امنیت و روشی برای تنظیم اولویت‌ها بوده و از طریق ارتباطات قوی به یکدیگر متصل هستند. امنیت مصدر جعلی یا صناعی فارسی است به معنای ایمن شدن، در امان بودن، بی‌بیمی و ایمنی، آرامش، آسودگی که در اصل از مصدر عربی «امن» عاریت‌گرفته شده است به معنای اطمینان و آرامش خاطر و (ایمن و آرامش قلب و خاطر جمع بودن) (یادگاری، ۱۳۷۷: ۷).

اما در تعریف اصطلاحی امنیت گفته شده است: «مفهوم امنیت مصونیت از تعرض و تصرف اجباری بدون رضایت است و در مورد افراد به معنی آن است که مردم هراس و بیمی نسبت به حقوق و آزادی‌های مشروع خود نداشته و به هیچ وجه حقوق آنها به مخاطره نیفتد و هیچ عاملی حقوق مشروع آنها را تهدید ننماید» (عمیدزنجانی، ۱۳۷۷، ۵۴۸).

### انواع امنیت از لحاظ جغرافیایی

#### امنیت مرزی

امنیت مرزی به معنای جلوگیری از هرگونه اعمال خلاف قانون در طول مرزهای یک کشور و قانونی کردن تردد اشخاص، حمل و نقل کالا و حیوانات اهلی با رعایت ضوابط قانونی و از طریق دروازه‌های مجاز مرزی است (زرقانی، ۱۳۸۲: ۸۴-۸۵).

برداشت دولت‌ها و کشورها از مفهوم امنیت و شرایط و لوازم آن یکسان نیست. دولت‌ها بر حسب مقام و موقعیتی که در عرصه مناسبات بین‌المللی دارند و نیز بر اساس مبانی بینشی و ارزشی خود، دارای تصورات و ادراکات متفاوتی از مفهوم امنیت هستند.

#### امنیت نظامی (امنیت به معنی نبودن تهدید نظامی بر علیه کشور).

امنیت یعنی محافظت از کشور در برابر حمله نظامی یا اقدامات براندازی امنیت عبارت است از توانایی کشور در دفع تهدیدهای خارجی علیه حیات سیاسی یا منافع ملی خود امنیت ملی مفهومی است که برای امنیت و حفاظت از تمامیت ارضی یک کشور به کار می‌رود (رجائی، ۱۳۸۵، ۱۳۸).

#### امنیت پایدار

امنیت پایدار به نوعی اقدام «غیرمستقیم» در رابطه با تأمین و نیز بر اقدام پیشگیرانه قبل از وقوع جنگ‌های تمام عیار و یا اصولاً جنگ به مفهوم کلاسیک آن اشاره می‌کند. بیشتر کسانی که امنیت پایدار را کانون مباحث خود قرار داده‌اند، دارای دیدگاه‌های غیررئالیستی در روابط بین‌الملل بوده‌اند. امنیت پایدار بدون درگیرکردن مردم با امنیت و استفاده از آنان در ایجاد امنیت، به دست نمی‌آید و اگر امنیت و آرامش به صورت مقطعی ایجاد شود ولی پایدار نباشد ارزش ندارد، چون بقا ندارد، مردم پایه اصلی امنیت و آرامش پایدار هستند و این امر محقق نمی‌شود مگر بنیان‌های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی و سیاسی جامعه، محکم و اصولی باشد و تحقق استحکام بنیان‌ها ممکن نیست، مگر با مدیریت صحیح و کارآمد بر منابع انسانی و مادی موجود جامعه. نتیجه آنکه امنیت منطقه مرزی، تابعی است از بهبود وضعیت اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی مرزنشینان و تأثیر آن، که امنیت پایدار را نیز تحت تأثیر قرار خواهد داد (رجائی، ۱۳۸۵: ۱۳۸).

#### امنیت ملی

امنیت ملی مجموعه تدابیر و اقداماتی است که یک دولت به تنهایی و یا به کمک کشورهای هم‌پیمان‌ش برای حفاظت از جامعه خود در مقابل فعالیت‌های براندازی، تجزیه‌طلبی، شورش، خرابکاری و بی‌قانونی انجام می‌دهد. امنیت ملی، حفاظت یک ملت در مقابل انواع تجاوزات خارجی، جاسوسی، عملیات شناسایی خصمانه، خرابکاری، براندازی، عملیات ایدائی، نفوذهای دشمنانه است (خواججه‌سروی، ۱۳۷۹: ۱۵۳).

امنیت ملی یعنی دستیابی به شرایطی که به یک کشور امکان می‌دهد از تهدیدهای بالقوه یا بالفعل خارجی و نفوذ سیاسی و اقتصادی بیگانه در امان باشد و در پیشبرد امر توسعه اقتصادی،

اجتماعی، انسانی و تأمین وحدت و موجودیت کشور و رفاه عامه فارغ از مداخله بیگانه گام بردارد(رایانپور و دیگران، ۱۳۸۸: ۸).

### دفاع ملی

هنگامی که دولت‌ها برای برقراری و حفظ و استمرار امنیت در کشور و به خصوص در مناطق ناآرام، آشوب‌زده، مستعد شورش، خرابکاری و عملیات براندازی، به موازات اقدامات اطلاعاتی، نظامی و انتظامی، به فعالیت‌های توسعه اقتصادی، کشتاورزی، امور اجتماعی- فرهنگی، بهداشت و درمان، آموزش و پرورش و... می‌پردازد؛ در واقع عملیات توسعه و پدافند داخلی را اجرا کرده اند به مجموعه این اقدامات دفاع ملی گفته می‌شود. اقداماتی که یک دولت به تنهایی و یا به کمک کشورهای دوست به منظور حفظ جامعه خود از خرابکاری، بی‌قانونی و شورش انجام می‌دهد(پدافند داخلی بخشی از عملیات «توسعه و پدافند داخلی» است که خود شاخه‌ای از جنگ‌های ویژه می‌باشد و واژه توسعه و پدافند داخلی اصطلاحی است که جایگزین عنوانی شده که قبلاً عملیات ضدشورش و یا عملیات ضدچریکی نامیده می‌شد)(رستمی، ۱۳۷۸: ۲۰۲).

بنابراین مجموعه اقداماتی که یک دولت با استفاده از ظرفیت‌های داخلی و خارجی برای حفاظت از کشور در مقابل تهاجم نظامی دیگر کشورها و فعالیت‌های براندازی؛ خرابکاری، بی‌قانونی به منظور برقراری امنیت کشور انجام می‌دهد را دفاع ملی می‌نامیم.

### مرز

مرز خطی قراردادی است در فضا که انگیزه جداگانه بودن از دیگران را در بشر پدیدار می‌کند. ارائه یک تعریف کلی برای مفهوم مرز که تمامی زیرمجموعه‌های آن را در بر می‌گیرد کار ساده‌ای نیست. با این وجود می‌توان آن را این گونه تعریف کرد: خط جداکننده یک واحد دیگر را مرز گویند(میرحیدر، ۱۳۸۶: ۷). مرزها به‌طور کلی تعیین‌کننده حدود و قلمرو فاصله حاکمیت و مالکیت یک دولت یا نظام سیاسی هستند. در گذشته دولت‌ها با خطوط مرزی از یکدیگر تفکیک نمی‌شدند، بلکه با سرحدات یا نواحی مرزی از یکدیگر جدا می‌شدند. خطوط مرزی از نشانه‌های تفکیک دولت‌های جدید است که با خط باریک و نازک دو دولت را از هم جدا می‌کنند و قلمرو رسمی اعمال اراده سیاسی آنها را نشان می‌دهد(حافظ‌نیا، ۱۳۸۱، ۲۹۹-۳۰۰).

**تجاوز مرزی**

تجاوز مرزی توسل به زور علیه تمامیت ارضی با حاکمیت سیاسی یک دولت به منظور تحمیل اراده بر آن کشور که بارزترین آن کاربرد نیروهای مسلح، تهاجم زمینی، ورود اشرار و قاچاقچیان یا محاصره مرزی می‌باشد. هر گونه عملی که توسط اتباع کشور همسایه، یا سایر اتباع ساکن در کشور همسایه با عبور از خط مرز، یا از آن سوی مرز انجام می‌گیرد و باعث تجاوز به حقوق دولت یا اتباع مرزنشین در مرزها اعم مرزهای خشکی و آبی و یا محدوده انحصاری اقتصادی دریاها می‌شود، تجاوز تلقی می‌گردد (ستاره و دیگران، ۱۳۸۷ ص ۶۵).

**مرزهای آبی**

مرزهایی هستند که با استفاده از عوارض طبیعی آبی مانند دریاچه‌ها و رودخانه‌ها تعیین شده اندماننداروند رود که خط مرز از عمیق‌ترین نقاط بستر رودخانه می‌گذرد. از نظر حاکمیت و مالکیت، مراجعه و بهره‌برداری مرزهای آبی نیز شامل قسمت‌های ذیل است:

الف). مرز بستر که شامل بستر رودخانه یا دریاچه و یا دریا می‌شود.

ب). مرز زیر بستر که شامل اعماق رودخانه یا دریاچه و یا دریا در امتداد خط قائم از مرز بستر رودخانه می‌شود.

ج). مرز روی بستر که شامل قسمتی از رودخانه یا دریاچه و یا دریا تا سطحی افقی که از نظر حاکمیت و مالکیت مورد مراجعه و بهره‌برداری می‌باشد (صنایعی ۱۳۸۴: ۲۸).

**دریابانی**

سازمانی است که برای مراقبت از مرزهای آبی (دریایی - رودخانه‌ایی). انجام وظیفه می‌نماید. وظایف این سازمان شامل حفظ، کنترل و مراقبت از مرزهای آبی به منظور ایجاد ثبات سیاسی و حاکمیت ملی در آب‌های سرزمینی کشور و مراقبت از این آب‌ها، نظارت بر اجرای قراردادهای مشترک مرزی به منظور حفظ مصالح کشور و ایجاد پرده پوشش و حفظ حقوق دولت و مرزنشینان و جلوگیری از هرگونه تجاوز و تردد غیر مجاز و مقابله با تعرضات و سرقت‌های دریایی و قاچاق کالا می‌باشد (پیلهور، ۱۳۸۵: ۵۰).

**وضعیت جغرافیایی کشورها و نقش تعیین‌کننده آن در راهبرد ملی کشورها**

در تدوین راهبردهای امنیت ملی کشورها وضعیت جغرافیایی چه از لحاظ وضعیت قرارگرفتن آن بر روی کره زمین و چه از لحاظ فاصله آن تا آب‌های آزاد و ارتباط آن با کشورهای مجاور تأثیرگذار

هستند. البته گفته می‌شود که به دلیل ظهور سلاح‌های مدرن از میزان اهمیت وضعیت جغرافیایی تا حدی کاسته شده است، اما بی‌تردید عامل جغرافیایی هم‌چنان یکی از عوامل تعیین‌کننده در راهبرد امنیت ملی کشورها است؛ بنابراین هنوز هم در تدوین راهبرد امنیت ملی، مسائل جغرافیایی از جمله کمیت و کیفیت منابع طبیعی، مساحت جغرافیایی، شکل و موقعیت جغرافیایی و ژئوپلیتیکی، میزان منابع موجود و توانایی بهره‌برداری از این منابع دارای اهمیت بسیاری می‌باشند (نامی، ۱۳۸۹: ۵).

### مسائل نظامی

در تدوین راهبرد امنیت ملی، مسائل نظامی مختلفی مطرح می‌شوند. این‌که کشور باید به چه تسلیحاتی دست یابد؟ چه حملات تروریستی ممکن است علیه منافع کشور روی دهد؟ کشورهای رقیب و دشمن در صورت جنگ احتمالی، از چه توانمندی‌های نظامی برخوردار خواهند بود و برای مقابله با آن‌ها از چه ابزارهایی استفاده می‌شود؟ با توجه به پیشرفت‌های فنی در ساخت جنگ‌افزارها و خصلت جهانی تهدیدات بالقوه، استحکامات مرزی کشورها دیگر به آسانی گذشته جلوی خطرات را نخواهند گرفت. از این‌رو با توجه به اوضاع جدید جهانی و راهبرد متناسب با آن، در بعد نظامی، کشور باید توانایی‌های ذیل را در اختیار داشته باشد:

- توانایی و امکانات برقراری امنیت ملی در کشور
  - توانایی‌های تسلیحاتی متعارف برای بازدارندگی و پیروزی در جنگ‌ها
  - امکانات نیروی پلیس و نیروهای امدادی بشردوستانه
- به علاوه جوانب غیرنظامی باید به‌صورت کافی تأمین مالی شده و سازماندهی شوند تا اقتدار و مسوولیت‌پذیری و پاسخگو بودن آن‌ها افزایش یابد (نامی، ۱۳۸۹: ۶).

### عوامل مرتبط با محیط خارجی

کشورها در خلأ به سر نمی‌برند. در تحلیل راهبرد، نادیده انگاشتن شرایط خارجی و تأثیر فضای جغرافیایی و حوزه‌های ژئوپلیتیکی و ژئواستراتژیکی پیرامونی به ایجاد تصویری نادرست و مبهم از اوضاع و احوال می‌انجامد و به تبع آن تدوین راهبرد را با موفقیت قرین نمی‌سازد. به هر حال برخی از متغیرهایی را که در سطح خارجی در این زمینه باید مورد توجه قرار گیرند، بدین‌گونه می‌توان تقسیم‌بندی نمود:

الف). محیط منطقه‌ای و جغرافیایی

۱- پیوندهای جغرافیایی، تاریخی و فرهنگی با پیرامون

- ۲- حضور و مداخله قدرت‌های بزرگ منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای
  - ۳- موقعیت سوق‌الجیشی و ژئواستراتژیکی کشور در منطقه
  - ۴- قرارگرفتن در حوزه‌های ژئوپلیتیکی و پیرامون آن
- ب. محیط بین‌المللی؛
- ۱- نوع نظام بین‌الملل
  - ۲- نوع رابطه بین قدرت‌های بزرگ
  - ۳- موقعیت راهبردی منطقه و نیز کشور در محیط بین‌المللی
  - ۴- ارزش‌های مورد منازعه در سطح بین‌الملل
  - ۵- چگونگی عملکرد سازمان‌های مهم بین‌المللی (نامی ۱۳۸۹: ۸).

### موقعیت جمهوری اسلامی ایران در منطقه

حوزه ژئوپلیتیکی خلیج فارس در منطقه حساس خاورمیانه پل ارتباطی میان آسیا، آفریقا و اروپا است. ایران به عنوان یکی از کشورهای مهم و راهبردی و از بازیگران اصلی و کلیدی در این حوزه محسوب می‌شود. این کشور در ضلع شمالی این حوزه بیشترین ساحل را دارا است. این عامل مهم‌ترین نقش را در ارتقاء وزن ژئوپلیتیکی ایران بازی می‌کند. زیرا این مرزها و سواحل به‌عنوان دروازه ارتباطی کشور با سایر نقاط دنیا نیز محسوب می‌شوند.

طبق جدیدترین محاسبات انجام شده (۱۳۸۶ ه. ش). توسط سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح از کل مرزهای کشور، ۵۶٪ را مرزهای آبی تشکیل می‌دهد. مرزهای دریایی ایران که بیشترین مسافت مرزهای آبی را تشکیل می‌دهد، در دو قسمت جنوب (سواحل خلیج فارس و دریای عمان). و شمال (سواحل دریای خزر). کشور امتداد یافته است. مرزهای آبی ایران در سواحل شمالی و جنوبی کشور در دوره حکومت قاجاریه آخرین تغییرات خود را سپری کرد و در دوره پهلوی و جمهوری اسلامی در چارچوب قوانین دریایی ملی ایران و بین‌المللی (دومین قانون و سومین قانون دریایی در چهارچوب کنوانسیون ۱۹۸۲ م). تعیین حدود شد.

مرزهای دریایی ایران از نظر موقعیت و محل استقرار در سه منطقه امتداد دارد که مرز آبی در ساحل خلیج فارس نسبت به دو منطقه دیگر طولانی‌تر است.

- منطقه خلیج فارس با طول ۱۵۳۴ کیلومتر (از دهانه اروندرود تا شمالی‌ترین نقطه در تنگه هرمز).
- منطقه دریای عمان با طول ۱۰۴۷ کیلومتر (از شمالی‌ترین نقطه در تنگه هرمز تا خلیج گواتر آخرین میله مرزی).

- منطقه دریای خزر با طول ۳.۸۳۵ کیلومتر
- همان‌طور که بیان شد در مجاورت ایران حوزه‌های ژئوپلیتیکی متعددی قرار دارند که در تدوین راهبرد امنیت ملی کشور تأثیرگذار هستند. این حوزه‌ها عبارتند از:
  ۱. حوزه ژئوپلیتیکی خلیج فارس شامل ایران و ۶ کشور حوزه خلیج فارس.
  ۲. حوزه ژئوپلیتیکی قفقاز- آناتولی که شامل تمام کشورهای ایران، روسیه، ارمنستان، آذربایجان و گرجستان می‌شود.
  ۳. حوزه ژئوپلیتیکی عمان و اقیانوس هند شامل ایران، پاکستان، هند، عمان و امارات متحده عربی.
  ۴. حوزه ژئوپلیتیکی فلات ایران شامل ایران، پاکستان و افغانستان.
  ۵. حوزه آسیای مرکزی شامل ایران، ترکمنستان، تاجیکستان، قزاقستان و ازبکستان.
  ۶. حوزه ژئوپلیتیکی دریای مازندران شامل ۵ کشور ساحل دریای خزر (روسیه، ایران، آذربایجان، قزاقستان، ازبکستان و ترکمنستان) (شعبانی ۱۳۹۲: ۶۷).
- کشور ایران در منطقه خاورمیانه به‌خصوص در سه حوزه خلیج فارس، قفقاز و آسیای مرکزی به لحاظ امنیت ملی بیشترین تأثیرپذیری را دارد.

### وضعیت ژئوپولیتیک جنوب کشور

خوزستان جلگه‌ای صاف و تقریباً بی‌عارضه است که در پشت سد کوهستانی جنوب غربی یعنی ارتفاعات کهکیلویه و بختیاری قرار گرفته و فقط یک رشته ارتفاع که بلندی آن از ۱۲۰ متر تجاوز نمی‌کند در وسط جلگه قرار دارد که یگانه محل مرتفع در این محدوده است. منطقه خوزستان با عراق ۶۳۰ کیلومتر مرز مشترک دارد که از این مقدار ۴۲۰ کیلومتر مرز زمینی و ۲۱۰ کیلومتر مرز آبی و دریایی است.

خلیج فارس تنها دریای آزادی است که ایران را با دنیا از راه آب مربوط می‌سازد و سرتاسر سواحل شمالی آن در قلمرو کشور ایران است، از این لحاظ شناسایی کامل آن برای ما کمال اهمیت را دارد. موقعیت خلیج فارس به نحوی است که در کلیه استراتژی‌های غرب و شرق به نحوی این آبراه بزرگ دریایی خودنمایی می‌کند، پس شناخت آن و بهره‌برداری صحیح از امکانات نظامی و اقتصادی آن رابطه مستقیمی با ثبات سیاسی و امنیت کشور ما دارد.

خلیج فارس دریای کم‌عمقی است که در حاشیه غربی اقیانوس هند واقع شده و بین شبه‌جزیره عربستان و جنوب ایران قرار دارد. مساحت آن حدود ۲۳۹۰۰۰ کیلومتر مربع است، طول آن از دهانه اروندرود تا تنگه هرمز که به دریای عمان می‌پیوندد قریب ۱۳۷۵ کیلومتر و عرض آن بین

۱۸۰ تا ۲۵۰ کیلومتر متغیر است. عمیق‌ترین محل در قسمت جنوبی تنگه هرمز نزدیک رأس-المسندم ۱۸۲ متر است، عمق متوسط خلیج فارس ۲۵ متر است (عزتی، ۱۳۶۸: ۹۷ و ۱۳۲).

### خلیج فارس هارتلند انرژی جهان

خلیج فارس به عنوان یک راه آبی و دریایی از همان سپیده‌دم تاریخ ارزش فراوانی داشته و به مثابه برخوردگاه تمدن‌های بزرگ خاورباستان پیشینه‌ای چندین هزارساله دارد. این حوزه علاوه بر پیشینه تاریخی و تمدنی ۵۶۵ میلیارد بشکه نفت معادل ۶۳ درصد کل ذخایر نفتی شناخته شده جهان و ۳۰ تریلیون مترمکعب گاز طبیعی که برابر ۲۸.۵ درصد کل ذخایر شناخته شده گاز دنیاست، بی‌تردید بزرگ‌ترین و مهم‌ترین انبار انرژی جهان محسوب می‌شود. این موفقیت برای دهه‌های طولانی در قرن آینده دوام خواهد داشت. عامل عمده‌ای که نفت و گاز خلیج فارس را برای ایالات متحده آمریکا، اروپا و ژاپن بسیار حیاتی می‌سازد، دشواری بسیار در جایگزین ساختن نفت و گاز وارداتی منطقه توسط منابع دیگر انرژی مانند زمین، خورشید، دریا و هیدروژن است. آمار و ارقام نفتی بیانگر این واقعیت است که بخش قابل توجهی از ذخایر ثابت شده نفت و گاز طبیعی دنیا در کشورهای منطقه خلیج فارس قرار دارد. نفت پایه کلیه روابط اقتصادی در منطقه و نیز پایه‌ی کلیه روابط اقتصادی کشورهای منطقه با جهان است. چنین موقعیت ممتازی این منطقه را همواره در معرض انواع تهدیدات و تهاجمات قرار داده است که امنیت ملی ایران نیز تحت تأثیر این تهدیدات قرار دارد (ابرامعاصر ۱۳۸۳: ۹۰).

### یافته‌ها

#### اهمیت خلیج فارس و تنگه هرمز برای امنیت ملی ایران

وجود منابع سرشار نفت و گاز در این منطقه از جهان، مطرح بودن خلیج فارس به عنوان مهم‌ترین آبراهه بازرگانی جهانی، مجاور بودن با مرکز ثقل انقلاب اسلامی و کانون‌های الهام‌بخش نهضت‌های اسلامی و ضد استکباری و نزدیکی آسیای میانه و قفقاز از جمله عواملی هستند که به این نقطه از جهان ویژگی خاصی بخشیده و آن را به عنوان دهلیز هارتلند جهان معرفی کرده است. از بعد دیگر حضور بیگانگان از جنبه نظامی که خود متأثر از عوامل فوق است توجه جهانیان به خصوص ایران اسلامی را به تحولات این منطقه حساس معطوف کرده است (رمضانی، ۱۳۸۸: ۱۱).

جمهوری اسلامی ایران در حالی که بیشترین مرز مشترک را با خلیج فارس دارد و صادرات خود به‌ویژه نفت و نیز وارداتش را از طریق این آبراهه به انجام می‌رساند و در شرایطی که از منابع دریایی بهره می‌برد و با در اختیار داشتن جزایری که کنترل ایران بر تنگه هرمز و تردد کلیه



شناورهای جنگی و تجاری برقرار می‌سازد، برخورد لازم می‌داند که حضور خود را در خلیج فارس تقویت نماید و تحرکات سیاسی- نظامی منطقه را با دقت و تیزبینی موردتوجه قرار دهد تا بتواند در تحکیم امنیت ملی خود گام‌های موثری را بردارد. کنترل و تسلط بر خلیج فارس می‌تواند تأثیرات عمیقی بر حیات اقتصادی و ارتباطات بازرگانی و تحکیم امنیت ملی و سیاسی ما با جهان خارج داشته باشد (حافظ‌نیا ۱۳۹۰: ۱۰۰).

جمهوری اسلامی می‌بایست متناسب با اهمیتی که خلیج فارس از آن برخوردار است نسبت به گسترش و توسعه توان خود در این منطقه اقدام کند. خلیج فارس شاه‌رگ حیاتی کشور بزرگ ایران است. راه ارتباطی ما با دنیای آزاد از آبراهه خلیج فارس و تنگه هرمز می‌گذرد؛ لذا جا دارد که توجه کامل نظام اسلامی به خلیج فارس و تنگه هرمز معطوف شود. سمت و سوی بحران‌هایی که در دو دهه اخیر در منطقه خلیج فارس به وجود آمده و نیز حضور گسترده نیروهای نظامی بیگانه و به‌ویژه آمریکا در منطقه خلیج فارس همه حکایت‌گر آن است که قدرت‌های بین‌المللی و منطقه‌ای همواره درصدد انکار و تضعیف موقعیت منطقه‌ای ایران برآمده‌اند. سیاست نظام جمهوری اسلامی بر حفظ امنیت منطقه توسط کشورهای منطقه و خروج بی‌قید و شرط نیروهای بیگانه از منطقه و ایجاد جو تفاهم و دوستی بین کشورهای منطقه با تکیه بر مشترکات و نیز همکاری‌های متقابل جهت رفع نیازهای یکدیگر استوار است (همان).

#### منابع ناامنی ایران از حوزه خلیج فارس

##### الف). منابع منطقه‌ای

فقدان مشروعیت داخلی و در نتیجه ضعف داخلی کشورهای جنوبی خلیج فارس و عدم اتکالی آن‌ها به ملت‌هایشان از دو جهت منجر به آسیب‌وارد شدن به کشورهای منطقه می‌شود. اول این که زمینه‌های همکاری و همگرایی را از بین می‌برد و باعث دورافتادن کشورها و موضع‌گیری در مقابل یکدیگر می‌شود. دوم این که موجب حضور کشورهای قدرتمند برای برقراری امنیت و پرکردن خلأ قدرت در این منطقه است. این امر باعث شد که؛ در میان مناطق جهان سوم، در دوران پس از جنگ جهانی دوم، تنها منطقه‌ای که با توجه به توانایی‌های بالقوه داخلی به شدت تحت نفوذ سیاسی و اقتصادی بین‌المللی قدرت‌های بزرگ باقی ماند، خاورمیانه بود. فقدان مشروعیت داخلی به بی‌ثباتی سیاسی می‌انجامد و بی‌ثباتی سیاسی به اختلافات میان کشورها دامن می‌زند و در نتیجه بازتاب منطقه‌ای، احساس ناامنی شدید را در پی دارد. احساس ناامنی دو نتیجه بسیار منفی و بلندمدت بر رشد و توسعه سیاسی اقتصادی منطقه و به‌خصوص امنیت ملی ایران می‌گذارد:

## ۱- مسابقه تسلیحاتی

## ۲- حضور نیروهای بیگانه برای ایجاد امنیت

در خلیج فارس، امنیت و مشروعیت حوزه قدرت به قدری به دنیای بیرون از مرزها وابسته است که هر روز جابه‌جایی قدرت و تغییر ماهیت و جهت‌گیری‌ها تابع منافع بین‌الملل است. عامل بیرونی با استفاده از ضعف داخلی، نقاط اختلاف را تشدید می‌کند و سیاست در خاورمیانه را هم سو با منافع بین‌المللی و نه منافع کشورهای منطقه شکل می‌دهد. ناهمگونی ساختارهای سیاست خارجی آن‌ها تأثیر می‌گذارد و بر همکاری‌های منطقه‌ای و به همان میزان بر امنیت خلیج فارس نیز تأثیرگذار است.

اختلافات درونی میان کشورهای منطقه یکی از مهم‌ترین عوامل ناامنی در منطقه است. این اختلافات هم در روابط ایران و اعراب و هم در روابط درونی اعراب مشهود است. روابط ایران و همسایگانش به شدت از اختلافات شیعه و سنی و ایدئولوژی‌های ناسیونالیستی رنج می‌برد. موارد دیگر اختلاف بر سر چیرگی و تسلط بر خلیج فارس بوده است که همواره میان ایران و عربستان و عراق (زمان صدام حسین). نوعی رقابت وجود داشته است (ابرار معاصر ۱۳۸۳: ۹۵).

ایران در منطقه خلیج فارس با چند موضوع راهبردی روبرو است که در تدوین امنیت ملی آن تأثیرگذار است:

۱- مسائل امنیت تحمیل‌شده: نظام جهانی با تضعیف جهان دوقطبی و دخالت آمریکا در خلیج فارس شکل تازه‌ای به خود گرفت. آمریکا سیاست مهار دوگانه را جایگزین سیاست سنتی خود یعنی ترویج موازنه قوا کرده بود. این سیاست به جهت انزوای ایران از معادلات منطقه‌ای در خدمت منافع ایالات متحده بود. در این زمینه برژینسکی با وجود مخالفت با سیاست مهار دوگانه ایالات متحده تأکید می‌کند که: مبنای سیاست آمریکا در خلیج فارس باید هم‌چنان مبتنی بر ادامه تعهد و تضمین امنیت متحدان و حفظ جریان نفت باشد.

موضوع راهبردی حوزه خلیج فارس در مورد ایران؛ امنیت منطقه‌ای و امنیت دسته‌جمعی است که برای ایران اهمیتی حیاتی دارد. محیط امن زمینه‌ساز توسعه و تحکیم امنیت ملی و محیط ناامن باعث عقب‌ماندگی و بحران امنیت است. در عین حال توسعه عامل اساسی در امنیت محیط و امنیت ملی به شمار می‌رود؛ بنابراین مسئله امنیت در خلیج فارس از موضوعات راهبردی است که ایران در منطقه با آن روبرو می‌شود.

با در نظر گرفتن قدرت‌های خارجی و کشورهای منطقه و منافع متضاد و ناسازگار در منطقه بر پیچیدگی‌های امنیت در خلیج فارس افزوده می‌شود، حضور قدرت دریایی آمریکا در خلیج فارس، اشغال افغانستان و عراق، تأمین امنیت اعراب و رژیم صهیونیستی توسط آمریکا، از جمله مسائلی

است که بر ابهام‌های معمای امنیت در خلیج فارس و منطقه می‌افزاید. اکنون با روند روبه رشد جهانی شدن در نظام بین‌الملل، ناامنی در یک منطقه و عدم توازن قدرت‌ها با توجه به موقعیت ژئوپلیتیکی و ژئواستراتژیک خود موجب ناامنی دیگر مناطق خواهد شد. این مسئله امنیت جهانی را نیز مورد پرسش قرار می‌دهد و تروریسم را تحقق می‌بخشد.

۲. مسابقه تسلیحاتی: از دیگر موضوعات راهبردی که ایران در منطقه با آن مواجه است، مسابقه تسلیحاتی است. مسابقه تسلیحاتی نتیجه‌ی چیره‌خواهی در منطقه است. پس از فروپاشی شوروی، راهبرد آمریکا بر ایجاد توازن قوا در منطقه و جلوگیری از ظهور قدرت سلطه‌طلب در منطقه، زمینه‌ساز مسابقه تسلیحاتی بوده است. از دهه ۹۰ تاکنون کشورهای منطقه دهها میلیون دلار برای ساخت نیروهای مدرن نظامی جهت بازدارندگی و تهدید همسایگان خود هزینه کرده‌اند و خلیج فارس منطقه‌ای است که برای سلاح‌های پیشرفته جنگی بسیار اشتها آور است. منطقه‌ای که مخالفت‌های سیاسی موجود به تداوم مسابقه تسلیحاتی منجر شده است (همان).

#### ب. منابع فرامنطقه‌ای

منظور از عوامل فرامنطقه‌ای به‌طور خاص تأکید بر نقش حضور قدرت‌های فرامنطقه‌ای به‌ویژه ایالات متحده آمریکا در منطقه است که در شرایط کنونی حضور جدی در منطقه داشته و خواهان ایفای نقش انحصاری در منطقه خلیج فارس است و این مسئله حتی موجب نارضایتی برخی متحدان اروپایی آن شده است. آمریکا در پی جلوگیری از ظهور برتری و تسلط توسط کشورهای منطقه است. برنامه‌ریزان راهبردی ایالات متحده معتقدند که آمریکا منافع وسیعی در جلوگیری از ظهور هر قدرت منطقه‌ای دارد. آمریکا در حکم یک عامل فرامنطقه‌ای همواره درصدد القاء تفکر ایران خطرناک و هسته‌ای در جهت به خطرانداختن منافع کشورهای منطقه و جهان است. مخالفت‌های شدید در مورد پرونده هسته‌ای ایران و تهدیدات و همسوکردن افکار عمومی با سیاست‌های توسعه‌طلبانه و یک جانبه‌گرایانه خود از دیگر مشکلات فراروی جمهوری اسلامی در زمینه امنیت ملی است.

آمریکا با تغییر رژیم عراق درصدد وارد کردن رژیم جدید آن به سامانه و نظام همکاری‌های امنیتی منطقه‌ای است تا جمهوری اسلامی ایران را تحت فشار بیشتری قرار دهد. طرح راهبردی‌تر آمریکا در این حوزه، تغییر مسیر نگرانی‌های اعراب از اسراییل به سمت ایران و القای ضرورت تشکیل یادگیری مشترک به اصطلاح میانه‌روهای خاورمیانه (منظور عربستان، مصر، اسراییل، فتح، جریان حریری و اردن). در برابر تندروها (ایران، سوریه، حماس و حزب‌الله). امضای پیمان سازش

بین اعراب و اسراییل و وارد کردن اسرائیل به معادلات امنیتی، اقتصادی و سیاسی در خلیج فارس است (نامی ۱۳۸۹: ۱۱).

### اهمیت استراتژیکی خلیج فارس

خلیج فارس از نظر استراتژیکی دارای موقعیت ممتاز و اهمیت فوق العاده‌ای بوده و هست و به علت واقع شدن در مسیر راه‌های دریایی هند و دریای سرخ و اتصال آبهای آن به سواحل ایران و بین النهرین و عربستان از دورترین ازمنه تاریخ مورد توجه و محل آمد و رفت ملل دریانورد و تجارت پیشه شرق و غرب دنیا بوده است. از اوایل قرن بیستم به لحاظ کشف و استخراج منابع نفت در سکوی قاره و سرزمین‌های مجاور آن علاوه بر نقشی که از لحاظ نظامی داشت در استراتژی انرژی جهان نیز نقشی تعیین کننده پیدا کرد. پیوستگی خلیج فارس و دریای عمان و پیشرفت تکنولوژی و تغییر استراتژی‌ها موجب گردید که این دو گذرگاه آبی در حکم یک منطقه عملیاتی وارد استراتژی‌ها شود و بدون حفظ امنیت خلیج فارس و دریای عمان امکان اجرای استراتژی‌های بری و بحری به هر شکل غیرممکن گردد. کشور ایران با داشتن حداکثر طول سواحل در این دو آب، نقش شاهین ترازو را در برقراری ثبات سیاسی و امنیت منطقه دارد (عزتی، ۱۳۶۸: ۱۵۶ و ۱۵۷).

اگر ما مرزهای خشکی و آبی خود را با هم مقایسه کنیم و نقش مرزهای آبی جنوب را در ثبات مرزهای خشکی بررسی نماییم، متوجه خواهیم شد که در برآورد و تامین قدرت دریایی کوتاهی‌های زیادی شده و این همه ناشی از یک طرز تفکر غلط دیکته شده از طرف سردمداران قدرت‌های بحری جهان امروز و دیروز بوده است. امروزه چنین طرز تفکری دیگر نباید برای ما ایجاد شود، زیرا تکرار آن موجودیت ما را به خطر خواهد انداخت. وجود یک قدرت دریایی هماهنگ و متاثر از قدرت‌های دریایی دنیا، هم ثبات سیاسی ما را تضمین می‌کند و هم ما را به سوی یک توسعه اقتصادی واقعی رهنمون می‌سازد (همان).

### خلیج فارس از دیدگاه آمریکایی‌ها

توجه شدید و فزاینده ایالات متحده آمریکا به منطقه خلیج فارس که در سیاست خارجی این کشور منعکس است به عوامل زیر مربوط می‌شود:

جنبه اقتصادی: ایالات متحده آمریکا نفت خلیج فارس را به عنوان یکی از بزرگترین منابع عمده انرژی جهانی که در چرخاندن محور صنعت و حیات اقتصادی آمریکا و اردوگاه غرب به خصوص کشورهای عضو پیمان ناتو تأثیر به‌سزایی دارد به حساب می‌آورد. ایجاد وقفه در ادامه جریان این منبع پر بهای انرژی به سوی غرب باعث می‌شود تا در فروپاشی جهان سرمایه غرب تسریع شود.

جنبه استراتژیک: بر طبق تئوری برژینسکی (مشاور امنیت ملی ایالات متحده آمریکا در زمان ریاست جمهوری جیمی کارتر در سال‌های ۸۰ - ۱۹۷۶). ایالات متحده آمریکا منطقه خلیج فارس و شبه‌جزیره عربستان را سومین خط دفاعی استراتژیک که در معادلات نظامی دارای اهمیت دفاعی و حیاتی است به حساب می‌آورد. اهمیت این خط دفاعی به ترتیب پس از خطوط ذیل می‌آید:

۱. خط دفاعی دوم که شامل قاره اروپاست.

۲. خط دفاعی اول که عبارت از خود ایالات متحده آمریکاست.

فروش اسلحه: اهمیت خلیج فارس در جنبه‌های اقتصادی یا نظامی استراتژیک منحصر نیست، بلکه بازاری است با دروازه‌های باز در قبال انواع صنایع سنگین و سبک نظامی آمریکا، زیرا میزان هزینه‌های نظامی این کشور درصد بالایی از تولید ناخالص ملی و بودجه عمومی را به خود اختصاص داده است.

کارتر در سال ۱۹۷۹ دکترین خود را در رابطه با خلیج فارس چنین ارائه داد و هیئت حاکمه آن کشور نیز بر مبنای این تئوری دست به اقداماتی زد که اهم آنها عبارتند از:

۱. تشکیل نیروی مداخله‌گر سریع برای مداخله نظامی به هنگام روبروشدن منافع آمریکا با

تهدید و خطر.

۲. برپایی شبکه‌ای از پایگاه‌های نظامی کمربندی شکل.

۳. استفاده از سیستم خبردهی سریع به منظور آسان‌سازی عکس‌العمل سریع و گسترده

نیروهای نظامی آمریکا در زمان دلخواه در منطقه (عزتی، ۱۳۶۸: ۱۶۱ و ۱۶۲).

عمده‌ترین دلیل اهمیت خلیج فارس برای کشورهای غربی، به وجود ذخایر عظیم گازی و نفتی در این منطقه باز می‌گردد. خلیج فارس دارنده بیش از ۶۰ درصد ذخایر اثبات شده نفت جهان است و ۳۰ درصد تجارت جهانی نفت را در اختیار دارد.

خط ساحلی ایران در صدور این انرژی‌ها نقش حیاتی بازی می‌کند. زیرا تانکرها و نفت‌کش‌ها از مسیرهایی عبور می‌کنند که بسیار نزدیک به خاک ایران، جزایر تحت کنترل و پایگاه‌های نیروی دریایی اش در خلیج فارس است.

ایران حدود ۱۴۰ گارد ساحلی و قایق گشت زنی (light patrol boats). شامل ۱۱ قایق گشت

زنی موشکی کمان کلاس ساخت فرانسه با ۲ تا ۴ موشک ضد ناو CSS-N4/YJZ دارد. اینها موشک‌هایی با سوخت جامد، کم ارتفاع با بردی ۴۲ تا ۵۲ کیلومتری و کلاهک‌های ۱۶۵ کیلوگرمی هستند که قابلیت گریز از رادار همانند موشک‌های اگزوسه (exocet). را دارند و می‌توانند به هنگام جنگ کشتی‌های غیرنظامی، نفت‌کش‌ها و تأسیسات نزدیک به ساحل آسیب برسانند.

با توجه به باریکی آبراهه خلیج فارس به خصوص در تنگه هرمز که ۳۴ کیلومتر (۲۲ مایل). بیشتر نیست موشک‌های نور و کوثر قادر به رسیدن به هر هدفی در هر نقطه از آب‌های خلیج فارس خواهند بود. موشک کوثر گفته می‌شود قابلیت فرار از رادار و موشک‌های ضد موشک را دارد و هیچ کشتی جنگی نمی‌تواند آن را بیابد.

امروزه با وجود منابع قابل توجه انرژی در بستر خلیج فارس و احتمال کشف منابع جدید، تحدید حدود مرزهای دریایی به یک امر ژئوپولیتیکی تبدیل شده است. علاوه بر منابع انرژی، میزان دسترسی به آب‌های آزاد برای کشور عراق بسیار حیاتی می‌باشد، به طوری که حکام بعثی ساقط شده این کشور برای رهایی از این جغرافیای سیاسی مشکل، دست به دو جنگ خونین و تلخ زدند.

تعلق بیش از نیمی از خلیج فارس به کشور ایران از یک سو، ضرورت حفظ منافع ملی این کشور در حوزه‌های مشترکی که در آینده در خلیج فارس کشف خواهند شد از سوی دیگر، ثبات مرز دریایی ایران با سه کشور عراق، کویت و امارات متحده عربی را ضروری می‌سازد. علاوه بر آن ضرورت‌های سیاسی، امنیتی و بین‌المللی انجام چنین مهمی را الزامی می‌کند. حل منازعات جغرافیایی و ژئوپولیتیکی نه تنها بستر لازم را برای همگرایی منطقه‌ای در خلیج فارس فراهم می‌آورد، بلکه زمینه دخالت قدرت‌های دیگر را نیز از بین می‌برد. از جهتی چنین اقداماتی باعث می‌شود تا چالش‌های اساسی در مقابل شکل‌گیری ساختار امنیتی منطقه‌ای با تأکید بر عناصر بومی تا حد زیادی از بین بروند که در این صورت یکی از آمال دیرین ساکنین منطقه که همانا شکل-گیری نظام و رژیم امنیتی مبتنی بر عناصر و لوازم بومی منطقه‌ای است، برآورده خواهد شد (میر حیدر، ۱۳۸۳).

### ترتیبات امنیتی خلیج فارس

نطقه خلیج فارس به دلیل موقعیت ژئوپولیتیک و ژئواستراتژیک خود یکی از مناطق بسیار مهم و حساس جهان از قرن گذشته محسوب می‌شود. انرژی و امنیت دو موضوع کلیدی و استراتژیک در این منطقه است. ترتیبات امنیتی در خلیج فارس از دیرباز مورد توجه بازیگران بین‌المللی و منطقه‌ای قرار داشته است، اما در پی تحولات سال‌های اخیر در این منطقه، ظهور عراق جدید و حضور نیروهای نظامی خارجی در آن، بر اهمیت این ترتیبات افزوده شده است به گونه‌ای که در سال‌های اخیر همایش‌ها و گفتگوهای امنیتی متعددی چه در داخل منطقه و یا خارج از آن برپا گردیده و چگونگی ترتیبات امنیتی در خلیج فارس به بحث گذاشته شده است. از آنجا که جمهوری اسلامی ایران یکی از مهم‌ترین بازیگران در عرصه امنیت خلیج فارس محسوب می‌شود، هر برنامه‌ای که در

این زمینه طراحی و تدوین شود برای ایران اهمیت ویژه‌ای دارد. در این نوشته به بررسی سیر تحولات در ترتیبات امنیتی خلیج فارس، عوامل مؤثر در تحولات منطقه و نقش بازیگران ذی‌نفع خواهم پرداخت و در نهایت راه کارهایی برای آینده منطقه با توجه به جایگاه ایران و تمایلات استراتژیکی آن ارائه خواهم داد (واعظی ۱۳۸۵: ۱).

### نقش راهبردی انرژی در خلیج فارس

حدود دو سوم ذخائر اثبات شده نفت و یک سوم ذخائر گاز طبیعی جهان در اختیار کشورهای خلیج فارس قرار دارد. تقاضای مستمر برای نفت خلیج فارس به فراوانی آن و به رشد اقتصاد جهانی بستگی دارد. اگر رشد مداوم اقتصادی در آمریکای شمالی، اروپا و آسیا در دهه آینده استمرار یابد، جهان با افزایش سریع تقاضا برای انرژی روبرو خواهد شد. افزایش تقاضای آسیا به ویژه کشورهای چین و هند به نفت خلیج فارس یکی از تحولاتی است که در آینده آثار ژئوپولیتیکی و اقتصادی نیز خواهد داشت. در صورتی که کشورهای بلوک شرق سابق بتوانند در مدیریت و نظم‌بخشی به اقتصاد خود موفق شوند، تقاضای انرژی حتی سریع‌تر از پیش افزایش خواهد یافت. مزیتی که در خصوص انرژی این منطقه وجود دارد، فراوانی نفت و گاز، استخراج با هزینه‌های کمتر در مقایسه با مخازن نفت در مناطق دیگر و قرارگرفتن در کنار مسیرهای کارآمد و توسعه یافته حمل و نقل جهت دسترسی به بازارهای مختلف است (کمپ ۱۳۸۳: ۱۸۷).

متغیر ثبات در خلیج فارس و استمرار عرضه مطمئن انرژی در اقتصاد جهانی نقشی غیر قابل انکار دارد. حدود ۲۳ میلیون بشکه نفت در روز توسط کشورهای حوزه خلیج فارس تولید می‌شود که تقریباً ۲۷ درصد از کل نفت جهان را تشکیل می‌دهد. تقریباً بین ۱۵/۵ - ۱۵ میلیون بشکه نفت در هر روز از تنگه ۳۴ مایلی هرمز به خارج حمل می‌شود که این خود سبب شده است تا این آبراهه به نقطه‌ای مهم در اقتصاد جهان تبدیل شود. اداره اطلاعات انرژی برآورد کرده است که تا سال ۲۰۲۵ کشورهای خلیج فارس ۳۶/۴ میلیون بشکه نفت در روز صادر خواهند کرد، یعنی بیش از دو برابر صادرات کنونی‌شان که بالغ بر ۱۷ میلیون بشکه در روز می‌شود. اقتصادهای در حال توسعه به ویژه در آسیای دو دهه آتی به انرژی در خلیج فارس وابسته خواهند شد (راسل ۱۳۸۵: ۱۳). وابستگی جهان صنعتی به انرژی خلیج فارس در شرایطی است که برخی از بحران‌ها و ناامنی‌ها به ویژه در عراق وجود دارد و احتمال برخی از اعتراضات و جنبش‌ها که در آینده می‌تواند نظام‌های سیاسی بعضی از کشورهای کوچک را آسیب‌پذیر نماید بر دلمشغولی و توجه به این منطقه و اهمیت آن افزوده است.

هم‌اکنون منطقه مهم خلیج فارس نیازمند داشتن یک الگوی جدید ترتیبات امنیتی است. از میان چارچوب‌های امنیتی سه نظریه و الگو را که امروزه در مورد امنیت بین‌المللی بیشتر مطرح هستند، به اختصار معرفی خواهیم کرد.

- سیاست واقع‌گرایانه رقابتی یا الگوی سنتی؛

- الگوی هژمونیک؛

- الگوی امنیت مشارکت‌جویانه.

### الف - الگوی سیاست واقع‌گرایانه رقابتی

این الگو بر پایه تهدیدات آشکار و نهان نظامی استوار است، اما وجود این تهدیدات به معنی نادیده انگاشتن حاکمیت، منافع ملی و نگرانی‌های امنیتی سایر بازیگران نیست. در این الگو ترکیبی چند قطبی از کشورهایی وجود دارد که دارای روابطی سیال و بر اساس سود و زیان مقطعی هستند که در طول زمان ممکن است تغییر کند. در این الگو منطق موازنه قوا پذیرفته شده است و به‌طور کلی هیچ کشوری به طور دائم دوست و یا دشمن شناخته نمی‌شود. در مورد همه کشورها سطوح مختلفی از منافع مشترک یا متعارض وجود دارد و وجوه مشترک تقریباً به همه کشورها در هر منطقه اجازه می‌دهد که بر اساس شرایط روز با یکدیگر متحد شوند. به‌طور کلی، به نظر می‌رسد شیوه موازنه قوای سنتی یا همان الگوی سیاست واقع‌گرایانه رقابتی برای مدیریت مسائل امنیتی در شرایط زیر نتیجه بهتری بدهد:

- کشورها تا حدی دارای ارزش‌ها و منافع مشترکی هستند و از این رو تعریف‌های مشابهی از امنیت و ثبات ملی دارند؛

- کشورها به طرف مقابل خود اطمینان دارند و به نام گسترش مجموعه خاصی از ارزش‌ها نظم موجود را برهم نمی‌زنند؛

- کشورها به موجودیت مختار و مستقل دیگر بازیگران احترام می‌گذارند؛

- وجود جنبش‌ها و ایدئولوژی‌های فراملی و داخلی نقش کانونی کشورهای مستقل به عنوان

بازیگر اصلی را نفی نمی‌کند؛

- اولویت‌های سیاسی کشورها به طور معقولی قابل پیش‌بینی و در طول زمان ثابت است و

همین امر باعث اعتمادسازی می‌شود.



**ب - الگوی هژمونیک**

الگوی دوم برای ایجاد چارچوب امنیتی منطقه‌ای الگوی هژمونیک است که بر اساس غلبه منافع یک مجموعه از کشورها بر دسته‌ای دیگر و کاربرد عملیاتی ابزارهای نظامی و اقتصادی برای اعمال سیاست بازدارندگی طراحی می‌شود. بر اساس این الگو: صف دوستان و دشمنان کاملاً مشخص و از یکدیگر تفکیک می‌شود. به عبارت دیگر، «هر که با ما نیست برماست». این دیدگاه یادآور دوران مرکانتیلیسم قرون هجدهم و نوزدهم است که در آن اتحادیه‌های سنتی برای دوستان امنیت دسته‌جمعی را در چارچوب حفاظت از راه‌های دریایی، کنترل مالی بین‌المللی و پیشرفت‌های فن‌آوری به ارمغان می‌آورد و این امتیازات را به‌طور کلی از دشمنان دریغ می‌کرد. این الگو در دوران اخیر در مورد مقابله با گسترش تسلیحات هسته‌ای نیز به کار گرفته شده است و در آن رویکردی اجماعی برای مقابله با کشورهای غیردوست وجود دارد. این الگو شامل جلوگیری از انتقال فن‌آوری، جلوگیری از دسترسی آنها به تسلیحات کشتار جمعی، تسلیحات هدایت شونده دقیق و حتی متعارف می‌شود. در این الگو شیوه دفاعی متکی بر حملات پیش‌دستانه و همچنین اقدامات واکنشی یا به عبارت دیگر پدافند کامل، بازدارندگی و حملات پیش‌دستانه است.

**ج - الگوی امنیت مشارکتی**

این الگو نگاه متفاوتی به سیاست بین‌الملل دارد و تفکر اصلی و مرکزی حاکم بر آن عبارت از این است که همه کشورها می‌توانند امنیت نسبی را از طریق پذیرفتن تعهدات متقابل در خصوص محدود کردن توانایی‌های نظامی برای خویش تامین کنند. در این رژیم امنیتی، تنها دوستان و متحدان حضور نمی‌یابند، بلکه از دیدگاه امنیت مشارکت جویانه فرض بر این است که دشمنان همان محدودیت‌های فنی را بر رفتار خود خواهند پذیرفت که دوستان می‌پذیرند و این کار علی‌رغم وجود بی‌اعتمادی متقابل امری شدنی است. همچنین فرض بر این است که این محدودیت‌های قانونی و فنی امتیازات متقابلی را نیز در بر خواهد داشت. در این الگو تضمین‌های امنیتی نه از طریق سلطه بلکه برعکس از راه غیرقابل قبول کردن گزینه‌هایی که هدف آنها کسب سلطه بر رقیبان است، به وجود می‌آید. به طور خلاصه، در رویکرد امنیت مشارکت‌جویانه، امنیت به طور فزاینده‌ای به منزله ملک مشاعی تعریف می‌شود که قابل تقسیم نیست. این رویکرد کشورها را به دوست، متحد و دشمن تقسیم نمی‌کند، اما تهدیدات علیه همه بازیگران مساوی است و همه شرکا خواستار امنیت متقابل هستند (Michael Kraig, 2004:3).

هر یک از الگوهای فوق را می‌توان با توجه به شرایط منطقه خلیج فارس و بازیگران ذیربط مورد بررسی قرار داد و کارآیی آنها را با توجه به این دیدگاه‌ها تحلیل کرد و در نهایت قابل قبول‌ترین الگو را برای ترتیبات امنیتی آتی خلیج فارس پیشنهاد نمود.

### شورای همکاری خلیج فارس و نگرانی امنیتی

این شورا که در جریان جنگ اول خلیج فارس (جنگ تحمیلی عراق علیه ایران). شکل گرفت، بیم از این داشت که دامنه جنگ به این کشورها کشیده شود و زندگی اجتماعی، اقتصادی و سیاسی آنها را با خطر جدی تا حد نابودی روبرو کند. بزرگترین عضو این شورا یعنی عربستان سعودی از یک طرف به خاطر نوع حکومت خود همواره از خطر بروز مخالفت‌ها و اعتراض‌ها که نظام سیاسی را با مشکل مواجه نماید بیمناک بوده است. در نتیجه، این کشور همواره از توانمندشدن عراق و جمهوری اسلامی ایران هراس به دل داشت، از این‌رو می‌کوشید با تکیه بر دوستی با ایالات متحده آمریکا و اتحاد با کشورهای کوچکتر حوزه خلیج فارس از میزان تهدیدات این دو کشور علیه خود بکاهد، اما تشکیل شورای همکاری خلیج فارس و نیز امضای قراردادهای امنیتی با آمریکا از میزان نگرانی‌های امنیتی این کشور نکاست، بلکه با رشد جریان‌های سلفی و بنیادگرا در درون عربستان و خراب شدن تصویر این کشور در ذهن مردم اروپا و آمریکا که پس از واقعه ۱۱ سپتامبر صورت گرفت، احساس خطر از مداخله گسترده ایالات متحده در امور داخلی عربستان به نگرانی قبلی این کشور افزوده شد. از این جهت، نه الگوی موازنه سنتی و نه الگوی هژمونیک هیچ‌یک نمی‌تواند این نگرانی‌ها را بر طرف سازد، بنابراین الگویی دیگر باید یافت که در این میان احتمالاً الگوی امنیت مشارکت‌جویانه مناسب است.

سایر کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس کمابیش دارای نگرانی‌های مشابهی هستند، اما با این تفاوت که این کشورها از خود عربستان سعودی نیز که نقش برادر بزرگتر را در شورای مذکور ایفا می‌کند، بیمناک می‌باشند (Joseph Mcmillan, 2003: 167). کشورهای کوچک خلیج فارس، ضعف‌های آشکاری دارند که امنیت آنها را بسیار شکننده می‌کند. برخی از این ضعف‌ها عبارت از ضعف هویتی، اعم از هویت ملی یا تاریخی، متکی بودن به درآمدهای نفتی، فقدان عمق استراتژیک به دلیل محدودیت خاک، قرارگرفتن اکثر شهرهای آباد و مراکز اقتصادی این کشورها در حاشیه دریا و یا در نزدیکی مرزها می‌باشند.

دیدگاهی که در سال‌های اخیر توسط برخی از متفکرین آمریکایی مطرح می‌شده تشکیل اتحادیه دفاعی با حضور شورای همکاری خلیج فارس، دولت عراق و ایالات متحده آمریکا است. هدف از تشکیل این اتحادیه دور نگهداشتن ایران از ترتیبات امنیتی منطقه‌ای و تحت نظارت قرار

دادن دولت عراق است. این طرح با هدف حفظ نیروهای آمریکایی در منطقه و تسلیح عراق به سلاح‌های متعارف به گونه‌ای که همسایگان عرب احساس تهدید نکنند، تدوین شده است اگر مردم کشورهای خلیج فارس متقاعد شوند که نیروهای آمریکایی از حقوق یکسان با آنها در منطقه برخوردار می‌باشند، این گونه ترتیبات امنیتی منطقه‌ای می‌تواند به حضور نیروهای نظامی آمریکا در منطقه مشروعیت بخشد.

این رویکرد با چالش‌هایی در منطقه مواجه است. کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس با توجه به شرایط به وجود آمده در سال‌های اخیر و مخالفت افکار عمومی کشورهای اسلامی با سیاست‌های مداخله‌جویانه علیه کشورهای اسلامی، از تشکیل یک پیمان دفاعی رسمی با ایالات متحده آمریکا استقبال نمی‌کنند. رهبران کشورهای شورای همکاری خلیج فارس نگرانی جدی دارند که چنین اتحادی، فراتر از مسئله مشروعیت بخشیدن به حضور نیروهای آمریکایی در منطقه، به منزله مداخله در امور کشورشان و زیر سؤال رفتن مشروعیت رژیم‌هایشان باشد. ضمن اینکه دولت و ملت عراق نیز بیش از کشورهای شورای همکاری خلیج فارس با این طرح مشکل دارند. البته این گونه اتحادیه‌ها نمی‌تواند با تهدیدات و بی‌ثباتی‌های داخلی مقابله کند (همان). شورای همکاری خلیج فارس نیازمند الگویی برای ترتیبات امنیتی است که باعث تقویت هویت کشورهای عضو و مشروعیت بخشیدن بیشتر به حکومت‌های آنها باشد.

### ایالات متحده آمریکا

آمریکا در نخستین ترتیباتی که در منطقه با حضور ترکیه، ایران، عراق، پاکستان و بریتانیا، تحت عنوان پیمان بغداد صورت گرفت، عضو ناظر بود و بعد از آنکه عراق این پیمان را ترک گفت و پیمان مزبور به سنتو تغییر نام داد، همچنان نیز به عنوان عضو ناظر در آن حضور داشت. در جریان عملیات آزادسازی کویت و پس از آن، آمریکا موافقتنامه‌های امنیتی دوجانبه‌ای را با هر یک از کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس به طور جداگانه امضا کرد، ولی این موافقتنامه‌ها هیچ‌گاه به پیمان دوجانبه یا چندجانبه تبدیل نشد، زیرا کشورهای عرب خلیج فارس تمایل زیادی به این کار از خود نشان ندادند و صاحب‌نظران سیاسی و امنیتی آمریکایی نیز تشکیل پیمانی نظیر ناتو را در خلیج فارس ناممکن و عضویت رسمی آمریکا در هر نوع ترتیبات امنیتی در خلیج فارس را غیر سازنده می‌دانند. به عقیده این افراد، کشورهای خلیج فارس خواهان آن نوع ترتیبات امنیتی هستند که تحت اختیار خودشان قرار داشته باشد تا بدین ترتیب مشروعیت بیشتری کسب کنند. در شرایط کنونی در صورت عضویت رسمی آمریکا در ترتیبات امنیتی خلیج فارس، امکان عضویت ایران در آن به حداقل می‌رسد، در حالی که کارایی چنین ترتیباتی در گرو جلب همکاری ایران

است؛ بنابراین، کارشناسان آمریکایی نیز برای این کشور عضویت ناظر و فرعی را در ترتیبات امنیتی آینده مناسب‌تر می‌دانند (Kraig "Assessing Alternative Security...2003:23).

### جمهوری اسلامی ایران

ایران در دوران پیش از انقلاب یکی از ستون‌های امنیتی منطقه در راستای تأمین منافع جهان غرب محسوب می‌شد و در الگوی سیاست واقع‌بینانه رقابتی و یا سیاست هژمونیک متکی بر اتحادیه‌های نظامی، در کنار کشورهای غربی و به‌ویژه آمریکا قرار می‌گرفت. وجود چنین روابطی، اختلافات این کشور با کشورهای کوچک حاشیه جنوبی خلیج فارس و عربستان را کم‌رنگ می‌کرد. ولی پس از انقلاب اسلامی در ایران و خارج شدن این کشور از اردوگاه غرب بدون وارد شدن در اردوگاه دیگر، تحریک برخی از قدرت‌ها سبب شد که اختلافات کشورهای حاشیه خلیج فارس با ایران امکان بروز بیشتری یابد و وجود همین اختلافات و احساس تهدید آنها از جانب ایران، آنها را کمابیش در جریان جنگ تحمیلی در کنار عراق قرار داد. این صف‌بندی امنیت خلیج فارس را با مخاطرات جدی روبرو ساخت. کشورهای عرب منطقه، شورای همکاری خلیج فارس را تأسیس کردند تا از میزان تهدیدات علیه خود بکاهند. از سوی دیگر، آنها به عراق کمک مالی کردند تا در جنگ علیه ایران توفیق یابد و خطر صدور انقلاب اسلامی به این کشورها از میان برود (ترتیبات امنیتی خلیج فارس از منظر بین‌المللی ۱۳۸۳: ۱۱).

ایران بعد از انقلاب سیاست مستقلی را از قطب‌های دوگانه جهانی در پیش گرفت. بر همین اساس، منافع این کشور در تعارض با منافع هر دو قطب در خلیج فارس قرار گرفت، چرا که شوروی سابق می‌کوشید با عبور از افغانستان و سپس پاکستان خود را به خلیج فارس برساند و ایران شدیداً با این رویکرد مخالف بود و از طرف دیگر آمریکا نیز در اواخر جنگ تحمیلی به یاری عراق و همچنین شورای همکاری خلیج فارس برخاسته و از هرگونه اقدام خصمانه علیه ایران دریغ نمی‌کرد. با وجود این، تا پیش از فروپاشی اتحاد شوروی سابق، تهدیدات نظامی آمریکا علیه ایران محدود و در پوشش دفاع از کشتی‌های نفت‌کش و جریان صدور نفت از خلیج فارس صورت می‌گرفت. ولی در دهه ۱۹۹۰، با خارج شدن اتحاد شوروی از عرصه رقابت‌های بین‌المللی، تهدیدات آمریکا شکل عریان‌تری به خود گرفت و این کشور در سال‌های اخیر با توسل به سیاست پیشگیرانه و بدون مجوز شورای امنیت سازمان ملل متحد به اشغال عراق پرداخت. آمریکا با استمرار حضور خود در منطقه به بهانه مبارزه با تروریسم شرایط جدید امنیتی برای جمهوری اسلامی ایران به وجود آورده است. در حال حاضر، خلیج فارس از یک طرف به خاطر حضور نیروهای آمریکایی و از طرف دیگر، به دلیل چالش‌هایی که کشورهای عضو شورای همکاری به‌ویژه امارات عربی متحده به آن دامن می‌زنند،

برای منافع ایران از امنیت کافی برخوردار نیست. به این دلیل جمهوری اسلامی ایران نیز نگران ترتیبات امنیتی آن است و در جستجوی الگویی است که بیشترین فایده و کمترین هزینه را برای منافع ملی خود دربر داشته باشد. تصویر روشنی از ترتیبات امنیتی جمعی میان ایران و شورای همکاری خلیج فارس در آینده نزدیک وجود ندارد؛ بنابراین، ضروری است ایران در مورد ترتیبات امنیتی خلیج فارس به سوی امنیت مشارکت‌جویانه گام بردارد (همان).

### محورهای اساسی در استراتژی ژئوپلیتیک جمهوری اسلامی ایران

دامنه گسترده تحولات جهانی دهه ۱۹۹۰م با دگرگونی‌های بنیادین در عرصه‌های روابط و سیاست بین‌الملل، کشورها را وادار کرد تا با ارزیابی استراتژیک از جایگاه خود در نظام بین‌الملل، ضمن بازبینی در استراتژی سیاست خارجی با تاکتیک‌های نوین، برای پیگیری و تامین بهینه منافع داخلی و خارجی نیز به نحوی پایدار اقدام نمایند. جمهوری اسلامی ایران به عنوان یک قدرت منطقه‌ای با پتانسیل‌های مؤثر بازیگری در عرصه‌های بین‌المللی، ضمن اثرپذیری از دگرگونی‌های روابط بین‌الملل، بدنبال تأثیرگذاری بر روابط و ساختارهای موجود می‌باشد. جغرافیای وسیع و متمایز ایران، منابع عظیم انرژی در داخل و اطراف ایران، ترکیب و کیفیت ساختار جمعیتی جوان و مستعد، انسجام ایدئولوژیکی، عمق و گستردگی حوزه نفوذ فرهنگی، موقعیت منحصر بفرد ژئوپلیتیک با تأثیرات متقابل استراتژیکی بر تحولات منطقه‌ای و سایر مزایای نسبی متعدد از جمله ویژگی‌های شاخص ایران در فضای بین‌المللی است. با این وجود، ثبات و تامین امنیت داخلی و خارجی، رشد و توسعه اقتصادی، ارتباطات گسترده با حوزه‌های نفوذ نرم افزاری و تأثیرگذاری بر تحولات منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای ایران، در شرایطی تحقق می‌یابند که جمهوری اسلامی ایران توسعه پایدار و تعاملات داخلی و خارجی خود را در قالب یک استراتژی جامع و متکی بر واقعیت‌های جغرافیایی و ژئوپلیتیک بانکیه بر مزیت‌های نسبی کشور، طراحی و تدوین نماید. این مهم از دیدگاه جغرافیای سیاسی و ژئوپلیتیک بیانگر یک طراحی استراتژیکی تحت عنوان استراتژی ژئوپلیتیک است که برای تبیین چرایی و چگونگی تدوین آن می‌توان گفت: عبارت از یک جامع‌نگری عملیاتی با نگرش و رویکردهای استراتژیکی است که مبتنی بر واقعیت‌های جغرافیایی مولد قدرت است، بنحوی که با نگاهی فراگیر از دور به نزدیک و یا از بالا به پایین، بستر ورود به صحنه‌های قدرت را با حداقل هزینه و در بالاترین سطح ممکن با هدف بازنمایی و تامین بهینه منافع همه جانبه کشور، فراهم نماید.

مهم‌ترین اولویت‌های این طرح ریزی استراتژیک عبارتند از:

۱. ترسیم چشم‌اندازی بلندمدت برای حفظ ثبات و امنیت پایدار با آگاهی بر تحولات استراتژی‌های جهانی
  ۲. شناسایی و تدوین سیاست‌های متناسب برای درک تهدیدها و چالش‌های داخلی و خارجی در تقابل با جلوه‌های بحرانی مسائل خارجی
  ۳. تحقق اقتدار ملی و بین‌المللی منطبق با منافع همه جانبه کشور
  ۴. تلاش برای بازنمایی و تعدیل تهدیدها و چالش‌های پیش روی حاکمیت سیاسی کشور، بنابراین با توجه به تبیین علل و اهداف مطرح شده در طراحی یک استراتژی جامع ژئوپلیتیک.
- محورهای اساسی در تدوین استراتژی ژئوپلیتیک برای جمهوری اسلامی ایران را می‌توان به شرح ذیل بیان کرد: ۱- علایق حکومت ۲- شناسایی تهدیدها ۳- ابزار و نحوه برخورد با تهدیدها ۴- توجه برای برخورد با تهدیدها. یکی از مشکلات اساسی و دیرینه ایران این است که همواره یا فاقد استراتژی بوده و یا خود بخشی از یک استراتژی بوده است (رشنو، ۱۳۸۸؛ ۱۹).

### نتیجه‌گیری

مفهوم امنیت هم در سطوح فردی، جمعی، ملی، منطقه‌ای و جهانی مطرح می‌گردد و گفتمان امنیت، منزلت و جایگاه و حساسیت خاص و مسلطی نسبت به دیگر رویکردها کسب کرده است. بررسی جوانب تاریخی و حقوقی و مسائل مرزی در چهارچوب قواعد و اصول حقوق بین‌الملل و نظریه‌های ژئوپلیتیکی می‌توان ابزاری برای دفاع از امنیت، حاکمیت و منافع ملی ایران باشد. یکی از عمده‌ترین مسائلی که امروزه تمام کشورهای جهان با آن دست و پنجه نرم می‌کنند، برقراری و حفظ امنیت جانی و مالی در کشور چه از لحاظ امنیت داخلی و چه از لحاظ جلوگیری از هجوم کشورهای همسایه در نواحی مرزی است. اگر مرزها را دروازه‌های فیزیکی بحران‌ها در نظر بگیریم، ایران دومین کشور جهان از نظر تعداد همسایه (۱۵ همسایه). است؛ لذا ایران به دلیل وجود موقعیت استراتژیکی و تنوع فضاهای جغرافیایی و وجود مخازن نفت و به ویژه ماهیت ضد استکباری، از دیرباز مورد توجه کشورهای شرقی و غربی بوده است و این امر مستلزم افزایش پدیده دفاع و حفاظت در نواحی مرزی کشور به خصوص خلیج فارس است. موقعیت استراتژیکی این منطقه ایران را از لحاظ امنیتی در موقعیت خاصی قرار داده است؛ لذا بررسی نقش کارکرد امنیتی دفاعی در نواحی مرزی که یکی از عوامل دخیل در موفقیت عملیات جنگی و دفاعی است، نشان می‌دهد که می‌توان با شناخت صحیح آنها و استفاده به موقع، ضریب امنیت در کشور را در این منطقه افزایش داد.

تبدیل خاورمیانه به‌طورعام و خلیج‌فارس به‌طورخاص به اولویت نخست دستور کار امنیت بین‌المللی نشانگر آن است که این منطقه در شرایط «بحران» قرار دارد. بحران بدین معناست که روابط بازیگران (در سطوح ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی) در وضعیت شکننده‌ای قرار دارد. شکنندگی وضعیت در شرایط بحرانی از یک سو و سرعت و پیچیدگی تحولات از سوی دیگر، فهم صحیح شرایط و به تبع آن برخورد معقولانه را بسیار با اهمیت می‌سازد و در عین حال آن را با دشواری زیادی روبرو می‌کند. بهترین مسیر برای تولید الگوهای رفتاری مبتکرانه حرکت به سمت «گفتگوی امنیتی و استراتژیک» با بازیگران منطقه در سطوح مختلف است. در این چارچوب از طریق تبادل تمایلات و نگرانی‌های استراتژیک می‌توان از یک سو شرایط بحرانی منطقه را بهبود بخشید و از سوی دیگر بنیانی برای ترتیبات امنیتی پایدار ایجاد کرد.

### راهکارهای پیشنهادی

موفقیت یا شکست هرگونه ترتیبات امنیتی خلیج‌فارس به‌طور وسیعی بستگی به ساختار، اهداف و چگونگی تعامل اعضا با یکدیگر و سازوکارهایی دارد که برای تأمین امنیت منطقه‌ای از آنها استفاده می‌کنند. به‌طور کلی، همان‌طور که پیشتر مورد بحث قرار گرفت، در خلیج‌فارس نمی‌توان از الگوهایی نظیر ناتو پیروی کرد، یا اینکه تنها کشورهای دوست و همفکر را گرد هم آورد و نوعی صف‌بندی از آنها در برابر کشورهای غیر دوست یا دشمن به وجود آورد، بلکه بهتر است نوعی کاندومینیوم (Condominium). به وجود آورد که هم بتواند به رفع بی‌ثباتی‌های داخلی کشورهای منطقه کمک کند و هم آنها را در برابر تجاوز خارجی مصون نماید (McMillan, 2004: 169). در چنین ساز و کاری که در قالب گفتگوهای ادواری منظم امنیتی و در سطوح متوسط و عالی تشکیل می‌گردد، کشورهای عضو شورای همکاری خلیج‌فارس و نیز ایران، عراق و یمن می‌توانند حضور داشته باشند. در این جلسات محفلی مسائل امنیتی مورد بحث، گفتگو و تبادل نظر قرار خواهد گرفت و چارچوبی برای توافق‌های دوجانبه یا چندجانبه مشخص خواهد شد. اعضا می‌توانند در این گفتگوهای امنیتی به اقدامات اعتمادسازی دست بزنند و به توافقاتی در زمینه اطلاع دادن رزمایش‌های نظامی، مبادله ناظران، تبادل اطلاعات و در نهایت رسیدن به توافقاتی در زمینه کنترل تسلیحات، کاهش نیروها به‌طور متوازن و ایجاد منطقه‌ای عاری از تسلیحات کشتار جمعی دست یابند. علاوه بر تصمیم‌گیری در مورد مسائل عام، کشورهای عضو می‌توانند درباره مسائل محدودتری نیز به صورت دوجانبه یا چندجانبه به گفتگو بنشینند؛ از جمله این مسائل می‌توان به برقراری سامانه‌ای برای جلوگیری از خطر بروز حوادث در دریا، هوا و در طول مرزهای مشترک،

ناوبری در راه‌های آبی، خلیج فارس و تأمین امنیت کشتی‌رانی در دهانه تنگه هرمز بین ایران، عمان و امارات اشاره کرد (واعظی ۱۳۸۵: ۱۶).

اهداف آسه‌آن می‌تواند الگوی مناسبی برای شروع رایزنی به منظور رسیدن به ترتیبات امنیتی خلیج فارس باشد که در آن سه هدف: پیشبرد اعتمادسازی، توسعه دیپلماسی پیشگیرانه و یافتن رویکردهای مناسب برای حل و فصل اختلافات دنبال می‌شود. تصمیم‌گیری در آسه‌آن، پس از رایزنی و مشورت‌های گسترده و در عین حال محتاطانه صورت می‌گیرد و سازمان هیچ تلاشی برای تحمیل راه‌حل به اعضا انجام نمی‌دهد. اعتمادسازی از طریق مشورت، گفتگو و شفافیت در اقدامات صورت می‌گیرد و همکاری دوجانبه یا چندجانبه در مسائل امنیتی به صورت پیگیر، تدریجی و غیر رسمی پیش می‌رود. در همایش‌های آسه‌آن کشورهای غیر عضو خارج از منطقه نیز می‌توانند در جلسات فرعی شرکت کنند و دربارهٔ مسائل و نگرانی‌های مشترک به اظهار نظر بپردازند (همان).

بنابراین، ترتیبات امنیتی پیشنهادی، ترکیبی از کشورهای منطقه به صورت عناصر اصلی و برخی از کشورهای همسو با سیاست‌های اصلی به صورت ناظر خواهد بود. علاوه بر این، سازمان‌های غیر دولتی نیز در این ترتیبات می‌توانند نقش داشته باشند. چرا که این سازمان‌ها می‌توانند در محیطی غیر رسمی مسائل مهم و حیاتی را به بحث و تبادل نظر کارشناسان خبره منطقه‌ای و بین‌المللی بگذارند و در نهایت راه‌حلی را برای طرح در همایش‌های رسمی پیشنهاد نمایند. به طور کلی ترتیبات امنیتی پیشنهادی می‌تواند به اهداف زیر نایل آید:

الف - افزایش توان کشورهای منطقه در جهت رفع تهدیدات محدود علیه صلح و ثبات بدون نیاز به دخالت قدرت‌های خارجی؛

ب - فراهم آوردن ساز و کاری برای یافتن راه‌حل‌های صلح‌آمیز در مسائل خاص؛

ج - شناسایی منافع مشترک کشورها با هدف افزایش قدرت تعامل آنها با یکدیگر؛

د - از میان برداشتن دیوارهای بی‌اعتمادی که ممکن است آنها را به سمت عملی کردن بدترین

سناریوها سوق دهد؛

ه - توسعه عادات همکاری بین منطقه‌ای (همان).



### منابع

- احمدی لفورکی، بهزاد و میررضوی، فیروزه (۱۳۸۳).، راهنمای منطقه و کشورهای حوزه خلیج فارس تهران: مؤسسه ابرار معاصر تهران.
- بروس، راست و هاروی، استار، (۱۳۸۱).، سیاست جهانی، ترجمه امیدی، نشر دفتر مطالعات سیاسی بین‌المللی
- جفری کمپ، رابرت هارکاو، (۱۳۸۳). جغرافیای استراتژیک خاورمیانه، ترجمه مهدی حسینی متین، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی،
- خواجه‌سروی، غلامرضا، (۱۳۷۹). امنیت ملی، تهران: عس‌ناجا.
- حافظ‌نیا، محمدرضا (۱۳۹۱).، نقش استراتژیک خلیج فارس و تنگه هرمز، تهران: سمت.
- حافظ‌نیا، محمدرضا و دیگران (۱۳۹۰).، «قومیت و سازماندهی سیاسی فضا»، فصلنامه ژئوپلیتیک، سال اول، شماره دوم.
- رشنو، نبی‌الله (۱۳۸۸).، «ملاحظات ژئوپلیتیک در شرایط جدید سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران»، در پایگاه تحلیلی - خبری تابناک <[www.tabnak.ir](http://www.tabnak.ir)>
- راسل، جیمز (۱۳۸۵).، «استراتژی، امنیت و جنگ در عراق: ایالات متحده و خلیج فارس در قرن ۲۱»، ترجمه پیروز ایزدی، گزارش تحلیلی مرکز تحقیقات استراتژیک معاونت پژوهش‌های سیاست خارجی، شماره ۱۳۶، تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک.
- رضانی لشکریانی: ادق (۱۳۸۸). مجله انقلاب اسلامی و دفاع مقدس شماره ۱۹
- زرقانی، سیدهادی، (۱۳۸۶).، مقدمه‌ای بر شناخت مرزهای بین‌المللی با تأکید بر کارکرد امنیتی-انتظامی مرزها، تهران: شابک.
- سجادی‌پور، کاظم، (۱۳۸۳).، «ژئوپلیتیک و سیاست خارجی ایران: تداوم و تغییر»، مندرج در کتاب مجموعه مقالات کنگره انجمن ژئوپلیتیک ایران، تهران: انجمن ژئوپلیتیک ایران.
- شعبانی، آیه (۱۳۹۲).، «نقش ژئوپلیتیک انرژی در توسعه روابط ایران با کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی واحد رشت
- کمپ، جفری و هارکاو، رابرت، (۱۳۸۳).، جغرافیای استراتژیک خاورمیانه، ترجمه سید مهدی حسینی-متین، چاپ اول. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- عزتی، عزت‌الله، (۱۳۸۰).، ژئوپلیتیک در قرن بیست و یکم، تهران: سمت.
- عمیدعندلیب، علیرضا، (۱۳۸۰).، نظریه پایه و اصول آمایش مناطق مرزی جمهوری اسلامی ایران، دوره عالی جنگ، چاپ اول، تهران: سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، دانشکده فرماندهی و ستاد
- مورگنتا، هانس، (۱۳۷۴).، سیاست میان ملت‌ها، ترجمه مشیرزاده، تهران: دفتر مطالعات سیاسی وزارت امور خارجه.

– میرحیدر، دره و عسگری، سهراب، (۱۳۸۳). «ژئوپلیتیک قلمروهای دریایی ایران در خلیج فارس با تأکید بر لزوم فلات قاره و منطقه انحصاری اقتصادی ایران و کشورهای عراق، کویت و امارات متحده عربی»، پژوهش‌های جغرافیایی، زمستان ۱۳۸۳، دوره ۳۶، شماره ۵۰، صص ۱۶۱ تا ۱۷۶.

- Michael Kraig ، "Assessing Alternative Security for the Persian Gulf" ،Middle East Policy Council ،Vol. 1 ،Fall 2004 ،No 3.
- Kraig "Assessing Alternative Security..." ،Op. cit.
- Mcmillan ،etal ،Op. cit ،p. 169
- Pollack ،Op. cit. .

**Ups and downs issues tertiary Persian Gulf islands(Greater Tunb,  
Lesser Tunb and Abu Musa) And Its importance in the Islamic  
Republic of macro policies**

**Seyed Mostafa Pourghasemi,Ramin Noshaddel, Aye Shaabani**

**Abstract**

Our southern borders, especially marine areas Due to contact with the open sea and the center of the enemy's bases, fixed and removable high and tensions rise over the country's security are considered. Stressful policies of some countries in the region, In fact, a pretext for foreign forces in the region provides In addition, because of the degree of threat is effective. Persian Gulf oil reservoirs in the world as the most important role in determining the fate of the world economy, particularly in the industrialized world is Position in the Persian Gulf in southern Iran, and its important role in the geopolitical map of the world and the energy sources that have large amounts of opportunities for development. This paper explains the approach and the security and defense of the Islamic Republic of Iran in the region According to the geopolitical features of the region are trying to answer this question What is the function of this region is of strategic influence?

**Keywords:** Geopolitical, Strategic, Security, Defense, Persian Gulf

**Ups and downs of the three islands  
And its importance in the Islamic Republic of macro policies**

**Masoud rezaei<sup>1</sup>**

**Abstract**

Every year, around 30th of November (9th of Azar), the anniversary of recapturing and gaining the territorial control of the three Islands: Abu Musa, The Greater Tunb and the Lesser Tunb which were colonized by Britain, the reason of strategic significance of these three Islands as well as our neighbor country United Arabs Emirates' claim that accuses Iran of occupation of the three Islands, have gone under questioned vehemently by most of Iranians. An outstanding point which has to be mentioned first is the geopolitical and geostrategic situation of Persian Gulf. In addition, possession of the richest sources of energy makes Persian Gulf as one of the vitally important regions in the world, to the extent that its significance not only has not perished away, but also it has doubled during the last centuries. Saudi Arabia with oil reserves of more than two hundred and fifty billion barrels and Iran with one hundred and fifty billion barrels are the two countries with largest oil sources in the Middle East. Moreover, South Pars Gas-Condensate Field which is located in Persian Gulf and shared by Iran and Qatar is the world's largest gas field. Indeed, Energy and security, the two key-components of Persian Gulf which have been always a stand out, lead it to be highly considered by the Imperialists and colonizing powers in the world.

**Keywords:** Iran, Britain, Persian Gulf, Strait of Hormoz, Abu Mosa, Greater Tunb and Lesser Tunb Islands.

---

1- Researcher in the Persian Gulf, mrezaei.pgsc@gmail.com

**Social situations of Persian Gulf in Ghajarieh era with emphasis on travel journals**

**Emamali shabani<sup>1</sup>, Maryam jalali mashayekh<sup>2</sup>**

**Abstract**

Persian Gulf has always been one of the very important regions in Iranian geography from various aspects during different times. Its local, regional and international influences and effects that have been continued to date are reflections of this position, particularly from a social aspect. Persian Gulf cities, ports and islands in Ghajarieh era have undergone important social transformations that have also affected social transformations in Iran. Moreover, social transformations of this region in areas such as traditions, believes, clothes and food, religion, education, race and population mix, health care and diseases, urban architectures, entertainments, ... have attracted a special attention from travelers and historians in the Ghajarieh era. Therefore, this research studies and accurately investigates social situations of Persian Gulf from the point of view of one of the most important and a noteworthy script that is travel pieces. Not only the findings of this research are very beneficial for correction or completion of data and other information in historical scripts, but also are valuable in better understanding of social situation of Ghajarieh era and its main role players, people who are less reflected in public and dynastic history. The research has been performed using a descriptive analysis method, i.e. in the first step, the information related to the topic is extracted from the travel pieces and then processed and edited.

**Keywords:** Persian Gulf, Social Situation, Ghajarieh, Travel pieces, Races, Traditions, Religion

---

1- Assistant Professor of History at the University of Arak

2 - MA in History of Iran

## **Study the management of status of border common source in convergence between countries in Persian Gulf**

**Mohsen Janparvar<sup>1</sup>**

### **Abstract**

In Geopolitical and geostrategic importance and role and causes of convergence and divergence in the Persian Gulf many scholars and experts have been expressed by articles and notes. Even in the context of borders and the formation of the Persian Gulf there are many articles. Unfortunately, despite the importance and role of border management that provided stability and peaceful relations with neighboring countries and understanding its method have important place for reducing conflict and unrest of border, can transform opportunity and capacity of border areas to achieve the bilateral cooperation and convergence with neighboring countries, there is not any attention. In the meantime, one of the major challenges has created in convergence and bilateral and multilateral relations between the countries of the Persian Gulf, is lack of management of common oil and gas source between these countries. So that mismanagement caused the formation of hostilities, abuses and is among the Persian Gulf countries. So that mismanagement caused formation of hostilities, abuses and ... among Persian Gulf countries. Accordingly, present article that have done with descriptive-analytical method tries to destroy the gap between geographical studies with border management in border management of common resources in the Persian Gulf between Iran and its neighbors. And its overall goal is developing a model for the management of common resources in Iranian border with neighbors in the Persian Gulf and provides some integration between coastal countries.

**Keywords:** Persian Gulf, Border Management, Border Common Resources, Convergence

---

1- Assistant professor of political geography at Ferdowsi University of Mashhad

**The National Library and Archives of I R. Iran (N.L.A.I) and  
Foreign Affairs Ministry Library**

**Zohreh Mirhossein<sup>1</sup>, Zahra Abazari<sup>2</sup>, Safoora Mehrabi<sup>3</sup>**

**Abstract**

The Persian Gulf has a history of more than four thousand years in the region and the world. The term has been used in all languages from Pythagorean up to 1958. Therefore, this study examines and identifies the name of Persian Gulf on maps and atlases in the National Library and Archives of IR.IRAN and Foreign Affairs Ministry Library. This study is fundamental and has used historical method. The study sample consisted of 14826 maps and 174 atlases in two libraries among them 689 items in National Library and 161 items in Foreign Affairs Ministry were investigated. Descriptive statistics is used to analyze the results.

Results indicate that the name of the Persian Gulf on the Persian maps (49/3 percent), English maps (12/2 percent) and French maps (4/7 percent) is used. The name also is used on atlases in the Persian language (25/3 percent), English (30/5 percent) and French (12/1percent) relating to the Middle East, Europe and America. This name has the highest frequency in 14th century (solar calendar = 15 lunar calendar) and 20 & 21 A.D. 3 percent of the maps and atlases in two Libraries belong to the 12 A.D century or published before it. Among total of 689 items in the National Library and Archives Organization of the Islamic Republic of Iran 74.4% were maps, and 25.3% were Atlases. Among them 358 items (54.4%) were in Persian. Except 4 items with Arabian Gulf on them, all of the other items consider the name of Persian Gulf. 4 mentioned items belong to Middle east region that have used the Arabian Gulf in 1861, 1966, 1980 and 1993. One item which is published in Europe in 2003 has used the name "Gulf". Among total of 161 items of Foreign Affairs Library, Persian Gulf is used 100 percent on them. The names that are used are: AlKhalykh Alfarsy, Bushehr Sea, Persian Gulf, Persian Gulf Trail Golf, golf persique, persischer gulf, golfo persico, sinus persicus etc. According to the research findings, the name Persian Gulf has a historical authenticity, and current false name has no historical root.

**Keywords:** Iran-maps, Ministry of Foreign Affairs-Iran, National Library and Archive of Ir.Iran, Persian Gulf, Iran- Atlases

---

1 -Associate professor of Islamic Azad University, North Tehran Branch z\_mirhoseini@iau-tnb.ac.ir

2- Associate professor of Islamic Azad University, North Tehran

3 -Master of Knowledge& Information Science

## **Environmental Threats and Challenges in the Persian Gulf Region**

**Sadegh barzegar<sup>1</sup>, mohammadhosein janbabanejad<sup>2</sup>**

### **Abstract**

Persian Gulf one of the world's most valuable aquatic ecosystems. Despite the most diverse natural plants, different species of aquatic organisms and so that the environment has very special circumstances it has become a sensitive and fragile environment. Due to different natural conditions prevailing on the body of water and on land, the area of renewable capacity is weak in the region. And natural wounds on the body caused more destruction appropriate fields of life. According to the importance of this issue, this paper attempts to investigate the environmental situation in the Persian Gulf, the region's environmental challenges and threats identified and in the end provide the necessary strategies and proposals. The results showed that the national and regional level should be given adequate attention to the environmental problems in the balance between development and protection of the natural environment of the Persian Gulf. In this regard, at the same time taking advantage of technology to prevent excessive pollution and destruction of the natural environment, should be tried through legislation and also promote the environmental awareness of the problem of pollution and environmental degradation fight.

**Keywords:** Persian Gulf, environment, environmental challenges.

---

1- Assistant Professor of Geography, University of Payam Noor. Iran. Tehran,  
s\_barzegar1386@yahoo.com

2- MA in Geography and Urban Planning, Tehran University. Iran. Tehran,  
babanejad21@gmail.com



**Analysis of artificial islands construction in the Persian Gulf by the UAE from the perspective of international law**

**Zahra khodadad<sup>1</sup>**

**Abstract**

International Maritime Law has dealt with human activities in waters and oceans that most of them are about fishing and navigation as the oldest human activities in waters. Now one of the most important subjects about it is building artificial islands. Paying attention to some maritime areas because of their location and environment is more important than other areas. Emirates has built artificial islands in its coasts from border of Persian Gulf. This activity has some reactions from other states near to Persian Gulf and some environmental NGOs in the world. This article tries to pay attention to it from international law outlook and its consequences in this important and fragile area.

**Keywords:** Artificial Islands, Seas of international law, Environmental international law, Persian Gulf, UAE

---

1- PhD student in Public International Law, University of Allameh Tabatabai  
khodadad@gmail.com

## **The Place and the Role of Persian Gulf in Energy Geopolitics (Depending on The Power of Oil And Natural Gas) of Western Asia**

**Ismael Shahkoui<sup>1</sup>, Hossein Mousazadeh<sup>2</sup>, Mosayeb Abbasi<sup>3</sup>, Mehdi  
Khodadad<sup>4</sup>**

### **Abstract**

Persian Gulf is considered as the most important security and political area in southern Iran and could play an important role in correlating the countries around these waters. The purpose of the present study is to identify and survey the role and place of Persian Gulf in west Asia' Energy geopolitics. The methodology in this research is utilizing the descriptive – analytic method, which in this section, according to the present information, the evaluation of the region's energy resources' condition and geopolitical analysis of the effects of energy resources on west Asia developments have been conducted. The findings indicate that Persian Gulf is located in the center of the global superpowers' conflicts. Iran with its energy geopolitics' absolute capabilities, alongside its income, could use its increase of economic powers in line of development and increasing national power in all aspects. Iran with acquiring of its valuable position in Energy geopolitics, could ensure its profit and national security with playing an effective role on regional and international energy security and emerging its own profit and national security to the energy security of the international mega-consumers.

**Keywords:** Persian Gulf, geopolitics, energy, west Asia.

---

1- Natural geography group's lecturer, Golestan University, Gorgan.

2- (Corresponding Author) Ms. of Geography and Urban Planning, University of Golestan

3 - Islamic education group's lecturer, Golestan University, Gorgan.

4 - Ms. of Geography and Rural Planning, University of Golestan

### **Chairs of this Volume**

- Dr. Seyed Saeed Hashemi
- Dr. Nasrollah Pourmohamadi Amleshi
- Dr. Saeed pourali
- Dr. Ahmad Pourahmad
- Dr. yousef ashrafi
- Seyed Rafe Mousavi
- Dr. Shahrod Amientekhabi
- Rahim Yaghoubzadeh
- Dr Hamid Saber Farzam
- Sadra Amooee
- Mohamad Hosein Janbabanejad

## Contents

<b>The Place and The Role of Persian Gulf in Energy Geopolitics (Depending on The Power of Oil And Natural Gas) of Western Asia/ Ismael Shahkoui, Hossein Mousazadeh, Mehdi Khodadad, Hamid Amoonia Samakoosh.....</b>	<b>6</b>
<b>Analysis of artificial islands construction in the Persian Gulf by the UAE from the perspective of international law/ Zahra Khodadad.....</b>	<b>7</b>
<b>Environmental threats and challenges in the Persian Gulf region /Sadegh Barzegar, Mohammad Hosein Janbabanejad.....</b>	<b>8</b>
<b>The National Library and Archives of I R. Iran (N.L.A.I) and Foreign Affairs Ministry Library / Zohreh Mirhossein, Zahra Abazari, Safoora Mehrabi.....</b>	<b>9</b>
<b>Study the management of status of border common source in convergence between countries in Persian Gulf/ Mohsen Janparvar..</b>	<b>10</b>
<b>Social situations of Persian Gulf in Ghajarieh era with emphasis on travel journals/ Emamali shabani, Maryam jalalimashayekh.....</b>	<b>11</b>
<b>Ups and downs of the three islands And its importance in the Islamic Republic of macro policies / Masuod Rezaei.....</b>	<b>12</b>
<b>Ups and downs issues tertiary Persian Gulf islands(Greater Tunb, Lesser Tunb and Abu Musa) And Its importance in the Islamic Republic of macro policies/ Seyed Mostafa Pourghasemi,Ramin Noshaddel, Aye Shaabani.....</b>	<b>13</b>

*In The Name Of God*

**The Persian Gulf Political-Cultural Studies Journal**

No 5 October - January 2015

ISSN 2423-3587

**Concessionaire:** Academic Center for Education, Culture and Research(ACECR)

**Managing Director:** Rahim Yaghoubzadeh

**Editor in Chief:** Dr. Saeed Pourali

**Executive Manager:** Sadra Amooee

**Editor:** Mohamad Hosein Janbabanejad

**English Editor:** Zohreh Zolfaqari

**Layout & Art Designing:** Zinab yousefi

**Editorial Board**

Dr. Hamid Ahmadi (University of Tehran)

Dr. Mohamadreza Rezvani (University of Tehran)

Dr. Seyed Saeed Hashemi (University of science and culture)

Dr. Seyed Reza Salehi Amiri (Islamic Azad University)

Dr. Ebrahim Hajiyani (University of Shahed)

Dr. Hamid Zargham Borujeni (Allameh Tabatab'ei University)

Dr. Gholam Heydar Ebrahimbay Salami (University of Tehran)

Dr. Mohamad Hosein Imani Khoshkhu (University of science and culture)

Dr. Nasrollah Pourmohamadi Amleshi (Imam Khomeini International University)

Dr. Mohsen Ranjbar (Islamic Azad University)

Dr. Saeed Pourali (ACECR)

Dr. Ali Akbar Hashemi Rad (University of science and culture)

Dr. Manouchehr Jahaniyan (University of science and culture)

Rahim Yaghoubzadeh (University of Tehran)

Dr. Mohammad Reza Pourabedi (ACECR)

Dr. Heydar Janalizadeh Chubasti (University of Mazandaran)

Dr. Shahrod Amientekhabi (Institute of Higher Education, Science - Applied Cultural Heritage, Handicrafts and Tourism Organization)

**Address:** No. 72, Second Floor, Shohaday e Zhandarmeri St.,

Fakhr e Razi Ave., Enghelab e Islami Ave., Tehran-Iran

Phone: +98 21 66491136, +98 21 66491222, Fax: +98 21 66491586

Web Site: WWW.ISTTA.IR E-Mail: persiangulf-journal@istta.ir



### خواننده گرامی

در صورت تمایل به مطالعه مداوم فصلنامه «مطالعات فرهنگی و سیاسی خلیج فارس» فرم زیر را تکمیل و به نشانی دفتر فصلنامه واقع در تهران، خیابان انقلاب اسلامی، خیابان فخررازی، خیابان شهدای زاندارمیری شرقی، پلاک ۷۲، طبقه دوم، مرکز گردشگری علمی- فرهنگی دانشجویان ایران ارسال فرمائید.

اشتراک سالانه: ۲۴۰۰۰۰ ریال

تک شماره: ۶۰۰۰۰ ریال

---

---

### برگ درخواست اشتراک

لطفاً نام این سازمان / اینجانب ..... را در فهرست مشترکان فصلنامه «مطالعات فرهنگی و سیاسی خلیج فارس» ثبت و از شماره ..... تا ..... سال ..... تعداد ..... نسخه فصلنامه به نشانی زیر ارسال فرمائید.  
نشانی و شماره تلفن:

.....  
.....

ضمناً مبلغ ..... ریال حق اشتراک شماره‌های درخواستی به حساب جاری شماره ۰۱۰۴۸۳۰۸۲۰۰۰۳ بانک ملی شعبه فخر رازی واریز شده و رسید آن به پیوست ارسال می-شود.

